

عذليب





حضرت ولی محبوب امرتہ و اسمعیل آقا خادم با وفای حضرت عبد الہیہؑ

عندليب

نشریه نخل روحانی می بهائیان کانادا
بربان فارسی

شماره های ۶۷ و ۶۸ «مُسل»
Nos. 67 & 68

سال هفدهم
Volume 17

تابستان و پاییز ۱۵۵ هجری
۱۳۷۷ شمسی

Summer & Fall 1988

'Andalib

7200 Leslie Street, Thornhill, ON, Canada, L3T 6L8

CANADA POST CANADIAN
PUBLICATIONS MAILSALES
PRODUCT AGREEMENT NO. 680400
RETURN POSTAGE GUARANTEED

«حق چاپ محفوظ است»

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۹۵	۲۲ - تحقیقی در باره کتب مقدسه	۳	۱ - آثار قلم اعلی
۱۰۱	۲۳ - تسلیم و رضا	۷	۲ - الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء
۱۰۶	۲۴ - پیشرفت دخول افواج مقبلین	۱۱	۳ - پیامهای بیت العدل اعظم
۱۰۸	۲۵ - تغذیه	۱۳	۴ - سخن روز
۱۱۰	۲۶ - نظری به بشارات ظهور	۱۶	۵ - ترجمان احساسات
۱۱۳	۲۷ - تعالیم جهانی بهائی	۲۴	۶ - شهادت جناب روح الله روحانی
۱۲۱	۲۸ - شعر (سرود جاودانی)	۳۱	۷ - فقر مادی یا فقر معنوی
۱۲۲	۲۹ - شرح حال ذبیح الله نامدار	۳۴	۸ - سیری در آثار مبارکه
۱۲۵	۳۰ - پاره از اقدامات دانشگاه ساتتاکروز	۳۹	۹ - چرا آمدیم و چرا میرویم
	۳۱ - متصاعدین الی الله	۴۳	۱۰ - شعر از جناب هوشمند فتح اعظم
۱۲۷	الف - عطاء الله مدیر مسیحانی	۴۶	۱۱ - توضیحی در باره يك غلط مشهور
۱۳۰	ب - ابراهیم خلیل	۵۲	۱۲ - زیارت اولین شاهزاده خانم
۱۳۱	ج - احمد نصیری	۵۵	۱۳ - منوچهر خان معتمدالدوله
۱۳۲	د - بهمن صادق زاده	۶۰	۱۴ - شعر
۱۳۴	ه - خانم فرزانه یزدانی	۶۱	۱۵ - عشق و باب حطه
۱۳۶	۲۲ - خاطراتی از فؤاد اشرف	۶۹	۱۶ - اساس خلقت
۱۳۹	۲۳ - اولین بهائی مؤمن استونیا	۷۳	۱۷ - نهضت خاک بدشت
۱۴۱	۲۴ - شعر (اسیر)	۷۵	۱۸ - وحدت و کثرت
۱۴۲	۲۵ - اخبار و بشارات امریه	۸۵	۱۹ - ماوراء الطبیعه
۱۵۰	۲۶ - اخبار مصور	۹۱	۲۰ - شعر
۱۵۸	۲۷ - نامه هائی از دوستان	۹۲	۲۱ - معرفتی کتاب
		۹۴	۲۲ - رقص شعله (شعر)

عکسها :

روی جلد خارج : ایادی عزیز امرالله روحیه خانم علیها بهاء الله

داخل : حضرت ولی محبوب امرالله جل ثنائه وخادم باوفای حضرت عبدالبهاء اسماعیل آقا

پشت جلد خارج : اعضاء لجنه ملی مشرق الاذکار ایران سال ۱۳۲۷

داخل : اعضاء محفل روحانی کرمان سنه ۱۳۱۲

جلسه تشییع جنازه مسیس کهلر در اصفهان

بنام خداوندکیت

ارِضْل ناستناهی آتی بشار و دانش پیدار مبارک نفسی که به قمیص دانی آراشته
و از دریای بینائی نوشید ای دوستان جدمناید تا ز میوه های تازه پاکیده که
از سدرهٔ انسائیه ظاهر شده بی نصیب نمانید امروز رو نیست که ابراز کلمه ربانیه عالم را
اخذ نموده چه که رائج حق محنوم که از اصبع اراده گشوده شده مابین ناس متضوع است
طوبی لمن شرب و فاز و ویل للمعصین . ای قاصدان کعبه مقصود ندای این مظلوم را
به گوش پاک اصغامناید و چون جان حفظش کنید عفریب سباط زندگانی پیچیده
شود و سباط دیگر در عالم دیگر گسترده گردد هر نفسی به آن فائز شد به زندگی دائمی فائز
از حق بخواهید کل را مویده فرماید بر اموری که الیوم سبب ارتفاع
امرئه است إِنَّهُ لَهوَ النَّاسِ الْاَیْنِ .

یا علی علیک سلام الله و عیالیه ذکر اول آنکه باید در جمیع احوال با فرح و نشاط و انبساط
 باشی و ظهور این مقام محال بوده و هست مگر به ذیل توکل کامل توسل نمائی این است شفا
 هم و فی الحقیقه دریاق عظم است از برای انواع و اقسام هموم و غموم و کدورات و توکل
 حاصل نشود مگر به ایقان تمام. ایقان را اثرهاست و ثمرها و ثانی بر دباری و اظهار دوستی
 با اعلی و ادانی استغفر الله کل عالی بوده و هستند اگر نصایح مشفقانه حق را پسند
 این مقام نیز خلق الهی قلب و صدر و رأس کل را به نور لایوصف منور دارد و ثالث اخلاق
 و اعمال و اقوال به مقتضیات حکمت و وقت معلق گردد و الله اعلم آن جناب مرنیند به آنچه
 ذکر شد این شهادت در این مقام لولئی است لا عدل له و نورمی است لا نظیر له. یا علی
 دوستان الهی را از قبل مظلوم سلام برسان انشاء الله کل منوید شوند بر آنچه وقت آنرا
 طلب ینماید هنگام اجتهاد و امور توقف جانزنه و مقام صلح و اصلاح تکلم به کلمه قهرآینه
 لایق نه انشاء الله کل موفق شوند به رضا و تسلیم که و نیز نذر برای آسمان وجود هینئا لکم
 وللعارفين.

ط ب
جناب میرزا محمد ابراهیم عدیه بھارتہ

ہو السامع لعسلیم الحکیم

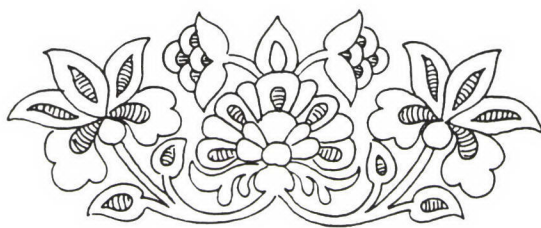
یا ابراہیم یک خلیل من عند اللہ ظاہر وید عنایت حق اور ازنا انفس مشرکہ حفظ فرمود بلکہ
آن نعمت را بہ نعمت و رحمت تبدیل نمود و ذکرش در عالم مشہور و اسبابی است عظیم از برای
صاحبان منبر اکثری از احزاب عالم بہ ذکر او این او کہ در کتاب اعمال از قلم غنی متعال بہ ذبیح اللہ
موسوم و مذکور مشغول و در این طور اعظم چہ مقدار از نفوس طیبہ مطمئنہ مرضیہ مشعلہ قصد
مقرضہ نمودند و جان را نثار کردند و لکن عباد بی انصاف مراتب و مقامات بلند اعلای آن
نفوس را بہ حجاب نفس و ہوی ستر نمودند سبحان اللہ عدل و انصاف چہ شدہ سمع و بصر
کجافتمہ یا ابراہیم ذبیح اول بہ فدائے دل و بہ مقر خود راجع و لکن در این طور کل بہ شہادت
کبری فائز گشتند بگوای اہل یا بہ بصر الہی ملاحظہ نمایند و بہ سمع حقیقی اصفا کنید شاید فائز
شوید بہ آنچه کہ از شبہ و مثل مقدس و منزہ و مبرا است از حق بطلب عباد و خود را مؤید فریاد

بر آنچه سزاوار است و اصل عالم را به نور انقطاع و طرار تقویٰ مزین نماید اوست قادر
و توانا لا اله الا هو المقتدر العلی الابهی . لله الحمد آن جناب به اقبال فارشد و همچنین
به خدمت عباد فی سبیل الله عبادی که از عالم گذشتند و به افق طهور تمسک نمودند

طوبی لک و لمن نصر و یضرا ولیا، الله فی ارضه و امنائه فی بلاده

البها آرمین لذنا علیک و علی الدین اقبوا الی

الافق الاعلی و آمنوا بالفرد انجیر .



هو الله

عشق آباد

امه الله ضلع جناب آقاسید یوسف علیہ بہا الله الہی

هو الله

ای امه الله درین روزگار عزیز قرن حضرت رب عزیز قدیر نسا راج رجال بر سر نهادند چه که
جمع در صقع واحد محشور اناث چون بر اعمال صالحه قیام نمایند تاثیرش بیشتر است و در
درگاه احدیت مقبولتر چه که اهل حلالند و رجال اصحاب جلال تواضع انجواہ کہ در شبات
واستقامت بر میشتاق فخر رجال گردی و قدوه ربّات الحجال ع ع

هو الاهی

ای مطیع عبودیت صرفه اگر سلطنت دو جهان خواهی حلقه بندگی در گوش کن و اگر حشمت
آسمانی جوئی غاشیہ بردگی بردوش افکن و اگر اشراق انوار احدیت خواهی در مقام عبودیت
ثابت و مستقیم شو و اگر شمول عنایت حضرت ربوبیت جوئی در مقام محویت استقرار یاب
درمان بخت در دست است و وصل محبوب بہ جہت مستمند و البصاء علیک

ع ع

هو الابھی

خیر القری

جناب عبداللہ بن عبدیہ بھآ ہمد الابھی ملاحظہ نمایند

هو الابھی

ای گمشدہ صحرائی محبتُ اللہ در این کور اعظم کہ فخر امکان بانوار جمال رحمن
روشن و منور شدہ و موج بحر قدم سواحل عوالم انشا را احاطہ کردہ غمام مہبت آفاق
وجود را استیلا نمودہ و قوای ملکوت الہیہ از جمیع جہات ارکان ایجاد را بہ حرکت
آوردہ و نسائم عنایت از مہب مہبت وزیدہ و حجر و مدر و شجر بہ الطاف مالک
قدر فائز گشتہ و صحرہ صما منفجر شدہ باید اجبای الہی آیت ہدی باشند و
رایت لطف خدا کردند در انجمن عالم بہ ثبوت و رسوخی و قدرت و قوتی ظاہر و باہر
شوند کہ شکل عالم را دگرگون گردانند و جسم مردہ اُمم را از روح الہی مظهر الطاف
رب بچون نمایند تا آثار مہبت در جمیع مراتب ظاہر و مشہود شود و علم کو بر جدید و حیات
بدیع و ہدایت رب کریم بر اتمال و جہال افزاختہ گردد و البھآ علیک ع ع

ہوالابھی

جذبا

جذاب علی اک خ علیہ ص آتہ الابی ملاحظہ نمایند

ہوالابھی

ای افتادہ کومی آتھی بحر عنایت موج خیر است و مار مجت شر الخیر تجلیات خاصہ فیوضات
غیبیہ ارملکوت ابھی و جبروت علی چون غیث ہطل و سل صائل مترادف و متابع و متواصل و
انوار الطاف آن آفتاب جہان جاودانی محیط بر مشرق و مغرب . پس ای مدہوش باہوش
بکوش کہ از این خوان نعمت باقی آتھی بی نصیب و بی بہرہ برگردی و افسردہ و پژمرده نشوی
در آتش عشق آتھی رخ برافروز و جان دل بسوز تا قابل این فیوضات و ستفیض از این مہتاب
رب الایات و مطہر بالنبیات گردی قسم بہ جوہر الوجود و مجلی در افق شہود کہ اگر نفسی در
این یوم نفسی لہ کشد و قدمی لہ نهد در بحر عنایت مستغرق شود و ملائکہ تائید و جہود

توفیق اور احاطہ نماید و چنان مد غیبی و نصرت لاریبی واضح گردد کہ جمیع

ابواب را مفتوح مشاہدہ نماید و البہا علیک ع

هو الاهی

ای ہوشمند ارجمند سمندی در میدان لاهوتیان بران و گونی در پس دشت
بھایان برن طبعی بکوب و غمی بلند نما صوری بدم صافوری برن شعلہ ای
بر آور نعرہ ای بند کن و لولہ ای در افکن نغمہ ای ساز کن و آہنگ ملکوت بی نیاز
بلند نما تا ملاحظہ فرمائی کہ قوای خفیہ الھیہ و ارواح ملکوتیہ ربانیہ چگونه احاطہ
نمایند و جوہر دلم تر و ما چگونه هجوم مینمایند تا لہ الحق و حسیں و سعی و در چنان
فسحتی سلطنت شرق و غرب باریچہ نماید و ثروت و نعمت این جهان چون ظل
زائل بہ نظر آید فرح و مسرتی رنج نماید کہ جاننا مستبشر گردد و دلمان چون گلشن
ملکوت مستنیر و البھار عیدیک و علی کل عبد توجہ الی ملکوت الحق
و ثبت علی العهد و نطق بالصدق و اقبل بکلیۃ الی رب القیم ع

ترجمه پیام بیت العدل اعظم خطاب به عموم محافل روحانی علی مؤرخ ۲ جولای ۱۹۹۸

یاران عزیز الهی :

اکنون بیست و پنج سال از تأسیس دارالتبلیغ بین المللی که در پیام ۵ جون ۱۹۷۳ اعلام گردید میگذرد. این سالها شاهد توسعه تدریجی وظائف این مؤسسه اصلی و مهم امر الهی و انتساع ارتباط متقابل و نزدیک مؤسسه مزبور با بیت العدل اعظم از یکطرف و با هیئت های مشاورین قاره ای از طرف دیگر بوده است . در دوره پنجساله ای که اخیرا به پایان رسید آن مؤسسه مسئولیتهای بیشتری در زمینه صیانت امرالله برعهده گرفت ، اقدام به تشویق به امر مهاجرت و سفرهای تبلیغی و همچنین تولید و توزیع نشریات و وسائل سمعی و بصری امری نمود ، و پس از آغاز نقشه چهارساله اقداماتی اساسی در تأسیس و حسن جریان فعالیت مؤسسات آموزش معارف امری مبذول داشت ، سرآمد تمام این اقدامات ارتباط مستمر متقابل با هیئت های مشاورین قاره ای بوده است که بدین وسیله جمیع سطوح و همه مناطق جامعه جهانی بهانی تحت تأثیر وتشویق دارالتبلیغ بین المللی قرار گرفته است .

در ۲۳ می ۱۹۹۸ دارالتبلیغ بین المللی وارد دوره پنجساله ای گردید که از نوید پیشرفت سریع در جریان دخول افواج مقبلین در ظل امر حضرت بهاء الله سرشار است ، صبح روز شنبه ۱۲ جون اعضای جدید دارالتبلیغ که به تازگی منصوب شده اند واز اطراف و اکناف عالم به ارض اقدس وارد شده بودند همراه با مشاورین عضو دارالتبلیغ بین المللی در معیت حضرات ایادی امرالله امة البهاء روحیه خانم و جناب علی اکبر فروتن و اعضای بیت العدل اعظم برای تقدیم دعا در آستان مقام مبارك حضرت بهاء الله در بهجی مجتمع شدند و سپس به مدت يك هفته با کمال حدت و جدیت به مشاوره و تهیة مقدمات مرحله بعدی اقدامات خود به منظور اجرای اهداف نیمه دوم نقشه چهارساله پرداختند .

در اعتاب مقدسه علیا صمیمانه رجا می کنیم که همزمان با ارتفاع ابنیه مقر مؤسسات امر الهی در مرکز جهانی در دامنه کوه کرمل در مقابل انظار عمومی ، و افزایش تأثیر ونفوذ مؤسسات نظم اداری بهانی در جمیع ممالك ، مردم جهان بیش ازپیش به پیام پرشکوهی که پیروان مخلص حضرت بهاء الله ابلاغ می نمایند گوش فرا دهند بامید آنکه گروه عظیمی از مردم آرزومند روحانیات در هر سرزمین به ظل رایت امر مبارك در آیند .

با تحیات ابدع ابهی

بیت العدل اعظم

ترجمہ پیام بیت العدل اعظم

تاریخ ۸ جون ۱۹۹۸

کہ با وسائل الکترونیک بہ عموم محافل روحانی ملّی مخابرہ شدہ است

از صعود پیتر ووییا Peter Vuyiya خادم شریف و روحانی و مخلص امر جمال اقدس ابھی شدیداً متاثریم . خدمات صادقانہ آن متصاعد الی اللہ طی چندین دہہ متوالی با عضویت در محفل روحانی ملّی بھانیان کینیا ، ہیأت مشاورین قارہ ای در افریقا و دارالتبلیغ بین المللی در ارض اقدس شامدی است بارز بر کیفیت ممتازی کہ شاخص مساعی پر ارزش این مروج برجستہ امر جمال مبارک تواند بود . در اعتاب مقدسہ برای ارتقاء روح پرانوارش در ملکوت ابھی دعا می کنیم .

تاکید می شود عموم جوامع ملّی در افریقا بہ یاد پرافتخارش محافل تذکر منعقد سازند . از محفل روحانی ملّی بھانیان یوگاندا تقاضا می شود محفل تذکری در مشرق الاذکار منعقد فرمایند . امید چنانست کہ جوانان بھانی افریقا در خدمات خالصانہ بہ امر عزیز الہی بہ آن متصاعد الی اللہ تأسی نمایند .

بیت العدل اعظم

ترجمہ پیام بیت العدل اعظم

مورخ ۱۷ جون ۱۹۹۸

کہ با وسائل الکترونیکی مخابرہ شدہ است

بہا کمال مسرت انتصاب مشاورین قارہ ای ذیل را بجای مشاورینی کہ اخیراً بہ عضویت دارالتبلیغ منصوب شدہ اند اعلام می داریم : در افریقا گارث پولک Garth Pollok در قارات آمریکا آنتونیو گابرییل مارکز فیلهو Antonio Gabriel Marques Filho، در آسیا نیداوانور باسکاران Nidavanur Baskaran در اقیانوسہ منیرہ ریحانی .

بیت العدل اعظم



دوستان عزیز و محبوب بهائی

عندلیب خوش آوای بلند آوازه که بنا به باور و اظهار بسیاری از شما عزیزان یادگار مجله وزین آهنگ بدیع مهد امرالله میباشد اکنون از مرز هفده سالگی گذشت و هیجده ساله شد .

در آغاز سال هفدهم (ژانویه ۱۹۹۸) محفل مقدس روحانی مَلّی بهائیان کانادا شیدالله بنیانه تصمیم بادغام دو مؤسسه ناشر آثار امری بزبان فارسی (عندلیب و مؤسسه معارف بهائی بلسان فارسی) اتخاذ و ابلاغ فرمود و مقرر داشتند که از سال ۱۹۹۹ میلادی دفتر کار عندلیب در حظیره القدس مَلّی (بهائی سنتر) به محل کار مؤسسه معارف بهائی در دانداس انتاریو که شهر کوچکی است و تقریباً در ۱۲۰ کیلومتری تورنتو واقع است انتقال یابد و تنظیم و تهیه مجله عندلیب در سال جاری (۱۹۹۸) کماکان به عهده هیئت تحریریه عندلیب ، از بهائی سنتر کانادا محل کار عندلیب منتشر شود . سپس محفل مَلّی شرحی در مورد این تصمیم متخذ بزبان انگلیسی مرقوم که اصل و ترجمه آن بفارسی در نشریه بهائی کانادا انتشار یافته که برای مزید آگاهی دوستان ترجمه فارسی آن ذیلاً درج می گردد: مجله وزین عندلیب در سال ۱۹۹۹ به مؤسسه معارف بهائی می پیوندد .

بدینوسیله باطلاع یاران عزیز میرساند که در طی نقشه چهارساله وظائف دو لجنه ای که به اجبای فارسی زبان در کانادا و سایر ممالک خدمت مینمایند مورد بررسی محفل روحانی مَلّی قرار

گرفت. بدین منظور مذاکرات و مشاورات بسیاری بین اعضای محفل روحانی مَلّی و این دو هیئت وقوع یافت . در خاتمه این مذاکرات جهت توسعه و گسترش دامنه خدمات مهم آنها محفل روحانی مَلّی بادغام وظائف این دو هیئت مصمم گردید تا بصورت هیئتی واحد از مکانی واحد خدمت نمایند . بدین منظور دفتر مجله عندلیب که در حال حاضر در حظیره القدس مَلّی میباشد از اول ژانویه ۱۹۹۹ بدفتر مؤسسه معارف بهائی در دانداس اونتاریو Dundas, Ontario انتقال می یابد و از آن تاریخ نشریه مذکور تحت نظر مؤسسه معارف بهائی طبع خواهد گردید .

بدینوسیله محفل روحانی مَلّی از یاران عزیز و خدمتی که طی هفده سنه متمادی بصورت خلل ناپذیری در نهایت عشق و وفا جهت ترویج و ترفیع انتشارات ارزنده و نفیس عندلیب فداکارانه بذل همت نموده اند قلباً تقدیر مینماید . همت متعالی هیئت تحریریه عندلیب در تهیه فوق العاده و چاپ و انتشار کتاب تاریخی محبوب عالم بمناسبت صده صعود حضرت بهاء الله و کتاب عهد و میثاق بمناسبت حدوث عهد و میثاق حضرت بهاء الله و کتاب حدیقه عرفان که منتخباتی از الواح حضرت بهاء الله و حضرت عبدالهء میباشد بینهایت موجب تمجید این محفل قرار گرفته است .

خدمات برازنده سرکارخانم پوران بقایی و جناب روح الله مدیر مسیحائی و جناب سعادت الله منجذب که از بدو تأسیس مجله عندلیب عضو هیئت تحریریه آن نشریه بوده اند موجب امتنان قلبی و تمجید خاص اعضای محفل مَلّی میباشد .

این محفل همچنین از تمام افرادی که در سالهای اخیر عضو هیأت تحریریه عندلیب بوده اند و یا در تکمیل و انتشار و توزیع آن با مجله همکاری نموده اند قدردانی می نماید .

با تقدیم تحیات بهائی

محفل روحانی مَلّی بهائیان کانادا

بنا به مراتب بالا مجله حاضر شماره ۶۷ و ۶۸ « تابستان و پائیز سال جاری ۱۹۹۸ آخرین شماره انتشار مجله عندلیب در دفتر محفل مَلّی «بهائی سنتر مَلّی کانادا» میباشد .

در اینجا از یاران محبویی که در این مدت هفده سال که زمانی نه چندان کوتاه است نفاست و محتوای مجله عندلیب را کرارا مورد توجه و پسند قرار داده و با نامه های محبت آمیز ما را تشویق فرموده اند نهایت امتنان را داریم .

امری پوشیده نیست که این خادمان نیز با قلت مجری در حد توانائی با اشتیاق وافر ، نهایت سعی و کوشش را در پیشبرد اهداف مجله عندلیب مبذول داشته اند . یکی از دوستان گاهی بمزاح میگفت شما برای عندلیب مادری مهربانید نه دایه خدمتگزار .

نا گفته پیدا است ، که توجهات و تشویقات معهد اعظمی در تمام دوران ، این خادمان را مطمئن بتأیید الهی و دلگرم بکار و امیدوار به پیشرفت زائد بر انتظار مجله عندلیب و آماده بخدمت بجان و دل می نمود . چنانکه بعد از انتشار شماره اول پیامی روح افزا و مسرت بخش از آن مرجع مصون از خطا عزّ و وصول یافت که خادمان عندلیب را بتأییدات الهی مطمئن نمود که متن پیام مزبور در شماره دوم مجله عندلیب عینا نشر گردید .

در این دستخط تشویق آمیز مجله عندلیب را با

ذکر « تبریک » (سرشار از ذوق و بموقع و وزین) عنایتا بیان فرمودند و خادمان عندلیب را بادعیه خود اطمینان بخشیده اند .

در دسامبر ۱۹۹۷ مرقومه کریمه ای از دارالانشاء جلیله معهد اعلی واصل شد که سه فقره از الواح مبارکه جمال اقدس ابهی و دو فقره از الواح مبارکه حضرت مولی الوری را برای درج در عندلیب مرحمت نموده و در پایان آن با عبارتی دل انگیز و تحسین آمیز خادمان عندلیب را مفتخر و متباهی فرموده اند .

« مساعی جمیله آن هیئت نورا در تهیه و طبع و نشر مجله نفیسه عندلیب سبب قدردانی و امتنان وفیر است » معلوم است که بواسطه این عنایات و توجهات بود که آوازه عندلیب از حدود و ثغور گذشت و آوازش جهانگیر شد .

مولوی چه خوب گفته :

بی عنایات حقّ و خاصّان حقّ

گر ملک باشد سیه هستش ورق

حال در این گفتار بحکم آنکه ، اهل بها نباید اجر احدی را انکار نمایند لذا بر خود فرض می شماریم که در این مقام مراتب تشکر و امتنان وافر خدمت یارانی که در طول مدت هفده سال متمادی ما را یاری نموده و یاوران و همکارانی با وفا و صمیمی بوده اند تقدیم داشته و خاطرات خوش آن نفوس نفیسه را به شرح زیر هرگز از یاد نبرده و نخواهیم برد .

۱ - منشیان محترم محفل مقدّس روحانی مَلّی که در این مدت هفده سال علاوه بر تشویق خادمان عندلیب و راهنماییهای لازم ، ما را در جریان منویات محفل مَلّی قرار داده اند .

دوستانی که در مدتی معین عضو هیئت تحریریه عندلیب بوده ولی بعثت مهاجرت و یا بجهاتی موجه دیگر نتوانسته در جلسات هیئت مشارکت نموده و خود را معذور داشته اند .

۳ - صاحبان دانش و اهل قلم وشعرای ماهر بهائی که با آثار قلمی و مقالات تحقیقی و اشعار نغز و دلکش صفحات عندلیب را پر بار و بر نموده اند .

۴ - اعضاء کمیسیون توزیع و امور مشترکین بخصوص خانم ژاله ویکتوری و خانم گیتی مدیر مسیحائی که بمدت ۱۱ سال در دفتر عندلیب مرتباً این خدمت گرانقدر را انجام داده اند .

۵ - ماشین نویسهای عندلیب : بترتیب جناب روشن شمس ، خانم میمنت عبهر ، خانم مهوش حسینی (انوری) خانم پروانه تشکر و جناب رشید گشتاسب . رشید گشتاسب از جمله نفوسی است که در دوران اخیر انقلاب ایران بجرم بهائیت گرفتار و مدت چهارسال در زندان هولناک اعداء بشداند بسیار مبتلا

و سرانجام در نهایت استقامت و پایداری پس از رهایی از زندان از طریق پاکستان راهی آمریکا شده و در شهر بافلو ساکن گشته و از سال ۱۹۹۱ تا حال علاوه بر تایپ عندلیب تایپ کتاب نفیس محبوب عالم را نیز انجام داده است ، حال هیئت تحریریه عندلیب در نهایت اخلاص ضمن ابراز تشکر و امتنان زحمات و خدمات این نفوس نفیسه را ارج نهاده و قدر می شناسد واز برای آنان اجز جزیل از پیشگاه ربّ جلیل مسئلت مینماید .

در سال ۱۹۹۵ جناب دکتر شاپور راسخ مشاور محترم قاره سفری به تورنتو نموده که بنا به دعوت هیئت تحریریه عندلیب بمنظور استفاده از نظریات ایشان جلسه مشترکی با حضور جناب عنایت روحانی نماینده محترم محفل مقدس ملی تشکیل یافت و در پایان جلسه مزبور یکی از دوستان عکسی گرفت که بیاد آنروز ذیلاً گراور میگردد .
با تقدیم تحیات بهائی - خادمان عندلیب



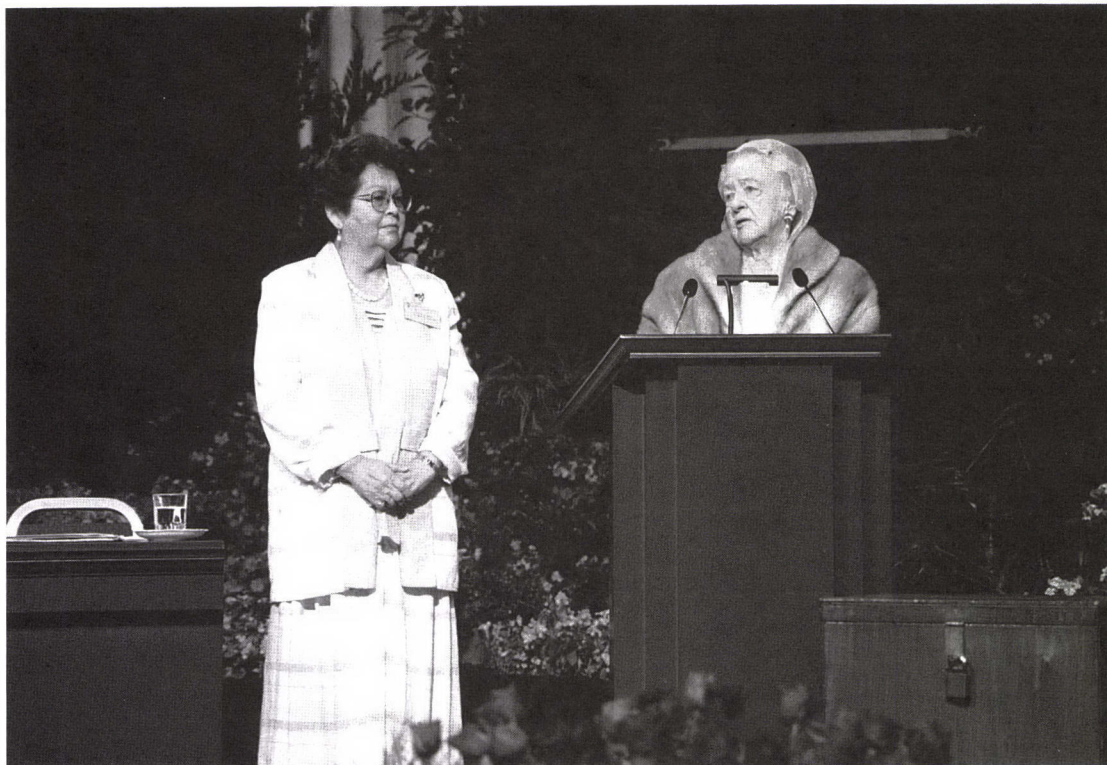
از راست بچپ : جنابان عنایت روحانی ، دکتر منوچهر شفائی ، دکتر شاپور راسخ (مشاور محترم قاره ای) ، خانم پوران بقائی ، روح الله مدیر مسیحائی و سعادت الله منجذب

ترجمان احساسات قلبی نمایندگان در کانونشن بین‌المللی «آوریل ۱۹۹۸ - حیفا»

با زیارت چند عضو از اعضا، محافل روحانی ملی که از حیفا سرزمین موعود جمیع ادیان و انتخابات هشتمین بیت العدل اعظم الهی مراجعت کرده بودند و مشاهده احساس سرور و روحانیت بخصوصی که از وجهه آنان نمایان بود، همان روحانیتی که با خود به ارمغان آورده و جو کانونشن های ملی را نیز امسال تغییر داده بودند، مرا بر آن داشت که با خود بیاندهم دراین هنگام که دنیا دستخوش آشوب و

از پوران بقائی

هرج و مرج است، در این هنگام که مردم دنیا در چنگال فقر و مرض و بیکاری گرفتارند، در این هنگام که نظم جهانی دنیا از نظر سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی در معرض سقوط است، در این هنگام که هر روز در يك گوشه دنیا بمبی منفجر و عده ای بیگناه به خاک و خون کشیده میشوند، در این هنگام که اسلحه اسباب بازی جوانان و نوجوانان شده است، در این هنگام که شالوده زندگی خانوادگی فرو ریخته و جغد طلاق بر بام خانه ها لانه کرده است، در این هنگام که معیارهای اخلاقی و عفت عمومی به پست ترین درجات تنزل نموده است، در این هنگام که حتی رشته امور از دست سیاسیون و



ایادی امرآته امه لهجآ روحیه خاتم با ایراد بیانی کانونشن را افتتاح میفرمایند.

دست اندرکاران نیز بدر رفته است ، در این هنگام که زمامداران دنیا برای احراز مقامات دنیوی از هیچ دسیسه ای فروگذار نکرده و با تهمت و افترا یکدیگر را به پست ترین شرائط اخلاقی متهم میکنند !...

بیش از هزار نفر از اعضاء محافل روحانی ملی دنیا از اقصی نقاط عالم با نهایت خضوع و خشوع و روح و ریحان گرد آمده اند تا جهت امور بین المللی محافل به مشورت بپردازند و این درست همان احساسی است که بنده میل دارم ترجمان آنرا در خلال این سطور برای شما خوانندگان عزیز عندلیب نقل نمایم ، آنچه که در ذیل بنظر شما عزیزان میرسد مصاحبه با بعضی از اعضاء محافل ملی دنیاست که به ترتیب حروف الفباء ترتیب داده شده است ، چهار سنوال مطروحه که بطور یکسان سنوال شده است بشرح زیر است :

۱- مهمترین احساسی که در این کانونشن احساس کرده اید ؟

۲ - جالب ترین لحظه کانونشن برای شما چه بود ؟

۳ - چه اتفاقی شما را بیشتر تحت تأثیر قرار داد ؟

۴ - با چه تصمیم جدیدی برای خدمت به محل خود برگشته اید ؟

استرالیا ، جناب بیژن شمالی

س ۱ - در جواب سنوال فرمودند :

فروتنی و عظمت بیت العدل اعظم در درجه اول و خلوص و ایمان و وسعت معلومات امری اعضاء محافلی که از بعضی از ممالک اروپای شرقی آمده بودند و باید گفت " یکشبه ره صد ساله پیموده اند "

س ۲ - در موقع ابداء رأی، اعضاء یکی از کشورهای افریقانی پله ها را یکی یکی بوسیده و رأی

را بروی چشم خود گذاشتند و در نهایت روحانیت به صندوق ریختند .

س ۲ - از حُسن اتفاق امسال جشن فرخنده رضوان استثنانا با دو عید خجسته اول و دوم محرم مقارن بود و با شرکت متجاوز از ۱۸۰۰ نفر از نمایندگان ، خادمین مقیم ارض اقدس ، بقدم و ایادیان عزیز امرالله ، حضرت امة البهاء روحیه خانم و جناب فروتن و جناب دکتر ورقا و اعضاء محترم بیت العدل اعظم الهی و همسرانشان مزین شده بود و در حول مقام اعلی برگزار گردید و این خود نشانه از عظمت و جلال امر توأم با سادگی و وقار بود .

س ۴ - من گاهی از فشار کار و یا خستگی زیاد کله میگردم بعد از مراجعت از حیفا و دیدن حجم کاری که اعضاء بیت العدل انجام میدهند و هرگز ابراز خستگی نمی نمایند ، شخصا تصمیم گرفتم تا آنجا که ممکن است مسئولیت قبول نموده و تسلیم خستگی نگردم ، ایشان برای احباء ایرانی نیز پیامی داشتند، تا وقت باقی است و موقعیت داریم ته خط نایستیم و تماشاگر نباشیم ، استعداد و امکانات ما از احباء محلی معمولا بیشتر است ، راهها باز و جاده ها هموار ، قدم در راه بگذاریم و با جرات و سرعت بیشتری در میدان تبلیغ و خدمت گام برداریم .

جناب نیسان فیضی :

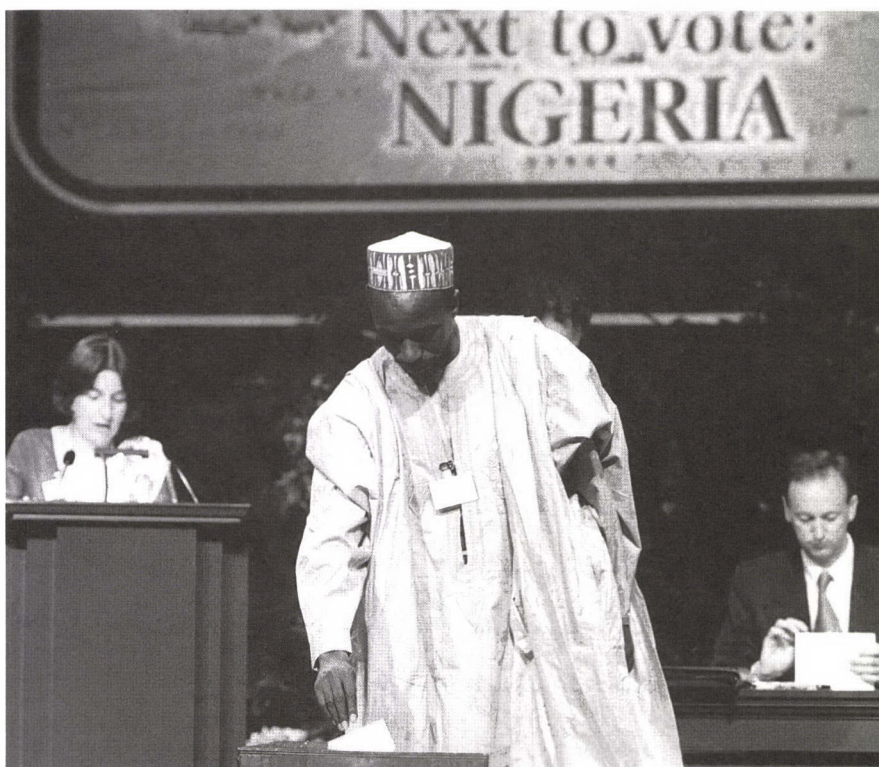
س ۱ - در جواب سنوال اول گفتند : اداره امور و مهمان نوازی بیت العدل اعظم همراه با آرامش ما فوق تصور که در هیچ جای دنیا شبیه آن دیده نمیشود مثل آن بود که ۱۰ روز از این دنیای خاکی خارج و در بهشت برین زندگی میگردم .

س ۲ - سیستم انتخاباتی بهائی و تساوی حقوق نمایندگان بدون کاندیدا و پروپاگاندا که در نوع خود نظیر ندارد یک عضو معروف از یک محفل قدیمی همان حق را دارد که عضو یک محفل تازه تأسیس.

س ۳ - عمق دانش و بینش و اطلاعات نمایندگان جوانی که در کانوشن شرکت کرده بودند چه در مشاوره و چه در محاوره.

ایادی عزیز امرالله جناب جان ربارتز به اقبال امر مبارک فائز شدند و ضمناً ایشان همان خانمی هستند که در کنگره جهانی نیویورک با ماهواره مخابراتی با چهارگوشه دنیا تماس گرفتند (

س ۱ - خانم لالی فرمودند ، کانوشن بین المللی بهائی نمونه ای بود از اتحاد جوامع مختلفه بشری که ما شاهد این نمونه بودیم .



س ۴ - آرزویم اینست که ما احبّاء الهی در هر گوشه دنیا که زندگی میکنیم در جمیع امور زندگی

افریقا Mrs. Lally.L. Warren

با ایشان در استرالیا ملاقات کردم ، از کانوشن برگشته بودند و چون نتوانستم با یکی از اعضا، محفل ملی مصاحبه نمایم با ایشان که مشاور قاره ای هستند صحبت کردم ، (جالب آنکه پدر و مادر خانم لالی اولین مؤمنین امر در بونتسوانا بودند و بتوسط

روز مره به اخلاق و رفتار بهائی همانطور که نظر بیت العدل اعظم الهی است و در پیام رضوان نیز متذکر شده اند عامل گردیم تا افراد غیر بهائی متوجه این امر عظیم گردند . برای جوانان نیز پیامی داشتند: امروز روزی نیست که فقط به تلاوت آیات و الواح مبارکه اکتفا نمایم بلکه باید با استفاده از الواح و آثار الهیه بکمال اجتماع نوید و سردرگم شتافته و قدم در میدان خدمت و حرکت بگذاریم .



از چپ براست خانم Lally. L. Warren مشاور قاره‌ای آفریقا ، آقای Sean Hinton فاتح مغولستان و داماد خانم لالی و خانم Tebogo Khutsoane دختر خانم لالی و کودکشان ژاسمن .

س ۲ - ادب و فروتنی و خلوص مخصوص
اعضاء محفل مغولستان که برای اولین بار در کانونشن
شرکت میکردند ، آنان آراء خود را در دستمال زری
پیچیده و بروی قلب خود گذارده بودند در روی
صحنه، آراء را بوسیدند و بر روی چشم ها گذارده و
به صندوق انداختند .

س ۳ - تماشای ویدئوی نیم ساعته بنام
" ایجاد یک فرهنگ رشد و توسعه " که مخصوص
کانونشن در ارض اقدس تهیه شده بود ، اثر عمیقی
در من نمود زیرا در قسمتی که راجع به رواندا و جنگ
و نزاع و قتل و غارت صحبت میشد یک پیرمرد بهانی
اظهار داشت که من در این جریانات همه چیز و همه
کس را از دست دادم و دستها را بآسمان بلند کرده
وادمه داد هیچ چیز ندارم ولی حضرت بهاء الله را دارم
که از ایمان محکم و انقطاع او سرچشمه میگرفت .

س ۴ - باید عرض کنم که در فضای
کانونشن مغناطیس عشق و محبت موج میزد و یک قوه
و یا جاذبه بخصوصی در هوا بود که آنرا احساس
میکردید، حقیقتا یک قدرت بهشتی بود و اطمینان
دارم که این انرژی به من نیز کمک خواهد کرد که
برای باقیمانده نقشه چهارساله خدمت بیشتری نمایم ،
از طرف من به احباء بگوئید تا وقت باقیست به زیارت
اماکن متبرکه بشتابید حتی اگر زیارت سه روزه باشد ،
زیرا با کسب انرژی روحانی میتوان در تبلیغ بهتر
موفق شد. عجله کنید وقت زیادی به پایان نقشه
چهارساله و این قرن نمانده است .

هنگری ، بابک ابراهیم زاده :

لازم به توضیح است که بابک ۲۶ ساله یکی از
جوانترین اعضاء محفل ملی مهاجر بوداپست از احباء
کاناداست که برای ادامه تحصیل و مهاجرت به هنگری

رفت و چنان در خدمات امریه موفق بود که به عضویت محفل ملی انتخاب گردید و برای اولین بار به کانونشن بین المللی دعوت شد .

س ۱ - وقتی از او سوال کردم که احساس خودش را شرح دهد گفت : اصلاً باور نمی‌کردم که به حیفاً دعوت شده ام ولی با زیارت اماکن متبرکه که قبل از کانونشن برای نمایندگان ترتیب داده شده بود و با محبت‌ها و عنایات معهد اعلی به یکایک ما، احساس کردم که درعرش خدا هستم و قدرت پرواز دارم .

س ۲ - در زیر سقف تالار در کانونشن با دیدن احباء از دور دنیا که از هر رنگ و نژاد و ملیتی بودند و روابط احترام و صمیمیتی که با هم داشتند قدرت موعود جمیع ادیان " حضرت بهاء الله " جلّ ذکره الاعلی را بچشم دیدم .

س ۳ - انتخابات بیت العدل اعظم و فروتنی اعضاء منتخب و اتحاد بین آنها که خود درسی از عشق و محبت بهانی بود و سرمشق واقعی برای ما نمایندگان در تشکیلات امریه .

س ۴ - بابت گفت در مقامات مقدسه که زیارت می‌کردم متوجه شدم که احباء غیر ایرانی نیز با چه خضوع و خشوعی زیارت نموده و سر به سجده می‌گذارند ، احتیاج دنیا را برای شناسایی امر جمال مبارك بیشتر احساس کردم و متوجه شدم وقت تنگ است و حرکت ما کند ، باید عجله کرد و قدم در میدان خدمت گذارد ، هر فردی خود را باید مسئول بداند و همانطور که جناب علی نجوانی ضمن بیانات خود بعد از انتخابات خطاب به نمایندگان فرمودند " همه باید این دوره خدمت را مهمترین دوران

خدمت خویش تلقی نمایم . "

ژاپن Mr. Yuichi Hirano

س ۱ - این دفعه سوّمی بود که برای انتخابات بین المللی به حیفاً می‌رفتم ولی این بار ضمن جلسات مشاورتی که داشتیم خود را از نظر روحانی با دیگر دوستان نزدیک تر احساس می‌کردم ، مشکلات همه ما کم و بیش یکی بود و اهداف ما نیز یکی تصمیمات هم برای پیشبرد نقشه ۴ ساله و انستیتوهای تبلیغی نیز تقریباً یکسان بود ، اصولاً دنیای بهانی را در این کانونشن متحدتر و نزدیک تر از سابق یافتم .

س ۲ - در طول جلسات شبی بمنزل یکی از اعضاء دارالتحقیق بین المللی خانم شورین Mrs. Schworin بهمراهی سفیر ژاپن در اسرائیل و چند نفر از اعضاء سفارت بشام دعوت شدم ، در اطاقی که با دکور ژاپنی تزئین شده بود از ما پذیرائی بعمل آمد و جالب آنکه بجای KOTATZOU (کُرسی ایرانی استفاده شده بود ، بسیار تحت تاثیر قرار گرفته بمعنی واقعی "وحدت درکثرت " پی بردم هرگز این شب را فراموش نخواهم کرد .

س ۳ - ساختمانهای قوس کرمل و پیشرفت سریع و حیرت انگیز آن .

س ۴ - در این سفر به اهیت انستیتوهای تبلیغی و نیاز بکمک آنها برای پیشرفت امر تبلیغی پی بردم و شخصاً احساس کردم که با برنامه ریزی صحیح جهت " پروژه های توسعه اجتماعی و اقتصادی " میتوانیم به امر شناسایی توده مردم از دیانت بهانی کمک نمایم .

کانادا ، جناب رجینالدنیوکرک منشی محفل روحانی
ملّی بهائیان کانادا .

س ۱ - ایشان خیلی با حرارت و با احساس
از کانوشن صحبت میکردند که چطور نمایندگان که
عملاً تقریباً از همه دنیا بودند با نهایت فروتنی و روح
و ریحان گرد هم جمع شده و در این دنیای پر
آشوب برای صلح و اتحاد بشریت مشورت میکردند . و
ایشان از سالن و انتخابات صحبت کردند و مطلب
جالب آنکه امسال در بالای صحنه پرده ای نصب شده
بود و با پرژکتور نقشه دنیا نشان داده میشد، از روی
القاء محافل یکی یکی با روشن شدن چراغ در محل
ذکر شده به پای صندوق برای تقدیم آراء می آمدند
و در همین موقع چراغ دیگری در زیر صفحه روشن
میشد که محفل بعد آماده حرکت باشند (این نقشه و
طرح به همت جوان عزیز شمیم صها طرح ریزی و
تهیه شده بود) .

س ۲ - پیامی همراه با ۹۵ گل سرخ از طرف
یاران ایرانی تقدیم کانوشن شد و احساسات همگان را
برانگیخته اشک به چشمها آورد .

س ۳ - در دو مرحله یکی داخل تالار و
یکی در خارج احساس عجیبی بمن دست داد که
منقلب شده و عظمت جمال مبارک را احساس نمودم ،
یکی در روزیکه جلوی مقام اعلی ۹ نفر ما ایستاده و
در دل دعا و مناجات میکردیم بعد من بطرف عکا
متوجه شده و مشغول دعا شدم ، ناگهان تاریخ
سرگونی و ورود حضرت بهاء الله به عکا در نظرم
مجسم شد، بیاد آن افتادم که آن حضرت در بدو ورود
بهمراهان فرموده بودند که پرچمهای نورانی در هوا موج

میزند با خود فکر کردم که پیروزیهای امر مبارک و
ساختمانهای ابنیه قوس آیا همان پرچمهای نورانی
نیستند ؟

دوم آنکه موقعیکه اسامی را اعلام نمودند و ۹ ما نفر
بروی صحنه رفتیم مقصد غانی حضرت بهاء الله را از
وحدت عالم انسانی دریافتم .

س ۴ - اولاً بنده با کلیه افراد خانواده ام
مشورت کرده و نقشه هانی برای پیشبرد برنامه های
تبلیغی و دخول افواج مقبلین چه انفرادی و چه
دستجمعی طرح کردیم تا اهداف ما را تسریع نموده و
سهم خود را در پایان نقشه چهارساله ایفا نمایم ،
ضمناً پیامی داشتند که فرد فرد ما مسئول هستیم تا
با خدمات صادقانه خود در راه پیشبرد اهداف نقشه
چهارساله ، پاسخ مثبتی به پیام بیت العدل اعظم داده
باشیم .

سوزان لاینز :

س ۱ - من برای اولین بار بود که در
کانوشن بین المللی شرکت میکردم يك ماه قبل برای
زیارت ۹ روزه رفته بودم و جالب اینکه در این
مسافرت کاملاً احساس دیگری داشتم ، اولین احساس
من با دیدن نمایندگان و جو روحانی تالار این بود
که مفهوم حقیقی دیانت بهائی و دقیقاً موعود جمیع
کتب و ادیان سلف تحقق یافته، اتحاد بین بشر و
صلح عمومی که همگان در جستجویش هستند اتفاق
افتاده و ما شاهد آن هستیم .

س ۲ - صحنه انتخابات ، روحانیت بیش از
حد ، نظم و ترتیب فوق العاده نمایندگان در ابداء رأی.

س ۳ - بیانات ایادیان عزیز امرالله و نطق جناب علی نخجوانی عضو عالیقدر بیت العدل اعظم الهی پس از انتخابات ، ضمناً امة البهاء روحیه خانم در نطق افتتاحیه فرمودند " حرکت و جنبش شما عزیزان وسیله ای است برای تحقق صلح عمومی و وحدت بشر و شناسانی حضرت بهاء الله تا کلّ در ظل خیمه یکرنگ الهی در آیند " سوزان اضافه کرد کسانی که سابق به کانونشن ها آمده بودند اعتقاد داشتند که قبلاً بیشتر نمایندگان از مهاجرین بودند و امسال از احباء محلی .

س ۴ - پس از مراجعت خیلی فکر کردم و مصمم شدم تا جانی که ممکنست برای اتحاد و اتفاق بین احباء و تشکیلات کوشیده و به انستیتوهای تبلیغی کمک کنم ، زیرا وظیفه آنها بسیار دشوار و قابل اهمیت میباشد . در ضمن سوزان اضافه کرد روزی که به زیارت روضه مبارکه رفتیم ۹ نفر اعضاء محفل ملی به اتفاق سه نفر مشاورین قاره ای کانادا جلوی روضه مبارکه برای موفقیت احباء کانادا دعا نموده و مناجات تلاوت شد .

حسین بنانی :

س ۱ - زیبایی و جلال توأم با سادگی تالار (تزئینات داخلی سالن توسط جناب جان کاوولین فرزند جناب بورا کاوولین عضو سابق بیت العدل طرح و انجام شده بود)

س ۲ - ازدیاد تعداد جوانان در بین نمایندگان که با رشد و بلوغ روحانی و احاطه کامل به مسائل امری و تحصیلات عالی پیشنهادات خود را ارائه میدادند، ۵ جلسه برای مشاوره ترتیب داده شده بود که

ناظم تمام جلسات خانها بودند .

س ۲ - با وجود کثرت رأی دهندگان و نظم و ترتیب بسیار واداء احترام و روحانیت بیش از حد نمایندگان برای ابداء رأی ، جلسه انتخابات سه ساعت بیشتر طول نکشید . انجام چنین امری هرگز در دنیا امکان پذیر نیست مگر با قدرت نظم جهان آرای حضرت بهاء الله .

س ۴ - پیشرفت ساختمانهای قوس کرمل با سرعت بسیار و زیبایی مسحور کننده آن در دل کوه و سنگ شبیه به معجزه است و همه میدانیم که وعود الهیه منوط و مقارن با اتمام ابنیه قوس کرمل می باشد لذا تا فرصت باقی است فرد فرد ما باید همت نموده و با تقدیم تبرعات کریمانه خود سهم خود را در اتمام این مشروع جلیل ایفا نمایم .

گوآدلوپ (Mr. Goh Khye Seng Guadeloupe)

ایشان بطور کلی در جواب همه سئوالات گفتند که اولین بار بود که به نمایندگی از طرف گوآدلوپ به کانونشن رفتم همه چیز برایم تازه و جالب بود و از تمام لحظات لذت بردم ولی مهمترین مسئله ای که نظر مرا جلب کرد نظم و ترتیب فوق العاده و پذیرانی کرم و صمیمانه بیت العدل اعظم بود بطوری که احساس میکردید در منزل خود هستید ، همه چیز برای من تازگی داشت و آرزو میکردم که تمام مردم دنیا قادر بودند آنرا به بینند .

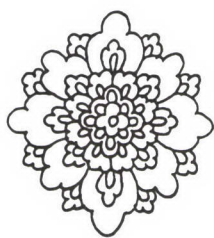
در شروع انتخابات آهنگ یا علی الاعلی را پخش نمودند . برای من بقدری روحانیت داشت که براستی منقلب



آقای بابک ابراهیم زاده عضو مجلس روحانی ملی بجاستان نغزآل سمت راست با جمعی از نمایندگان کانونش بین المللی

بصراط مستقیم مغناطیس تأیید الهیست نفوسی
که خود را وقف این امر نمایند در رضوان حفظ
الهی هستند هر که در این یوم یک کلمه حقیقت
نطق نماید آن کلمه لایزال در تموج و حرکت
خواهد بود و هرگز معدوم نخواهد شد.

ع ع



شدم. این دوست عزیز سرشار از روحانیت و انرژی
بزیارت میرفت که به دیگر دوستانش پیوسته و انرژی
خود را برای خدمت بیشتر به آنان منتقل نماید.
خوانندگان عزیز مجله عندلیب ، امیدوارم این مصاحبه
کوتاه با نمایندگان محترم محافل ملیه مورد پسند شما
عزیزان قرار گرفته باشد ، ضمناً به منظور حسن ختام
لوحی از حضرت عبدالبهاء جلّ شأنه ازینت بخش این
گفتار می نمایم :

هو الله

این یوم یوم قیام بخدمت است و عبودیت
آستان احدیت تا حیات باقی است تعجیل نمائید
و تا بهار را خزان در بر نگرفته و شفا را بیماری
غالب نشده قیام نمائید در این یوم هدایت نفوس

شهادت جناب روح الله روحانی علیه رضوان الله و برخی از رویدادهای اخیر ایران در مورد دانشگاه آزاد بھائی

ترجمه قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی :

پیام دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی خطاب به برخی از محافل روحانی ملی مورخ اول اکتبر ۱۹۹۸ بدستور بیت العدل اعظم الهی اخبار مربوط به احباء مقیم کشور ایران به اطلاع میرسد :

« اخیراً مراکز علمی بھائیان هدف تیر بلایا واقع شده اند طبق اخبار واصله به مرکز جهانی بھائی سی و دو نفر از اعضاء دانشگاه بھائی ، که گاهی بنام دانشگاه آزاد از آن ذکر میشود دستگیر شده اند . دانشگاه آزاد بھائی ثمره تلاش احباء جهت تعلیم و تربیت جوانان بھائی است که بدستور دولت اجازه دولت پایان تحصیلات متوسطه را نداشته حق ورود به دانشگاه از ایشان سلب گردیده است . . . »

اطلاعیه جامعه بھائی کانادا :

دائرة امور خارجه :

اعدام اخیر ، صدور حکم اعدام ، دستگیری جمعی و حمله و تهاجم به منازل بھائیان مؤید خط مشی مقامات دولتی جهت ریشه کن ساختن جامعه بھائی میباشد .

در ماههای سپتامبر و اکتبر گذشته بدنبال حمله به بیش از پانصد منزل بھائیان در چهارده شهر مختلف در سراسر ایران ، سی و شش نفر از اعضاء دانشگاه بھائی توسط مأموران وزارت اطلاعات اداره جاسوسی دولت ایران ، دستگیر شدند . در این تهاجمات کتب درسی و علمی ، آمار و مدارک توسط مأموران ضبط شد و هفتاد دستگاه کامپیوتر و میز و صندلی که مورد

استفاده دانشجویان بود به یغما رفت . در این مراکز تحصیلی ، جوانان بھائی که تنها بعزت اعتقادات مذهبی خود توسط دولت از ادامه تحصیلات دانشگاهی محروم شده اند توسط مربیان بھائی مشغول تحصیل و فراگیری علوم بودند .

صدور حکم اعدام ، ابلاغ صدور حکم اعدام به دو نفر از زندانیان بھائی در شهر مشهد ، این دو نفر در پائیز سال ۱۹۹۷ بعزت تشکیل جلسه " حیاة عائله " دستگیر و زندانی شده بودند .

۲۱ جولای ۱۹۹۸ يك زندانی بھائی در شهر مشهد بدار آویخته شد . اتهام ایشان تبلیغ يك خانم مسلمان به دیانت بھائی بود ، اتهامی که آن خانم بکلی آنرا مردود دانسته . مقامات دولتی ایران که در مرحله اول وجود چنین زندانی را تکذیب نموده بودند ، بعد از اجراء حکم نیز اعدام ایشان را تکذیب کردند . دولت ایران بعد از مواجهه با اعتراضات جهانی باین اتهام جعلی متوسل شد که جناب روح الله روحانی بعزت شرکت در عملیات ضد دولتی اعدام شده اند . بنابر اسناد و شواهد موجود دادگاهی ، جرم ایشان تنها تدین به دیانت بھائی بوده و بس .

در طول سالهای ۱۹۷۸ الی ۱۹۹۸ بیش از ۲۰۰ نفر از بھائیان اعدام و یا کشته شده اند ، هزاران نفر از احباء دستگیر و زندانی شدند . به مقابر بھائیان بی حرمتی شد . اماکن متبرکه ویران گردید و اموال شخصی و هم چنین اموال متعلق به جامعه بھائی توقیف و مصادره گردید . عقد بھائی در ایران به رسمیت شناخته نمیشود . بھائیان از قانون ارث محرومند . نوزادان زوجهای بھائی را ولد مشروع نمی دانند . اجساد متصاعدین در یک زمین مخروبه

مجلس عوام پیشنهاد مورخ ۷ اکتبر ۱۹۹۸

ایران

آقای سوند ج رابینسون Mr. Svend J. Robinson
(نماینده حزب نیو دموکرات از برنبی دگلاس)
مقام محترم مجلس بعد از مشورت با کلیه نمایندگان
بدین وسیله تقاضا دارد پیشنهاد ذیل که مورد
رضایت نمایندگان روزدیل ، رد دیر ، بوهارینس ،
سال بری ، ریچموند و ارتاباسکا ، نیز می باشد به
اتفاق آراء به تصویب رسد که این مجلس نگرانی
عمیق خود را در مورد حملات شدید اخیر به جامعه
بهائی ایران که شامل اعدام وحشیانه آقای روح الله
روحانی در ماه جولای گذشته ، دستگیری ۲۶ نفر از
مسئولین دانشگاه بهائی ، صدور حکم اعدام دو نفر از
رجال بهائی و بازداشت ۱۱ نفر دیگر بعلت تدین
باین دیانت میباشد اعلام می دارد . بدینوسیله از
دولت ایران می خواهیم تا به ظلم و تعدی نسبت به
جامعه بهائی خاتمه داده ضمن حفظ امنیت افراد آن
جامعه نسبت به آزادی بهائیان زندانی در کشور ایران
اقدام عاجل بعمل آورده مفاد کانونشن بین المللی حقوق
بشر را که ایران عضو آن میباشد به مرحله اجراء در
آورد .

آقای اکس وردی

اعدام یک بهائی ایرانی را محکوم نمود.

آقای اکس وردی وزیر امور خارجه اعدام آقای روح الله
روحانی یکی از اعضای جامعه بهائی ایران را بوسیله
مقامات دولت آن کشور محکوم نمود . آقای روحانی
یکسال قبل از اعدام در زندان بسر میبرد و خانواده

بدون هیچ نام و نشانی دفن میشود . بهائیان از
انتخاب اعضاء مؤسسات اداری خود محرومند . حق
اشتغال به شغل را ندارند . از حقوق بازنشستگی
محرومند و گواهینامه شغلی برای ایشان صادر
نمیشود . دانشجویان بهائی حق ورود به دانشگاهها را
ندارند .

دو اطلاعیه از مجلس عوام کانادا :

سنوال شفاهی مطروحه در تاریخ ۱۷ کتبر ۱۹۹۸

ایران

خانم کالین بومیر Ms. Colleen Beaumier نماینده
حزب لیبرال شهر برمتون و میسیسگای غربی سنوال
ذیل را مطرح نمود :

ریاست محترم جلسه ، در تاریخ ۲۱ جولای ۱۹۹۸
مقامات دولت ایران آقای روح الله روحانی را بعلت
تدین به دیانت بهائی اعدام کردند، در حال حاضر
چهار نفر بهائی دیگر محکوم باعدام شده اند.
بدینوسیله از مقام وزارت امور خارجه تقاضا دارد
موضع دولت کانادا را در مورد سیاست شنیع ایران
علیه بهائیان برای ملت کانادا توضیح دهید .

جناب لوید اکس وردی Hon. Lloyd Axworthy وزیر
محترم امور خارجه (حزب لیبرال) ، بنظر من کلیه
نمایندگان در مورد این مسئله نگران هستند .

هفته گذشته ضمن شرکت در اجلاس سازمان ملل
متحد شخصا با وزیر امور خارجه ایران مستقیما
صحبت کرده خاطر نشان نمودم که اینگونه دستگیرها
به هیچ وجه قابل توجیه نبوده کلیه افراد دستگیر شده
باید آزاد شوند و بعلاوه آزادی بهائیان در ایران و در
سراسر جهان باید برسمیت شناخته شوند .



CANADA

HOUSE OF COMMONS DEBATES

ORAL QUESTION

October 7, 1998

IRAN

Ms. Colleen Beaumier (Brampton West-Mississauga, Lib.): Mr. Speaker, on July 21, 1998 Iranian authorities executed Ruhullah Rawhani for practising his Baha'i faith. There are presently four more Baha'is on death row.

Would the Minister of Foreign Affairs please explain to Canadians Canada's position regarding Iran's abhorrent policies against the Baha'is?

Hon. Lloyd Axworthy (Minister of Foreign Affairs, Lib.): Mr. Speaker, I think all members share the great concern the member has expressed.

I took the opportunity last week at the United Nations to raise the matter directly with the foreign affairs minister of Iran, making the case that these arrests were not justified and that they should be released and furthermore that their freedom should be established in Iran as it should be established around the world.

SVEND J ROBINSON, MP

BURNABY-DOUGLAS

366 WEST BLOCK, HOUSE OF COMMONS, OTTAWA, K1A 0A6
613-996-5597 ROBINSON@PARL.GC.CA



RECEIVED OCT 16 1998

CANADA

HOUSE OF COMMONS DEBATES

MOTION

October 7, 1998

IRAN

Mr. Svend J. Robinson (Burnaby-Douglas, NDP): Mr. Speaker, following consultations with members on all sides of the House, I seek the unanimous consent of the House to put the following motion, seconded by the hon. members for Rosedale, Red Deer, Beauharnois-Salaberry, and Richmond-Arthabaska:

That this House express its profound concern over the recent grave attacks on the Iranian Baha'i community including the brutal execution of Mr. Rahu'llah Rawhani in July, arrests of 36 Baha'i academics, and confirmation of death sentences of two Baha'i men and the detention of 11 other Baha'i men for practising their faith; and calls upon the Government of Iran to end their oppression of the Baha'i community, ensure the safety and early release of all those Baha'i imprisoned in Iran, and respect the principles of the International Covenants on Human Rights to which Iran is a party.

(Motion agreed to)

SVEND J ROBINSON, MP

BURNABY-DOUGLAS

366 WEST BLOCK, HOUSE OF COMMONS, OTTAWA, K1A 0A6
613-996-5597 ROBINSON@PARL.GC.CA

ایشان اجازه ملاقات با وی را نداشتند . علت محکومیت وی تدین بدیانت بهانی بود .

آقای اکس وردی گفت : « این عمل وحشیانه باعث تأسف است . ما اخیراً شاهد تغییرات مثبت در زمینه های فرهنگی و اجتماعی در ایران بوده ایم و امیدواریم این پیشرفت‌ها متوقف نماند ، بدینوسیله از ولایت فقیه آیت الله خامنه ای و رئیس جمهور خاتمی می خواهم تا در کمال صراحت اعلام نمایند که این عمل بدون اطلاع و موافقت ایشان انجام پذیرفته است »

آقای اکس وردی از سفیر دولت کانادا در ایران خواست تا مراتب تأسف و همدردی دولت کانادا را به خانواده آقای روحانی ابلاغ نموده از مقامات دولت ایران بخواهند تا اقدامات فوری جهت امنیت بقیه افراد جامعه بهانی که در حال حاضر در بازداشت و یا در زندان بسر میبرند را فراهم آورند .

۲ اکتبر ۱۹۹۸ شماره ۲۲۹

آقای اکس وردی Axworthy خواستار پایان دادن به ظلم و تعدی نسبت به بهانیان در کشور ایران گردید . امروز وزیر امور خارجه جناب اکس وردی در مورد دستگیری ۲۲ نفر از اعضای دانشگاه بهانی در ایران در تاریخ ۲۰ سپتامبر گذشته ابراز نگرانی نمود . بخصوص که دستگیری این عده هم زمان با صدور رأی اعدام دو نفر بهانی انجام گرفت . علت محکومیت این دو نفر ضدیت با دولت اعلام شده بود در حالیکه جرم واقعی ایشان این بود که بهانی هستند .

آقای اکس وردی افزود : « همانطور که در طی ملاقات خود با وزیر امور خارجه ایران در نیویورک اظهار نمودم ، این مسائل و دستگیری ها بی حرمتی

علنی به حقوق حق بهانیان ایران میباشد . »

چنین بنظر می رسد که این دستگیریها قسمتی از عملیات دولت جهت تعطیل کردن مؤسسه آموزش عالی بهانیان میباشد که جهت برآوردن نیازهای تحصیلی جامعه بهانی تأسیس گردیده است . بسیاری از جوانان بهانی در حال حاضر نمی توانند به دریافت مدرک نائل شوند و دولت از ورود ایشان به دانشگاهها جلوگیری می نماید .

آقای اکس وردی هم چنین گفتند : « اگر چه در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی تغییرات مثبتی انجام گرفته ولی وقت آنست که دستگاه قضائی به ظلم و تعدی خود نسبت به جامعه بهانیان ایران خاتمه داده حقوق حق ای را که در قانون اساسی آن کشور برای بهانیان ایران در نظر گرفته شده بایشان اعاده نماید . »

« ای بی‌سرو سامان بسیل آتی ، بر لانه و آشیانه و خانه و
کاشانه که در راه حق خراب کرد و معرض سیلاب شود معمور
و آباد کرد و بنیاد برای چون برافتنه بنیان آتی بسنگ کرد
و بیت خاکی عاقبت مطبور گردد و کاخ یزدانی سرمدی
معمور شود . قصور قبور گردد . . . ولی کلبه روحانی یاران
و مبدع معمور و آبادان شود . » « حضرت عبده الهیاء »



دنباله رویدادهای ایران «نقل از امریکن بهانی»

جناب روح الله روحانی روز ۲۱ جولای سال جاری در ایران به شهادت رسید .

شهادت جناب روحانی توجه دولت و رسانه های همگانی را به خود جلب کرد . اولیای دولت ایران نخست واقعه را انکار کردند و سپس اذعان نمودند که اعدام جناب روحانی به وقوع پیوسته است .

چند تن از اعضای برجسته کنگره ایالات متحده و دفتر کاخ سفید و وزارت امور خارجه آمریکا اعدام جناب روحانی را محکوم کردند .

روز ۲۲ جولای سال جاری سخنگوی رئیس جمهوری ایالات متحده و همچنین سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا به اعدام جناب روحانی اعتراض کردند و از حکومت ایران خواستند که از اعدام دیگر زندانیان محکوم به اعدام بهانی خودداری کند .

روز قبل، دفتر امور خارجی محفل روحانی ملی با مسئولان کاخ سفید و وزارت امور خارجه تماس گرفته و از آنان خواسته بود که علناً و شدیداً نسبت به اعدام جناب روحانی اعتراض کنند و از دولت ایران بخواهند که جان دیگر زندانیان را در امان دارد .

دفتر امور خارجی محفل ملی در همان هفته با اعضای برجسته کنگره ایالات متحده در باره اعدام جناب روحانی تماس گرفت و در هفته های بعد سناتور سم براون بک Sam Brownback از ایالت کانزاس و چند تن از نمایندگان مجلس آقای بنجامین گیلمن Benjamin Gilman از ایالت نیویورک و آقای کریستوفر اسمیت Christopher Smith از ایالت نیوجرسی و آقای جان پورتر Porter از ایالت ایلینوی بیانه‌هایی

مبنی بر اعتراض به اعدام جناب روحانی و عدم توانایی بهانیان ایران بر اجرای آزادانه مراسم و شعائر دینی خود صادر کردند .

مطبوعات نیز شهادت جناب روح الله روحانی را گزارش داده اند و روزنامه های مهمی چون نیویورک تایمز و شیکاگو و تربیون و لوس انجلس تایمز و دیگر روزنامه های ملی خبر اعدام را درج کرده اند .

رسانه های بین المللی نیز چون بی بی سی و Australian Broadcasting Corporation روزنامه لوموند International Herald Tribune & Agence France-Presse , Lemond و آژانس خبری رویتر و Associated press همگی خبر شهادت جناب روحانی را گزارش داده اند .

روز ۲۴ جولای رادیوی " صدای آمریکا " طی برنامه ای که مستقیماً برای ایران پخش می شد ، با اولیای عالی رتبه دولت در باره اعدام جناب روحانی مصاحبه ای ترتیب داد . در روزهای ۲۸ و ۲۰ جولای برنامه انگلیسی زبان رادیو به تضییقات بهانیان ایران اختصاص یافت . شبکه تلویزیونی ورلدنت Worldnet نیز روزهای اول و دوم آگست برنامه ای راجع به تضییقات احبای ایران پخش کرد .

روز ۲۶ جولای آقای غلامحسین رهبرپور رئیس دادگاه انقلاب در طهران اظهار داشت که هیچ یک از شعبه های دادگاه حکم اعدام کسی را به نام روح الله روحانی متعلق به فرقه بهانی صادر نکرده و گزارش اعدام او دروغ محض است!

روز ۲۷ جولای نیز آقای شیخ حسنی ، کاردار سفارت

ایران در استرالیا در ضمن نامه ای به يك سناتور استرالیایی وقوع اعدام جناب روحانی را انکار کرد . روز ۲۹ جولای آقای محمّد زابلی سخنگوی سفارت ایران در استرالیا به رغم انکار آقای رهبرپور ، رئیس دادگاه انقلاب اظهار داشت که جناب روحانی پس از اینکه سه بار به اتهام عملیات علیه منافع ایران محکوم شده بود اعدام گردیده است .

روز ۲ اگست آقای شیخ حسنی (کاردار سفارت ایران در استرالیا) در ضمن نامه ای به یکی دیگر از اعضای پارلمان استرالیا همان اتهام واهی را تکرار کرد و نوشت که جناب روحانی قبلاً دو بار به جرم عملیات خلاف امنیت کشور دستگیر شده بوده است .

عملیاتی که در نامه کاردار سفارت ایران فعالیت هانی که به امنیت کشور لطمه زده توصیف شده ، یکی این بوده که ایشان قبل از اینکه تشکیلات بهانی غیر قانونی اعلام شود در يك محفل روحانی محلی عضویت داشته است . جرم دیگر همکاری ایشان در ترتیب کلاسهای درس اخلاق و جلسات دعا بوده است.

دفتر امور خارجی محفل روحانی ملی در بیانیه ای که راجع به اعدام اخیر صادر کرده ، اظهار داشت که در ۱۹ سال گذشته دولت ایران روشی کاملاً دو رویه داشته است ، بدین معنی که مطالبی که در توجیه و توضیح رفتارشان با بهائیان ایران به اولیای سازمان ملل متحد و دولت های خارجی و ارباب جراید اظهار کرده با آنچه در مدارك دولتی آمده در تضاد است . با این حال در تمام این مدت دولت ایران نتوانسته است حتی با ارائه يك مدرک اتهامات واهی و مبهمی را که به احبای ایران از قبیل جاسوسی و جنایات علیه امنیت

ملی وارد کرده است به اثبات رساند .

در بیانیه مذکور همچنین آمده است که اعدام جناب روحانی نمونه دیگری از مظالم ناشی از اتهامات بی اساس و عملیات پنهانی علیه بهائیان ایران است . حکم اعدام سه بهائی دیگر :

سه زندانی دیگر بهائی نیز در مشهد محکوم به اعدام شده اند . این سه تن جناب عطاء الله حمید نظیری زاده و جناب سیروس ذبیحی مقدم و جناب هدایت کاشفی نجف آبادی در پائیز سال ۱۹۹۷ به جرم تشکیل جلسات حیات عائله دستگیر شدند .

وقتی که حکم اعدام این عزیزان جهت تأنید به طهران فرستاده شد ، دیوان عالی کشور به این علت که آن سه تن بهائی در جریان محاکمه وکیل مدافع نداشتند بر آن خرده گرفت .

این سه تن را در محاکمه مجدّد مجبور به قبول يك وکیل تسخیری کردند . گویا وکیل مذکور در جلسات محاکمه مطالبی مخالف میل موکلانش و خلاف آنچه واقع شده ذکر کرده است .

در حال حاضر احباء نگرانند که تعیین وکیل تسخیری صرفاً برای رفع اشکالی که دیوان عالی وارد کرده بود و محض حفظ ظاهر باشد . بیم این هست که دادگاه مشهد تصمیم خود را از قبل گرفته باشد .

اخيراً به اعضای خانواده های سه محکوم بهائی اجازه داده اند که هر دو هفته يك بار به دیدار محکومان بروند . روز بعد از شهادت جناب روحانی این سه محکوم بهائی را مجبور کردند که در جلسه تذکر شهید مجید شرکت کنند . این آزار روانی سبب نگرانی یاران ایران شده است که مبادا سه محکوم بهائی نیز به همان سرنوشت جناب روحانی گرفتار شوند .

فقر مادی یا فقر معنوی؟

حوریوش رحمانی

ثروت مفرط خود يك عمل خشونت بار و غیر قابل تحمل تلقی گردید و مقاومتها و مبارزات در این راه آغاز شد . با وقوع انقلاب کبیر فرانسه این روند ابعاد تازه ای بخود گرفت و این نوع درگیریها توجه پذیرتر گردید .

قرن بیستم شاهد درگیری و رویارونی کمونیسم و کاپیتالیسم و اختلاف نظر شدید این دو مکتب در توزیع ثروت و حلّ مسئله فقر بوده است . از سال ۱۹۱۷ باینطرف تقریباً همه قارات عالم صحنه جنگها و انقلاباتی بوده که از اختلاف نظر بر سر این مسئله ناشی شده است .

در این برهه از زمان که آخرین سالهای قرن بیستم را میگذرانیم با کمال تأسف ملاحظه میشود که با وجود اینهمه تلاشهای موارت بار و همراه با خونریزی از يك طرف و چاره اندیشی های فلاسفه ، متفکرین و مصلحین اجتماعی در طول تاریخ از طرف دیگر ، نه تنها این مشکل بزرگ حل نشده بلکه با پیشرفت تمدن مادی و سست شدن موازین معنوی ابعاد آن وسیع تر گردیده است . بطوریکه آمارهای متعدّد در سالهای اخیر نشان میدهد میلیونها نفر از مردم جهان از تأمین حداقل معاش خود عاجز هستند و این در حالی است که هر سال میلیونها دلار صرف هزینه های نظامی و تهیه جنگ افزار میشود .

با فراتر رفتن روابط اقتصادی از مرزهای ملی بحران اقتصادی ابعادی جهانی پیدا کرده است . مشکل فقر تنها به کشورهای عقب افتاده جهان منحصر نیست بلکه

فاصله طبقاتی که نتیجه عدم توزیع عادلانه ثروت و منابع مادی در جامعه میباشد از دیر باز منشاء بسیاری از جنگها ، انقلابات ، خونریزها و درگیریهای سیاسی در سطح جهان بوده است .

در حقیقت میتوان گفت که ظهور بیعدالتی های اجتماعی در جامعه و نابرابری انسانها خود یکی از ره آوردهای نامطلوب تمدن است . در جوامع بدوی از نابرابری اقتصادی و فاصله طبقاتی کوچکترین اثری نبود . همه افراد بشر از زندگی یکسان و امکانات مساوی عصر حجر برخوردار بودند . در آن زمان جوامع بزرگ پیچیده با بخش های مختلف اجتماعی وجود نداشت و انسانها در گروههای کوچکی در دشتها و جنگلها بدنبال شکار و تهیه مواد غذایی بودند و در واقع همه در شرایط کاملاً مساوی و مشابهی میزیستند . ظهور و گسترش کشاورزی پیش در آمد تمدن و مقدّمه ای برای نابرابری انسانها و بیعدالتی های اقتصادی آینده گردید .

البته در قرون گذشته این نوع بی عدالتی ها از طرف طبقه فقیر که اکثریت جامعه را تشکیل میدادند با پیروی از فلسفه تسلیم و رضا و این توجه که بلحاظ محدود بودن منابع ، اکثریت جامعه نباید انتظاری بیش از قوت لایموت داشته باشد تحمل میشد . با شروع انقلاب صنعتی که برای اولین باری در تاریخ وعده میداد که بمدد يك مدیریت صحیح ، همه افراد جامعه میتوانند از يك زندگی راحت و مناسب برخوردار باشند وضع تغییر کرد و بتدریج نفس وجود فقر و

در غنی ترین کشورهای جهان نیز فقر با کریه ترین چهره خود در کنار ثروتهای کلان بچشم میخورد . وجود محله ها و شهرهای فقیر نشین در کشورهای پیشرفته خود مؤید این واقعیت است . بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان فاقد مسکن مناسب میباشند . حتی در کشورهای پیشرفته ای مانند امریکا ، انگلیس و فرانسه هزاران خانواده از داشتن سکونتگاه و سرپناه مناسب و کافی محروم هستند و هر سال در فصل زمستان عده ای بعلت بی خانمانی در یخبندان شدید تلف میشوند .

بعد از سقوط کمونیسم و پایان گرفتن جنگ سرد ، جهان در جهت نقطه نظرهای سیستم سرمایه داری گرایش پیدا کرده و سیاست بازار بر همه جنبه های زندگی غلبه یافته است . رقابت اقتصادی و کسب منافع بیشتر بر روابط بین المللی حاکم گردیده است . اگر در گذشته بعلت بازتاب عقاید کمونیستی گهگاه گرایش ضعیفی بسوی مساوات و توزیع عادلانه تر منابع مادی احساس می شد امروزه دیگر این پیام نارسا نیز محو گردیده و غولهای اقتصادی بیش از پیش بر انباشته نمودن ثروت و تمرکز منابع مالی در دست خود تاکید دارند . جامعه سود جو و منفعت طلب طبعا توجهی به حال ضعفاء و فقراء ندارد . حداقل هزینه و حداکثر منفعت مورد نظر است و البته تأمین این نظر مستلزم بیکار شدن هزاران نفر میباشد . اینجا دیگر رعایت حال انسانها مطرح نیست بلکه جلب سود بیشتر ملاک عمل است . تاکید بر پیشرفت مادی و منفعت طلبی و غفلت از ارزشهای اخلاقی انسانها را به مبارزه در مقابل یکدیگر واداشته و صلح جهانی و رفاه بشریت را

بخطر انداخته است .

بین المللی شدن اقتصاد و ظهور و گسترش شرکتهای بزرگ بین المللی تا حدی باعث افزایش ثروت در سطح بین المللی میگردد ولی ثروتی که از این راه بدست می آید به جیب ثروتمندان سرازیر میشود و فقرای جهان از آن بهره ای نمی گیرند . در نتیجه ثروتمندان بزرگ روز بروز ثروتمندتر میگرددند و فقرا فقیرتر می شوند و فاصله بین این دو طبقه هر روز افزایش می یابد .

از یک نظر این احساس وجود دارد که ثروت جامعه در حال افزایش است ، حال آنکه مدارک خلاف آن را ثابت میکند . سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۵ اعلام نمود که تقریباً ۹۰ کشور جهان از نظر اقتصادی وضعی بمراتب نامساعدتر از ده سال پیش دارند یعنی در واقع فقر در حال گسترش است . بیکاری مشکل دیگر اکثر جوامع میباشد . تنها در طی ۱۵ سال گذشته صد شرکت برجسته امریکانی حدود بیست و پنج درصد از کارکنان خود را اخراج کرده اند . و باین ترتیب بیکاری با رشد تکنولوژی در حال توسعه و پیشرفت است . حتی پیش بینی شده که فقر که اکنون کشورهای غنی را نیز در بر گرفته و خیم تر خواهد شد .

بر طبق گزارش " نیویورک تایمز " در حالیکه درآمد خانواده های امریکانی از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۴ ده درصد افزایش یافته است ، تقریباً همه این افزایش یعنی ۹۷ درصد آن به ۲۰ درصد ثروتمندترین خانواده های جامعه رسیده است . اختلاف درآمد در خانواده های امریکانی اکنون بسیار بیشتر از ۵۰ سال پیش میباشد . در حالیکه ثروتمندان بزرگ بسرعت

ثروتمندتر می شوند فاصله طبقاتی روز بروز زیادتر می شود و افق روشنی در جهت بهبود اوضاع به چشم نمی خورد . فقر اخلاقی هم خود مزید بر علت شده است . باین ترتیب رشد در آمد ملی يك کشور لزوماً نمایانگر بهبود وضع اقتصادی همه مردم آن کشور نیست .

در سال ۱۹۹۶ سازمان ملل متحد اعلام نمود که میزان ثروت ۲۵۸ نفر از ثروتمندترین میلیاردرهای دنیا مساوی مجموع در آمد ۴۵ در صد از فقیرترین مردم جهان یعنی مساوی دارائی ۲/۲ میلیارد نفر از مردم جهان است .

اکنون که همه جنبه های زندگی بشر بسوی جهانی شدن پیش میرود آیا وجود يك چنین نابرابری عظیمی در توزیع ثروت جهان غیر منطقی بنظر نمیرسد و آیا با وجود يك چنین بی عدالتی امکان استقرار يك صلح پایدار وجود دارد ؟

بطوریکه در پیام صلح بیت العدل اعظم آمده است :
 « . . . اختلاف فاحش و مفرط میان فقیر و غنی سرچشمه مصائب بسیار شده که جهان را از حال توازن خارج می کند و عملاً به پرتگاه جنگ میکشاند . بسیار کم اند جامعه هایی که درست باین مشکل پرداخته باشند . راه حلّ این مشکل را باید در ترکیبی از مجموعه ای از اقدامات روحانی و اخلاقی و عملی جستجو نمود و بآن با دیده تازه ای که مستلزم مشورت با متخصصین در میدانهای وسیع و متنوع باشد نگریم ، مشورتی که خالی از شانه مجادلات مرامی و اقتصادی باشد و در آن مردمی را که قرارها و تصمیمهای متخذه در زندگیشان تأثیر مستقیم دارد

ذی مدخل سازد . این امر نه تنها وابسته به لزوم تعدیل معیشت و از میان بردن فقر و ثروت مفرط است بلکه با حقایق روحانیّه ای مربوط است که ادراکش سبب اتخاذ يك روش و رفتار جدید بین المللی می گردد که خود سهمی عظیم در حلّ آن مسئله دارد .»

با نزدیک شدن پایان قرن بیستم بیش از پیش روشن میگردد که مشکل اقتصادی جهان را تنها با سیاست بازار و دید ماده گرایانه نمیتوان حلّ نمود . برای مبارزه با فقر مادی اولّ باید بر فقر معنوی غلبه نمود . بینشی عمیق تر و راه حلّی اساسی تر لازم است و تا مادامی که بشریت طرز تفکر و ارزشهای اخلاقی و اولویت های خود را مورد تجدید نظر قرار ندهد نمیتوان آنطور که شایسته است امیدی به بهبود اوضاع جهان داشت .

منبع آمار : نشریه سیدنی مورینگ هرالده مورخ ۲۳ اگست ۱۹۹۷

تعالیم بھائی در هیچ مورد باندازه لزوم جهت ناب
 از عیجونی و غیبت الزام آور نیست . . .
 «حضرت ولی الله»

چند ضرب‌المثل

سایر قسمتهای این سلسله مقالات در مجله عندلیب شماره ۵۲ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۶۱ ، ۶۲ و ۶۵ به طبع رسیده است . برای ملاحظه شرح مربوط به سابقه انتشار این مقالات به مجله عندلیب شماره ۵۲ (زمستان ۱۵۱ بدیع، پاورقی مندرج در صفحه ۲۰) مراجعه فرمائید .

" هو الله تعالى شأنه العظمة والاقتدار

حمد مقدس از افنده و عقول مالک الملوكی را لایق و سزااست که از امواج بحر بیان عالم امکان را بیکتانی خود معترف و بیگانگی خود آگاهی بخشید ، تعالی جوده و تعالی فضله و جلّت عنایت و عظمت و افضاله والصلوة والسلام علی مولی العالم و سلطان الامم الذی بقدمه تشرفت السماء و بظهوره ناسوت الانشاء و علی آله و اصحابه الذین جعلهم الله مصابیح مدائن عرفانه و سرج دیاره و کواکب سمانه و بهم نصر دینه و اظهر امره بین عباده و خلقه و بعد نامه نامی اسرع از برق رسید و فرح تازه بخشید چه که القلب یهدی الی القلب . آنجا که اراده نامه محبت انکیز نمودید قلب اینجا مترصد و مستعد و منتظر . سرعت برق در اینمقام بسیار کند و پایش بسیار لنک از حق جل جلاله سائل و آمل که عالم را از این عطیه محروم ننماید تا کلّ در یک بساط جمع شوند و اهل یک وطن گردند فی الحقیقه اگر عالم انسانیت بتربیت مربی حقیقی فانز شود این اسباب مشهوده اکثری بی ثمر مشاهده گردد حال که در کنز

القلب یهدی الی القلب

حضرت بهاء الله در لوحی که از لسان میرزا آقا جان خادم الله به اعزاز " الاسمین الاعلیین حضرت میم و حاء " عزّ صدور یافته چنین می فرمایند :

" در جمیع احوال لسان ظاهر و باطن به ذکر و ثنای محبوب عالمان مشغول . . این مظلوم شهادت میدهد بر خدمت و اخلاص و توجه و عدل وانصاف آن جناب . تقصیر را در آن بساط راهی نه ، از قبل فرموده اند القلب یهدی الی القلب . مرآت قلب حکایت از امانت و دیانت آن جناب می نماید و نزد کلّ این فقره ثابت . . . " (۱)

و نیز حضرت بهاء الله در لوحی که از لسان میرزا آقا جان خادم الله خطاب به جناب حاجی سید جواد در بیروت عزّ صدور یافته چنین می فرمایند :

عصمت مکنون و از کلّ مستور آلا من شاء الله . . . " و نیز حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه چنین می فرمایند :

" ای حبیب روحانی و دوست معنوی مکاتیب آنجناب جمیعا واصل و از این و حنین آن طیر فراق قلوب مشتاقین محترق ، کلّ چون شمع کریان و سوزان کشتند البتّه آینه صافی قلب آن حضرت از این صور و آثار منعکس و مصوّر گشته ، القلب یهدی الی القلب چه که قلوب مرایای متقابله متطابقه است الاّ دلی که از گلزار احدیت بونی نبرده و از حبّ جمال مبین نصیب و بهره ای نیافته اما نفوسی که به صیقل حبّ و انقطاع از ما سوی الله صفحه دل را از آرایش و زنگ نیستی پاک و در مقابل آفتاب هستی مطلق داشته و از تجلیات و فیوضات مستنیر و مستفیض گشته از جهت وحدت نور ربط کلی و موافقت تامّه یافته اند . . . "

علامه دهخدا در کتاب امثال و حکم عبارت " القلب یهدی الی القلب " را مندرج ساخته و در ذیل آن چنین آورده است : " دل بدل رود . نظیر القلوب تتشاهد . . . " (۲)

مثل فوق در کتاب امثال و حکم به این صورت نیز ثبت شده است : " انّ من القلب الی القلب روزنه (روزنه معرّب روزن فارسی است و جمع آن بر روازن آید چون روشن بر روشن) ، تمثّل : گونیش پنهان زخم آتش زنه

نی بقلب از قلب باشد روزنه (مولوی)
تافت زان روزن که از دل نادل است
روشنی کاو فرق حقّ و باطل است (مولوی)
نظیر دل بدل رود ، دل بدل راه دارد . القلب یهدی

الی القلب . القلوب تتشاهد " (۳)
و در ذیل " دل بدل راه دارد " در کتاب امثال و حکم چنین آمده است :

دل بدل راه دارد. دوستی و مهر همواره از دو سر باشد
مثل است اینکه گویند بدل ره است دلرا
دل من ز غصّه خون شد دل تو خبر ندارد
تو مگو چون ز دل بدل راه است
کانکه دل دارد از دل آگاه است
دل چو نعل اندر آتش اندازد
عرش را در کشاکش اندازد ، (اوحدی)
تافت زان روزن که از دل تا دل است
روشنی کو فرق حقّ و باطل است (مولوی)
در حدیث آمده است کز دل دوست
بدل دوست رهگذر باشد (تاج الدین آبی)
در دل من این سخن زان میمنه است
زانکه از دل جانب دل روزنه است (مولوی)
نی ولیکن یار ما زین آگهست
زانکه اژدل سوی دل پنهان ره است (مولوی)
موج میزد بر دلش عفو کنه
که زهر دل تا دل آمد روزنه (مولوی)
آری دل آنکه هست آگاه
داند که ز دل بدل بود راه
از لیلی و مجنون صاعدا
دل را بدل رهی است در این گنبد سپهر
ازسوی کینه کینه و ازسوی مهر مهر (۴)

زادوا فی الطنبور نغمة اخرى

حضرت عبدالبهاء در لوح جمعی از احبای الهی در طهران چنین می فرمایند :

" ای یاران مهربان عبدالبهاء نامه شما رسید و در نهایت تأثر و حسرت و حزن و اندوه از ویرانی ایران مرقوم نموده بودید . . . به کرات مرقوم گردید که دولت و ملت باید مانند ماء و راح با یکدیگر امتزاج یابد و الاّ ایران ویران گردد باری نصاب عبدالبهاء ابدًا مسموع نیفتاد و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا مقبول نشد و القینا بينهم العداوة والبغضاء تأسس یافت و زادوا فی الطنبور نغمة اخرى یعنی مداخله قوم بی حیا در جمیع امور به وقوع پیوست این قوم در هر حزبی چند نفر گذاشتند تا نثره فساد به عنان آسمان رسید و احزاب را برضد یکدیگر خواندند . . . " (۵)

و نیز حضرت عبدالبهاء در لوحی دیگر چنین می فرمایند :

" ای ثابت بر پیمان نامه مفصل شما را با وجود آن که به جان عزیزت فرصت قرائت یک سطر نداشتیم محض خاطر شما به دقت مکرر خواندم . . . [ناس] به آیات متشابهة غیر باهره وحجج غیر بالغه یعنی علماء رسوم پیروی نمودند ، ایران را ویران کردند و از کوب درخشنده ایران غافل مظهر یخربون بیوتهم بایدیدهم شدند کما قال الشاعری اذا کان الغراب دلیل قوم فیهدهم الی جیف البراری . باز ایرانیان بیدار نمی شوند به خواب خرگوش مبتلا هستند و چنان این پیشوایان بی عقل مانند مرض کابوس بر اینها مسلط شده اند که دقیقه ای از مرض سبات نجات نداشتند

على الخصوص و زاد فی الطنبور نغمة اخرى و آن مداخله قوم بی حیا در جمیع امور . . . " (۶)

تمثیل مذکور در الواح فوق در کتاب الحکم والامثال الشعبیة فی الدیار الشامية به این صورت آمده است " زاد فی الطنبور نغما (۷) و در کتاب معجم الامثال اللبنانیة الحديثة به این صورت ثبت شده است " زاد فی النطبور نغمة " (۸)

مقصود از تمثیل آن که به سر و صدا و غوغای موجود نغمة جدیدی اضافه شده است .

علامه دهخدا در کتاب امثال و حکم در ذیل " زاد فی الطنبور نغمة (یا) نغمة اخرى " خواننده را به مثل " زاد فی الشطرنج بغلة " ارجاع نموده و در ذیل آن چنین آمده است .

شنیده ام که بشطرنج در فزود کسی
یکی شتر ز سر زیرکی و دانانی

نه من کم آمدم ای شه ز رقعة شطرنج

چه باشد ار تو بمن اشتری در افزائی

[مجیر بیلقانی (۹)]

الحسن اخوالحسین

حضرت عبدالبهاء در لوح جناب ابن ابهر چنین می فرمایند :

" هو الابهی یا من اثقل علیه الوطاء السلاسل و الاغلال فی سبیل الله جناب امین حاضر اند و به لسان ستایش و نیاش به ذکر خلوص و فوران نار محبت از آن شمع انجمن وفا مشغول . . . جناب امین علیه بهاء الله الابهی لسان فصیحی در تقدیس و تنزیه و تجرید و شوق جناب اخوی علیه بهاء الله الابهی گشودند اگر

چه مشام مشتاقان از نفحات قلوب احبای ثابتان راسخان معطر است و این ذکر و نعت سمع ظاهر را نیز متلذذ و محظوظ نمود ، الحسن احوالحسین مثل مشهور و صنوان و فرقدان و جوزا دلیل معروف والبهاء علیه و عليك ع ع " (۱۰)

این مثل در کتاب معجم الامثال اللبنانیة الحديثه به این صورت آمده است :

" الحسن اخوا (خَی) الحسين " (۱۱)

حسن و حسین نام فرزندان امیرالمومنین علی علیه السلام است مفهوم مثبت این مثل که لوح مبارک دال بر آن است چنین است که این دو در کمالات و صفات و ملکات حسنه مشابه و مماثل یکدیگرند .

خدا رحم کرد که فصدش کردند

حضرت بهاء الله در لوحی که از لسان میرزا آقاخان خادم الله خطاب به جناب ناظر عزّ صدور یافته و به تاریخ جمادی الاولی سنه ۱۲۹۳ هـ ق مورخ است چنین می فرماید :

" الحمد لله المقدّس عن الذّکر والثناء والمتعالی عما یتکلم به اللسان . . .

در این ارض خبر جدیدی واقع نشده جز آن که مسافرین من غیر اذن متصلاً وارد ، این ایام حساب شده چهل و پنج نفر علاوه بر مهاجرین که اول همراه بودند از مسافرین در این ارض موجودند معدودی از این نفوس به اذن و مابقی به غیر اذن ، نهی الهی را نشنیدند و به خیال خود عاملند نسنل فهم التوفیق بالطاعة والتسليم والرضا . . . واین که مرقوم شده بود که جمعی از مسافرین را ممانعت فرموده اید مثلی

است مابین عوام که می گویند خدا رحم کرد که فصدش کردند والاّ معلوم میشد . ای آقای من از حق بخواهید که کل را موفق بر اطاعت امرش فرماید . . . " مثل مذکور در لوح فوق در کتاب امثال و حکم دهخدا به این صورت آمده است :

" خدا رحم کرد خونشرا گرفتیم "

مثل از طبیبی احمق مشهور شده است که از مریضی خون گرفته و مریض مرده بود و او میگفت خدا رحم کرد خونش را گرفتیم . ولی حالا این تعبیر را درموردی که چاره ای اندیشیده اند و تا حدی نیز از حدّت و شدّت پیش آمد سونی کاسته است گویند " (۱۲)

حضرت عبدالبهاء با استفاده از این اصطلاحات در یکی از الواح مبارکه چنین می فرمایند :

" بواسطه جناب محمد خان زائر علیه بهاء الله الابهی جناب میرزا مرتضی خان سیاسی و جناب میرزا محمد خان ادیب علیهما بهاء الله الابهی

هوالله

ای دو ستاره فرقدان در برج دو پیکر الحمد لله مانند شجر صنوان از یک منبت روئیده یعنی با یکدیگر ارتباط کلی یافته برگ و شکوفه نموده و میوه تر و تازه ببار آورده رشحات سحاب عنایت پرورش داده و حرارت شمس حقیقت نمایش بخشیده و نسیم حقیقه وفا اهتزاز مبذول داشته تا این دو شجر تازه و تر گردیده و سبز و خرم شده و در خیابان هدایت

بطراحی گلهای حقائق و معانی مزین گردیده شکر
کنید خدا را بر این نعمت عظمی و موهبت کبری و
علیکما البهاء الابهی .

عبدالبهاء عباس

۲۶ ربیع الثانی ۱۳۳۸ - حیفاً

یادداشت ها

- ۱ - مقصود از اسمین اعلیین آقا سید محمد یزدی است
برای ملاحظه شرحی در باره اسمین اعلیین به مأخذ اشعار
در آثار بهائی (دانداس ، موسسه معارف بهائی ۱۹۹۵ م) ،
ج ۲ ، ص ۲۰۳ مراجعه فرمائید .
- ۲ - علی اکبر دهخدا ، امثال و حکم (طهران : امیر کبیر
۱۳۶۳ هـ ش) ج ۱ ، ص ۲۶۷
- ۳ - مأخذ فوق ، صفحه ۲۱۱
- ۴ - مأخذ فوق ، ج ۲ ، ص ۸۱۹
- ۵ - در این لوح عبارت " واعتصموا بحبل الله . . . " .
قسمتی از آیه شماره ۱۰۲ در سوره آل عمران و عبارت " .
والقیاینهم . . . " قسمتی از آیه ۶۴ در سوره مانده در
قرآن کریم است . مقصود از " قوم بی حیا " پیروان میرزا
یحیی ازل میباشند . اما طنبور که در مثل مورد مطالعه
مذکور شده از آلات موسیقی ایرانی است که امروز به آن
کمانچه میگویند و آن ساز زهی معروفی است که از یک
کاسه و یک دسته و سه یا چهار سیم تشکیل شده و با
کمانه نواخته می شود . اصل لغت طنبور از کلمه هندی
(تونبره) به فارسی و عربی راه یافته و لغت مزبور نام
نوعی کدو بوده که طنبور را از میوه آن می ساخته اند .
- ۶ - قسمتی از این لوح در کتاب جناب اسدالله فاضل
مازندرانی موسم به امر و خلق (لانگهاین : لجنة ملی نشر
آثار ، ۱۹۸۶ م) ج ۲ ، ص ۲۱۹ نقل گردیده است .
- در این لوح " آیات متشابهه " و " حجج غیر بالغه " اشاره
به آیت الله ها و حجة الله ها یعنی علمای اسلام است ،
عبارت " یخربون بیوتهم بایدیهم " قسمتی از آیه شماره ۲
در سوره حشر در قرآن مجید است . برای مطالعه و
شرحی در باره بیت " اذا كان الغراب . . . " به کتاب مأخذ
اشعار در آثار بهائی ج ۱ ، ص ۱۷ ، ۱۸ مراجعه فرمائید .
- ۷ - محمد سعید مبيض ، الحكم والامثال الشعبية في
الديار الشامية (دوحه : دارالشفا ، ۱۹۸۶ م) ، ص ۱۵۵

۸ - انیس فريجة ، معجم الامثال اللبنانية الحديثة (بیروت :

مکتبة لبنان ، ۱۹۹۵ م) ، ص ۲۲۷

۹ - مأخذ شماره ۲ ، ج ۲ ، ص ۸۸۸

۱۰ - شرح احوال جناب ابن ابهر و برادر ایشان که میرزا
عبدالعطوف نام داشته در کتاب موسسه ایادی امرالله
(طهران : موسسه ملی مطبوعات ، ۱۳۰۰ ب) ص ۴۰۲ -
۴۴۹ اثر جناب عبدالعلی علانی مندرج است ، کلمه صنوا
بمعنی دو درختی که از یک ریشه روئیده باشد و یا
دوچاهی که آب هر دو از یک چشمه باشد میباشد (لغت
نامه دهخدا)

فرقدان به معنی دو ستاره درخشان که آن را دو برادران
نیز می گویند وجوزا به معنی دو پیکر و توأمان است .
برای ملاحظه شرح این اصطلاحات به کتاب دکتر ابوالفضل
مصطفی موسوم به فرهنگ اصطلاحات نجومی (طهران :
موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، ۱۳۶۶ هـ ش)
مراجعه فرمائید .

۱۱ - مأخذ شماره ۸ ، ص ۲۶۶

۱۲ - مأخذ شماره ۲ ، ج ۲ ، ص ۷۱۸

ای بندگان جانفشان لبه ابھی محل تبلیغ یارید
و بزم تقدیس برپا کنید . نشر نفحات نماید و اعلام کلمه
فرماید تا محل شامطع نورهدی گردد و منزل شامصد
تقدیس و تقوی . . . » « حضرت عبه لبهار »



چرا آیدیم و چرا میرویم ؟ کجا آیدیم و کجا میرویم ؟

جمال اقدس ابھی میفرماید قولہ تعالیٰ :

"... عہدہا گذشت و قرنہا تمام شد ، هنوز ادراک نمودہ اند کہ از کجا آمدہ اند و کجا میروند و برای چہ آمدہ اند ... " (۱)

مسیر خلقت بشر مانند مسیر قافلہ و یا کاروانی است کہ از اول لا اول در حرکت بودہ و تا آخر لا آخر نیز در حرکت خواہد بود .

مسافرین این کاروان پی در پی میآیند و مدتی در این کاروانسرا یعنی این دنیا توقف کردہ و سپس دیر یا زود روانہ میشوند و میگذرند .

"ما همچو کاروان وجہان کاروانسرا

در کاروانسرا نکند کاروان سرا "

آیا این قافلہ یا کاروان از کجا میآید و آیا کجا میروند ؟ کسانی ہم کہ رفتند و خبر گرفتند بر نکشتند و این راز باقی ماند !

این مدعیان در طلبش بی خبراند

آنها کہ خبر شد خبری باز نیامد

فقط آنچه در حال حاضر برای ما محسوس است وقتی است کہ این کاروان باین کاروانسرا یعنی اینعالم رسیدہ و آنرا می بینیم و احساس میکنیم .

ما ز آغاز و ز انجام جہان بی خبریم

اول و آخر این کھنہ کتاب افتادست

و چون بقیہ مراحل این سیرو سلوک از برای ما قابل درک و رویت نیست لذا از آن غافلیم ، میآنیم و میرویم

روح اللہ ناطق

و این مسیر خلقت را اجباراً طی میکنیم .

اینجا چو نیافتم کسی محرم راز

ز آن در کہ درآمدم برون رفتم باز

ولی آنچه مسلم است و تجربہ ہم نشان میدہد اینست کہ این کاروانسرا جای توقف نیست . موقتی است نہ ابدی ، فانی است نہ باقی ، (از کاروان چہ ماند خاکستری بمنزل) ولی این مسئلہ ایست کہ کمتر بآن توجہ یا تفکر میکنیم ، چند صباحی را درعالم خواب و خیال بہ سُبُحات جلال خوش میداریم و حال فانی را ناظر و اذمال باقی غافلیم .

جمال مبارک میفرماید ، قولہ تعالیٰ :

"... بر ہر ورقی از اوراق دنیا از قلم اعلیٰ اسرار فنا مرقوم و مسطور و درہر صفحہ از صفحات عالم رموز بی ثباتی مشہود و مکتوب ، معذلک باو دل بستہ اند و باو مشغولند و باو مسرورند ... " (۲)

و نیز میفرماید ، قولہ عزّ بیانہ :

"... ان کنتم تریدون الدّیّا و زخرفها یبنی لکم بان تطلبوها فی الاّیام التّی کنتم فی بطون اُمّہاتکم ، لان فی تلك الاّیام فی کلّ ان تقرّبتم الی الدّیّا و تبعدتم عنها ، ان کنتم من العاقلین ، فلما ولدتم و بلغ اشدّکم اذا تبعدتم عن الدّیّا و تقرّبتم الی التراب ... یا قوم قد مضت من اّیامکم اکثرها و ما بقت الاّیام معدودہ اذا دعوا ما اخذتم من عند انفسکم ثمّ خذوا احکام اللّہ بقوۃ لعلّ تصلّون الی ما اراد اللّہ لکم و تکونن من الراشدین .

.. " (۳)

(میفرماید کہ اگر این دنیا را میخواستید بہتر بود در ایامی کہ در بطن مادران خود بودید طلب

میکردید ، زیرا در آن ایام هر روز از آن عالم دورتر میشدید و باین عالم نزدیکتر می گردیدید و حال که متولد شدید هر روز از این عالم دورتر میشوید و بخاک نزدیکتر میگردید)

در یوم رحلت وقتی که مراسم تدفین خاتمه یابد و روی آن محل را برای ابد با خاک و گل بپوشانند و همه چیز تمام شود این جمله بر صفحه ای از صفحات کتاب روزگار نقش می بندد : (پایان فیلمی بنام زندگی !) .

حقیقتا مسیر زندگی هر فردی فیلمی است که دارای يك ممثل و بازیگر اصلی است که همان خود شخص است ، باضافه دارای بازیگران فرعی دیگری هم هست که حسب ظروف زندگی افراد تفاوت می کنند .

بعضی از این فیلمهای زندگی خالی از هر مطلب و فارغ از هر موضوعی است " میآیند و میروند و بکسی هم کاری ندارند " و اثری هم از خود نمیگذارند و تماشاگران هم چیزی از مشاهده آن درک نمی کنند ، ولی فیلمهای دیگر سراسر مطالب و مواضع ووقایعی است که بعضی ایجابی و برخی سلبی میباشد .

از وقتی که این فیلم زندگی شروع میشود تا هنگامی که پایان می یابد با وقایع و حوادث ،داستانها و قصه ها ، تلخی ها و شیرینی ها ، آرزوها و ناکامی ها ، مسرت ها و حسرت ها ، مبارزات و تحدیات ، مسائل و مشاگل و غیره و غیره و هزاران موضوع دیگر برخورد میکند و مواجه میشود .

افراد و اجتماع و وقایع و حوادث مختلف بر روی بازیگر این فیلم اثر خواهند گذاشت و خود این ممثل یا بازیگر نیز بر روی افراد و اجتماع و حوادث اطراف

خود موثر خواهد بود .

بعد این فیلم بالاخره روزی بصورت ظاهر تمام می شود و همه چیز بانتهای میرسد .

ولی برنامه حقیقی فیلم زندگی بر خلاف فیلم های ظاهری باینجا پایان نمی یابد وخاتمه نمی پذیرد ، زیرا این زندگی نهایت قوس نزولی یعنی عالم ناسوت و ابتدای قوس صعودی یعنی عالم ملکوت وعروج بعوالم لایتنهای و ترقی در جمیع آن مراتب است ، البته بصورت ظاهر همه چیز تمام میشود و فراموش میگردد و دیگر اثری از این فیلم و بازیگر آن طی قرون و اعصار در ظاهر باقی نمی ماند ، ولی آنچه باقی میماند وابدی است ، اکتساباتی است که در این دنیا تحصیل نموده و بصورت اندوخته و سرمایه و زاد و توشه همراه خود میبرد و هرچند عظمت و اهمیت عوالم لاتعد و لاتحصای بالا نسبت باین عالم ادنی قابل مقایسه نیست معذلك اهمیت این عالم فانی نسبت بآن عوالم باقی در این است که آنچه لازمه بقا و ارتقاء در آن عوالم است بایستی در این عالم کسب گردد ، در اینعالم است که امکان عروج باعلی درجات و یا خدای نکرده سقوط بادنای درکات فراهم میشود . هرچند که امکان ترقی در آن عوالم هم میسر است ولی دامنه آن بوسعت امکانات این عالم نیست ، ترقی در آن عوالم فقط در محدوده ایست که در این عالم کسب کرده ایم .

برنامه حقیقی فیلمی که از بازی و نمایش زندگی در این دنیا تهیه و ضبط میگردد در آنعالم آشکار و ظاهر میشود و بفرموده حضرت حرم بعضی از این افلام دارای نقاطی خالی و تاریک و برخی پر ماجرا ومملو از حوادث و وقایع است ، آن افلامی که پر ماجرا است

البته برخی ایجابی و بعضی سلبی است که طبق احکام شرعی مکافات اعمال خیریه و مجازات افعال منهیه معلوم و واضح است ، ولی آیا آن افلامی که خالی و یا تاریک است و نمایشی را ضبط نکرده حکمش چیست؟ یعنی چه بسا موقعیت هانی برای کسب اندوخته های معنوی و یا خدمت بامر الهی در اختیار داشته که از دست داده است و از آنها غفلت نموده و ایام و لحظات بهدر رفته و عمر گرانبهای را بدون ثمر باتها رسانده و با دست تهی روانه یوم الحساب میگردد .

جمال قدم میفرمایند ، قوله تعالی :

" ... دنیا عنقریب فانی و معدوم خواهد شد و آنچه از برای دوستان حق باقی و پاینده است خدمتی است که الیوم خالصا لوجه از ایشان ظاهر شود... " (۴) و نیز میفرمایند قوله عزّ بیانه :

" ... لعمرالله آنچه فوت شود ابدأ بر تدارك آن قادرنبوده و نخواهید بود ... " (۵)

و همچنین میفرمایند :

" ... سبحان الله بازهم سبحان الله انسان از برای تکسب در دنیا بچندین اسباب خود را محتاج مشاهده مینماید و جمیع همش بتحصیل آن متوجه و حال آنکه به تغییر و فنایش موقن است و حال از برای عالمی که بدوام ملک و ملکوت باید در آن ساکن شود تدارکی ننموده ، بگو " یا قوم خذ العمل قبل ان یأتی الاجل ... " (۶)

چون سیر این کاروان بدون توقف در جریان بوده و بالاخره روزی طبق میقات محتوم بایستی روانه مراحل بعدی شویم لذا حسب رویه ایکه در کاروانها معمول است ایجاب میکند که در ضمن توقف کوتاهی که در

این کاروانسرا داریم هرچه زودتر و جدی تر بفکر تهیه وسائل سفر و زاد و توشه و مایحتاج لازمه برای ادامه بقیه این سفر شویم و اگر غافل شدیم و پای بند آب و گل گشتیم و یا گرفتار غفل چنگ و شکر خواب صبح کردیدیم بالطبع در مراحل بعدی سفرکه اجباراً درپیش داریم درعذاب و پشیمانی خواهیم بود . این سراناست که البته خلل خواهد یافت

خند آن قوم که در بند سرای دگرند

روزیکه طفل در این دنیا متولد میشود گریان است ، ولی اطرافیانش شادان و خندان ، و یومی که از این دنیا رحلت میکند مسرور و شادمان است ولی اطرافیانش گریان و نالان ، واقعا چرا از مرگ گریانیم و چرا می ترسیم و چرا خود را برای چنین تحوّل آماده نمی کنیم ؟ موت باب رحمت است ، بشارت است ، بشارت به نور است ، تولد ثانی است ، حیات ابدی است ، باب لقاء است ، رجوع باصل است ، صعود از مقام ادنی بمقام اعلی است ، اسراری در آن نهفته است که مستور است .

جمال قدم میفرمایند :

" ... اسرار موت و رجوع مستور بوده و هست ، لعمرالله اگر ظاهر شود بعضی از خوف و حزن هلاک شوند و بعضی بشانی مسرور گردند که در هر آنی از حق جل جلاله موت را طلب نمایند ... " (۷)

و نیز میفرمایند :

" ... نیکوست حال نفسی که بحق راجع شد و برفیق اعلی صعود نمود ، مع حالتی که اهل ملاء اعلی اشتیاق محبت محبوب نمایند ، از برای چنین نفسی نیاید محزون بود... باید از برای نفوسی که در سجن دنیا

مانده اند محزون بود بلکه نوحه و ندبه نمود . . . " (۸)
لذا نفوس مؤمنه مخلصه که برضای محبوب نائل
گشتند از مرک باکی ندارند ، با بازوان فرح و شادی
ابواب زندان را میشکنند و بفضای خوش لایتناهی
جانان پرواز می کنند ، میمیرند و زنده میشوند ، زنده
ابدی میگردند ، فنا میشوند تا بقاء یابند .

جمال مبارك میفرماید :

" . . . مؤمن باقی و حی بوده و خواهد بود و لم یزل و
لایزال طائف حول مشیت الله بوده و اوست باقی
ببقاء الله و دائم بدوام او و ظاهر بظهور او و باطن بامر
او و این مشهود است که اعلی افق بقاء مقرر مؤمنین
بالله و آیات او بوده ابداً فنا بآن مقعد مقدس راه
نجوید . . . " (۹)

اگر بدانیم و بفهمیم که روح انسانی ودیعه الهی است
وامانت اوست که بحکمت های بالغه الهیه دراین جسد
فانی تجلی نموده تا مراحل را در این دنیا طی نموده
و آماده و مهیای ورود بعوالم اخری گردد ، دیگر
اختیار عروج و صعود و رجوع او باراده و مشیت حق
جل جلاله بوده و ما را در آن جز رضا و تسلیم
دخالتی و نظری نباید باشد ، رضایت ما در رضای
اوست و مسرور و ممنون خواهیم بود که امانت حق را
عندالطلب توانستیم تقدیم نمایم و این قالب فانی را
رها نمایم .

و نیز میفرماید :

" . . . مسرور باش حق جل جلاله امین است ، امانت
خود را بروح و ریحان اخذ نمود ، آنچه واقع شد
بمقتضیات حکمت بالغه بوده . . . " (۱۰)
و اما شاید هم جای تعجب باشد که با علم باینکه

یکی از حکمت های بالغه الهیه در تجلی این ودیعه
ربانیه یعنی روح انسانی در این کالبد جسمانی طی
کردن مراحل لازمه و وصول به بلوغ روحانی و آماده
شدن برای عروج به عوالم لایتناهی است ولی معدلک
بعضی در ربیعان جوانی و یا عنفوان طفولیت ازاین
جسد فانی فارغ و به عوالم اخری عروج مینمایند ؟

جمال اقدس ابهی در ضمن بیان مشروحو راجع به
استقلالیت روح انسانی در باره این حالات استثنائی نیز
چنین میفرماید :

" . . . بعضی از فواکه است که بعد از قطع از سدره
لطیف میشوند . . . " (۱۱)

یعنی همانطور که بعضی از میوه ها بعد از جدائی از
درخت بمرحله نضج و لطافت و حلاوت میرسند بهمان
نحو نیز بعضی از ارواح بعد از جدائی ازاین جسد
فانی بمرحله بلوغ و نضج روحانی خواهند رسید .

گر خضر در بحر کشتی را شکست

صد درستی در شکست خضر هست

بالاخره راز خلقت و حکمت موت و رجعت هم مانند
بسیاری از اسرار دیگر وقتی برای ما مکشوف میگردد
که بفرموده مبارك :

" . . . سوف یعرفه القوم اذا طارت الارواح و طوبت
زراعی الافراح ، كذلك یذکرکم من عنده لوح حفیظ "
ولی شاید آنوقت خیلی دیر باشد که بفهمیم " کجا
آمدیم و کجا میرویم ، چرا آمدیم و چرا میرویم !

مراجع

- ۱ - مانده آسمانی جلد ۸ صفحه ۱۱۷
- ۲ - مانده آسمانی جلد ۸ ، صفحه ۱۴۲
- ۳ - منتخبات آثار مبارکه صفحه ۸۸

بقیه در صفحه ۱۳۸

« از جناب هوشمند فتح عظم »

« مهر منیر »

من آن بنفشه با غم که زیر بوته خویش
نگاه کرد بهر جای سایه دید ولیک
ز طاق سبز نبودش رهی بچرخ کبود
ز سقف بوته اگر میچکید قطره نور
بدوخت دیده بر آن نقطه با هزار امید
به جویبار نگه کرد و کز تلاء نور
از آفتاب نشان بود و آفتاب نبود
پس آفتاب کجاست؟ آفتاب چه شد؟
ز عشق دیدن خورشید و بی نصیبی خویش
بخطر خویش سپرد آنچه داشت در دل زار
بنخواند باد صبار بدستگیری خویش
شیمم شوق چو بر درگاه نسیم رسید
بتاخت بر سر بوته شکافت بام و درش

بنفشه سر برآورد و آفتاب بدید
ز تیره خاک غمش گلبن امید مید

چو گشت محو تماشا ز خویش تن پُرسید که این وصال به بیداری یا به خوابی داشت

ز نور و گرمی خورشید جان دیگر یافت
به گونه صد فی کو بسینه گوهر یافت

جهان و آنچه در او بود روح پرور یافت چه روزگار خوش و بخت کامیابی داشت

در بخت دیدن خورشید پایدار نبود
غروب گشت و فرو آمد از سپهر کمبود

نهان شد از نظر عاشقان چه زود چه زود ندانمش که چرا این چنین شتابی داشت

برفت و نور جالش هنوز تابان بود
در آسمان و زمین پر تو اش نمایان بود

بگو سار و در و دشت گوهر فشان بود ز رنگ سرخ شفق آسمان خضابی داشت

و گرنه بودش جز نور پاکگاه امید
که نور بودش هر دم نشانی از خورشید

بهر چه بود در خنده آفتاب دید اگر چه داغی و شمع و ماهتابی داشت

منم که هیچ ندیدم جمال مهر منیر
بنور بنگرم و روی ماه او به ضمیر

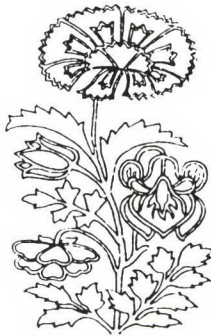
حدیث حاضر غایب مرا بود تقدیر چون مباد کسی کو دل خرابی داشت

ز هجر شکوه نیارم اگر اراده است
که هر چه دوست پسندد بجای دوست بگوست

خوش دلی که بود جلوه گاه حضرت دوست خوش آن کسی که شمیم گل از گلآبی داشت
منم که مبتلای فراقم فراق غیبها
فراق طلعت من طاف حوله الاسماء

همان که مرکز میشتاق بود و سترخ را هم او که در دو جهان فیض بی حسابی داشت
اگر چه هر یک جانم بدوست پیوند است
اگر چه کون و مکان از نشانش آکنده است
هنوز دیده بیدارش آرزومند است دلم هنوز تمنای آفتاب داشت

بهوشمند فتح اعظم
پساکبر ۱۹۹۶



توضیح درباره یک غلط مشهور تاریخی

شاید نشریه " پژوهشنامه " که تا کنون سه شماره از آن بهمت مجله " پیام بهانی " منتشر شده تازه ترین نشریه امری باشد که از یحیی ازل با عنوان " صبح ازل " در دو موضوع یاد کرده و موجبات ضرورت این بررسی را فراهم آورده است .

باری در مقاله بسیار خواندنی و فاضلانه و تحقیقی از جناب دکتر مؤژان مؤمن محقق پرکار و دانشمند بهانی در نشریه پربار " پژوهشنامه " زیر عنوان بی سابقه " نخستین روابط مسیونرهای مسیحی با جوامع بابی و بهانی " (۱) چنین می خوانیم :

" هویت دیگر کروندکان به مسیحیت کمتر مشخص است ، میرزا عبدالخالق که در اسلامبول مسیحی شده بود ممکن است همان میرزا عبدالخالقی باشد که در سالهای بعد در سفارت ایران در اسلامبول کار کرد و واسطه بین میرزا هادی دولت آبادی (۱) در ایران و میرزا یحیی صبح ازل در قبرس بود ... " (پژوهشنامه سال اول شماره اول صفحه ۹۴) و در صفحه بعد چنین آمده است " تردیدی نیست که وقایع سال ۱۸۵۰ و قتل عامی که به دنبال سوء قصد به جان شاه پیش آمد بایان را در هم کوید و آنان را تبدیل به نهضتی مخفی کرد و نیز بخوبی روشن است که بلافاصله پس از سال ۱۸۵۲ جامعه بابی از هم گسیخته و پاره پاره شده بود . بنابراین صرفنظر از جدانی معروف بین حضرت بهاء الله و صبح ازل گروههای دیگری مانند دینانی ها (پیروان میرزا اسدالله دینان) (۱) در آذربایجان و گیلان وجود داشتند ... " (صفحه ۵۹)

از دکتر گیو خاوری

در دائرة المعارف بغایت سودمند و بی نظیر (۴) " فرهنگ لغات منتخبه " تألیف دانشمند ارجمند جناب دکتر ریاض قدیمی نیز لقب " صبح ازل " باین شرح آمده است : [لقب میرزا یحیی است که بایان از بیان حضرت اعلی در شرح جمله حدیث کمیل گرفته اند " نور اشراق من صبح الازل " و یحیی نیز بحساب جمل (ابجد) برابر ازل ۲۸ میباشد (صفحه ۴۴۲ زیر عنوان صبح ازل)] و در همانجا صفحه ۴۴ و ۴۵ چنین میخوانیم : " ازل یعنی قدم - همیشگی - آنچه اول و ابتداء نداشته باشد - زمانی که ابتدا ندارد " ، ازل بحساب جمل (ابجد) برابر ۲۸ و مطابق عدد (یحیی) است و باین جهت حضرت اعلی میرزا یحیی را ازل نامیدند ... " انتهى

از تلفیق آنچه که از " فرهنگ لغات منتخبه " ذیل عنوان " صبح ازل " و " ازل " درج شده بطلان لقب " صبح ازل " برای میرزا یحیی و تأیید لقب " ازل " برای وی مستفاد میشود .

اما سابقه تاریخی عنوان و لقب " صبح ازل " را در کتاب عظیم " کشف الغطا عن حیل الاعداء " که دو علامه شهیر ابوالفضائل و جناب آقا سید مهدی گلپایگانی (۵) آنرا در کشف شبهات و جعلیات (ادوارد براون ناشر کتاب " نقطة الکاف " تألیف فرمودند باید ملاحظه نمود چنانکه مینویسند :

و همچنین ملتفت مابینتی که ما بین این توقیع و مسطورات صفحه ۲۴۳ واقع است باید گردید آنجا که در مقام تطبیق ظهور ازل با فقره پنجم حدیث کمیل " نور اشراق من صبح الازل فیلوح علی هیاکل التوحید

آثاره " میگوید : " این واقعه در سنه پنجم از ظهور حق بود که آن جناب ارض مبارکه اراده کردیدند و حضرت ذکر به سماء مشیت ظاهر شدند " و ایضاً در صفحه (لد) از مقدمه کتاب در باب تسمیه مرآت این معنی را مسلم داشته و لفظ " اشرق " وارده در حدیث را محض تکمیل مقصود بدون دلیل مشهور به " یشرق " تحویل فرموده و کل مخالفت صریح این توقیع است که ازل را ثمره ظاهره در واو معرفی مینماید و ملا رجبعلی قهیر نیز در اثبات رتبه حسینی بجهت مرشد خویش (ازل) چنین تقریر میکند قوله : " و بالجمله آن حضرت (ازل) در سنه واو قمیص نوریت پوشیده چون حرف خامس قرآن در شش ماه بعرصه ظهور آمد " علت اینکه ملا رجبعلی حضرت وحید اکبر را یکی از دو مرآت ظاهره در سنه واو شمرده اینست که ایشان را مظهر اسم یحیی قرار دهد تا رتبه مظهریت اسم حسین (رجعت حسینی) را مخصوص ازل گرداند .

اما در خصوص تسمیه مرآت به صبح ازل گذشته از اینکه در تمام آثار نقطه بیان در باره وی هیچ جا کلمه ازل منضم به صبح دیده نشده گوینوی فرانسوی هم در موقع ذکر وی اسم ازل را مقترن به لفظ صبح نساخته و همین ملا رجبعلی مذکور و ملا جعفر کاشانی مشهور در رسائل خویش او را غیر از حضرت ازل چیزی دیگر ننوشته اند و ازاین معلوم میگردد که تا آن اوقات یعنی تا اعلان دعوت حضرت بهاء الله مرآت را به لقب ازل بلاانضمام به کلمه صبح میخوانده اند زیرا حضرت نقطه اولی کما هوالمعهود من باب تطابق

عدد مکتوب حروف اسم یحیی با ازل وی را در زمان اقبال به این لقب ستوده تا پس از اعراض تطابق آن با لفظ دجال محبوس در جزیره شمال ثابت و محقق گردد (شمال نیز عددا مطابق با قبریس است هرگاه صورت کتبی آنرا که با دو الف نوشته میشود حساب کنند) و در پناه اسم وحید که باعدد منطوق آن مطابق است نگریزد و لکن معاندین امرالله محض تاریک کردن معنی کلمه " صبح " را از بعد بدان بسته اند و یکی از علانم محرف و مجعول بودن کتاب نقطة الکاف همین مسئله است که در آن بر خلاف مؤلفین دوره اولی پیوسته از مرآت معلوم به صبح ازل تعبیر مینماید و ما در پایان کلام حدیث کمیل را که حضرت نقطه اولی در " دلایل سبعه " تفسیر و هر فقره از آنرا به واقعه از وقایع سنین ظهور تطبیق فرموده اند با سرها نقل مینمایم تا ارباب عقول مستقیمه و اذواق سلیمه مشاهده کنند که معرضین امر حضرت رب العالمین کلمات محکمه الهیه را چگونه از مواضع خود تحریف و به آراء باطله خویش تاویل کرده و آنرا بر رد منزل آیات دلیل آورده اند قوله جل برهانه " و نظر نموده در اجوبه مرفوعین قبلین (جناب شیخ احمد احسانی و سید کاظم رشتی) یقین مینمائی بر اینکه ظهور موعود منتظر همان ظهور حقیقت مسنول عنه است که در حدیث کمیل دیده ای در سنه اول کشف سبحات الجلال من غیر اشاره ببین و در ثانی به محالوهموم و صحوالمعلوم و در ثالث هتک الستر لغلبة السر و در رابع جذب الاحدیة لصفة التوحید و در خامس نور اشرق من صبح الازل علی هیاکل التوحید ، به بین نور مشرق از صبح ازل را خواهی دید اگر خود هارب نگردی و

مضطرب نشوی نظر کن در دعای سحر از حضرت باقر ۴ که اول آن اینست اللهم انی اسئلك من بهانك با بهاه و كل بهانك بهی اللهم انی اسئلك ببهانك كله که این فقره اشاره به رسول الله و ثانی در مقام امیرالمؤمنین تا آنکه برتبه خامس که میرسی که ذکر نور میکنی که آن مقام سیدالشهداست زیرا که در نور مقامی است مثل مصباح که خود را میسوزاند از برای استضائه دیگران زیرا که در نور هیچ جهت انیت باقی نمی ماند چنانچه اگر زنده هستی خواهی دید انوار این ظهور را که خود بنفسه از انیت نفس خود میکذرد از برای اقامه توحید خداوند و اوامر و نواهی آن ، انتهى .

از سوق این بیانات عالیات بصراحت مستفاد میگردد که مقصود از تطبیق فقره پنجم نور اشرق من صبح الازل علی هیاکل التوحید باسنه خامسه از ظهور اشاره بطلوع صبح فدا است در این سنه که واقعه قلعه طبرسی بوقوع پیوست و مقدمات شهادت آنحضرت نیز شروع گردید و جناب باب الباب و اصحاب آن بزرگوار که انوار این صبح نوارند از انیت نفس خویش برای اقامه توحید خداوند و اوامر و نواهی او گذشتند و بجانبازی خط نسخ بر طومار شهدای اولین و آخرین کشیدند و ازل را قطع نظر از اینکه وی ثمره ظاهره در واو (سنه شش) است مطلقا از این جام شربتی و در این خوان شراکتی نیست و حافظ تن و جان را در کوی جانبازان گذری نه و مخصوصا حضرت نقطه اولی جل ذکره الاعلی در کتاب اسماء در باب چهاردهم از واحد دهم فی معرفه اسم الازل باینکه نور مشرق از صبح ازل نور اول من آمن بالله است و صبح ازل عبارت

از اول من قد اصطفاه الله و شمس ازل ذات حضرت نقطه اولی تصریح میفرمایند ما هذانصه « قل ان نورالذی یشرق من صبح الازل و كل به یخلقون ذلك نور قد اشرق ممن آمن من قبل كل شیئی بالله كذلك یریكم الله حقانق معارفكم بعینکم لعلمکم فی موهوماتکم من بعد لا تنطقون قل ان نقطة الاولى شمس الازل و ان ضیاء الصبح من شمس الازل ان انتم تعلمون ذلك اول من قد اصطفاه الله لنفسه و كل به یخلقون » انتهى پس از جمله این ادله و براهین مکشوف گردید که اطلاق صبح ازل بر مرآت جعل صرف است و نسبت ظهور وی بسنه خامسه کذب محض و مقصود مفتترین آنکه برای ازل مقام سیدالشهدائی ثابت کنند و او را حسین بعدالقائم بقلم دهند غافل از اینکه اسم بی رسم مانند سراپست و نقش بر آب .

گیرم که مارچوبه کند تن بشکل مار

کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست

صفحات ۲۶۸ تا ۲۷۲

معهد اقوم اعلی نیز طی رقیمه شریفه مورخه ۱۲ شهرالبهاء ۱۵۴ منضم به نظریه دانه مطالعه نصوص و الواح مبارکه در بند ۵ آن نظریه در پاسخ سنوالات راقم این سطور نادرستی عنوان صبح ازل را برای میرزا یحیی تائید فرموده و عنوان او را به « ازل » منحصر دانسته اند . (۶)

در کتاب مستطاب ایقان نیز در یک موضع از حدیث کمیل و صبح ازل مذکور در آن یاد شده و زمان نزول کتاب ایقان و دوره نقطه بیان را به صبح ازلی متصف داشته اند قوله الاحلی « . . . ای عزیز در این صبح ازلی که انوار الله نور السموات و الارض عالم را

احاطه نموده و سرازق عصمت و حفظ و یا بی الله الا ان یتّم نوره مرتفع گشته " (کتاب مستطاب ایقان چاپ ۱۹۰۰ (مطبعه موسوعات مصر) و در صفحه ۸۲ میفرمایند : " . . . جمیع اشیاء حاکی از اسماء و صفات الهیه هستند . . . بقسمی که احاطه کرده است ظهورات صفائیّه و اسمائیّه همه غیب و شهود را اینست که میفرماید . . . و در روایت کمیل نور اشراق من صبح الازل فیلوح علی هیاکل التوحید آثاره- " علامه بهانی جناب اشراق خاوری در این زمینه ذیل عنوان " آقا سید یحیی که وحید عصر و فرید زمان . . . " چنین مینویسند : " مقصود جناب سید یحیی دارابی پسر حاجی سید جعفر کشفی است و حضرت ربّ اعلیّ جلّ ذکره لقب وحید را از راه تطابق عدد حروفش که بیست و هشت است با کلمه یحیی که نام اوست به مشارالیه عنایت فرمودند و او را وحید اکبر نامیدند و در الواح جمال قدم جلّ جلاله نیز او را به وحید اکبر تعبیر فرموده اند و یحیی ازل نیز لقب وحید دارد که حضرت اعلیّ جلّ ذکره باو عنایت فرموده اند او را اسم الوحید نامیده اند و لقب ازل را که عددش سی و هشت است از راه تطبیق، عدد حروف یحیی در صورتیکه سه حرف یاء برای آن منظور شود بمشارالیه داده اند و او معروف به ازل و صبح ازل شده است ولی کلمه " صبح " را من در توقیعات مبارکه ندیده ام شاید پیروانش اضافه کرده اند . . . " (قاموس ایقان صفحه ۱۸۲۰ جلد چهارم) و در جلد دوم همان قاموس صفحه ۷۸۱ ذیل " روایت کمیل " چنین میخوانیم : (مقصود حدیثی است که کمیل بن زیاد نخعی از حضرت امیرع

روایت کرده است و این حدیث بسیار مشهور و معروف است . مرحوم مجلسی در بحارالانوار از کمیل بن زیاد احادیث متعدده روایت کرده که از حضرت امیرع نقل شده و راوی آنجمله کمیل بن زیاد است . صاحب سفینه البحار در ذیل لفظ کمیل راجع به کمیل مطالبی نوشته که خلاصه آن بفارسی اینست " ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه فرموده که کمیل از صحابه و شیعیان حضرت علی ع و از خواص آن بزرگوار بود و حجاج بن یوسف ثقفی که قاتل شیعیان علی بود کمیل را نیز بجرم محبت علی ع مقتول ساخت کمیل گاهی از جانب حضرت امیرع به امارت و حکومت بعضی نقاط منصوب میشد و لکن مردی ضعیف الاراده بود و اغلب لشکریان معاویه به قلمرو حکومت او دست اندازی می کردند و قتل و غارت مینمودند ولی او حال آنرا نداشت که ممانعت کند . . . " . . . کمیل دعای مشهور به دعای کمیل را از حضرت امیرع روایت فرموده است . . . حضرت امیرع از قبل باو خبر داده بود که بدست حجاج کشته خواهد شد . . صاحب ارشاد القلوب میگوید که کمیل بن زیاد گفت شبی در خدمت حضرت امیرع از مسجد کوفه خارج شدیم و بطرف خانه آن حضرت براه افتادیم شب از نیمه گذشته بود در بین راه آواز مردی را شنیدم که با صورتی حزین و مؤثر قرآن میخواند و این آیه را قرائت می کرد " امن هو قانت آناء اللیل . . . " پیش خود گفتم خوشا بحال این مرد ناکهان امیر المؤمنین بمن فرمودند ای کمیل فریب ظاهر احوال را مخور همانا این مرد از اهل دوزخ است و عنقریب خواهی دانست ، کمیل گفت مدتی بر آمد و خوارچ از اطاعت

علی ع سر باز زدند و در آن حضرت در نهروان و با خوارج مصاف دادند و جمعی به شمشیر آن حضرت بقتل رسیدند در میدان جنگ حضرت امیر شمشیرش را که خون از آن می چکید در دست داشت و من در خدمتش بودم یکایک مقتولین نهروان را بازدید میفرمودند و ناگهان شمشیر خود را بکلوی یکی از مقتولین نهاد و رو بمن کرده فرمود یا کمیل امن هو قانت انا، اللیل . . . و من دانستم که این همان شخص بود که آن شب صدای قرائت او را شنیدم . . . انتهی در باره احادیث وارده از طرف کمیل بین علمای شیعه اختلاف است و بعضی از احادیث او را قبول ندارند ولی جم غفیری از علماء احادیث او را بدیده قبول مینگرند از جمله احادیث مرویه از طریق کمیل حدیث حقیقت است که میگوید از حضرت امیر ع در باره حقیقت پرسیدم و عرض کردم یا مولای ما الحقیقة ای آقای من حقیقت چیست فرمود " مالک و الحقیقة " تو را با حقیقت چکار است عرض کردم " او لست صاحب سَرک " آیا من از اصحاب سَر تو نیستم فرمود " بلی ولكن یرشح علیک ما یطفح منی " آنچه از علم و دانش من لبریز میشود رشحی و قطره ای از آن بتو میرسد عرض کردم " او مثلك یحیی سائلا " آیا مانند تونی هرگز سائلی را نا امید میگرداند فرمود " الحقیقة کشف سُبُحات الجلال من غیر اشاره " حقیقت آنستکه سُبُحات جلال و حجب صفات را در هم به پیچی و ذات نامحدود را ناظر شوی . کمیل گفت " زدنی بیاناً " مطلب را بیشتر فرما حضرت فرمود " محو الموهوم مع صحو المعلوم " موهوم را محو نما و به حضرت معلوم نظر کن کمیل گفت زدنی بیاناً مطلب را بیشتر تشریح

فرما " هتک و الستر لغلبة السَر " حقیقت آنست که چون کسی بر اسرارش غلبه کند هر سَر و حجاب را خرق نمایدگفتم " زدنی بیاناً " " جذب الاحدیة لصفة التوحید " صفت توحید چون عارف را به مقام احدیت کشاند حقیقت آشکار شودعرض کردم باز مطلب را واضحتر بیان فرما فرمود نور " یشرق من صبح الازل فیلوح علی هیاکل التوحید آثاره " یعنی حقیقت عبارت از نوری است که از حضرت غیب الغیوب بر مرایای قلوب صافیه و هیاکل مقدسه توحید یعنی مظاهر الهیه میتابد و آثار غیب هویت از آن هیاکل مقدسه آشکار میشود عرض کردم " زدنی بیاناً " فرمود " اطف السراج فقد طلع الصبح " یعنی چراغ دلیل و برهان را خاموش کن و از بیان در گذر که شمس حقیقت در کمال وضوح در مقابل دیدگان تو واضح و صبح هدایت درخشید .

این حدیث را مرحوم فیض در کلمات مکنونه و شیخ اکبر در شرح الزیارة و جوامع الکلم و ابن ابی جمهور احسانی در کتاب المجلی و مرحوم فیض در عین الیقین و سایر عرفا و صوفیه در کتب مهمه خود نقل کرده اند و جمال قدم جلّ جلاله در ایقان مبارک در ضمن تشریح مقام عظیم مظاهر مقدسه الهیه یک جمله از این حدیث را نقل فرموده اند .

در بیانات ائمه اطهار ع در باره مقام مظاهر امرالله و مهابط الهام بیانات کثیره وارد شده است مرحوم فیض کاشانی در کلمات مکنونه چند فقره از این اخبار را ذکر فرموده قوله علیه الرحمة : " روی عن امیرالمؤمنین ع انه قال نزلونا عن الربوبية ثم قولوا فی حقنا ما استطعتم فان البحر لا یرف و سَر الغیب لا یرف و کلمة الله لا توصف و عنه علیه السلام نحن اسرار الله المودعة فی

هیاکل البشریة " انتهى و این بیان مبارک شرح آن بیانی است که به کمیل فرمود " نور اشرق من صبح الازل الخ " و حضرت صادق ع فرمود " اجعلوا لنا رباً نوول الیه ثم قولوا فی فضلنا ما شئتم " که فیض مرحوم در کلمات و سایر علماء در کتب معتبره نقل فرموده اند و شیخ رجب البرسی در " مشارق الانوار " از حضرت امیر روایت کرده که فرمودند " ظاهری امامة و باطنی غیب لا یدرک " (ص ۸۲) از این قبیل روایات بسیار است [(قاموس جلد ۲ صفحه ۷۸۱ - ۷۸۵)] همه آیات و احادیث چنانکه گذشت نور مشرق از صبح ازل را به مظاهر الهی اطلاق میکنند که یحیی ازل محلی از اعراب در آن میان ندارد و هکذا صبح ازل .

یادداشتها

۱ - در شماره اول سال اول " پژوهشنامه " این مقاله جناب دکتر موژان مومن بوسیله جناب کیومرث مظلوم بفارسی روانی ترجمه شده است در واقع این مقاله در حکم رساله ایست حاوی ۸۸ فقره یادداشت و توضیحات و متجاوز از هشت صفحه کتابشناسی که محل درج اصل مقاله به انگلیسی معلوم نیست حال آنکه قاعده بر اینست که از مآخذ مزبور نیز نام برده شود و اگر مقاله اختصاصاً برای " پژوهشنامه " تهیه شده باشد تا ترجمه فارسی آن درج گردد تذکر این معنی ضرورت داشته است .

۲ - هادی دولت آبادی از ملاهای اصفهان بوده که بابی و ازلی گردید حتی میرزا یحیی (ازل) وی را جانشین خود معین نمود ولی نامبرده قبل از ازل به جحیم اسفل رجوع نمود . در انظار مسلمین تقیه میکرد حتی بر منبر به حضرت رب اعلی و حضرت بهاء الله و یحیی ازل سب و لعن مینمود ولی در خفا خود را بابی و ازلی میدانست و علیه امرالله و حضرت بهاء الله دسیسه ها میکرد (فرهنگ لغات منتخبه صفحه ۱۰۵۵)

۳ - دیان : قاضی - قهار - جزا و پاداش دهنده - بحساب رستنده - از اسماء الله است ، لقب اعطانی حضرت رب اعلی به جناب سید اسدالله خوئی است دیان و اسد هر کدام حساب جمل (اجد) مساوی ۶۵ میباشد . نامبرده

در زمان اقامت حضرت اعلی در حبس چهریق مومن شد و به حرف ثالث مومن به من یتظهره الله مخاطب گشت و بشرف ایمان به معبود اهل امکان در بغداد فائز و در همانجا بدستور میرزا یحیی (ازل) بدست محمد نامی ازلی شهید شد (مآخذ قبل صفحه ۲۱۱)

۴ - فرهنگ لغات منتخبه که اولین دائرة المعارف بهائی است از آنجا که بعداً نیز تالیفی مشابه آن صورت نگرفته است حقیقتاً میتواند به صفت بی نظیر متصف گردد که متأسفانه علی رغم نایابی هنوز به نشر سوم خود نرسیده است .

۵ - جناب آقا سید مهدی کلپایگانی از فضلاء و مبلغین مشهور امر میباشند در ۱۲۸۰ در کلپایگان متولد شدند . در اصفهان بوسیله جناب حاج میرزا حیدرعلی مومن شدند . بعد از صعود حضرت بهاء الله بشرف زیارت حضرت عبدالبهاء فائز و بعد از ده ماه مأمور عشق آباد گشتند و در آنجا به تبلیغ و تدریس و تحریر و تالیف مشغول گردیده صعودشان در ۱۲۲۵ هـ ق واقع شد از آثار ایشان کشف الغطاء - بهائیت و سوسیالیزم - دین از نظر علم و عقل - یک رساله استدلالیه و دهها مقاله در مجله خورشید خاور است (مآخذ ردیف ۲ صفحه ۹۴۵) - کشف الغطاء در ۴۳۸ صفحه تدوین شده و بموجب مقدمه ای که جناب آقا سید مهدی کلپایگانی بر آن افزوده اند ۱۲۲ صفحه آن بقلم جناب ابوالفضائل تحریر یافته بود که صعود ایشان واقع شد سپس جناب آقا سید مهدی آن کتاب را به اتمام رساندند و چنانکه در پایان آن تصریح میکنند در ۱۹ ربی الآخر سنه ۱۲۲۲ هـ ق در طهران از تالیف آن فراغت یافتند و در رمضان سنه ۱۲۲۴ در مرو شاه جهان به تسوید و تنقیح آن پایان دادند .

۶ - نظریه دائره نصوص و الواح مبارکه در این خصوص چنین است : [در صفحه ۲۲۴ کتاب مستطاب اقدس (نشر بیت العدل اعظم) از میرزا یحیی به عنوان " صبح ازل " یاد نشده بلکه چنین مذکور گردیده است که آیه " یا مطلع الاعراض . . . " در کتاب مستطاب اقدس " اشاره به میرزا یحیی معروف به صبح ازل . . . " است حضرت ولی عزیز امرالله در باره میرزا یحیی در کتاب قرن بدیع (صفحه ۲۴۱) چنین میفرماید که او " خود را رکن اعظم و وصی مسلم حضرت باب میشمرد و به القاب پر صوت وصیت " مرآة الازلیه " و " صبح ازل " و " اسم الازل " فخر و مباهات مینمود . . . " وجه تلقب میرزا یحیی به " صبح ازل " بزعم باطل او و پیروانش مبتنی بر فقره ای از حدیث کمیل است که حضرت رب اعلی قسمتی از آنرا به شرح ذیل در کتاب دلائل سبعة (طبع بایه صفحه ۵۸) نقل فرموده اند : " نور اشرق من صبح الازل علی هیاکل التوحید به بین و نور مشرق از صبح ازل را خواهی دید اگر خود هارب نکردی و مضطرب نشوی . . . "]

زیارت اولین شاهزاده خانم از مرقد مبارک

تهیه و تنظیم از خادم محترم مرقد مبارک جناب حسن
علانی

فرستنده خانم ژاله ویکتوری

از اتومبیل پیاده شدند و مورد استقبال گرم و بی
سابقه حدود ۵۰ نفر مستقبلین قرار گرفتند. لحظه ای
عجیب و منظره ای غریب بود .



روز سه شنبه پنجم ماه می ۱۹۹۸ در محوطه مرقد
مبارک حضرت ولی محبوب امرالله جوش و خروش
عجیبی جریان داشت ، عده ای از احباء مقیم
انگلستان ، جمعی از اعضای محافل ملیه ترینیداد ،
آرژانتین ، ژاپن ، لهستان و پرو در مراجعت از
کانونشن بین المللی حیفاشاد و مسرور در مرقد مبارک
اجتماع کرده منتظر ملاقات شاهزاده خانم ساموا دقیقه
شماری می کردند .

ساعت ۱۱ بامداد اتومبیل حامل ایشان و ۶ نفر اعضا
محفل ملی ساموا در مقابل دفتر زائرین مقام مبارک
توقف کرده و شاهزاده خانم ساموا Tooa Tosi Malietoa
به مجرد اینکه شاهزاده خانم از اتومبیل پیاده شد یک
حلقه گل زیبا حاوی ۲۷ شاخه گل سفید و قرمز
رمزی از مضرب ۲ برابر ۹ به گردن ایشان آویخته
شد و دوربین های عکاسی و فیلمبرداری بکار افتاد و
هر لحظه فلاش دوربین های عکاسی فضا را روشن و

نورانی ساخت ، در این هنگام احبانی که بی صبرانه در انتظار ملاقات شاهزاده خانم ساموآ بودند بایشان نزدیک شده و دور ایشان حلقه زدند به نحویکه شاهزاده خانم چون نگین الماس در حلقه انگشتر میان مستقبلین قرار گرفت و صدای الله ابهی در فضا طنین انداز گردید .

شاهزاده خانم همواره با لبخند ملیح که حاکی از شادمانی و رضایت خاطر ایشان بود به احساسات قلبی و عواطف درونی یاران الهی پاسخ میداد .

احباء حاضر غرق شادی و مسرت بودند زیرا با چشم خود می دیدند که شاهزاده ای دانا و زیبا به آستان مرقد مبارک مولای اهل بهاء آمده است .

لحظاتی چند این مراسم هیجان انگیز بطول انجامید سپس شاهزاده خانم ساموآ و همراهان و مستقبلین آهسته و آرام و با وقار و احترام به محوطه مقام مبارک نزدیک و به مرقد مبارک مشرف شدند . در مدخل ورودی قسمت فوقانی مرقد مبارک یک سبد گل بسیار زیبا اهدانی احباء ستمدیده ایران که بمناسبت نهم عید سعید رضوان سلطان اعیاد اهل بهاء تقدیم شده بود قرار داشت . روی آن گل بسیار قشنگ یک کارت سفید دیده میشد که با مرکب سیاه و خط زیبا به دو زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده بود (تقدیمی یاران مهد امرالله به مرقد مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا لرمسه الاطهر الفداء) این گل های زیبا یاد جانبازی و فداکاری عزیزان جان بر کف ایران را در خاطره ها زنده نمود .

جمعیت بقدری زیاد بود که عده ای برگردمرقد مبارک اجتماع کرده و جمعی هم در مسیر و مقام مبارک ایستاده بودند .

یک مناجات به زبان فارسی و یک مناجات به زبان انگلیسی تلاوت شد . هر چند مراسم دعا و مناجات بسیار ساده بود ولی در نهایت ابهت و جلال انجام گرفت . سپس چند لحظه سکوت مطلق فضای مقام مبارک را فرا گرفت تا زائرین با مولای عزیز خود در عوالم تنهانی به راز و نیاز پردازند .

در چنین حالت روحانی شاهزاده خانم ساموآ که حلقه گل زیبایی در گردن داشت ، خاضعانه بعلمت احترام از گردن باز و با دو دست خود در نهایت وقار و احترام تقدیم مرقد مبارک نمود و محوطه زیارتگاه را ترك و بطرف سالن نماز خانه قبرستان براه افتاد در نیمه راه افراد زیر از شاهزاده خانم ساموآ استقبال کردند ، رئیس و مالک قبرستان Mr. Barry Evens ، کشیش جامعه مسیحیان REV. Raymond Tayler ، حاخام کلیمی هاRabbaï Katz دو شخصیت عالیمقام مذهبی فوق مرتبا در مراسم به خاک سپاری متصاعدین مسیحی وکلیمی در این قبرستان عهده دار انجام مراسم مذهبی میباشند و بدین مناسبت از شاهزاده خانم استقبال نمودند و باتفاق از نمازخانه قبرستان بازدید بعمل آوردند . در داخل نمازخانه رئیس قبرستان توضیح داد که روز نهم نوامبر ۱۹۵۷ مراسم دعا و مناجات و صلات مخصوص اهل بهاء برای حضرت شوقی افندی در این محل انجام گرفته است سپس شاهزاده خانم ساموآ از تغییراتی که در خارج نمازخانه صورت گرفته دیدن کردند . در تمام طول مدت بازدید آقای باری ایونس توضیحات لازم را با نهایت احترام به اطلاع شاهزاده خانم ساموآ رساندند . شاهزاده خانم بعدا به دفتر زائرین مقام مبارک تشریف برده و در دفتر زائرین چنین نوشتند :

« از محبت شما بسیار متشکرم »

در این محل از ایشان و همراهان و مستقبلین پذیرانی بعمل آمد . در حالیکه عموم احباء بعشق زیارت شاهزاده خانم ساموآ در دفتر مقام و محوطه خارج جمع بودند ایشان آهسته و آرام برخاستند و مجدداً تنها بزیارت مرقد مولای عزیز شتافتند و به راز و نیاز پرداختند . ساعت ۲ بعدازظهر باتفاق همراهان با سرور فراوان و تشکر از مستقبلین محوطه مقام مبارک را ترک کرده و یک روز با شکوه تاریخی با یک خاطره فراموش نشدنی در دفتر زندگی مرقد محبوب القلوب اهل بهاء بیادگار گذاشتند شاهزاده خانم ساموآ در طول مدت سه ساعت توقف

در مقام مبارک هدایای زیر را دریافت کردند :

- ۱ - یک جلد کتاب تاریخ ادیان چاپ سال ۱۹۹۱ که ۱۲ صفحه مطالب آن با عکسهای جالب رنگی در باره امر مبارک با صحت کامل چاپ شده است توسط دو فرزند مدیریت قبرستان ریچارد وجیمز Evens.
- ۲ - یک جلد کتاب علیا روحی زادگان حاوی شرح حال ده ها تن خانم های شهید شهر شیراز توسط مؤلف کتاب .
- ۳ - یک قطعه عکس رنگی مرقد مبارک در قاب بسیار زیبا توسط خادمان مرقد مبارک ، خبر و عکس این زیارت تاریخی شاهزاده خانم ساموآ در اختیار جراند محلی گذارده شد.



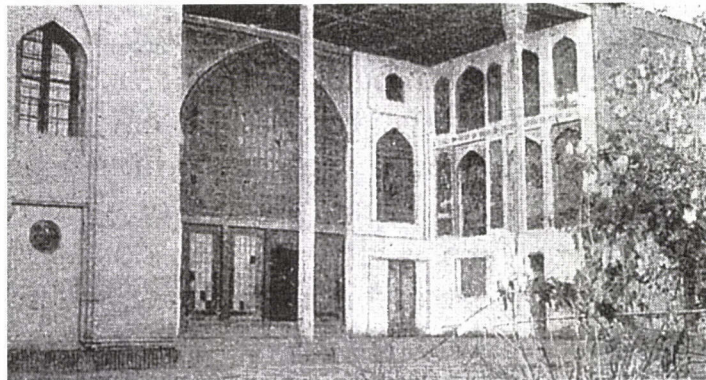
منوچهر خان معتمد الدوله وزیر با تدبیر محمد شاه قاجار

بقیه از شماره ۶۵ مجله عندلیب صفحه ۲۵

باری یکی دو روز اول ورود حضرت ربّ اعلی با امام جمعه صحبت از مواضع مختلف فرمودند تا آن که امام جمعه از حالات و نورات حضرت ربّ اعلی به حیرت افتاده احترامش بیشتر گردید . پس از آن خواهش تفسیر سوره والعصر که یکی از کوچکترین سوره قرآن است نمود . حضرت ربّ اعلی لوازم تحریر طلبیدند و در حضور امام جمعه و سایر علمای اعلام اصفهان که در منزل امام جمعه دعوت شده بودند تفسیری جامع از سوره والعصر با سرعت فوق العاده قلم نازل و حین تحریر با صدای ملیح آیات نازله را تلاوت فرمودند بطوری که امام جمعه و سایرین را تحت تاثیر قرار داد

از محبت الله سبحانه

سرعت قلم و بدون اشتباه در میان جمعی از روحانیون و شخص امام جمعه نازل کند و این خود کار بسیار خارق العاده ای است . این تفسیر به حجمی در حدود یک سوم قرآن کریم نازل شده است . در آن روزها احترام و تعظیم نسبت به حضرت ربّ اعلی در میان مردم و طبقات مختلف تجار و اکثر بزرگان اصفهان زیاد شده بود که هنگام مراجعت از حمام عمومی در روز جمعه اهالی اصفهان به حمام مزبور جهت جمع آوری و تبرک بردن آب آن حمله کرده و با علاقه زیاد و سر و صدای بلند بر یکدیگر جهت بردن آب حمام برای سلامتی خود و فامیلشان سبقت می گزیدند . امام جمعه شخصا به انجام خدمات حضرت باب اقدام می کرد ، حتی آفتابه لگن را از دست نوکر خویش می گرفت و آب بدستهای مبارک حضرت اعلی می ریخت و با این کار اظهار عبودیت می کرد .



نمای داخلی خانه معتمد الدوله در اصفهان

شهرت حضرت اعلی در سراسر شهر اصفهان باعث آن شد که اهالی از هر طبقه و کسب و کار و مقام جهت زیارت آن طلعت منیر به خانه امام جمعه آمده آرزوی دیدار آن هیکل صمدانی و نورانی کنند . دیری نگذشت که جناب منوچهر خان به زیارت حضرتش نائل گشت . در دارالحکومه به افتخار حضرت اعلی

و آنان را به تمجید و احترام زیاد نسبت به حضرت اعلی وادار ساخت . در این مجلس ملا محمد تقی هراتی که یکی از علمای معروف از جایش برخاست و لباده مبارک حضرت اعلی را بوسه زد و گفت که تا بحال در تاریخ اسلام هیچ کس نتوانسته است تفسیری به این زیبایی از سوره والعصر با صدای بلند و

ضیافتی ترتیب داد و نهایت پذیرانی از آن حضرت را بعمل آورد . در این ضیافت از مظالم حسین خان حاکم فارس بر بستگان حضرت اعلی واقف شد و نامه ای را با چاپار مخصوص به حسین خان در شیراز فرستاد که از ظلم دستش را کوتاه کند . در حین ملاقات که با حضور جمعی از روحانیون اصفهان بود از حضور حضرت ربّ اعلی تقاضای تفسیر و شرح بر اثبات نبوت خاصه رسول اکرم را نمود .

حضرت ربّ اعلی فرمودند که این شرح را شفاها می خواهید یا کتبا؟ جناب معتمد عرض کرد کتبا . مدت دو ساعت با شرحی بلیغ متجاوز از ۵۰ صفحه « اثبات نبوت خاصه را مرقوم و در حین تحریر با صدای ملیح آیات نازله را تلاوت می فرمودند . چون منوچهر خان سرعت سریان بنان و جریان بیان مبارک را دید و به معانی و استدلال آن به دقت ملاحظه کرد فوق العاده منجذب گشت .

به زودی اخبار مربوط به این جلسه و شهرت و عظمت حضرت ربّ اعلی به سراسر ایران مخصوصاً پایتخت (طهران) رسید و موجب ضوضای عوام بتحریرک علمای صوری شد . لذا نامه های شکایت به محمد شاه نوشتند ، حاجی میرزا آقاسی از ترس ملاقات شاه با حضرت اعلی و خوف از جاه و مقام خود نامه ای به امام جمعه نوشت و او را سرزنش از مهربانی و پذیرانی حضرت اعلی نمود .

منوچهر خان چون از اینگونه دسیسه ها اطلاع حاصل نمود روزی عده ای از علما را برای ملاقات و مذاکره با حضرت اعلی دعوت نمود در مجلس مزبور حضرت اعلی جواب کافی به سنوالات علما دادند . بعد از پایان

جلسه منوچهر خان نسبت به حفاظت و سلامتی حضرت اعلی در منزل امام جمعه نگران شد لذا تصمیم گرفت که حضرت اعلی را در منزل خود که مقام امنی بود پذیرانی نماید بامام جمعه گفت که محمد شاه حضرت باب را بطهران خواسته و از نظر حفاظت خود باید عهده دار این مهم شود .

پس از چهل روز اقامت در منزل امام جمعه حضرت اعلی را به عمارت خورشید که منزل منوچهر خان بود تغییر منزل دادند . این احترام و توجه منوچهر خان نسبت به حضرت اعلی باعث حسادت و عناد علمای سوء و قشریون گردید و حکم به قتل حضرت ربّ اعلی را با مهر و امضای قریب هفتاد نفر از علمای اصفهان دادند . وقتی که جناب معتمدالدوله از این حکم آگاهی یافت به فوریت نقشه ای جهت خنثی کردن آن حکم به اجراء گذاشت . بدین طریق که حضرت اعلی را با متجاوز از پانصد سرباز در خیابان ها و بازار اصفهان سوار بر اسب گردانند و به طرف طهران (جاده مورچه خورت) روانه کردند و قرار شد در هر فرسنگی (۶ کیلومتر) صد نفر سوار بطرف اصفهان برگردند و به صد نفر آخر دستور داد که در هر میدان (۱/۵ کیلومتر) دسته های ۲۰ نفری به طرف اصفهان برگردند ، ده نفر از دسته آخر جهت تحصیل مالیات بطرف اردستان بروند و به ده نفر آخر که سواران و کاردهای مورد اعتماد شخص معتمدالدوله بودند دستور داد که از بیراهه حضرت اعلی را به شهر اصفهان عودت داده و قبل از طلوع آفتاب روز بعد حضرت اعلی را مراجعت دهند ، جناب معتمد حضرت اعلی را به عمارتی که منزل شخصی معتمدالدوله بود از

درب کنار عمارت به اندرون دعوت فرمودند . در این منزل جناب منوچهر خان خدمات حضرت ربّ اعلی را شخصا به عهده گرفته و حتّی غلامان و خُدام منزل را از حضور حضرت ربّ اعلی جهت حفاظت حضرتشان ممنوع کرد . منوچهر خان بنفسه ، حفظ و حراست و اظهار عبودیت و ارادت در محضر مبارک قیام نمود و پس از چند روزی چنان شده بود که چون از دارالحکومه به خلوت سرا می رفت یکسر به حضور حضرت ربّ اعلی می شتافت و بی اجازه جلوس نمی کرد .

در این مدت جناب معتمدالدوله با ابرام و الحاح دختری بنام فاطمه (۱۱) را از خانواده ملاحسین روضه خوان اصفهانی بحباله نکاح حضرت نقطه اولی در آورد و جز معتمدالدوله و محارم او و معدودی از احباب کسی حضور مبارک نمی رسید . حضرت عبدالیهاء در لوحی منوچهر خان معتمدالدوله را شمس الوزراء و تاج الوزراء خطاب فرموده اند . این ها القابی بود که محمد شاه جهت خدمات به منوچهر خان داده بود . در لوحی دیگر چنین می فرمایند :

" . . . در زمانی که حضرت اعلی روحی له الفدا در اصفهان تشریف داشتند و حضرات علماء علم طغیان برافراشتند مرحوم مغفور معتمدالدوله منوچهر خان چند روز حفاظت آن حضرت فرمودند و ستایش کردند و حال بدقت ملاحظه نمایند که آن وزارت و دولت و مکت و ثروت و شکوه کلّ بباد رفت و زحمات و مشقّات به هدر داده شد و اثری باقی نماند مگر این همت و خدمت جزئیّه چون به آستان احدیت بود در دیوان الهی ثبت شد و آثار نورانیت در افق عزّت

سرمدی واضح و روشن و عیان در جهان ملکوت مستوی بر سریر بزرگواریست و در عالم ناسوت نام مبارکش در جهان کیهان باقی و برقرار . . . "

شبی جناب معتمدالدوله خدام خلوت را از خانه مرخص نمود و با کمال خضوع و عبودیت به حضور حضرت اعلی آمد و عرض نمود که " خداوند عالم به من ثروت زیادی داده و الحمدلله با عنایت او مؤمن به این ظهور اعظم گردانیده ، آرزوی قلبی من اینست که تمام قوا و ثروت خود را در راه تبلیغ و تبشیر این امر نازنین صرف نمایم و قصدم آنست که در معیت حضرت باب به طهران رفته و محمد شاه را به این امر آشنا سازم ، من مطمئن هستم که او به این امر نازنین مؤمن شده جهت تبلیغ و اشاعه آن در سراسر ایران و جهان اقدام خواهد کرد . حاجی میرزا آقاسی را که باعث فقر و بدبختی این سرزمین گشته از کار برکنار خواهد کرد . من شخصا از یکی از خواهران شاه جهت ازدواج و عروسی با شما دعوت خواهم کرد .

منوچهر خان انگشتر از دست در آورد و تمام ثروت خود را تقدیم حضور حضرت اعلی کرد .

حضرت اعلی به منوچهر خان فرمودند که انشاء الله خداوند عالم آرزوی شما را قبول فرماید . نیت خوبی کرده ای و چون نیت مؤمن از عملش بهتر است در نزد من همین خلوص نیت خیلی بالاتر از عمل آنست ، عمر من و شما به آن کفاف نخواهد داد که این آرزوها و نیت ها عملی گردند . خداوند برای اعلای این امر جز خون مقدس شهدا و مظلومیت کبری اسباب و وسایل دیگری را امر نفرموده . از عمر شما در این کره خاک بیش از سه ماه و ۹ روز بیشتر باقی نمانده

که پس از گذشت آن با روحی مستبشر و ایمانی مطمئن به خانه ابدی خود خواهی شتافت .

يك روز به حضور مبارك عرض كرد كه ساعات آخر كه فرا می رسد شادی عمیقی در روح خود حس می کند ولی جهت حفاظت حضرت اعلی بعد از وفاتش خیلی ناراحت است زیرا می دانست كه پس از صعودش به عالم بالا برادر زاده اش گرگین خان ظالم از حضور حضرت اعلی در مخفیگاه اطلاع یافته و حضرتش را اذیت خواهد كرد . حضرت اعلی با نهایت متانت به معتمدالدوله اطمینان دادند كه تمام كارها در دست خداست و قدرتی را كه خداوند به ایشان عنایت فرموده قادر است هر سنگی را به جواهر پر ارزش تبدیل كند و هر قلب ضعیف و شیطانی را مبدل به قلب مطمئن و پاك نماید . حضرتش برای خود مظلومیت كبری را انتخاب فرموده و ظلم و ستم را از دشمنان خود قبول فرموده اند .

حضرت ربّ اعلی در توقیع مبارك به محمد شاه قاجار كه از ماكو فرستاده شده می فرمایند ، قوله عزّ بیانه : " . . . در شیراز بودم از خبیث شقی حاكمش ظلم ها دیدم كه اگر بعضی از آن را مطلع شوی هر آینه به عدل انتقام كشی زیرا كه بساط سلطنت را به ظلم صرف الی یوم القیمة مورد سخط الله نموده و از كثرت شرب خمرش كه هیچ حكمی را از روی شعور نمی كرد خائفاً مضطراً بیرون آمده به عزم حضور كثیرالتور آن بساط جلالت تا آن كه معتمدالدوله بر حقیقت امر مطلع شده و آنچه لازمه عبودیت و خلوص بالنسبه الی اولیاء الله بجای آورده بعضی از جهال بلدش چون در مقام فساد برآمدند مدتی در عمارت صدر مستورا اقامه

به حق الله نمود تا آن كه با رضاء الله به محل فردوس خود متصل گشت جزاه الله خیرا شكی نیست كه سبب نجات از نار جهنم و حقّ الناس همین عمل شد . . . " عقل و دولت و كفایت و تدبیر منوچهر خان معتمدالدوله و خدماتش به حضرت ربّ اعلی از عهده تحریر خارج است . مقام او و تقرب او به فتحعلیشاه قاجار به عنوان آجودان و رئیس تشریفات سلطنتی ، با در دست گرفتن منشور طلای بزرگ در پیشاپیش پادشاه ایران ، لشكر كشی او به ایالات فارس و خوزستان جهت استقلال ایران وجلوگیری از تجزیه ، محافظت و امنیت راه ها و كاروان ها و كاروانسراهای ایران جهت رفاه رعایا ، طبع و چاپ مقدار هشتصد هزار جلد كتاب در احكام شرعیه و فرعیه اسلامی جهت آموزش مردم ، طبع و نشر قرآن كریم بنام قرآن معتمد ، حاكم بالاستقلال اصفهان و توابع و اجرای عدالت اجتماعی در قرن نوزدهم میلادی در ایران و جلوگیری از ظلم و چپاول یایان و زورگویان آن دوره . . . اینها خصائلی است كه منوچهر خان معتمدالدوله را طرف دولت و ملت ایران مورد تقدیر قرار داد . حضرت عبدالبهاء در زیارتنامه معتمدالدوله از جمله او را به " سیدالصدر " و " بدرالبدر " ، " فخرالوزراء " ، " سیدالوزراء " و " ملیك الوزراء " ملقب فرموده اند و از طرف محمد شاه به تاج الوزراء نیز ملقب گردید .

در محضر منوچهر خان معتمدالدوله عده زیادی از شاعران و هنرمندان و اندیشمندان ایران حضور داشتند و همیشه آنان و صاحب ذوقان را كمك در پیشرفت علوم و فنون مینمود . چندین شاعر در مدح منوچهر خان معتمدالدوله قصائد مدحیه در باره اخلاق

و رفتار او نوشته اند از جمله میرزا محمد علی متخلص به بهار که کتابی تحت عنوان " مدایح معتمد " به تحریر رسانده که در آن مجموعه ای از شعرهای شاعران و نویسندگان زمان در باره اخلاق و رفتار نیک منوچهر خان درج گردیده است ، در فارسنامه ناصری از منوچهر خان به عنوان " جناب مقرب الخاقان منوچهر خان معتمدالدوله پیشکار مملکت فارس" یاد شده است .

همانطور که حضرت اعلی پیش بینی فرموده بودند در مدت مقرر شبی مختصر تب عارضش شد و با نهایت اطمینان و روحی شادمان از این جهان ادنی به جهان بالا شتافت و جاودانه به تاریخ پیوست .

جنازه منوچهر خان را به دستور محمد شاه با تشریفات و احترام زیاد از اصفهان به قم حمل کردند و با شوکت و جلال فوق تصور جسد او را در مقبره بسیار زیبا و آئینه کاری شده نزدیک حرم حضرت معصومه علیها سلام الله و مقبره فتحعلیشاه خاقان مغفور به خاک سپردند . حضرت عبدالبهاء زیارتنامه ای به زبان عربی و بسیار زیبا به افتخار منوچهر خان نازل فرمودند و در لوحی که به افتخار احبای قم نازل شده می فرمایند قوله الاحلی " بعضی اوقات در کمال ابتهال متوجهاً الی الله قبر منور شمس الوزراء را از قبل عبدالبهاء زیارت کنید و بر آن رمس طاهر چند دانه شمع برافروزید زیرا این عمل سبب قربیت درگاه کبریاست و علیکم البهاء الابهی ع ع "



Map showing the journeys of the Báb

شعر از شاعری مسلمان بنام کاشانی که در وصف جمال قدم جل جلاله بعد از شهادت شهید مجید حبیب الله اوجی سروده است

هرگز نشان ز کوکب و نام از قمر نبود	گر طلعت جمالقدم جلوه گر نبود
ای وای بر مکانی که او را گذر نبود	هرجاکه او نهاد قدم گشت رشک خلد
ما رازینهن همت او جز ظفر نبود	بخت بلند بین که بمیدان روزگار
مقصودت از نجات نژاد بشر نبود	ای منبع علوم و کمالات معنوی
البته هیچ مان ز سعادت خبر نبود	ما تا ابد به جهل مرکب چو دیگران
اوصاف دوست و نه چنین مختصر نبود	کردم باختصار من اوصاف دوست را

کاشانی از تو یافت مقام سخنوری
و ین حکمت و معانیش ارث از پدر نبود

هدیه لاهوتی

فرهمنند مقبلین (الهام)

وز مکرمتش ، ساکن اقلیم رضانیم	ما زنده پاینده ، ز الطاف بهانیم
وز هرچه بجز عشق رخ اوست جدانیم	مجنوب جمال قدمش ازدل و ازجان
آزاد ز حرص آمده ، و ز بند رهانیم	در سایه اجرای تعالیم بدیعش
بی او ، به تماشا که فردوس کجاییم ؟	با او بر ما آتش سوزنده کلستان
صد شکر ، که ما پیرو اصحاب وفانیم	میثاق بود ، هدیه لاهوتی جانان
عمریست که باحوصله ، سرگرم دعانیم	تا حاسد بیچاره رهد از حسد خویش
سرمست ز صهبای طرب خیز صفانیم	از کبر و ریا رسته و از وسوسه خالی
ما برحذر از طعنه و از ریب و ریانیم	آئینه جان ، حیف بود تیره و تاریک
تا بنده وارسته درگاه خدانیم	اهریمن پرکینه ، زماگشته گریزان
جوینده دردم و خریدار بلانیم	چون درد و بلا در ره او هست عنایت
ما، غمزده و خسته و افسرده چرانیم ؟	درگاه بها قبله آمل جهانست

" الهام " شدیم از کرمش زنده جاوید

چون با خبر از راز دل انگیز بقانیم

عشق و باب حطّ

در بین آثار حضرت عبدالبهاء لوحی وجود دارد که خطاب به جناب آقا میرزا آقای افنان در یزد از قلم آن حضرت عزّ صدور یافته است . این لوح شامل مناجاتی است که در کتاب مجموعه مناجاتها (۱) به طبع رسیده و نیز شامل فقره ای در شرح و تفسیر کلمه " عشق " می باشد که آن فقره نیز در کتاب محاضرات (۲) طبع و منتشر شده است .

برای آن که امکان مطالعه تمام این لوح مبارک در یک مقام فراهم گردد ذیلاً آن را نقل می نمایم و سپس در باره مندرجات آن مطالبی را به اختصار با خوانندگان گرامی در میان می گذارد . در لوح مورد نظر حضرت عبدالبهاء چنین می فرمایند :

هو الله

یزد بواسطه حضرت اسم الله ، حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای فرع رفیع سدره مبارکه شکر کن حضرت پروردگار را که ثابت و راسخ بر عهد و پیمانی و ممدوح و مقبول و مقرب درگاه حضرت یزدان ، در ظلّ شجره مبارکه آرمیده ای و بمنتهی آمال مقربین رسیده ، قدر این مقام را بدان و شب و روز به حمد و ثنا قیام فرما و مناجات کن و بگو :

ای خداوند فضل و عنایتی و حفظ و حمایتی و لطف و صیانتی تا نهایت ایام ممتاز از بدایت گردد و خاتمة الحیات فاتحة اللطاف شود هر دم لطف و عنایتی رسد و هر نفس عفو و رحمتی مبذول گردد

از دکتر وحید رأفتی

تا آنکه در ظلّ ممدود تحت لواء معقود بملکوت محمود راجع گردم ، توئی منان و مهربان و توئی ربّ الجود والاحسان .

در خصوص کلمه عشق مرقوم نموده بودید که روایت از حضرت باقر علیه السلامست که از لفظ عشق مقصد سنین ظهور حضرت قائمست اگر چنانچه فرصت داشتم شرح مفصلی مینگاشتم ولی چه توان نمود که فرصت تنفس و مهلت بیان ایجاز نه چه جای اسهاب و اطناب ولی دو کلمه بنهایت اختصار مرقوم میشود و از برای ابرار عبارت از صحف و اسفار است و آن اینست و بیانی واضحتر از این نمیشود و اشاره اعظمتر از این نه . عشق عدد دویست و سیست که مضاف و منسوب بیاب حطّه است چون عدد باب بر عدد عشق اضافه گردد دویست و سی و پنج شود و این سنه تولّد نور هدی قائم موعود آل عبا نقطه اولی حضرت اعلی روحی له الفدا است و بهذا کفایة والسلام علی من اتبع الهدی ع ع . « (۳)

خلاصه مطلب در لوح فوق آن است که حضرت عبدالبهاء کلمه " عشق " را که از سه حرف ع ، س و ق تشکیل شده و مطابق حساب ابجد برابر با رقم ۲۳۰ (۲۳۰ = ۱۰۰ = ق + ۶۰ = س + ۷۰ = ع) میباشد با رقم کلمه " باب " یعنی ۵

(۵ = ۲ = ب + ۱ = الف + ۲ = ب)

جمع نموده و از حاصل جمع این دو رقم یعنی عدد ۲۳۵ چنین استنتاج فرموده اند که رقم مزبور اشاره به سال تولّد حضرت ربّ اعلی در سنه ۱۲۲۵ هـ ق در

شیراز است .

کلمه " عسق " که مورد تفسیر حضرت عبدالبهاء قرار گرفته به خودی خود آیه شماره ۲ در صدر سوره شوری در قرآن مجید را تشکیل می دهد که خداوند می فرماید :

" حم عسق كذلك يوحي اليك والى الذين من قبلك الله العزيز الحكيم " (۴)

این کلمه قرآنی چنانچه در لوح حضرت عبدالبهاء مذکور شده در دو حدیث که از امام محمد باقر روایت گردیده به سنین ظهور قائم تفسیر شده است . متن حدیث حضرت امام محمد باقر چنین است که می فرماید :

" حمعسق عدد سنّی القائم علیه السلام ، وق [قاف] جبل محیط بالدنیا من زمرد اخضر مخضرة السماء من ذلك الجبل و علم كل شئی فی عسق " (۵)

و در حدیث دیگر چنین مذکور است :

" حم " حَتْمٌ و " عین " عذاب و " سین " سنون کسنین یوسف ، و " قاف ، قذف [و خسف] و مسخ ، یکون فی آخر الزمان بالسفیان و اصحابه و ناس من کلب ثلاثون الف یخرجون معه و ذلك حين یخرج القائم و علیه السلام بمکة و هو مهدی هذه الامه " (۶)

شرح مربوط به حروف مندرج در صدر سوره شوری هرچند در آثار مفسرین نظیر تفسیر جلالین (۷) به اختصار تمام برگزار شده و با عبارت " الله اعلم بمراده به " از توضیح مطالب مربوط به آن گذشته اند اما در آثار مفسرین دیگر کلمات مزبور از جمله به زمان ظهور قائم آل محمد تفسیر شده و مضامین دو حدیث امام محمد باقر تأنید و تحکیم گردیده است مثلاً در

تفسیر مواهب علیّه چنین آمده است .

" حم (۱) عسق (۲) [حروف مقطعه اشارتست بگو این و حوادث فتن و وقایع است امام ثعلبی از ابن عباس نقل میکند که مرتضی علی کرم الله وجهه فتنها را میشناخت از حم عسق و گفته اند حارق است و میم مهلکه و عین عذاب و سین مسخ و قاف قذف و حدیثی مرفوع است که بعد از نزول این حروف اثر اندوهی از جبین مبین حضرت سیدالمرسلین ظاهر شده و چون سبب پرسیدند فرمود که مرا خبر دادند بچیزها که بامت من نازل خواهد شد پس ذکر قذف و مسخ و خسف و امثال آن کردند تا خروج دجال و نزول عیسی و قولی آنست که این حروف مبادی اسم حکیم و مجید و علیم و سمیع و قدیر است یا اشارت است بصفات حلم و مجدو علم و ثناء و قدرت و در کشف الاسرار آورده که این حروف ایمانی است بآن عطایا که حق سبحانه بحضرت رسالت پناه ارزانی داشته حاحوض مورد داد است یعنی حوض کوثر که تشنه لبان را از امت سیراب کرداند و میم ملک ممدود او که از مشرق تا بمغرب بتصرف امت او در آید و عین عز وجود او که اعز همه اشیاء نزد حق سبحانه او بوده و سین بسنای مشهود او که مرتبه هیچکس برفعت رتبه او نرسد و قاف مقام محمود او در شب معراج که درجه او ادنی است و در روز قیامت که شفاعت کبری است " (۸)

ابوالفتوح رازی نیز در تفسیر روض الجنان شرحی مفصل در معانی و مفاهیم " حم عسق " مرقوم داشته و آراء جمعی از مفسرین و احادیث مربوطه را نقل نموده واز جمله در شرح " عسق " چنین آورده است که :

"...ع" علو عباسیان است "س" ، سنای مهدی است "ق" قوت عیسی است که از آسمان فرود آید و ترسایان را بکشد و کلیسیها ویران کند " (۹) اما از جمله استدلالیه نویسان بهائی که در باره عسق اظهار نظر نموده اند حاجی میرزا محمد افشار یزدی است که در کتاب بحرالعرفان خود چنین مرقوم فرموده است:

"... دیگر می فرماید حمعسق و این حروف بر رمز و اشاره است و طریقه آن چنین است قاف اشاره است بقائم و سین بسید و عین بعلى و میم و حا بسجد یعنی قائم سید علی محمد است " (۱۰) اما اصطلاح "باب حطه" که در لوح مبارک فوق مذکور شده اصطلاح دیگری در قرآن مجید است که خداوند در دو موضع آن سفر کریم از آن سخن گفته است . اول در سوره بقره آیه ۵۸ است که می فرماید :

"و اذقلنا ادخلوا هذه القرية فكلوا منها حيث شئتم رغدا و ادخلوا الباب سجدا و قولوا حطّة نفرلکم خطایکم و سنزید المحسنین " (۱۱)

متن آیه فوق در آیه ۱۶۱ در سوره اعراف هم آمده است که می فرماید : "و اذ قيل لهم اسكنوا هذه القرية و كلوا منها حيث شئتم و قولوا حطّة و ادخلوا الباب سجدا نفرلکم خطیئاتکم سنزید المحسنین "

کلمه "حطّه" در تفاسیر اسلامی عموماً به معنی بخشش و توبه و استغفار آمده است ، چنانچه در شرح آیه ۵۷ در سوره بقره در کتاب مواهب علیّه چنین مذکور است :

"...و بگویند در خواست ما حطّه است . این لفظ کلمه استغفار ایشان بود معنی آن که بیفکن از ما

گناهان ما را تا بیامرزیم ما مر شما را گناهان شما را به سجود و دعا و زود باشد که زیاده کنم نیکوکاران را در ثواب ایشان " (۱۲) و در تفسیر روض الجنان در شرح آیه مزبور چنین می گوید :

"...و چون در این شهر خواهی شدن ، بگویی حطّه و این چو استغفاری است و معنی آن که : اللّهم حطّ عنّا خطاینا ، بار خدایا گناهان ما از ما فرو نه . عبدالله عباس گفت : مراد گفتن لا اله الا الله است ، و رفع او بر خبر مبتدای محذوف است ، تقدیر چنین است که : مسئلتنا حطّه ، و مجاهدگفت : آن دری بود از درهای بیت المقدّس که آن را باب حطّه گفتند بهری دگر گفتند : در آن قبه بود که موسی در آن جا نماز کردی . واصم گفت : مراد باب راهی از راههای آن شهر است چنان که گویند هذا باب الامر ای وجهه و سعید جبیر گفت : مراد به حطّه استغفار است که به استغفار حطّ گناه باشد و نصب را در عربیت وجهی باشد و وجه او مصدر بود از فعلی محذوف ولكن نخوانده اند . " (۱۳)

قضیه اصل و منشاء کلمه "حطّه" و چگونگی استفاده از آن در قرآن کریم مورد بحث و تحقیق عده ای از علما قرار گرفته و در آرائی که در باره ریشه آن ابراز شده اتفاق نظر وجود ندارد . بعضی اصل لغت "حطّه" را عبری دانسته اند و بعضی دیگر آن را سریانی پنداشته اند و بعضی اصل آن را از جمله لغات نبطی گفته اند اما آنچه مسلم و مورد اعتقاد عامّه قرآن شناسان است آن است که کلمه "حطّه" از جمله کلمات غیر عربی مستعمل در قرآن کریم است . صرفنظر از

اصل و منشاء این لغت آراء تقریبا همه مفسران قرآنی بر آن است که معنی کلمه " حطه " عبارت از عفو و

بخشش و توبه و استغفار به درگاه الهی است . (۱۴)

کلمه حطه در احادیث اسلامی نیز آمده است ، از جمله شیخ مفید در کتاب امالی حدیثی از قول حضرت امیرالمومنین نقل نموده است که حضرت رسول فرمودند : " . . . والله ما مثلنا فی هذه الامة الاكمل سفينة نوح

[۱] و كباب حطة فی بنی اسرائیل " (۱۵)

و در خصال امام المحدثین شیخ صدوق چنین آمده است که حضرت امیرالمومنین فرمودند : " فانی سمعت رسول الله (ص) يقول لی : مثلك فی امتی مثل باب حطة فی بنی اسرائیل فمن دخل فی ولايتك فقد دخل الباب كما امرالله عزّ وجلّ " (۱۶)

و ابن حجر در کتاب الصواعق المحرقة حدیث نبوی را نقل نموده است که حضرت رسول در حق حضرت علی ابن ابی طالب چنین فرمودند

" علی باب حطة من دخل منه كان مومنا و من خرج منه كان كافرا " (۱۷)

قضیه باب حطه و اطلاق آن به ائمه اطهار در آثار شیخ احمد احسانی نیز آمده است . از جمله در کتاب شرح الزیارة در شرح فقره " الامانة المحفوظة والباب المبتلى به الناس " شیخ احمد احسانی چنین مرقوم فرموده است که " . . . و الباب المبتلى به الناس كباب حطة ابتلى به بنو اسرائيل بدخولها سجدا و قولهم حطة فدخله جماعة فقالوا حطة ای حطّ ذنوبنا و نجوا و بعضهم قالوا حطة و هلكوا كذلك من دخل فی باب متابعتهم [یعنی متابعت ائمه اطهار] نجی و من لم يدخل هلك كما ورد فی الاخبار الكثيرة و قال رسول الله ص انا مدينة العلم

و علی بابها و قال الله تبارك و تعالى و اتوا البيوت من ابوابها . . . " (۱۸)

اصطلاح قرآنی باب حطه در آثار حضرت رب اعلی نیز به کرات مذکور شده است . از جمله در اواخر " الباب الاول فی الایة الاولى " در کتاب بین الحرمین چنین می فرمایند :

" . . . ان اتق الله وارحم نفسك و ادخل باذن الله فی مدينة ربك و قل حطة علی سبیل ما علم علی عبده

کمیل بن زیاد النخعی علی صراط قدیم . . . " (۱۹)

و در اوائل همین کتاب بین الحرمین با استشهاد به آیه مبارکه قرآنی (سورة بقره آیه ۵۸) چنین می فرمایند :

" . . . يشهد الموحّدون فی آیات عبدك كلمة الكتاب و كلّ شئ احصيناه فی امام مبين حتّى قد دخل المومنون فی باب بيتك الحرام بحکم ما قد نزلت فی القرآن من قبل ان ادخلوا الباب سجدا و قولوا حطة نغفرلكم خطاياكم و سنزید المحسنين . . . " (۲۰)

اشاره فوق به " باب حطه " و اضحاً راجع به نفس مبارك حضرت ربّ اعلی است چنانچه در رساله ای که از قلم آن حضرت در باره علم الجوامد والمشتقات عزّ نزول یافته نیز چنین می فرمایند :

" . . . انّ الله قد علم بما تظنّ فی سریر تك للباب الاعظم والاصحاب المكرّم فسوف يحکم الله بينی و بین الظالمين فی صعيد المحشرانه قد كان عادلا حكيما فارحم نفسك فادخل بالخشوع علی الباب الحطة و اسئل الباب بالباب الغفران و انتظر سرالاسرار فی نقطة القرآن بعد الاقتراق يوم نزول الفرقان فی مجمع الاتفاق . . . " (۲۱) علاوه بر موارد فوق حضرت ربّ اعلی در آخر شرح و

تفسیری که بر حدیث " کَلَّ یوم عاشورا " مرقوم
فرموده اند حضرت امام حسین ابن علی را عبارت از "
باب حطّه " دانسته اند . (۲۲)

اشارات حضرت ربّ اعلی در آثار مذکور و تصریحات
موجود در احادیث اسلامی که باب حطّه را به ائمه
اطهار تفسیر می کند رشته ارتباط این مفاهیم را با
مندرجات لوح میرزا آقای افنان کاملا بر ملا می سازد .
با توجه به سوابق فوق آنچه در مطالعه قضیه باب حطّه
در سایر آثار حضرت عبدالبهاء اهمیت خاص می یابد
تعدد موارد استفاده از این اصطلاح و مفاهیم وابسته به
آن است . برای آن که نحوه کاربرد " باب حطّه " در
آثار آن حضرت معلوم شود صفحات ذیل را به نقل
شواهدی در این خصوص زینت و زیور می بخشد .
حضرت عبدالبهاء در لوح جناب میرزا علی اکبر ابن آقا
محمد رضای میلانی در عشق آباد چنین می فرمایند :

هوالبهی

یا الهی وسیدی و رجائی هذا عبدک قد تضرّع الی
حضرة باب حطّک الّتی من سجد لها نجی و من
دخل فی الباب اهتدی و استوقد نارالهدی و انجذب
بنفحات عبقت من حدائق الملكوت الابهی و ابتهل
بقلبه و روحه و فوّاده ان تغفر له خطایاه و تشمله
بلحظات عین رحمانیتک یا معیث من ناجاه فاشفق
به یا ربّ الارباب و احفظه بعین رعایتک یا مسبّب
الاسباب و اغرقه فی بحر فضلک یا مؤید الاحباب
و اجعله آیه غفرانک و مظهر احسانک انک انت
التواب و اجعله ثابتا راسخا علی عهدک و میثاقک
یا معطی الثواب و انک انت الکریم الوهاب ع
و نیز در اشاره به مقام حضرت ربّ اعلی در کوه کرم

در لوح " جناب طائف مطاف ملا اعلی حاجی محمود "
چنین می فرمایند :

" حمدا لمن اوقد مصباح الهدی فی زجاجة التقی و
سطح علی الارزاء . . . الهی الهی هذا عبد قد کشف
عن بصیرته الغطاء و جزلت له العطاء و تجلیت علیه
بنور الوفا و القیت فی قلبه المحبة والولاء حتی امن بک و
بایاتک و ادرك حججک و برهانک و رتل کلماتک و اذعن
لدلیلک و بیناتک و اطمئنّت نفسه بتجلیاتک و استبشر
روحه بفیوضاتک و طابت سریرته بمناجاتک و انجذب الی
جمالک و قصد عتبة قدسک و قام من موطنه مقبلا الیک
و قطع البحار شوقا الیک و سرع متوکلا علیک حتی وفد
بالبقعة المبارکه و سجد للعتبة المقدّسه و خضع فی باب
حطّه و خشع بعظمتک فی کَلَّ لحظه و عفر جبینہ بتربة
الروضة النوراء الحديقة الغلبا و عفر وجهه بالسجود علی
عتبتک العلیا و نقرع فی الجهر والخفاء و ابتهل الی
ملکوتک الابهی و استعداد من الهامات جبروتک العلیا و
اکتشف کَلَّ الامور بقوة انعمت بها علیه فی منهج
الهدی . . . "

و نیز حضرت عبدالبهاء در لوحی دیگر چنین می
فرمایند :

هوالله

بشرویه - جناب عبدالبهاء ابن اخت من هو باب
حطّه رحب العتبه علی وجه اهل السموات و
الارضین ابن جناب آقامیرزا محمد حسین علیه بهاؤ الله
الابهی

هوالله

ای بنده درگاه حضرت رحمانیت آنچه از قلم آن همدم
روحانی جاری ملاحظه گردید و مضمون در نهایت

ملاحات و حلاوت بود زیرا دلالت بر ثبوت بر میثاق و اشراق انوار محبت الله مینمود کمال شادمانی بجهت یاران الهی حاصل گشت که آن یادگار هیکل نورانی و مظهر رحمانی باب رحیب مدینه علیا جنت ابهی روحی له الفدا الحمد لله در نهایت انجذاب و التهاب از آتش عشق دلبر یکتاست و شب و روز چون شمع شب افروز در سوز و گداز است و بخدمت امر حضرت یزدان سرفراز این تأئید موهبتی بود که مفخرت شمسو علیین است و مباهات نجوم افق مبین باری تا توانی نفوس را صلاّی دخول در باب حطّه زن و عقول را مظهر تجلیّات عرفان ربّ غفور نما ظلمانیان را نورانی کن و اهریمنان را یزدانی نما کودکان را دلالت بر بلوغ کن و هدایت بکوکب پر فروغ . . . ۶ « (۲۳)

هو الله

در سطور فوق شرحی در باره عسق و باب حطّه مورد مطالعه قرار گرفت و آثار مبارکه ای که شامل اصطلاح باب حطّه است عیناً نقل گردید . نکته ای که در انتهای این مقاله قابل توجّه است آن که ارتباط مضاف و منسوب بین دو اشاره قرآنی عسق و باب حطّه که در لوح حضرت عبدالبهاء برقرار شده و به استنتاج سنه تولّد حضرت ربّ اعلی منجرگشته از یک طرف نشانی بارز از احاطه حضرت عبدالبهاء به معارف قرآنی و احادیث اسلامی دارد و از طرف دیگر قدرت ذهنی و

هو الابیہی

ذوق سرشار عرفانی هیکل اطهر را در تفسیر و تبیین حقائق مودوعه در کتب الهیه بر ملا می سازد .

چنین قدرت و ذوقی معانی و ارتباطات باطنی بین علامات و اشارات و بشارات ظهور الهی را ظاهر می کند و حصول درکی جدید از مفاهیم و اصطلاحات قرآنی را به ارمغان می آورد . فهم اغلب ناس و حتی بسیاری از علمای مذهبی از این قبیل اشارات مبتنی بر صورت ظاهری آنها است ، نتیجه چنین فهمی محرومیت از وصول به مقاصد حقیقی و معانی باطنی موجود در فحوای آیات کتب مقدسه و اشارات ائمه اطهار است . مفاهیم و معانی جدیدی که حضرت عبدالبهاء در آثار خود به دست داده اند می تواند حجاب از وجه حقایقی بردارد که فهم آنها از شریف ترین آمال علماء و محققین بی شمار در طی قرون متعادی بوده است .

یادداشتها

- ۱ - حضرت عبدالبهاء ، مجموعه مناجاتها (لانکن هاین ، لجنه ملی نشر آثار ۱۹۹۲ م ، ص ۵۰۶)
- ۲ - عبدالحمید اشراق خاوری ، محاضرات (لانکنهین ، لجنه ملی نشر آثار ۱۹۸۷ م) دو جلد در یک مجلد ، ج ۲ ، ص ۱۰۹۷ - ۱۰۹۸
- ۳ - مخاطب این لوح یعنی حاجی میرزا آقایی افغان پسر حاجی میرزا حسن علی خال اصغر حضرت رب اعلی بوده است
- ۴ - در باره حروف مذکور در ابتدای سوره شوری در تفسیر خواجه عبدالله انصاری چنین آمده است که :
" قوله : " حم ، عسق " ، حسین فضل را پرسیدند ، چونست که حروف تهجی در اوائل سور همه متصل نوشتند چون : " المص " ، " المر " ، " کهیص " و " حم عسق " منقطع نوشتند ، حم - از - عسق - باز بریده ؟ جواب داد که : حم مستقل است بنفس خویش کالحوامیم قبله و بعده .

و مفسران این را دو آیت شمردند : " حم " یک آیت و " عسق " یک آیت ، حم مبتدا و عسق خبره و آن دیگر حروف تهجی در اوائل سور همه یک آیت شمردند " کشف الاسرار وعدة الابرار ، تهران ، امیرکبیر ۱۳۶۱ ج ۹ ص ۵ .

مضمون آیه مبارکه به فارسی آن که خداوند مقتدر دانا این چنین به تو و رسولان قبل از تو وحی می کند .

۵ - سید هاشم حسینی بحرانی ، سیمای حضرت مهدی در قرآن (طهران ، آفاق ، ۱۳۶۷ ه ش) ، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی ، ص ۲۲۰ ، ترجمه حدیث به فارسی آن که حمعسق شماره سالیان حضرت قائم علیه السلام است ، وق [قاف] کوهی است از زمرد سبز که بر دنیا احاطه دارد ، و سبزی آسمان از آن کوه می باشد و علم همه چیز در عسق است " .

۶ - مأخذ فوق ، ص ۲۲۱ ، ترجمه حدیث به فارسی چنین است که :

" حم " " حتم " ، و " عین " عذاب ، و " سین " قحطسالی است همچون قحطسالی زمان یوسف علیه السلام و " قاف " سنکساری (و فرورفتنی در زمین) و مسخ شدنی است که در آخرالزمان خواهد شد ، نسبت به سفیانی و یاران او و مردمانی از قبیله کلب سی هزار تن که با وی خروج می نمایند ، و آن هنگامی است که حضرت قائم علیه السلام در مکه خروج می کند و اوست مهدی این امت " .

۷ - جلال الدین محمد بن احمد المحلی و جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی ، تفسیر الجلالین (بیروت ، دارالمعرفه ، ۱۹۸۳ م) ، ص ۶۲۸

۸ - کمال الدین حسین کاشفی ، مواهب علیه یا تفسیر حسینی (طهران ، اقبال ۱۳۲۹ ه ش) ج ۴ - ص ۱۰۱

۹ - ابوالفتح رازی ، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (مشهد ، بنیاد پژوهشهای اسلامی ۱۳۶۶ ه ش) به کوشش و تصحیح دکتر محمد جعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح ج ۱۷ ، ص ۱۰۱

۱۰ - حاجی میرزا محمد افشار ، بحرالعرفان ، ص ۱۳۹

۱۱ - در کشف الاسرار (ج ۱ ، ص ۲۰۳) در شرح و ترجمه این آیه چنین آمده است .

" و اذقلنا ادخلوا هذه القرية " و گفتیم ایشان را در روید درین شهر یعنی بیت المقدس بقول مجاهد و قتاده و ربیع وسدی ، اما جماعتی دیگر گفتند از مفسران که اریحا بود " فكلوا منها حيث شئتم رغدا " و فراخ میخورید و باسانی هرجا که خواهید عیش خوش میکنید که شما را در آن حساب و تبعات نیست و این آنکه بود که از تیه بیرون آمدند فرمود ایشان را تا در شهر روید پشت خم داده ، چنانکه گفت " ادخلوا الباب سجدا " یعنی رکعا - و که در روید پشت خم داده در روید و

گویند " حطه " ابن عباس گفت : هو احد ابواب بيت المقدس يدعى باب الحطه و كان له سبعة ابواب " ایشان را گفتند از باب حطه در روید " و قولوا حطه " یعنی حط عنا ذنوبنا - فرونه از ما گناهان ما ، رب العالمين ایشان را استغفار فرمود و توبه از گناهان تلقین کرد ، گفت از گناهان توبه کنید و از ما آمرزش خواهید نغفرلكم نافع " يغفر لكم " بیا ، مضمومه خواند و ابن عامر تغفر " بتاء مضمومه خواند . باقی بنون خوانند . میگوید شما آمرزش خواهید تا ما گناهان شما بیامرزیم و نا فرمانیها در گذاریم . و قال بعضهم فی قوله تع " و قولوا حطه " ای نحن نزل ، تحت امرک و قضائك ، منحطین لامرک ، خاضعين غیر متکبرین .

" و سنزید المحسنين " و هرکه در نیکوکاری بیفزاید وی را در نیکویی بیفزاییم ، و هرکه در صدق نیت و تعظیم فرمان بیفزاید وی را در نیکویی پاداش و در بزرگی نواخت بیفزاییم .

و در تائیل آیه مبارکه در صفحه ۲۰۹ - ۲۱۰ کتاب کشف الاسرار (ج ۱) چنین مذکور است :

" و اذقلنا ادخلوا هذه القرية - از روی اشارت قریه اینجا احتمال کند که حریم علم است و حجر شریعت ، چنانکه مصطفی ع از روی اشارت خود را گفت " انا مدینه العلم و علی بابها " ادخلوا هذه القرية - میگوید بحجر شریعت در آید و علم و عمل بر وفق شریعت بکار دارید " و کلا منها حیث شئتم رغدا " و در علم و عمل عیشی هنی و نعیم جاودانه بدست آرید ، امروز تلخی مجاهدت چشید تا فردا میوه بهشت خورید .

" و ادخلوا الباب سجدا " در راه دین بر استقامت روید و با خضوع و خشوع باشید و هر کاری را از در دین خود در آورید تا بمقصد رسید و هوالمشارالیه بقوله تع " و اتوا البيوت من ابوابها " آنکه گفت " و قولوا حطه " اشارت است باستغفار و تضرع و دعا و گفتن که بار خدایا - حط عنا ذنوبنا - همانست که جای دیگر گفت " ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا " و جای دیگر گفت " فاغفر لنا ذنوبنا و كفر عنا سيئاتنا و توقنا مع الابرار "

۱۲ - مواهب علیہ ، ج ۱ ص ۱۶

۱۳ - روض الجنان ، ج ۱ ص ۲۰۲

۱۴ - برای ملاحظه شرحی در باره اراء مستشرقین راجع به کلمه " حطه " به صفحه ۱۱۰ کتاب ذیل مراجعه فرمائید

Arthur Jeffery, the Foreign Vocabulary of the Quran (Baroda | Oriental Institute, 1938)

۱۵ - محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی ، اما شیخ مفید (مشهد ، بنیاد پژوهشهای اسلامی ، ۱۳۶۴) ، مترجم حسین استاد ولی ، ص ۱۶۰ ، ترجمه حدیث به فارسی آن که " ... بخدا سوگند مثل ما در میان این

امت جز همانند کشتی نوح و باب حطه (در توبه) در میان بنی اسرائیل چیز دیگری نیست "

۱۶ - ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه ملقب به صدوق ، ترجمه خصال صدوق (طهران جاویدان ، بی تاریخ) ، مترجم مدرس گیلانی ، دو جلد در یک مجلد ج ۲ ، ص ۱۹۲ ترجمه حدیث به فارسی آن که : " از پیامبر (ص) شنیدم که می گفت : تو در میان پیروان من مانند در حطه یی در بنی اسرائیل هرکه در ولایت تو در آید در دری آمده که خدا فرمان داده "

شیخ رجب بن محمد البرسی الحلی نیز در کتاب مشارق انوار الیقین (طبع بمبئی ، ۱۲۰۳ هـ ق) از حضرت امیرالمومنین خطابی آورده است که در انتهای آن چنین می فرمایند :

" ... انا محمد و محمد انا انا المعنى الذى لايقع عليه اسم و لاشبه انا باب حطه و لاحول و لا قوة الا بالله العلى العظيم " (مشارق انوار الیقین ، ص ۲۳۱)

۱۷ - احمد بن حجر الهيتمى المکى ، الصواعق المحرقة (قاهره : ۱۳۱۲ هـ ق) ص ۷۵

۱۸ - شیخ احمد احسانى ، شرح الزیارة (تبریز ، ۱۲۷۶ هـ ق) ، ص ۱۹۸

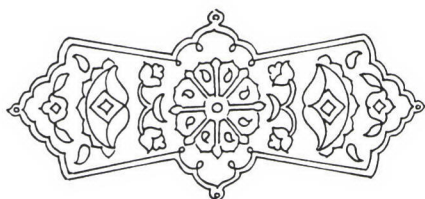
۱۹ - حضرت ربّ اعلى ، کتاب بین الحرمین (طهران ، لجنه ملی محفظه آثار ، ۱۳۵۴ هـ ش) تسوید نسخه موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه کمبریج ص ۲۶

۲۰ - مأخذ فوق ص ۱۳

۲۱ - حضرت ربّ اعلى ، مجموعه آثار حضرت اعلى (طهران ، لجنه ملی محفظه آثار ، ۱۳۲ ب) به شماره ۶۷ ، ص ۱۳۲

۲۲ - حضرت ربّ اعلى ، مجموعه آثار مبارکه (طهران ، لجنه ملی محفظه آثار ، ۱۳۲ ب) شماره ۱۴ ص ۴۹۶

۲۳ - این لوح به اعزاز ابن جناب آقا میرزا محمد حسین بشرویه ای که ملقب به عبدالبهاء بوده عزّ صدور یافته است ، آقا میرزا محمد حسین پسر خواهر جناب ملاحسین بشرویه یعنی ورقة الفردوس است .



حسین کاظم زاده ایرانشهر

دانشمند گرانقدری که در برلن میزیست و بین سالهای

۱۹۲۴ تا ۱۹۲۶ چهار دوره مجله با عنوان

«ایران شهر» (۱۱)

بزبان فارسی منتشر کرد و دهها کتاب روانشناسی و فنون برجسته بزبانهای فارسی و آلمانی انتشار داد .

اساس خلقت

همکاری و هماهنگی این با دانش تضادهای موجود در خلقت باین منظور بوجود نیامده اند تا یکدیگر را منهدم کننده بلکه بر این اساس است که محرک فعالیت و مکمل یکدیگر باشند .

اساس خلقت بر پایه اختلاف یا تضاد و همچنین تنوع یا کثرت نهاده شده است و بدون این دو اصل بنیادی ، نه آفرینشی وجود می داشت و نه کایناتی ، تضاد و کثرت ، ظهورات اراده یا امواج افکار خالق ازلی است که به اتفاق ، محور آفرینش بوده و ازاینرو از یکدیگر جدایی ناپذیرند . به وجود آمدن جهان ، تکامل و به سرانجام رسیدن آن بدون این دو ، غیر قابل تصور است . با وجود این در عمق این تضاد و کثرت ، هماهنگی و وحدتی که وجود خالق ازلی را می سازند ، قرار دارد . هماهنگی ازلی یا اولیه خود را در تضاد توسعه می دهد و وحدت ازلی خود را در کثرت به ظهور می رساند ، تا باین وسیله خلقت کاینات یا پدیده های بیکران هستی را ممکن سازد . وحدت و هماهنگی چشمه هایی هستند که کثرت و تضاد از آن ها بیرون می جهند و مجددا به آنها بر می گردند . آن ها سرمنشاء و هدف یا آغاز و پایان خلقت هستند .

فرستنده پرویز دادرسان

از این رو خردمندان ، خلقت را به فرو داد و بیرون دادن نفس الوهیت تشبیه می کنند . خالق ازلی با بیرون دادن نفس ، دنیاها را با تضادها و کثرت هایشان خارج کرده و با فرو دادن نفس مجددا آن ها را درخود می کشد . این وضعیّت جزر و مد آفرینش یا وجود و فنای دنیاست .

از این جهت هر مخلوقی هم تا آخرین درجه ، مرتبا متفاوت تر و پیچیده تر (مرکب تر) خواهد شد تا زمانی که به بالاترین نقطه برسد و سپس به سادگی و هماهنگی و وحدت بر می گردد . تضاد و کثرت از یک طرف و هماهنگی و وحدت از طرف دیگر ، دو قطب آفرینش و کمال آن را می سازند . تعادل بین این دو قطب ، پیشرفت و تکامل مخلوقات را تضمین می کند . برای حفظ این تعادل و جلوگیری از نوسان شدید این قطب ها اراده خداوند به وسیله قوانین تغییر ناپذیری که ما آن را تقدیر الهی می نامیم ، فعال و مراقب است .

هربار وقتی در زندگی بشری یا یکی از کرات سماوی ، نوسان یک قطب زیاد شود ، خود به خود بر طبق قانون ، تغییری عظیم به همراه انقلابات و تشنجات آغاز می شود تا توازن برهم خورده را مجددا برقرار کرده و از انهدام کامل جلوگیری کند . همین قانون در ارکانهای بدن انسان و در زندگی هر موجود و هر ملّتی نیز اجراء می شود . به این ترتیب مطابقت های قانونی و تنظیم لاینقطع نوسان دو قطب آفرینش بین حالت انقباض و انبساط ، جهان هستی را در نظام و

هم آهنگی نگهداشته و تکامل آن را ضمانت می کند . امروز چون بشریت و فرهنگ های او از حال تعادل خارج شده اند ، با تحولات و تشنجاتی که فقط دردهای زایشی نظام جدید هستند ، روبرو می شوند تا مجدداً به توازن لازم برگردانده شوند . ازاین رو می توان طلوع عصر جدید را عصر هم آهنگی و وحدت ، توازن و رشد روحی نامید و با شادی آن را پذیرفت . در تدارک و شکل گرفتن این عصر و این فرهنگ نو ، دین ، علم و صنعت نقش های مهمی بازی کرده و خدمات بزرگی به انجام خواهند رساند . از آنجا که دین آینده جهانی ، دین وحدت و هم آهنگی خواهد بود ، بایستی این توانایی را داشته باشد که کلیه ادیان حاضر را با یکدیگر صلح و آشتی داده و آنها را در خود جمع کند . او نه تنها تعصب و تکبر مذهبی و نظر تنگی و قشریت کور را که تاکنون فلاکت زیادی به بار آورده و ملت ها و ادیان را با یکدیگر دشمن کرده از میان بر می دارد بلکه همچنین به تضادها و کشمکشهای خصمانه بی که بین دین و دانش یا ایمان و معرفت وجود دارد پایان می دهد و این دو را به دستیاری و تکمیل متقابل رهبری می کند . زیرا فقط با این روش است که سه عامل فوق ، کار سازندگی خود را به درستی اجراء کرده و تکلیف مقدس خود را انجام می دهند .

به سبب دشمنی بین علم و دین ، بشر امروزی که هنوز خام است در شرایط وحشتناک یأس ، نفاق و انشعاب بسر می برد . به سخنی دیگر، در مبارزه درونی با خود قرار دارد . بر این اساس نیروهای خدایی و شیطانی ، جسمی و روحی ، بلندی و پستی،

ایمان و عقل قلب و مغز در وجود او بر ضد یکدیگر صف آرایی کرده اند . هرکدام ازاین نیروها می خواهند حکمرانی مطلق را در زندگی امروزی بشر متمدن در دست داشته باشند . از این جهت ورطه عمیقی بین دانش و ایمان و بین احساس و عقل او به وجود آمده و درجایی که دو یا چند نیرو بر ضد یکدیگر مبارزه می کنند ، نا هم آهنگی ، بی نظمی ، پریشانی ، ثنویت ، نارضانی ، از هم پاشیدگی و نا آرامی حکمفرما است . از این روی بین احساس و تفکر و عمل افراد کوردل ، هیچ گونه هم آهنگی و تعادل وجود ندارد . این علت واقعی بدبختی و رنجی است که گریبانگیر اکثر انسانهای متمدن شده است . تمام این سختی ها نزد انسان نو و روشندل در پرتو معرفت به حقیقت و تحقق بخشیدن به آن در زندگی روزانه برطرف و مغلوب می شوند .

به نیروی دین نوین جهانی ، هم آهنگی که معرفت والا و ایمان حقیقی را در خود جمع می کند ، حاکمیت جدایی و مبارزه درونی پایان پذیرفته و ازاین رو در زندگی انسان نو ، آرامش ، انضباط ، هم آهنگی و صلح فرمانروایی خواهد کرد . دین جهانی هم آهنگی بر پایه معرفتی رفیع تأسیس خواهد شد که تمام نفوس را با سرچشمه زندگی و دانایی یعنی خداوند پیوند می دهد . با همکاری و همگامی دین و علم و صنعت ، توازن زندگی و صلح جویی و نیکبختی بشر ، کاراکنتری ، والا تر و استوارتر پیدا می کند . زیرا به سبب آن ، همزمان ، جسم ، نفس و روح انسان تغذیه و خشنود می شوند.

علم جنبه و سیمای مذکر نفس را نشان می دهد .

زیرا بیشتر به عقل و شعور متوسل شده و آن را تغذیه می کند . هنر یا صنعت بر عکس جنبه مؤنث نفس را نمودار می سازد . به این دلیل که بیشتر محرک و مغذی احساس و ضمیر است . اما دین حقیقی که نمایانگر روح ارفع خدایی است ، این دو چهره یا جنبه را با هم پیوند داده ، وحدت بخشیده و به عنوان يك ترکیب (Syntheses) هر دو را در خود حمل می کند . به این سبب همزمان قلب و مغز ، ضمیر و عقل یا احساس و شعور را تغذیه کرده و خشنود می سازد و در آن واحد ، ایمان و معرفتی حقیقی به انسان هدیه می دهد . به این طریق خود بینی و دشمنی موجود بین علم و دین را برطرف ساخته و تضادها را با یکدیگرهماهنگ می کند . دین حقیقی از این جهت نمی تواند آنچه را که با عقل سلیم وفق نمی کند ، تعلیم دهد و علم واقعی هم با تعلیمات دین حقیقی همیشه تعادل خواهد داشت .

دانش جدید دیگر بیش از این به تحقیق در ماده ، یعنی جنبه فرم دار زندگی محدود نخواهد بود و همچنین دین دیگر منحصر با ایمان سروکار نخواهد داشت ، زیرا حقیقت یا حیات خود را به وسیله هر دوی آن ها ظاهر می کند فقط يك هیأت یا یک شیئی نمی تواند مظهر آن شود . نه جهان بینی مادی گرا و نه درک بنیادگرایی (قشری) اجازه دارد بر زندگی بشر حکومت کند ، بلکه فقط و فقط حقیقت در بر گیرنده و مطلق ، او تنها چشمه ای است که هر سه جنبه ، یعنی دین و دانش و صنعت ، تعلیمات ، ایده ها ، قوانین ، قوا و الهاماتشان را از آن بدست می آورند . این سه عامل فرهنگی در مقابل یا بر ضد

یکدیگر قرار ندارند ، زیرا اصول اساس و هدف آن ها یکی است . در عصر جدید همانطور که گفته شد ، نه مذهب قشری (جزمی) و نه دانش مادی ، ادعای حکومت محض را بر فکر و زندگی بشر داشته و آن را اعمال خواهند کرد ، بلکه فقط حقیقت خواهد بود که همانطور که عیسی مسیح گفته است انسان را آزاد و رستگار خواهد کرد .

در پرتو حقیقت بشر آگاه خواهد شد که تدین واقعی نه تنها با دانش عالی سازگار است بلکه این دو اصلا از یکدیگر تفکیک ناپذیرند . آنچه که بر ضد دین یاغی می شود ، دانش نیمه و آنچه که برخلاف دانش حقیقی باشد ، در واقع مذهب نیمه است . انسان نو ، نه مغز را با دانش محتکر و غیر ضروری و زباله های حافظه ای پر کرده و در کنارش قلب خود را گرسنه گذاشته ، و نه قلب را با عقاید جزمی تحت فشار قرار داده و مغزش را از عقل سلیم خالی نگاه می دارد . او در آن واحد به دانش قلب (درك مستقیم = Intuition) و دانش مغز (معرفت منطقی) یعنی تفکر قلبی و تفکر مغزی توجه دارد و این دو را با هم متعادل کرده و در حفظ آن خواهد کوشید . آنگاه دین آینده هماهنگی در تعلیمات و آئین های عبادتی خود به علم و صنعت ، فضای وسیع تری اختصاص خواهد داد و آن دو نیز متقابلا ارزش تعلیم دینی را محترم دانسته و در تحقیقات و نظریاتشان دایما مورد استفاده قرار داده و اعتبار آن ها را نشان خواهند داد. به این وسیله هم فهم و شعور و هم قلب انسان ، تغذیه و ارضاء خواهد شد . بنابراین در دامان دین آینده جهانی ، همکاری هم آهنگ دو قطب تکامل ، یعنی جنبه های

فعال و غیر فعال یا مذکر و مؤنث نفس ، انجام خواهد پذیرفت .

دین ، علم و صنعت سپس با یکدیگر توازن داشته ، مکمل هم بوده و باین وسیله پیشرفت های غیر قابل تصویری برای نجات بشر بدست می آورند . قلب و مغز یا ایمان و علم و یا درک مستقیم و شعور باهم متحد شده و در نتیجه این وحدت ، هم آهنگی زندگی و نورانیت و سعادت خدایی که آرامش بخش ، سازنده و الهی است ، متولد خواهد شد . وحدت این سه تأثیرات شفاف بخشی روی جسم ، نفس و روح انسان داشته و آن ها را سالم ، زیبا و خدائی نگاه خواهد داشت ، زیرا جسم ، نفس و روح یعنی دوتای آخری که در معنای علمی خود در حکم ضمیر و قوای فکری هستند ، حوزه ها و میدان های فعالیت علم ، صنعت و دین را می سازند . با همکاری این سه عامل و نتیجتاً با مراقبت متناسب جسم ، نفس و روح ، انسان نو دیگر در باطن خود مبارزه یی نخواهد داشت ، زیرا او به نورانیت و توانائی رسیده و بر طبیعت فرو مایه خویش پیروز گشته ، تضادها را در وجودش برطرف ساخته و می تواند با خود در آرامش زندگی کند .

از این روست که عارف روشن بین می گوید :

" من با کلیه مخلوقات و قوای جهانی ، صلح بر قرار کرده ام ، زیرا به وسیله حقیقت بر تمام نیروهای دشمنی آفرین و متضاد و آزها و شهوت های وجودم پیروز گشتم . من بر دانش جدا کننده ، خرافات و بی ایمانی غلبه کرده و علم حقیقی را توأم با ایمان حقیقی ، در وجودم زنده و پیوسته حفظ می کنم . من اکنون

دیگر در حریم صلح ابدی و هم آهنگی جاودانی روح خدایم آرام گرفته ام . "

در اینجا می خواهیم متذکر شوم که جسم ، ضمیر یا قلب و قوه فکر که عمل ، احساس و افکار را ایجاد می کنند ، سه کانگی (تثلیث) انسان فانی یعنی شخصیت ظاهری او را تشکیل می دهند ، لیکن این ها فقط اسباب و وسیله نفس هستند نه خود آن ، به این سبب شخص اجازه ندارد ضمیر و قوه فکر را با نفس و روح اشتباه بگیرد ، آنطور که دانشمندان و روانشناسان غالباً این اشتباه را مرتکب می شوند .

آنچه که آنها به عنوان نفس یا روان در نظر می گیرند ، چیزی به غیر از ضمیر یا محل تجمع احساسات و هوی و هوس های انسانی و آنچه که به عنوان روح مشخص می کنند چیزی به غیر از فوه فکر یا عقل و شعور نیست . به وسیله جسم ، ضمیر و قوه فکر ، انسان فقط با دنیای ظواهر مرتبط می شود . بنابراین قوا فقط اسباب و وسایل و آینه نفس هستند و او هم به سهم خود وسیله و آینه روح خدایی است که مشیت ، عشق و حکمت او را نشان داده و متجلی می سازد . تنها به وسیله نفس (روح انسان) است که می توان به انسان به منزله مظهر خدا نگریست ! از این رو نفوس بیدار ندا سر می دهند که :

تو ای روح حقیقت ، ما را از جنون جدایی رها فرما !
تو ای نیروی مطلق حقیقت ، ما را از بندهای جهالت آزاد فرما ! تو ای هماهنگی جاودانی ، نیروی رحمت را به ما عنایت فرما !

(۱) مجله ایرانشهر شماره ۷ - اول خرداد ۱۳۹۴ شمسی

نهضت خاک بدشت

هوشنگ روحانی (سرکش)

زندگی بیجوش بود !
موش کور خود پرستی
جامه انصاف را
بر تن ابنای انسان می جوید
در رک عالم
که بیمار از تب تبعیض بود
خون ناپاک شقاوت میدوید !

عنکبوت نا امیدی
در دل پیر و جوان
تارهای یأس و حرمان می تنید !
بخل و خودخواهی مردان
عقربی جرّار بود
زن بدست مرد
چون کالای بیمقدار بود !
هر فسون و فتنه ای در کار بود
از مقام شامخ زن
از مقام مادران
زینهمه افسانه سازان
زینهمه نام آوران
بر زبان
حرفی نبود !

فکرها
از کهنگی های زمان پوسیده بود
قدر و مقدار زنان
بر مردمان
پوشیده بود !

* * *

در چنین حال و هوایی
نهضت خاک بدشت
در میان مؤمنان امر حق
آغاز گشت !

نهضت خاک بدشت
پرده اوهام را
از هم درید
تیشه زد
بر ریشه
عادات و آداب کهن
سدّ پا بر جای سنت های دیرین را
شکست
تار و پود جهل را

جهل و غفلت سالها
چون پرده های تو بتو
راه را بر روشنایی بسته بود
جسم عالم
هم پریشان ، هم غمین
هم خسته بود

جغد شوم ظلم
فریاد جنون سرداده بود
گوهر دین
در کف نابخردان افتاده بود !

راه دین
پر پیچ و ناهموار بود
در عمل پیمودنش
دشوار بود
دامن مام زمام
تا کهکشان آلوده بود
طفل وجدان بشر
بیحال و خواب آلوده بود

جهل و نادانی
که همچون کرک آدم خوار بود
چنگ و دندان
در گلوی آدمیت کرده بود
چشم عقل و دیده انصاف مردم
کور بود
در حقیقت
آدمی از آدمیت دور بود !
از خرافات و رسوم کهنه
دلها ریش ریش
جور بر نسوان فراوان بود و
از اندازه بیش !
آب میشد جان زن
در آتش تحقیر ها
خرد میشد پیکرش
از سختی زنجیرها !
مرغ خوشخوان طرب
خاموش بود
روح عالم مرده بود و

از هم گسست !
رشته تحقیر ها را
بی محابا
پاره کرد
دردها را
چاره کرد !
نهضت خاک بدشت
خرق عادت کرد و
رسم تازه ای آغاز کرد
باب آزادی
بروی جمع نسوان باز کرد !

نهضت خاک بدشت
نهضتی بی شبهه عالم ساز بود
بی عدیل و بی مثیل و یکه و ممتاز بود !

در میان جمع یاران بدشت
فخر نسوان طاهره
اختر تابان دنیای ادب
آن شاعره
در فصاحت بی نظیر و
در بلاغت نادره
با چنان وقری
که در هر خاطری شد خاطره
پرده از رخ بر گرفت
روز آزادی نسوان را
ز دل فریاد کرد
رسم و آئین نوینی
بهر زن ایجاد کرد !

افتخار نوع انسان
طاهره
تا حجاب از روی چون صبح بهاران
بر فکند
آتشی در مجمع یاران فکند
عده ای یاران
ز فرط خوف و از ناباوری
زین شجاعت ، زین شهامت
در شگفت
بی تحمل ، بیقرار
بیخود از خود
بی امان ،
بی اختیار !
بار دیگر

بسکه از این خرق عادت
مات شد
چونکه در (پندار او)
جرم سنگینی چنین
بر مؤمنی اثبات شد !
طاقتش از دست رفت
از جنون ، بی تاب شد
با دم خنجر
کلوی خویشتن را
پاره کرد ! !

طاهره
با تهور ، با غرور
نقب زد
از سوی تاریکی
به نور !
گفت زن را بیش از این
تحقیر کردن ناسزااست
این حجاب تیره
خود بر چهره زن
جانکزااست
نهضت خاک بدشت
نهضتی بیدار و آگاه و
غرور انگیز بود
روز میثاق رهانی
روز رستخیز بود
نهضت خاک بدشت
با تدابیری که بر پا شد
به فرمان که بود ؟
نهضت خاک بدشت
نهضتی بیدار ، با اندیشه ای آگاه بود
فضل حق
با همت یاران حق
همراه بود
بیگمان
با رأی و تدبیر
بهاء الله بود !
بر شکوه
جمع اصحاب بدشت
و آنچه در آن
مجمع والای بی همتا گذشت
عالی مبهوت شد
چشم جهانی
خیره گشت !

وحدت و کثرت

از جمله رموزی که تحت حجاب عصمت مقنوع و بالغاز و تعریض در شرایع قبل متیین ، مسئله وحدت و کثرت است ، این مسئله نه چنان در کتب مقدسه متبلور است که توان جمیع وجوه آن را بسط داد . جمیع مسائل الهیه مرایای تمام نای این دو رتبه هستند و موجودات روحانی و جسمانی جمیعا دارای این دو رتبه میباشند . استنهام این مطلب نیز از جهتی سبب تسهیل درک بسیاری از مسائل غامضه می گردد .

اصلی که جمیع مطالب این مقاله طائف حول آنست ، اینست که مبدء هر شئی واحد است و تکثر و تعدد بوسیله تجلی این واحد در صور اعیان صورت می پذیرد ، خواه تجلی صدوری باشد و خواه ظهوری . حضرت عبدالبهاء میفرمایند : " شبهه نیست که در ابتداء مبدء واحد بوده است مبدء نمی شود که دو باشد زیرا مبدء جمیع اعداد واحد است " (۱)

و این مبرهن است که اگر مبدء اثنین باشد ما به امتیاز بوجود آید ، یعنی مابه التشابه بین دو متحقق گردد و اثنین تبدیل به ثلاثه و آن مبدل به خمسه میشود الخ . در این صورت قدیم را باحادث تشابه افتد و قدیم تسلسل یابد و این واضح البطلان است .

پس جمیع اشیاء از شینی واحد متوجد گشته و آن منحل بصور مختلفه شده ، و این رتبه کثرات می باشد . نطفه نیز در صدف امّ واحد بوده و با تکثیر یاخته قطع مراتب علقه ، مضغه ، عظام ، إکساء لحم و فتبارک الله احسن الخالقین میگردد .

از مهران جذبانی

اکسیر اعظم :

اکتشاف اکسیر اعظم جلوه گر رتبه بلوغ بشر است . عناصر از شینی واحد بوجود آمده و اگر آن مبدء واحد کشف شود ، از آن میتوان بجمیع عناصر رسید . جمالقدم در مورد حجر مکرم میفرماید :

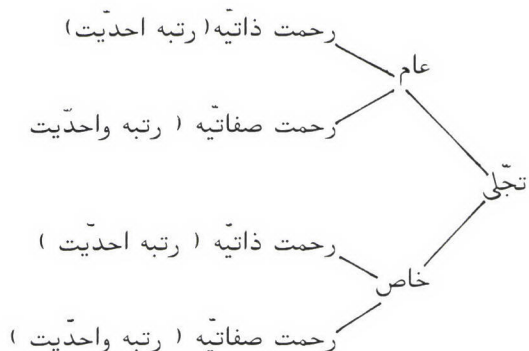
تعالی قوله " انه واحدٌ فی نفسه و یظهر منه الکثرات " (۲) ، در مفاوضات مسطور است :

" پس معلوم شد که در اصل ماده واحده است آن ماده واحده در هر عنصری بصورتی درآمده لهذا صور متنوعه پیدا شده است " (۳)

تجلیات الهیه :

تجلیات بر دو قسمت است : تجلی صدوری و تجلی ظهوری . تجلی ظهوری همان است که در مفاوضات میفرمایند : " تجلی ظهوری ظهور افنان و اوراق و ازهار و اثمار از حبه است الخ " (۴) و اما تجلی صدوری موضوع بحث در این باب است .

تجلی صدوری بر دو قسم میباشد ، یکی شامل جمیع موجودات بالاعم و قسم ثانی شامل هیاکل مقدسه است بالاخص ، وان را ایضا دو رتبه معین است .



این دو رتبه در کتاب ایقان و تفسیر بسم الله الرحمن الرحيم نازل از یراعه طلعت میثاق مفصول است و در شرح کُنت کنز نیز مسطور . چون توضیحات مبارک مَسْهب است ، از درج متون الواح در این مورد ابا مینماید و فقط ببسط میپردازد ، مشروط بر اینکه قارئین به آثار مذکور مراجعه فرمایند . (۵)

رتبه اولی رحمت ذاتیه است و جهان حق بواسطه فیض اقدس از مرتبه ذات تجلی در حضرت علم مینماید . این تجلی بنفسه لنفسه است . در این رتبه اعیان ثابته (صُور علمیه) و اسماء و صفات بنحو بساطت در ذات مندمج هستند و هیچ غیریت و تمایزی میان ماهیت و وجود و اسماء و اعیان ملحوظ نیست . بواسطه فیض مقدس که تجلی ثانی و مقام استجلاء میباشد، حق از رتبه " حضرت علم " به رتبه " اعیان ثابته " تجلی فرمود و این مقام تمایز بین اسماء و اعیان است . (۶) ، برای تیسیر فهم میتوان گفت شعاع جامع جمیع الوان است و در نور ابیض بینوتی میان لون اصغر و اخضر و احمر و ازرق ملحوظ نیست . ولی بواسطه منشور بلوری که مقابل شعاع نهاده شود و بمقتضای مکان (زاویه انکسار الوان) الوان متفاوت ظهور مینماید . و این طیف نور که بوسیله سببی از اسباب (بلور) بمنصه ظهور رسید رتبه تکثر و واحدیت است . تجلی لون ابیض در منشور " فیض مقدس میباشد " و این من باب تمثل است . فرق در اینجا است که در رتبه واحدیت نیز اسماء و اعیان بنحو وحدت و بساطت مندمج هستند ، ولی از هم متمایزیند . انفکاک اسماء و ذات در این رتبه صادق نمی آید . بلکه انفکاک در مرتبه ثالثی که عبارتست از

تجلی در رتبه امکانی و حدوث در عالم کیانی متحقق است . (۷) رتبه احدیت و واحدیت مثلی از مراتب وحدت و کثرت می باشد .

احدیت و واحدیت :

در آثار مبارکه وحدت به رتبه احدیت و کثرت برتبه واحدیت تشبیه گشته . تمام تفسیر سوره بقره که بقلم حضرت باب نازل شده مشحون است از این قبیل تاویل . بطور اعم میتوان گفت که هر رتبه مادون بالنسبه برتبه مافوق در رتبه واحدیت قرار دارد و رتبه مافوق بالنسبه برتبه مادون در رتبه احدیت . مثلاً حضرت علی بالنسبه بحضرت رسول الله در رتبه واحدیت واقع و حضرت محمد در رتبه احدیت ، اما طلعت علوی بالنسبه به شیعیان در رتبه احدیت و مسلمین بالنسبه باو در رتبه واحدیت قرار دارند و این در جمیع مراتب صادق می آید، اما بالاخص ، واحدیت رتبه مشرکین واحدیت رتبه مؤمنین است . چون تمام تفسیر سوره بقره مشبع است باین نوع تفسیر ، رافق یکی از قصص آنرا برای توضیح مطلب اجتناء مینماید و ان قصص بقره صفراء است .

در سوره بقره میفرمایند : " و اذ قال موسی لقومه ان الله یأمرکم ان تذبوحوا بقره ... " (۸)

حضرت نقطه این آیه را چنین تفسیر مینماید ، قوله العزیز : " اذ قال محمد لمن فی لامکان ان تذبوحوا بقره و کلّ ما سوی آیه الاحدیّه و مظاهرها فی الاشیاء لدی المعبود قدکانت بقره و امرالله بذبحها لأن ما سوی الاله قدکانوا بقره و ما الاشارات و النهايات و الحدودات و ما سوی نفس الاحدیّه و مظاهرها هی نفس البقره . . " (۹) در آیه ۶۹ میفرمایند : " قالوا ادع لنا ربک

بیّن لنامالونها قال أنّها بقرة صفراء فاقع لونها تسر الناظرين .

این آیه بدینسان تفسیر گشته : " انّ الحقيقة هي كشف السُّبح ما يعرفون و قد عرفهم ثانياً بأنهم محو الموهوم و هي بقرة صفراء لونها تسر الناظرين لان الناظرين اهل السُّبحات تسرون بوجود اطوار كثرتهم من حيث لايعلمون " (۱۰) . در مورد آیه ۷۴ میفرمایند : " انّ هذه الآية قد نزلت للذين سمعوا ذكر الحسين و لم يدخلوا في لجة الاحديّة " . (۱۱)

متوقفین عالم کثرات (واحدیت) که در ظلّ نار هستند باید در ظلّ اثبات (احدیت) که نور باشد مستظل گردند . این بوسیله دخول در " باب " میسر میگردد . یعنی چون عدد نار را به باب ضم کنیم نور میگرد . نار باضافه باب مساوی ۲۵۱ باضافه ۵ مساوی ۲۵۶ (نور) کذلک یبدل الله النار بالنور . حضرت رب اعلی میفرمایند : " انّ فرق النور و النار خمسة و هوالباب " (۱۲) همچنین میفرمایند تبدیل سیئات به حسنات یعنی رجوع از عالم کثرات بعالم وحدت در پنج رتبه صورت می گیرد و آن مراتب خمسة با ولوج در " باب " که شریعة حضرت نقطه اولی باشد ، طی می گردد . رتبه اولی عبارتست از " كشف سُبحات الجلال من غير الاشارة " ، رتبه ثانی " محو الموهوم مع صحو المعلوم " ، رتبه ثالث : " هتك السّتر لغلبة السر " ، رتبه رابع " جذب الاحديّة لصفة التّوحيد " و رتبه خامس : " نور اشرق من صبح الازل فيلوح على هياكل التوحيد آثاره " .

در جمله اخير روايت كميل میفرمایند : " نور اشرق " . . . پس نار مبدل به نور شد که بر هياكل توحيد

اشراق نمود . (۱۳) اما چون نور نیز حجاب است بین محب و محبوب ، باید در ظلّ " اطف السراج فقد طلع الصبح " محشور گشت . (۱۴)

بنظر نگارنده این مراتب سته را که حضرت امیر در بیان معنی حقیقت به کميل بن زیاد نخعی تعلیم میفرمایند اشاره به ۶ سنه ظهور حضرت باب نیز میباشد (۱۲۶۶ - ۱۲۶۰) ، که در سنه اخر یعنی سنه سادس آن نورالانوار را شهید کردند . یعنی اطفاء سراج الله نمودند . کذلک " اطف السراج " و این در تفسیر آیه نور تلويحاً من دون تصريح منزل است . (۱۵)

همچنین فرق بین احد و واحد سته است و اشاره به مراتب مذکوره میباشد . حضرت نقطه در تفسیر آیه نور میفرمایند ، قوله الاعلی . " و اننا الالف حين القيام واحد و حين الظهور هو واو " . (۱۶) واو بحساب ابجد ثلثة عشر گردد که مطابق است با عدد " احد " . احد و واحد دو رتبه احدیت و واحدیت میباشد . حضرت عبدالبهاء نیز در لوحی میفرمایند : " . . . كلّ از کثرات نفس و هوی نجات یابند و بوحدت محبة الله حیات تازه جویند الخ " . (۱۷)

ارکان اربعه توحيد :

ارکان اربعه توحيد در کتاب مستطاب اقدس در ذکر آیام هاء نازل شده ، قوله الاحی : " . . . و يهللن ويكبرن و يسبحن و يمجدن ربهم بالفرح و الانبساط " . (۱۸) حضرت ولی امرالله در توقیع قرن احبای شرق میفرمایند : " صوت تهلیل و تکبیر و تقدیس و تسبیح در حول حرم کبریا ، از اعلی غرفات جنت ابهی متصاعد " ، (۱۹) تحمید و تمجید که در

بیان فارسی و دیگر آثار ذکر شده همان تقدیس است .
ترتیب درست ارکان اربعه چنین است (۲۰) .

۱ - تسبیح	توحید ذات	کنت کنزا مخفياً
۲ - تحمید	توحید صفات	فاحببت ان اعرف
۳ - تهلیل	توحید افعال	فخلقت الخلق
۴ - تکبیر	توحید عبادات	لکی اعرف

لوح مدینه التوحید بشرحی مبسوط در توضیح این ارکان مزین است (۲۱) مظهر ارکان ثلاثه اول هیاکل ازلیه‌اند و رتبه رابع مختص بخلق میباشد و اگر بعین حدودات بشریه و کثرات عالم ناسوتیه ناظر باشد از رویت وحدت ذات ، صفات و افعال در مظاهر حق محجوب خواهند بود والا فلا .

در رساله هفت وادی نازل شده : قوله تعالی : " الوان هم باقتضای محل ظاهر میشود مثل اینکه در زجاجه زرد تجلی زرد و در سفید تجلی سفید و در سرخ تجلی سرخ ملاحظه میشود پس این اختلافات از محل است نه از اشراق ضیاء . . . اما نظر سالک وقتی در محل محدود است یعنی در زجاجات سیر مینماید اینست که زرد و سرخ و سفید بیند . . . بعضی نظر باشراق ضوء دارند . . . بعضی در رتبه توحید واقفند و بعضی در مراتب نفس الخ . " (۲۲)

اینک نکته دیگری که پر جالب و فهم این مطلب را فایده‌ی عظیم است مذکور می‌آید . کلمه امریه ای که حق بدان تنطق نمود و از آن خلق موجودات شد ، "کن فیکون" است . اما خلق روحانی بوسیله اقرار بتوحید الهیه میشود و حضرت نقطه بایی هستند از برای هر رکنی از ارکان اربعه ، قوله العزیز : " و اعلم بان تمام کن فیکون اذا تزید علیه عدد ابواب الاربعه

الذی کل واحد خمسة عدد الباب لم یر الا عدد النور " (۲۳) یعنی کن فیکون باضافه باب اربعه مساوی نور

$$۲۵۶ = (۵ \times ۲) + ۲۲۶$$

شنون مظاهر قدسیه :

رتبه وحدت و کثرت از شنون مظاهر ظهور

است و هر دو در ایقان شریف مشروح ، جمالقدم در بیان " وحدت " میفرمایند ، قوله عز بیانه : " این مظاهر حق را دو مقام مقرر است یکی مقام صرف تجرید و جوهر تفرید و در این مقام اگر کل را بیک اسم و رسم موسوم نمائی بآسی نیست چنانچه میفرمایند لانفرق بین احد من رسله زیرا که جمیع مردم را بتوحید الهی دعوت میفرمایند . . . و این طلعات مواقع حکم و مطالع امرند و امر مقدس از حجاب کثرت و عوارضات تعدد ، اینست که میفرمایند و ما امرنا الا واحده و چون امر واحد شد مظاهر امر هم واحدند الخ (۲۴)

در بیان معنی کثرت نازل شده ، قوله الاعلی : " و مقام دیگر مقام تفصیل وعالم خلق و رتبه حدودات بشریه است در این مقام هرکدام را هیکی معین و امری مقرر . " نظر باختلاف این مراتب و مقامات است که بیانات و کلمات مختلفه از آن ینایع علوم سبحانی ظاهر می شود . " (۲۵) .

این دو شان در هر ظهوری رجعت مینماید و نه فقط در انبیاء الله ، بلکه ایضا در اولیاء و اوصیاء حق و همچنین در مومنین نیز ملحوظ است . همچنین مومنین ظهور بدیع در مراتب جسمانی و روحانی رجعت مینمایند چنانچه برید جمالقدم شیخ سلمان هندیجانی به سلمان فارسی تشبیه شده (۲۸) و

مریم مجدلیه نیز هم از لحاظ روحانی و هم از لحاظ جسمانی در ظهور حضرت بهاء الله رجعت نمود و آن خانم جولیت تامپسن اعلى الله مقامها میباشد (۲۹) .

نفس انسانی :

جمال اقدس ابهی میفرمایند : " ما يقوم انت به فهو واحد . . . ولكن بتوجهه الى محلّ السمع واسبابه يظهر اثر وصفه و هذا ما اتم في انفسكم تجدون " (۳۰) و نیز میفرمایند : " قل ان الروح و العقل والنفس والسمع و البصر واحدة تختلف باختلاف الاسباب كما في الانسان تنظرون " (۳۱) .

نفس انسانی با اینکه واحد و بسیط است اسماء و صفات متغایزه از او ظاهر میشود و این کثرات باختلاف محلّ است . مثلاً با توجه نفس به اذان " سمع " ظاهر میگردد . كذلك بصيرت و نطق از توجه نفس به عین و لسان باهر است . با توجه نفس به قلب نار محبت الله مرتفع میگردد . در تفسیر آیه نور والم میفرمایند :

" مثلاً بتعلقه الى القلب و الكبد و الطحال و الرأس و غیره يظهر باختلاف هذه المقامات اسماء مختلفه كما اتم بالعقل و النفس و الفؤاد تسمعون " (۳۲) ۳۳

مراتب روح	عناصر اربعه	اعضای اربعه	اخلاط اربعه
فؤاد	نار	قلب	دم
عقل (روح)	هواء	راس	صفراء
نفس	ماء	کبد	بلغم
جسد ذاتی	تراب	طحال	سوداء

جميع اشیاء بسیط با تجلی در اسباب مختلفه تأثیرات خود را ظاهر مینماید . " قد قدرنا لكلّ شینی سببا " (۳۴) مثلاً ایدی و ارجل سببی هستند از اسباب و با

توجه نفس باین دو ، انسان قادر بر اظهار قدرت و استقامت است و این در عالم جسمانی میباشد و اما در عوالم روحانی نیز نفس انسانی با وجود آنکه واحد بلاکیف است ، بمقتضای آن محلّ و اسباب ملترمه آن عوالم قوای خود را آشکار مینماید . نا گفته نماند که توجه روح باسباب مستحیل است ، بلکه نفس به اسباب توجه مینماید و صفات روح را عیان میسازد . در انسان چهار رتبه منطوی است که هر رتبه مادون مستفیض رتبه مافوق و قائم بدان میباشد ، این مراتب اربعه سبب جلوه قوای معنویه انسان میگردد و بترتیب عبارتند از فؤاد ، روح ، نفس و جسد ذاتی .

حضرت بهاء الله میفرمایند که نفس متوجه اسباب میگردد نه روح ، قوله تعالى : " ثم اعلم ان حياة الانسان من الروح و توجه الروح الى جهة دون الجهات من النفس " (۳۵) . حضرت عبدالبهاء در مورد دو رتبه فؤاد و روح در حضرت مسیح میفرمایند : بنوت مقام قلب مسیح است و روح القدس مقام روح مسیح این مراتب اربعه در بیان فارسی مشروح است و رجوع بدان علت مزید تبصر میگردد . (۳۶)

تبصره : این مراتب اربعه که ذکر شد عنوان شینی واحد است ، چنانچه در مفاوضات میفرمایند : " این دو اسم یعنی روح انسانی و نفس ناطقه عنوان شینی واحد است " (۳۷) .

مقصود این نیست که روح به چهار قسم تقسیم میشود بلکه منظور اینست که روح دارای چهار رتبه معنوی است . که در هر رتبه ای ظهورات و تجلیات خاصه بمقتضای آن رتبه دارد . مثلاً در رتبه فؤاد قوه خلاقه

دارد و در رتبه ثانی قوای رازقه و در رتبه ثالث قوه مُمّیته دارد و در رتبه اُخری (رتبه جسد ذاتی) قوه حیات دهنده . در رساله هفت وادی سه وادی اول مقام تحدید و کثرات است و ما بقی اودیه سیر در مقامات توحید میباشد . رجوع از تحدید بتوحید همان رجعت از عالم کثرات بعالم توحید است : " و سالک بعد از سیر وادی معرفت که آخر مقام تحدید است باوّل مقام توحید وارد شود . . . در این مقام حجابات کثرت بر درود در سماء وحدت عروج نماید " (۲۸) .

اسماء و صفات : اسماء الهی مترتب بر صفاتند و صفات " کمالات لحقیقة الذات " (۲۹) میباشد . چنانچه ذکرش رفت اسماء و صفات در رتبه اعیان متمایزند نه در رتبه احدیّت . در این باب به درج قسمتی از لوح سلمان اکتفاء میشود ، قوله الاعلی " مثلاً ملاحظه نما یک سبب از مُسَبّب ظاهر میشود و این سبب واحد بوده ولكن در هر نفسی بما هو علیه منقلب میشود و آثار آن ظاهر میگردد و لكن در هر مقام بظهوری ظاهر مثلاً در اسم مغنی الهی ملاحظه نما که این اسم در ملکوت خود واحد بوده و لكن بعد از تجلی در مرایای وجود انسانی در هر نفسی باقتضای او اثر آن تجلی ظاهر می شود . مثلاً در کریم کرم و در بخیل بخل و در شقی شقاوت الخ " (۴۰) .

مطلب دیگر آنکه کثرات عالم صفات خود گویای رجوع آنها به مبداء واحدی میباشد . حضرت نقطه در کتاب الاسماء بعدد کلّشنی (۲۶۱) اسماء الهی ذکر مینمایند و هر کدام را شامل اربع مراتب و به هر رتبه ای از مراتب اربعه با بی اختصاص داده اند (۴۱)

علیین و سجین : جمیع اشیاء (کلّشنی) یا در ظلّ

علیین محشورند یا در ظلّ سجین ، این بر اسماء و صفات حق نیز صادق آید . مثلاً عدد هزار و صد و یازده را یک وجه علیین است و آن کلمه (ظهور) میباشد . همچنین یک وجه سجین دارد و آن کلمه " غافل " است و هکذا جمیع اسماء الهی . تمثّل دیگر ، عدد ۲۸ دو وجه مختلف دارد . وجه علیین که کلمه " ازل " و " یحیی " باشد و وجه سجین که کلمه " جهل " و " دجال " باشد . ازل ، یحیی ، جهل و دجال جمیعاً بحساب ابجد ۲۸ میگردد . حروف سجین مستظّل " لا اله " و حروف علیین مرایای " اِلّا الله " میباشد (۴۲) .

در نفس انسان آنچه در عالم ظاهر موجود مستور ، ولی حکمش در مؤمن و معرض مختلف است ، حضرت بهاء الله میفرمایند : " پس یک نفس حکم عالم بر او اطلاق میشود و لكن در مؤمنین شئونات قدسیه مشهود است مثلاً سماء ، علم و ارض سکون و اشجار توحید و افنان تفرید و اغصان تجرید و اوراق ایقان و ازهار حُب جمال رحمن و بحور علمیّه و انهار حکمیّه و لنالی عزّ صمدیّه موجود . . و همچنین در مشرکین بهمین بصر ملاحظه نمایند و لكن در این نفوس ضد آنچه مذکور شده مشهود آید مثلاً سماء ، اعراض و ارض غل و اشجار بغضا و افنان حسد و اغصان کبر و اوراق بغی و اوراد فحشاء " (۴۴)

دائرة الایقغ : وحدت و کثرت در بواطن اعداد و غیاهب حروفات نیز مودوع است و حضرت ربّ اعلی در الواح شتی وحدت نقطه و الف را در کثرت حروفات و اعداد توضیح داده اند .

اوّل و آخر کتاب جفر طلعت علوی موشح بود به الوف

اربعة که به دائرة الایقغ یا دائرة الظهور تشبیه شده (۴۶) توضیح آنکه اول خلق در عالم نقطه است . مثلاً چون قلم را بر لوح گذاریم بحض تماس قلم با قرطاس نقطه بوجود آید و چون باری تعالی نیز اول عالم امر را خلق فرمود و سپس بوسیله آن عالم خلق متوجّد گشت بنابراین نقطه به مشیت اولیه تعبیر میشود . مثلاً میگوئیم نقطه فرقان یا نقطه بیان و منظور همان مشیت اولیه است که تجلّی نموده در هیاکل قدسیّه ، حضرت باب میفرمایند " فاشهد بانّ اول شمس قد خلقها الله هي النقطة " (۴۷) .

اول حرفی که بعد از نقطه ظاهر میگردد الف است . چون قلم را بعد از ترسیم نقطه حرکت دهیم بحض حرکت الف ظاهر میگردد . جمال مبارک میفرمایند : " تجلّت هذه النقطة بطراز الاولیة علی مریاء الحروف فی کینونات الاسماء اذاً استقبلها الالف قبل کلّ الحروف " (۴۸) .

چون الف را در آحاد ، عشرات ، مآت و الوف سیر دهیم ، باز دیاد نقطه ای تکثر یابد و این کثرت از واحد بلا عدد ظاهر گشته است ، قوله : " هذه الالف تغسّه فی ابحر العشرات يظهر الالف بهینته بزيادة النقطة و يظهر منه الیاء لانّ عدده عشرة کما انتم فی الحساب تعدّون و كذلك الى سماء المآت يظهر الالف بعینه زیادة النقطتين فانتم حرف القاف حينئذ فانظرون و كذلك يترقى الى ان ينتهي الى الآخر الاعداد اذا يظهر حرف الالف فی رتبة الرابع بزيادة النقاط و يظهر عدد الالف و كذلك انتم حرف الغین فاشهدون اذا فاشهد کیف جرت اثار التوحید فی جبروت الحروف " (۴۹) . همچنین اگر به حروف " الف " ، " یاء " ، " قاف " و

" غین " ناظر باشیم ملحوظ است که الف یک نقطه دارد و یاء ، دو نقطه ، قاف دارای سه نقطه است و غین دارای چهار نقطه .

الف بحساب ابجد واحد ، یاء ، عشره ، قاف مائة و غین الف میشود و چون این حروف اربعة تلفیق گردد " ایقغ " ظاهر شود یاء ، قاف و عین تجلّی الف است و حاکی از عوالم کثرت میباشد و الف در مقام وحدت صرف است . الف را در رتبه آحاد نیز تجلیاتی است که بدان تکثر اعداد رخ دهد . مثلاً ثانی تکرّر احد است و هکذا مراتب اخری تا عدد تسعة ولی از رتبه عشره تا الف جمیع مراتب بزیادة نقطه بر آحاد صورت میگیرد . رتبه احاد که حاکی از عالم وحدت بخته است بعالم غیب و عالم کثرات یعنی عشرات و مآت و الف به رتبه علانیه تاویل گشته است .

ماحصل کلام را حضرت نقطه چنین ترسیم میفرمایند (۵۰)

غیب (بهاء) (۹)

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

علانیه (واحد) (۱۹)

۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰

۲۰۰ - ۳۰۰ - ۴۰۰ - ۵۰۰ - ۶۰۰ - ۷۰۰ - ۸۰۰

۹۰۰ - ۱۰۰۰

چون ۹ با ۱۹ جمع شود ۲۸ بدست آید که تعداد حروف ابجد است و باین دلیل الف فقط در ۲۸ حرف تجلّی مینماید (۵۱) چون الف با یاء و قاف و غین جمع گردد هزار و صد و یازده بدست آید و این بعینه عدد " ظهور " است .

حضرت باب در لوحی میفرمایند : " انّ تلك اربع نقاط

فی فنّ اهل الحروف دائرة الايقغ و هو اعظم طرق ذلك الفن حيث يستخرج منه علم ماکان و مايکون بتلك اربعة نقاط فی مذهب آل الله هو دائرة الظهور و هو بعينه اربعة الف " (۵۲)

جمالقدم در تفسير الم میفرمایند : " یصدق علی هذا الالف کلّ الحروفات و كذلك علی الاشارات التي تأخذہ فی تنزلات تجلیاته لیقدر الناس ان يحصوها علی مقدارهم " (۵۳)

این الف بین باء و سین بسم الله مکنون است و اشاره ایست به اسم مکنون مخزون که بهاء باشد . الوف ثلاثة اخرى در اول " الله " و " الرحمن " و " الرحيم " ظاهر است و بترتیب اشاره به رتبه توحید ، نبوت و ولایت میباشد . حضرت ربّ اعلی میفرمایند : " انّ اربع الف الف الظهور الظاهر هو الظاهر فی البسملة الالف الواحد هو الغیب فی بین الباء و السین و الثلاثة الظاهر فی الله والرحمن و الرحيم . . . و الاسماء الثلاثة هو ركن التوحيد و النبوة والولاية " (۵۴)

بر اثر ترکیب نقطه والف اربعة عشر مقام ظاهر میشود که اشاره به چهارده معصوم است و قائم موعود در رتبه " ايقغ " یعنی هزار و صد و یازده ظهور میفرماید : (۵۵)

ایقغ مساوی ظهور مساوی ۱۱۱۱

خلق عالم وجود : بر طبق قانون کئی الهی ، یعنی سیر اشیاء در عوالم وحدت و کثرت میتوان به مبداء تکون عالم وجود پی برد . در این باب که فی الحقیقه مهمترین قسمت این مقاله را تشکیل میدهد به تشریح مبانی از حضرت بهاء الله جلّ اسمه الاعلی میپردازد . پدر راقم ، حسن جذبانی ، در مکتوبی به نگارنده چنین مرقوم میفرمایند : " بعد العنوان . . . حضرت

ولی امرالله در کتاب دور بهانی ص ۲۰ در مورد ذکر قوانی که در هویت این امر الهی مستور است از جمالقدم نقل میفرمایند که : " لو نريد ان نظهر من ذرة شموسا لالهنّ بدايةً و لا نهايةً لنقدر و نظهر کلّهنّ بامری فی اقلّ من حين ولو نريد ان نبعث من قطرة بحور السموات والارض و نفصل من حرف علم ماکان و مايکون " .

بیان مبارک در خلق شمس لابدایه و لانهایه از ذره ای در اقلّ از آنی باراده الهی و یا از بعث دریاهای آسمان و زمین از قطره ای و یا تفصیل علم ماکان و مايکون از حرفی است . عجب این بیان مبارک مؤید خلق کثرت از وحدت است و چه تشابه کاملی به تفسیر بسم الله الرحمن الرحيم دارد که نقطه زیر (ب) بسم الله را منشاء خلق کونین ذکر کرده اند . بی دلیل نیست که حضرت اعلی خود را به نقطه تشبیه کرده اند و از القاب شامخه مبارک نقطه اولی است زیرا مظاهر مقدسه الهیه منشاء خلقت عالمند ازاین نقطه کثرات عدیده بوجود میآید .

اخیرا کتابی مطالعه کردید بنام " ستارگان ، زمین و زندگی ، از کجا آمده ایم ، به کجا می رویم ؟ " ترجمه از دکتر علی افضل صدی ، که آخرین آورده های علمی قرن اخیر را در مورد خلقت این عالم یعنی کهکشان ما و منظومه شمسی توضیح داده است . این مطلب تطابق علم و دین را که در امر مبارک تأکید شده مورد تأیید قرار میدهد و نیز مؤید بیانات الهیه در مورد خلق کثرت از وحدت است که عظمت بیان مبارک فوق را بیشتر جلوه گر میسازد . در این کتاب مصاحبه ای با دکتر هوبرت ریوز (Hubert Reeves)

یکی از دانشمندان فیزیک هسته ای اهل کانادا انجام شده در قسمتی از این مصاحبه میگوید که " میتوان چنین گفت مقصد جهان در همه حال، تحول از حالت ساده به سوی حالتی با تنوع بسیار بوده است " (ص ۲۰) در قسمت دیگری از این کتاب جالب توضیحات استفان ها و کینگ (Stefan Hawking)

یکی از دانشمندان برجسته امروزی را در مورد خلقت این کهکشان چنین بیان می کند : " همه چیز در لحظه $t=0$ با انفجاری بزرگ شروع شد و ۱۵ میلیارد سال از آن میگذرد . در لحظه $t=0$ جهان و کلیه مواد و انرژی موجود در آن در یک نقطه فیزیکی متمرکز بوده است . این نقطه بسیار فشرده را تخمه کیهانی نام نهاده اند . . . " (ص ۸۷) .

سپس با توضیحات کامل یافته های اخیر اختر شناسان و فیزیکدانان را که با اطلاعات دقیق و اندازه گیریهای لازم عمر کهکشان ما را ۱۵ میلیارد سال محاسبه کرده اند بیان میدارد و سپس در صفحه ۹۱ این کتاب توضیح میدهد که : " در لحظه $t=0$ با انفجاری بی نهایت بزرگ خلقت این کهکشان شروع شده و در لحظه $t=10^{-43}$ ثانیه که عملاً هیچ ابهامی وجود ندارد ، این لحظه بی نهایت کوتاه یعنی در واقع صفر جهان دیگر نقطه فیزیکی نبوده ، بلکه اندازه آن معادل سر سوزنی است ، یعنی شعاعی معادل با 10^{-33} متر دارد . ولی از نظر درجه حرارت بینهایت گرم یعنی حدود 10^{23} درجه حرارت مطلق است ، یعنی حرارتی غیر قابل تصور . و در لحظه $t=10^{-35}$ ثانیه بعد از انفجار حجم جهان دو برابر و در لحظه 10^{-22} ثانیه باندازه حجم یک پرتقال شده است . . . در لحظه 10^{-12} - 10^{-10} ثانیه بعد از انفجار

دمای جهان 10^{16} درجه مطلق و حجم آن کره ای است به قطر ۲۰۰ میلیون کیلومتر . در این لحظه جهان شوربانی است از ذراتی بنام کوارک ها و ضد کوارک ها و نیز ذراتی دیگر نظیر الکترون ، میون ، نوترینو و ضد ذره و پاد ذره آنها . . . " و سپس گسترش و تنوع مواد و کثرت مواد تولید شده را بتدریج توضیح داده است که باید به کتاب مزبور مراجعه کرد .

مقصد اینست که پیشرفت علم و یافته های علمی بشر و داده های تکنولوژی اخیر چه تطابق عجیبی با آثار الهی دارد . همانطوریکه حضرت عبدالهء در کتاب مفاوضات مبارك نیز خلقت عالم را با بیانی موجز و سهل و ممتنع تشریح میفرمایند : " باید بدانیم که هر موجودی از موجودات عظیمه در بدایت چه بوده . شبهه نیست که در ابتداء مبداء واحد بوده . مبداء نمیشود که دو باشد زیرا مبداء جمیع اعداد واحد است . دو نیست و دو محتاج به مبداء واحد است پس معلوم شد که در اصل ماده واحده است . آن ماده واحده در هر عنصری بصورتی درآمده است . لهذا صور متنوعه پیدا شده است . و چون این صور متنوعه پیدا شد هر یک از این صور استقلالیت پیدا کرد ، عنصر مخصوص شد اما این استقلالیت در مدت مدیده بحصول پیوست و تحقق و تکون تام یافت . . . " (مفاوضات ۱۲۷)

شکی نیست که این همه یافته های بشر از آثار قدرت و عظمت این ظهور الهی است . جمالقدم میفرمایند " تالله الحق اليوم اگر ذره از جوهر در صد هزار من سنگ محفوظ باشد و در خلف سبقة ابحر مستور . هر آینه دست قدرت الهی او را ظاهر فرماید و آن ذره جوهر را از او فصل نماید . " (دور بهانی ص ۱۹)

شکی نیست که در حرف حقّ آم الحروف و کلمه حقّ آم
الکلمات و لوح حقّ آم الالواح است " (منتخبات شماره
۷۴) ، [پایان مکتوب]

ما حصل کلام آنکه جمالقدم میفرمایند : " لونیید ان
نظهر من ذرّة شموسا . . . " و ذره همان نقطه ای است
که چندین میلیارد سال پیش (بعقیده منجمین معاصر)
موجود و از آن جمیع شمس و انجم ثاقبه سماویه
متحقّق گشته است . و این فرضیه منجمین مطابق است
با قاعده کلی الهی که عبارتست از تحقّق کثرات از
وحدت صرف و بنابراین ادنی ارتیابی در خلق عالم
وجود باقی نمی گذارد .

در ختام اشاره ای بالایجاز به کتاب هیاکل واحد
میشود . اصل لوح در دست راقم نیست ، اما در کتاب
محاضرات از آن سخن رفته است . کتاب هیاکل از ۱۹
هیکل تشکیل شده و هر هیکی دارای یازده سطر
است که اشاره به " هو " میباشد . حضرت نقطه
میفرمایند که هیکل اول مبداء هیاکل است و از آن
هیاکل اُخری تکثر مییابد . مراتب وحدت و کثرت در
کتاب هیاکل نیز ملحوظ است . مراجعه کن بکتاب
محاضرات . (۶۱)

مآخذ و تعلیقات

- ۱ - مفاوضات عبدالبهاء چاپ هند ۱۹۸۳ ، باب (مر)
مبداء انسان صفحه ۱۲۸
- ۲ - مانده آسمانی طبع مؤسسه ملی مطبوعات امری ۱۲۹
بدیع ج ۱ ص ۲۴
- ۳ - مفاوضات صفحه ۱۲۸
- ۴ - مفاوضات ص ۱۴۴
- ۵ - کتاب ایقان چاپ پاکستان ، ۱۲۷ بدیع ص ۱۱۰ -
۱۰۸ - تفسیر بسم الله در کتاب " من مکاتیب عبدالبهاء " چاپ
برزیل ۱۹۸۲ ص ۴۷ - ۲۲ ، امر و خلق چاپ آلمان
۱۴۱ بدیع ص ۱۱۱ - ۱۰۹ (ج ۱)
- ۶ - امر و خلق ص ۱۱۰

- ۷ - در شرح بسم الله میفرمایند : " و الثالث مقام الامکان
ای الوجود المستفاد من الغير المكتسب عن سواه . . . " من
مکاتیب عبدالبهاء ، ص ۴۱
- ۸ - سوره بقره آیه ۶۷
- ۹ - تفسیر سوره بقره ، جزء اول نسخه عکسی متعلق به
ادوارد براون ، مأخوذ از کتابخانه دانشگاه کمبریج ، نسخه
شماره F.8 ص ۱۴۸
- ۱۰ - تفسیر سوره بقره ص ۱۵۰ - ۱۴۹
- ۱۱ - تفسیر سوره بقره ص ۱۵۰
- ۱۲ - ۲۲ مکتوب از حضرت نقطه نسخه عکسی متعلق به
پرفسور براون شماره F.21 ص ۱۵۸
- ۱۳ - تفسیر آیه نور ، مأخذ شماره ۱۲ ص ۱۵۹
- ۱۴ - در رساله هفت وادی میفرمایند : " در این مدینه
حجبات نورهم خرق میشود . . . " آثار قلم اعلی ج ۳ ص ۱۲۲
- ۱۵ - مأخذ شماره ۱۲ ص ۱۵۹
- ۱۶ - مأخذ شماره ۱۲ ص ۱۶۵
- ۱۷ - من مکاتیب عبدالبهاء ص ۱۹۲
- ۱۸ - کتاب مستطاب اقدس آیه ۱۶
- ۱۹ - توقیعات مبارکه ، لانگن هاین آلمان ، ۱۴۹ بدیع ص ۸۰
- ۲۰ - تطبیق کنت کنز مخفیا بارکان اربعه توحید نظر
شخصی نگارنده است ، ولی با سایر آثار مبارکه مطابقت
تأم دارد .
- ۲۱ - مانده آسمانی ج ۴ ص ۲۲۹ - ۲۱۳
- ۲۲ - آثار قلم اعلی ج ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۰
- ۲۳ - تفسیر آیه نور ص ۱۶۰
- ۲۴ - کتاب ایقان ص ۱۱۹ - ۱۱۸
- ۲۵ - کتاب ایقان ص ۱۲۸ - ۱۲۷
- ۲۶ - مفاتیح الجنان ، مؤسسه انتشارات سکه ۱۳۶۳ ،
- ۲۷ - گاد پاسسز بای انگلیسی صفحه ۲۴۹
- زیارت مطلقه حضرت امیر ، ص ۸۰۲
- ۲۸ - محاضرات لانگن هاین آلمان غربی ، ۱۵۰ بدیع ص
- ۱۲۹ - ۱۲۸ تالیف اشراق خاوری
- ۲۹ - رجوع کن به خاطرات جولیت تامپسن
- ۳۰ - مانده آسمانی ج ۴ ص ۷۳
- ۳۱ - لوح رئیس در مجموعه الواح ، چاپ امریکا ۱۹۷۸ ص ۹۹
- ۳۲ - مانده آسمانی ج ۴ ص ۷۴
- ۳۳ - در لوحی در شرح اکسیر میفرمایند : اوست اکیل
الاکلیل . . . و ذهب حکماء . . . و باخلاط اربعه صفراء و
سوداء و بلغم و دم که ظهورات طبایع اربعه اند در شخص
انسانی نامیده اند الخ " مانده آسمانی ج ۱ ص ۲۵ - ۲۴
- بعضی از مراتب تطبیقیه در جدول از کتاب Tenknings
historie تالیف Anfinn Stigen اخذ شده است . ج ۱
ص ۱۷۹ و نیز رجوع شود به بیان فارسی باب اول از واحد خامس .
- ۳۴ - امر و خلق ج ۱ ص ۱۲۲
- ۳۵ - لوح رئیس ، مجموعه الواح ص ۹۹
- ۳۶ - بیان فارسی ، مواضع متعدده .
بقیه در صفحه ۹۰

نظری به ماوراء الطبیعه

بخوبی میدانیم که وقتی طفل پابعرصه وجود میگذارد فاقد قوانی است که اشخاص بزرگ دارا هستند ، طفل شیرخوار عاجز از راه رفتن است ، قادر نیست که در مقابل مشکلات از خود دفاع کند ، قدرت تکلم ندارد خوب را از بد تشخیص نمیدهد و بسیاری چیزهای دیگر . لکن بمرور گذشت زمان بدن او کامل میشود ، میتواند راه برود و بدود و صحبت کند و از خود دفاع نماید و بتهیه غذا بپردازد . خلاصه بدن طفل پس از گذشتن مراحل متعددی کامل میشود ، همین طور قوای عقلانی کودک هم بتدریج رشد می کند . در ابتدا از درک حقایق اشیاء محروم است ولکن وقتی بسنین بلوغ رسید از نظر قوای عقلانی نیز کامل میشود و اقدامات و فعالیتهایی می کند که هرگز در دوران کودکی تصوّرش را نمیتوانست بنماید .

بطور خلاصه میتوان گفت که بشر از ابتدای تولّد تا روز مرگ طی مراحل میکند و روز بروز کامل تر می گردد تا اینکه در سنین بسیار بالا سیر صعودی تبدیل بسیر نزولی میشود و انسان قوای جسمانی خود را بتدریج از دست می دهد و عاقبت از این دنیای خاکی بجهان باقی میشتابد .

جامعه بشر هم بطور کلی مانند يك طفل شیرخوار است و در سیر ترقّی است همانطور که انسان از کودکی به نوجوانی و بعد بمرحله بلوغ و به کمال عقل میرسد جامعه بشر هم مراحلی دارد هزاران سال پیش بشر در دوره کودکی زندگی میکرد بعد بتدریج کامل شد و

از پاشاناظریان

رشد کرد و بمرحله نوجوانی رسید و امروزه که ترقّیات عظیمه در زمینه های دانش کامپیوتر و ارتباطات و مواصلات بدست آورده و اختراعات و اکتشافات علمی و فنی فراوانی بمرحله ظهور و بروز رسیده است مرحله بلوغ بشر نسبت بگذشته است . بشر امروزی را که در مدّت چند روز از کره زمین بماه میرسد نمیتوان با بشر هزاران سال پیش که بر اسب و یا پیاده سالهای دراز از شهری شهری و یا از مملکتی بملکت دیگر میرفت مقایسه کرد .

احتیاجات جامعه بشری هم در هر يك از مراحل توسعه و تکمیل فرق می کند . طفل يك ماهه احتیاج به شیر مادر دارد در صورتیکه احتیاجات يك شخص بالغ با خواسته های کودک خردسال تفاوت دارد .

وقتی طفل سنوالاتی میکند پدر و مادر و یا معلّم و مربّی بقدر درک او صحبت میکنند و نمی توانند حقایق را کاملاً برایش توضیح دهند . در صورتیکه وقتی طفل بمرحله بلوغ رسید با چشم دیگری بجهان و جهانیان نگاه میکند و حقایق را میتوان بطور کامل برای او بیان کرد .

همان طوریکه هر فردی احتیاج بمربی و معلّم یا راهنما دارد عالم بشریت هم بصورت کلی محتاج بمربی است و این مربّیان پیامبران الهی هستند که در هر دور و زمان ظاهر شده و دنیا را با نور تعلیم خود روشن و منور میسازند . دلیل اصلی تجدید ادیان نیز همین نکته اساسی است .

بسیاری از مطالب را در دوره های قبل پیامبران الهی باندازه قوه درک بشر بیان کرده اند .

منظور از این مقدمه آنستکه در ادیان قبل مسئله ماوراء الطبیعه ، الوهیت ، روح ، عالم بعد ، بهشت و دوزخ ، روز حشر باندازه قوه و ادراك بشر آن دوره شرح داده شده ، مثلا خداوند باری تعالی در قرآن مجید خطاب بحضرت محمد میفرماید " و یسنولنک عن الروح قل الروح من امر ربی " بنا براین ملاحظه میفرمایید که چون عقل بشری در آنوقع قادر بدرك روح نبود بدینگونه توجیه شده است ، ولی در امر بهانی اینگونه مسائل بطریق علمی و عقلانی متناسب با دانش امروز توجیه و تبیین شده است .

حضرت عبدالهء میفرمایند : " بر شینی معدوم اثر مترتب نمیشود مثلا الکتریسته در سیم برق جریان دارد ولی دیده نمیشود و قابل لمس نیست ، ولی اثرات آن را که نور و روشنایی و استفاده در صنایع است ملاحظه میکنیم روی این اصل باین نتیجه می رسیم که در سیم قوه عظیمی وجود دارد . روح انسان نیز مشهود نیست ولی از اثراتش میتوان بوجود آن پی برد . قدرت حافظه ، هوش ، تخیل ، انفعالات مختلفه و عواطف رقیقه اینها همه اثرات وجود روح در بدن است . وقتی که انسان بدرد حیات گفت روح انسانی باقی میماند چنانچه اگر لامپ شکسته شود و نور خاموش گردد الکتریسته در جای خود موجود است . انسان در عالم رؤیا در مشرق است ولی بیک طرفه العین بغرب می رود در حالیکه با وسائل سریع جدیده ساعتها طول می کشد که انسان از کشوری به کشور دیگر سفر نماید . این روح انسان است که طی مسافت می نماید . چه بسا وقایع که در عالم خواب رخ میدهد و بعد از سالیان دراز عین آن وقایع در عالم

ظاهر میشود همچنین انسان میتواند افکار دیگران را بخواند و در زمان بیداری بسیاری اوقات چیزهائی را حدس میزند که بعدا پدیدار میگردد و این امر را تله پاتی Telepaty نامیده اند .

روح از بدو تولد بوجود آمده و همیشه باقی و برقرار خواهد بود منتهی قدرت آن در ابتدا ضعیف است و بعد که انسان عاقل تر و با هوش تر میشود روح نیز تکامل پیدا مینماید مثلا نطفه که در شکم مادر وجود داشته بعد بتدریج تکمیل میشود و پا دنیا میگذارد . حضرت عبدالهء میفرمایند : " .. بدانکه تصرف و ادراك روح انسانی دو نوع است یعنی دو نوع افعال دارد و دو نوع ادراك دارد يك نوع بواسطه آلات و ادوات است مثل اینکه باین چشم می بینید ، باین گوش میشنوید و باین زبان تکلم مینمایید . این اعمال روح است و ادراك حقیقت انسان ولی بوسیله آلات یعنی بیننده روح است اما بواسطه چشم ، شنونده روح است لکن بواسطه گوش ، ناطق روح است اما بواسطه لسان و نوع دیگر از تصرفات و اعمال روح بدون آلات و ادوات است از جمله در حالت خواب است بی چشم می بیند ، بی گوش میشنود و بی زبان تکلم میکند و بی پا میدود . باری این تصرفات بدون وسائل آلات و ادوات است و چه بسیار میشود که رویانی در عالم خواب بیند آثارش در سال بعد مطابق واقع ظاهر شود و همچنین چه بسیار واقع که مسئله ای را در عالم

حضرت عبدالهء در کتاب مفاوضات بیانات کامل در باره اثبات روح و بقای آن فرموده اند که نویسنده این مقاله آنها را عینا نقل نموده و چون کتاب مفاوضات در اختیار یاران میباشد لذا خواهشمند است بصفحات ۱۵۱ - ۱۵۲ کتاب مزبور مراجعه فرمایند .

بیداری حلّ نکند در عالم رویا حل نماید چشم در عالم بیداری تا مسافت قلیله مشاهده نماید لکن در عالم رویا انسان در شرق است غرب را بیند در عالم بیداری حال را بیند در عالم خواب استقبال را بیند در عالم بیداری بوسائط سریعه در ساعتی نهایت بیست فرسخ طی کند در عالم خواب در يك طرفة العين شرق و غرب را طی نماید . . . "

. . . پیامبران الهی هریک دو حیات داشته اند یکی حیات عنصری مثل سایر افراد بشر و دیگری حیات روحانی و معنوی ، این وجودات نورآینه در حیات جسمانی با سایرین شریک بوده اند که شامل خواب و خوراک و بیداری و تشنگی و در حیات معنوی و روحانی مقام مظهریت داشته اند چنانچه حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس خود را " مشرق وحی " و " مطلع الهام " خداوند نامیده اند ، قوله الاحلی :

" آن اوّل ماکتب الله علی العباد عرفان مشرق وحیه و مطلع امره الذی کان مقام نفسه فی العالم الامر و الخلق " امر بهانی عقیده دارد انسان نمیتواند بوجود آفریننده پی برد و یا آن را درک نماید عقل بشری عاجز از ادراک و شناسائی است السبیل مسدود و الطلب مردود.

اینک قسمتی از یکی از الواح حضرت بهاء الله را در باره توحید الهی و عجز بشر از فهم و ادراک او نقل مینمایم ، قوله الاحلی :

" حمد مقدّس از عرفان ممکنات و منزّه از ادراک مُدرکات ملّیک عزّ بی مثالی را سزاست که لم یزل مقدّس از ذکر دون خود بوده و لایزال متعالی از وصف ماسوی خواهد بود احدی بسماوات ذکرش

کماهو ینبغی ارتقاء نجسته و نفسی بمعارج وصفش علی ماهو علیه عروج ننموده و از هر شانی از شنونات عزّ احدیتش تجلیات قدس لانهایه مشهود گشته و از هر ظهوری از ظهورات عزّ قدرتش انوار لابدایه ملحوظ آمده چه بلند است بدایع ظهورات عزّ سلطنت او که جمیع آنچه در آسمانها و زمین است نزد ادنی تجلّی آن معدوم صرف گشته و چه مقدار مرتفع است شنونات قدرت بالغه او که جمیع آنچه خلق شده از اوّل لاولّ الی اخرا آخر از عرفان ادنی آیه آن عاجز و قاصر بوده و خواهد بود هیاکل اسماء لب تشنه در وادی طلب سرگردان و مظاهر صفات در طور تقدیس ربّ ارنی بر لسان، موجی از طمطم رحمت بی زوالش جمیع ممکنات رابطراز عزّ هستی مزین نموده و نفحه از نفحات رضوان بی مثالش تمام موجودات را بخلعت عزّ قدسی مکرم داشته و برشحه مطفحه از قمقام بحر مشیت سلطان احدیتش خلق لانهایه بما لانهایه را از عدم محض بعرصه وجود آورده لم یزل بدایع جودش را تعطیل اخذ ننموده و لایزال ظهورات فیض فضلش را وقوف ندیده از اوّل لاولّ خلق فرموده و الی آخر لا آخر خلق خواهد فرمود . . . "

و نیز در کتاب مستطاب ایقان میفرمایند قوله الاحلی :

" بر اوّلی العلم وافنده منیره واضح است که غیب هوّیه و ذات احدیه مقدّس از بروز و ظهور و صعود و نزول و دخول و خروج بوده و متعالی است از وصف هر واصفی و ادراک هر مُدرکی ، لم یزل در ذات خود غیب بوده و هست و لایزال بکینوته خود مستورابصار و انظار خواهد بود لاتدر که الابصار و هویدرک الابصار و هواللطیف الجنیر ، چه میان او و ممکنات نسبت و

ربط و فضل و وصل یا قرب و بعد و جهت و اشاره بهیچ وجه ممکن نه ، زیرا که جمیع من فی السموات و الارض بکلمه امر او موجود شدند و باراده او که نفس مشیت است از عدم و نیستی بحث بات بعرضه شهود و هستی قدم گذاشتند . سبحان الله بلکه میانه ممکنات و کلمه او هم نسبت و ربطی نبوده و نخواهد بود و یحذرکم الله نفس به این مطلب برهانی است واضح و کان الله و لم یکن معه من شینی دلیلی است لائح چنانچه انبیاء و اوصیاء و علما و عرفا و حکما بر عدم بلوغ معرفت آن جوهر الجواهر و بعجز از عرفان و وصول بآن حقیقت الحقائق مقرّ و مدعند . . . "

حضرت عبدالبهاء میفرمایند " هر چیزی که ابتدائی دارد بدون شك دارای انتهائی میباشد . این کره ارض با این عظمت ابتدائی داشته و بلاشك روزی منهدم خواهد شد و ازین خواهد رفت . این ستارگان عظیم ابتدائی داشته ، عمر آنها محدود است سالهائی بدرخشندگی خواهند پرداخت و بعد بمرور سرد خواهند شد و منهدم و مضحل خواهند گشت ، ولی عالم وجود بکله ابتدائی نداشته و انتهائی هم نخواهد داشت . عالم وجود همیشه موجود بوده و همیشه هم موجود خواهد ماند . زمان و مکان ابتدا و انتها ندارد .

در این فضای لایتناهی اگر با سرعت هزاران بار بیشتر از سرعت نور حرکت کنیم هیچ وقت بانتهای فضا نخواهیم رسید و تصوّر اینکه جانی باشد که در آنجا مکان وجود نداشته باشد امکان پذیر نخواهد بود . مثلا مداد روی کتاب قرار گرفته و کتاب روی میز است و میز روی فرش و فرش روی کف اطاق و اطاق در خانه و خانه در روی زمین و زمین هم بسرعت دور

خورشید در حرکت است ، مجموعه شمسی هم با اینهمه عظمت و ابّهت در کهکشان و در گردش است ، بنابراین هر چیزی بشنی دیگری بستگی دارد مگر اینکه نقطه ای در عالم وجود پیدا شود که خالی باشد و غیر قابل تصور است .

این موضوع یعنی عدم صرف هم غیر قابل تصوّر است ، اگر بفرض محال این فضای لایتناهی محدود بحدود باشد باز در پس آن حدود محل و مکانی وجود خواهد داشت "

زمان هم همینطور است ، هیچ وقت ابتدائی نداشته و هیچ وقت انتهائی نخواهد داشت . اگر بلیون بلیون سال پیش را در نظر بگیریم باز می بینیم که قبل از آن هم زمانی وجود داشته و اگر بلیون بلیون سال بعد را هم در نظر بگیریم باز می بینیم که بعد از آن باز زمانی وجود خواهد داشت .

علما معتقدند که عالم وجود ۱۵ بلیون سال پیش در اثر يك انفجار عظیم بوجود آمد و منظومه شمسی ۵ بلیون سال پیش ، حال اگر بلیون ها بلیون سال هم بگذرد و تمام ستارگان و کهکشانها سرد شوند و هیچ گونه انرژی باقی نماند باز عالم وجود باقی خواهد بود باز زمان و مکان وجود خواهند داشت .

پس چون دنیا هیچ وقت ابتدائی نداشته و هیچ وقت هم انتهائی نخواهد داشت پس وجود خداوند نیز ابدی و سرمدی است ، حضرت باری تعالی از ابتدائی که ابتداء نداشته تا انتهائی که انتها نخواهد داشت باقی و برقرار بوده و باقی و برقرار خواهد ماند .

در این عالم عظیم هیچ موجودی نمیتواند ادراک موجود بالاتر از خود را بنماید ، بنابراین جماد درك نبات و

نبات درك حيوان و حيوان درك انسان و انسان درك دنيای باقی نتواند کرد . ماهی هرگز قادر نیست تصور کند که دنيای دیگری غير از دریا وجود دارد زیرا هر جا او شنا می کند آب است و بمجردی که از آب بیرون آید میمیرد . طفل در رحم مادر هرگز نمیتواند تصور کند که دنيایی با این عظمت وجود دارد زیرا او محدود بحدودی است و این حدود همان رحم مادر است .

این آسمان ، این فضای لایتناهی ، این زمین ، این ملیون ها کهکشان همه دلیل بر وجود خداوند بی همتاست . "

اصولا بشر از ابتدای خلقت تا کنون بدنیاال کشف حقیقت بوده و سعی کرده است که خدای خود را بشناسد چه آنهاییکه بادیان مختلف اعتقاد دارند و چه آنهاییکه بدیانت مخصوصی متکی نبوده اند نتوانسته اند این موضوع را انکار نمایند که این دنيای عظیم خالقی داشته است .

موضوع دیگر مسئله بهشت و دوزخ و عالم اخروی و روز حشر و روز قیامت و زنده شدن مردگان و جزاء و مجازات است که در ادیان گذشته میبایست با فهم و ادراك مردمان آن زمان بیان شود و در امر بهائی نیز مورد قبول قرار گرفته است ، ولی مجازات و مکافات اخروی جنبه روحانی داشته و مربوط بروح است نه جسد .

موضوعی که همه مردگان سر از قبر برخوانند داشت و زنده خواهند شد و در روز حشر و قیامت بجزای اعمال خود خواهند رسید افسانه ای بیش نیست زیرا ما میدانیم که جسد آدمی پس از چندی که در زیر

خاك دفن شود خواهد پوسید و بکلی منهدم خواهد شد و هیچ اثری از آن باقی نخواهد ماند چگونه ممکن است که مردگان همه زنده شوند ، این روح انسان است که در عالم بعد مجازات خواهد شد . اگر طفل در رحم مادر نقصی داشته باشد این نقص بعد از اینکه پا بعرصه وجود میکذارد در او مشاهده خواهد شد . مثلا اگر در موقع حاملگی مادر اقدام به استعمال سیگار و افیون و یا نوشیدن مشروبات الکلی نماید و یا اینکه بمرضی خطرناک دچار شود یا داروهای نامناسب مصرف نماید اینها در روی طفل در رحم اثر خواهد گذاشت و بعد از آنکه طفل متولد گردید ممکن است نواقصی در اعضای او بوجود آید . برعکس اگر در طی مدت حاملگی مادر مراعات نکات طبّی و بهداشتی را نموده باشد و تغذیه صحیح کرده باشد طفل در کمال صحت و سلامت متولد خواهد شد . همینطور اگر در این جهان فانی ما باقدمات ضدّ انسانی دست بزنیم روح ما در عالم بالا غمگین و متأثر و افسرده و مورد عتاب و خطاب قرار خواهد گرفت و اگر جز خدمت بعالم انسانی هدفی نداشته باشیم بعد از فوت در عالم بالا روحی سرشار از مسرت و شادی خواهیم داشت و بصلاح و رستگاری ابدی خواهیم رسید .

مسئله دیگر مسئله تناسخ است ، پیروان بعضی از ادیان معتقدند که انسان پس از مرگ دو مرتبه باین عالم عود میکند و بصورت حیوانات یا بصورت انسان ، آنها میگویند که این عود را برای آنستکه روح آدمی تکامل یابد تا اینکه بمرحله پاکی و تکامل برسد . حضرت عبدالهّاء در باره تناسخ چنین میفرمایند :

" اشجاری که در سنین سابق برگ و شکوفه و ثمر نموده در سنه لاحق بعینه همان اوراق وازهار و اثمار ببار آورند . این را تکرر گویند و اگر نفسی اعتراض نماید که آن ورقه و شکوفه و ثمر متلاشی شد و از عالم نبات بعالم جماد تنزل نموده دوباره از عالم جماد بعالم نبات آمد پس تکرر یافت جواب این است که شکوفه و برگ و ثمر پارسال متلاشی شد آن عناصر مرکبه تحلیل گشت و در این فضا تفریق شد آن اجزاء مرکبه نوعیت عود کرده و همچنین جسم انسان بعد از تحلیل متلاشی گردد و اجزاء مرکبه تفریق شود و اگر چنانچه از عالم جماد و یا نبات دوباره این جسم عود کند این جسم بعینه اجزاء مرکبه انسان سابق نبوده آن عناصر تحلیل شد و تفریق گشت و در این فضای واسع منتشر شد . بعد اجزاء دیگر از عناصر ترکیب گشت و جسم ثانی شد و شاید جزئی از اجزاء انسان سابق در ترکیب انسان لاحق داخل شود اما آن اجزاء بتمامها و عینها بدون زیاده و نقصان محفوظ و مصون نمانده تا دوباره ترکیب گردد و از آن ترکیب و امتزاج انسان لاحق بوجود آید . . . "

نقل از صفحه ۸۴

- ۲۷ - مفوضات ، باب (کز) ، سوال از ثالوث ص ۸۳
 ۲۸ - آثار قلم اعلی ج ۲ ح صص ۱۰۹ - ۱۰۸
 ۲۹ - تفسیر بسم الله ، من مکاتیب عبدالیهاء ص ۴۱
 ۴۰ - مجموعه الواح ، چاپ امریکا ص ۱۴۷
 ۴۱ - کتاب الاسماء نسخه شماره F 16 , F19 متعلق به ادوارد براون دانشگاه کمبریج
 ۴۲ - در لوحیست منزل : " تطلع شمس الظهور من تحت حجاب الغافل . . . " مأخذ شماره ۱۲ ص ۶۹
 ۴۳ - بیان فارسی ، باب ثانی از واحد ثانی

- ۴۴ - مجموعه الواح ص ۱۸۲ و ص ۱۸۴
 ۴۵ - تفسیر سوره بقره ، ص ۱
 ۴۶ - حضرت باب در تفسیر واو والصفات میفرمایند :
 " قد ثبت فی فن اهل الجفر بان کتاب علی علیه السلام کان فی اوله اربعه الف و فی اخره اربعه الف بعینه دائرة الایقغ . . . " مأخذ شماره ۱۲ ص ۴۷
 ۴۷ - مأخذ شماره ۱۲ ص ۴۵
 ۴۸ - مانده آسمانی ج ۴ ص ۵۰
 ۴۹ - مانده آسمانی ج ۴ ص ۷۱
 ۵۰ - مأخذ شماره ۱۲ ص ۴۹
 ۵۱ - مأخذ بالا ص ۴۶ : " اذا اتصل (یعنی منازل تسعه غیب) علیها بعلا نیثها یظهر ثمانیه و عشرين حرفاً بلا ازدیاد و لا انتقص " .
 ۵۲ - مأخذ بالا ص ۴۷
 ۵۳ - مانده آسمانی ج ۴ ص ۷۲
 ۵۴ - مأخذ شماره ۱۲ ص ۷۱
 ۵۵ - از حضرت اعلی در لوحی است : " . . . کل واحد من تلك الاربعة والعشر يدل عن الف الا حد من اول ذکر رتبة العشرة الى اخر الظهور فی اربعة عشر منازل . . . " مأخذ شماره ۱۲ ص ۷۰
 ۵۶ - تفسیر حروفات مقطعات از کتاب الاسماء مأخوذ است نسخه F.20 ص ۱۳۷ ایضاً رجوع کن به تفسیر آیه نور نازله از قلم حضرت رب اعلی مأخذ شماره ۱۲ ص ۱۶۵
 ۵۷ - در تفسیر سوره بقره منزلیست ، " فاخرج الله بالحسین من الائمة تسعاً ائمة لکم " با این حال باید جمیع استنباطات را از نظریات شخصی بنده بدانید . جمع ، تفسیر سوره بقره ص ۵۹
 ۵۸ - مأخذ شماره ۱۲ ص ۴۸ و ص ۷۰
 ۵۹ - بهاء الله شمس حقیقت تألیف حسن البیوزی چاپ ۱۹۸۹ ص ۵۳۲ - ۵۳۱
 ۶۰ - توقیعات مبارکه ص ۵۸۴ - ۵۸۳ (توقیع ۱۱۱ بدیع)
 ۶۱ - محاضرات ج ۱ ص ۲۰۸ - ۲۹۲ و ص ۴۱۵ - ۲۹۰

بعضی از لغات مشکله :

مقنوع - پوشیده ، الغاز - رمز پیچیده ، مرایا - آئینه ها
 علّقه - مرحله ای از جنین که بعد از آن مرحله مضغه است .
 سهب - طولانی ، مندمج - منضم - داخل ، اجتباء - برگزیدن و انتخاب کردن ، ولوج - وارد شدن ، غیاهب - تاریکیها - سیاه

پروردگار را بی حساب

از رضا جهانگیری

چشم می بیند ولی آن نور و تصویریش نماند
سینه می سوزد ولی آن سوز و تأثیرش نماند
خنده از لب می گریزد تاب تکثیرش نماند
آن قد و بالا دگر ترتیب و تغییرش نماند
لیک آن مهر و وفا با عاشق پیرش نماند
شیخنا همسایه ما حکم تکفیرش نماند
می طپد در سینه و یارای تقریرش نماند
زاهدا آلوده دامانیم و تطهیرش نماند
کاخ ظلم آباد شد حاجت به تعمیرش نماند
هرکه این درگه نپوید شور و تسریرش نماند

دست می لرزد ، دگر یارای تحریریش نماند
پای می لنگد دگر آن قدرت تسریع نیست
زلف می پیچد ولی آن طره طرار نیست
جامه بر تن می رود اما قناس اندر قناس
یار می آید سراغم گاهگاهی با شتاب
حلقه بر در می زند یار ستمکار عجل
باز هم این دل که می سازد بجور مهوشی
ساقیا آتش زدی جامی دگر در کام ریز
طاق کسری فاش سازد نکته سنجیده ای
بندگی درگهش از پادشاهی خوشتر است

بارالها هر چه دادی پس گرفتی بی حساب

و هر چه اسراری است در خلقت که تفسیرش نماند

و امروز :
چه می کردم !

اُز رستم اهورانیان

و گر عُمری بپایش سر نمی کردم چه می کردم
مقابل با مه و اختر نمی کردم ، چه می کردم
نوا ی شور و شادی سر نمی کردم ، چه می کردم
ز آب دیدگانم تر نمی کردم ، چه می کردم
اگر یکباره دفع شر نمی کردم ، چه می کردم
بده بستان از این بهتر نمی کردم ، چه می کردم
کر این اندیشه را باور نمی کردم ، چه می کردم
از اول فکر آخر کر نمی کردم ، چه می کردم

اگر دل سوی آن دلبر نمی کردم چه می کردم
جمال بی مثالش را به زیبایی و رخشانی
بشوق دیدن رویش سراپا واله و شیدا
شبانگهان هجران ، چهره و رخساره خود را
ز تیر طعنه ی دونان که صدمبار ملامت داشت
چو مست از ساغر وصلش شدم دستم ز جان شستم
جوانی شد درین سودا که آید دولتی در بر
گزیدم عشق را تا وارهم از رنج این هستی

بشکر نعمتش اینک زبان قاصرم گوید

اگر رو سوی آن دلبر نمی کردم چه می کردم

مَعْرِفِ كِتَاب

به یاد دوست :

اخیرا به همت انجمن دوستداران فرهنگ ایرانی یادنامه ایادی عزیز امراالله جناب ابوالقاسم فیضی علیه بهاء الله و رضوانه با عنوان " بیاد دوست " در ۲۲۴ صفحه انتشار یافته است .

مجموعه مزبور شامل شرح حیات جناب فیضی بقلم همسر ایشان خانم کلوریا فیضی و خاطرات بحرین بقلم جناب دکتر حشمت الله مؤید و مشتمل بر " داستان دوستان " و " زمانه " که در ایران منتشر شده است میباشد بعلاوه شرح چهار سال و نیم خدمات آن ایادی محبوب در نجف آباد نیز در این مجموعه نشر گردیده است . برآستی نوشتجات جناب فیضی چنان شیرین و دل انگیز است که خواننده را جذب و جلب می نماید . خدمتی که انجمن دوستداران فرهنگ ایرانی در انتشار این مجموعه گرانها به عمل آورده اند سزاوار تقدیر و فیر است .

ترجمه کتاب بدایع الاثار جلد اول بنام Maumud's Diary بلسان انگلیسی .

یکی از آثار تاریخی نفیس و مستند بهانی کتاب بدایع الاثار تألیف جناب محمود زرقانی است ، نامبرده در اسفار تاریخی حضرت عبدالبهاء بمغرب زمین جزو ملتزمین رکاب مبارک بوده و شرح کامل جریان سفر و نطق های مبارک و خطابات و امثله صادره از فم اطهر را یادداشت نموده که در دو مجلد

بنام بدایع الاثار انتشار یافته است . حضرت ولی محبوب امراالله در کتاب قرن بدیع God Passes By آنرا بعنوان مأخذی صحیح و تاریخی قلمداد فرموده اند .

جلد اول این کتاب اخیرا بواسطه جناب محبت الله سبحانی با یاری Shirley Macias بانگلیسی ترجمه شده و مترجمین محترم حسب الامر معهد اعلی نهایت دقت در ترجمه آن بکار برده اند . زحمات و خدمات این دو مترجم عزیز شایان ستایش است به جمیع یاران علی الخصوص جوانان توصیه میشود که در تهیه و مطالعه انگلیسی و فارسی این کتاب گرانقدر اهتمام نمایند ، و از مباحث عرفانی و تاریخی واستدلالی و امثله و حکایات شیرین و دلنشین آن بهره کافی و حظی وافر برند .

رجعت مسیح :

کتابی است که ناشر نجات الله جناب یعقوب کتیرانی در استدلال حقایق امر الهی باستناد کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید تألیف نموده اند .

این کتاب در ۲۲۹ صفحه بواسطه مؤسسه معارف بهانی چاپ و نشر شده و شامل یک مقدمه و ۲۲ باب (فصل) است . مؤلف محترم ضمن نقل آیات کتاب تورات وانجیل در بسیاری از موارد بدلائل عقلی و شواهد تاریخی از آثار اسلامی و کتاب مقدس قرآن کریم نیز استناد و استدلال نموده است .

مطالعه این کتاب برای احبائیکه در مغرب زمین قائم به تبلیغ امر مبارک میباشند بسیار مفید است . برای تهیه و خرید بمؤسسه معارف بهانی دان داس مراجعه شود.

انسان و کیهان :

نیاز عقلانی انسان به توجیه علل مبهم هستی از دیرگاه زمان مایه خلق عقاید جهان شناسی شده و به ظهور اساطیر و افسانه های مذهبی انجامیده و محملی برای درک و قبول رموز انتظام پدیده های جهان هستی و همبستگی پدیدارهای طبیعی را فراهم آورده است. دکتر فیروز براقی دکترا در جامعه شناسی پرورشی از دانشگاه پاریس و استاد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه جندی شاپور مؤلف کتاب " انسان و کیهان " با توجه کامل به الواح و آثار قلم اعلی نوری بر این اسرار تابانده و جوابی برای سنوالات مقدر در مورد علل مبهم هستی ابراز داشته است .

این کتاب در ۲۰۰ صفحه و جلد شیمیزی توسط مؤسسه معارف بهانی طبع و منتشر شده و به قیمت ۱۴ دلار در اختیار دوست داران آثار ارزنده گذاشته است .

دکتر مهاجر

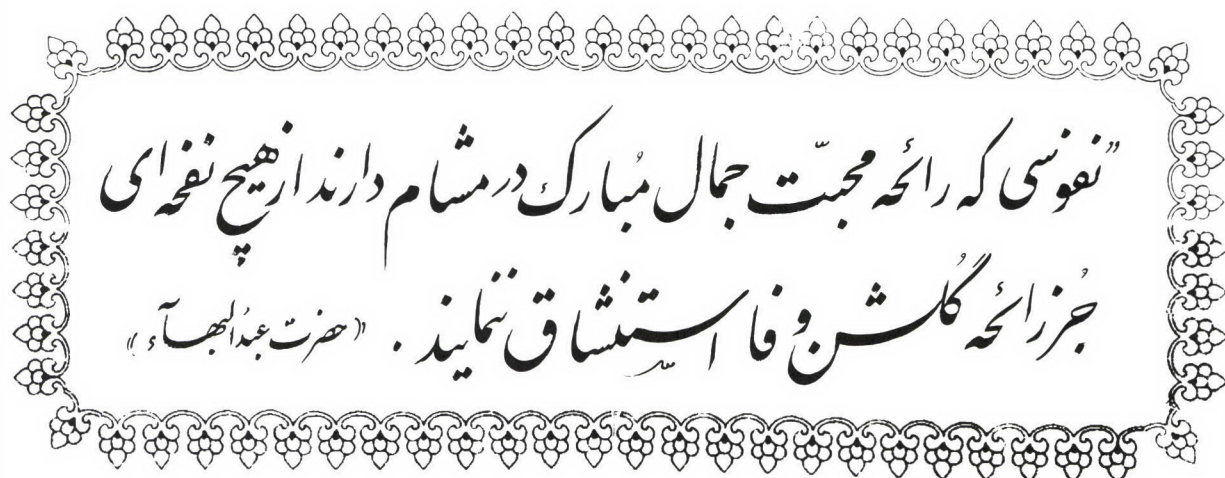
ایادی امرالله و فارس امر حضرت بهاء الله کتاب " دکتر مهاجر " اولین کتاب از سلسله نشریاتی است که مؤسسه معارف بهانی (کانادا) در باره شرح

حال و خدمات هریک از حضرات ایادی امرالله به متن فارسی این کتاب ترجمه متن انگلیسی است که سرکار خانم ایران فروتن مهاجر ، فارس امر حضرت بهاء الله با کوششی فراوان در مدت قریب ده سال تهیه کرده و سرکار خانم پیروش سمندری خوشبین با نثری ساده و رسا به فارسی ترجمه نموده است .

این کتاب اسطوره زندگی دکتر مهاجر است ، طبیعی که حرفه ، هوش و ذکاوت ذاتی و قدرت جسمانی و نیروی معنوی خود را در طبق اخلاص در خدمت ملیون ها از مردم جهان شجاعانه تثار نمود و انگیزه تشویق و ترغیب هزاران نفر از یاران الهی به طی طریق کردید که خود مشتاقانه و بلاانقطاع و بدون هیچ تردیدی در آن گام نهاده بود .

کتاب دکتر مهاجر را در ۸۰۰ صفحه با جلد شیمیزی به قیمت ۴۰ دلار و با جلد مقوایی ۶۰ دلار ، میتوان از کتابفروشیهای بهانی خریداری و یا مستقیماً به مؤسسه معارف بهانی سفارش داده و دریافت نمود .

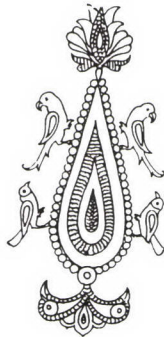
Association For Baha'i Studies in Persian
P.O. Box 65600, Dundas, Ontario, L9H 6Y6, Canada
Tel: 905- 628 3040 Fax: 905-628 3276
E-Mail: PIBS@BCON.COM



رقص شعله

حوریوش رحمانی

شعله رقصد میان آتش و دود سرکش و لرزه خیز و بی پرواست
عجب اینکه پیکری بی جسم این چنین پر خروش و شادی زاست
اندرون ملتهب برون خاموش
میخرامد چو مست ساغر نوش
گه باینسو گهی بآنسوی است می فتد گه ز پا گهی خیزد
سر کشد همچو موج طغیانگر تا که با نیستی در آمیزد
پا بر آتش چنین بود آرام
خنده بر لب چو می درون جام
همچو جانباز ترک جان گفته کو بر قصد براه قربانگاه
شعله رقصان رود بدامن مرگ نه فغان دارد و نه اشک و نه آه
خوش بود شادمان فنا جستن
دست و دل هر دو زین جهان شستن
محو و خاموش و بی سرانجام است بی شباهت به هستی ما نیست
گاه خندان چو روی مشتاقان گاه همچون خیال پیدا نیست
نرم نرمک نهان شود در دود
هاله ای دود و بعد از آن نابود . . .



تحقیقی درباره کتب مقدسه ادیان

منظور از این سطور تعمق و تحقیق در باره این مطلب است که ما اهل بها تا چه اندازه میبایست با مطالب مندرجه و مطروحه در کتب مقدسه ادیان قبل بخصوص تورات، انجیل و قرآن مشغول و درگیر باشیم و در تبلیغ امر به مطالب مندرجه در آنها تکیه کنیم. در کنار این سنوال کلی سنوالات متعدد جزئی نیز هست که فی المثل در فصل ۲۲ سفر پیدایش در تورات میگوید ابراهیم تنها پسرش اسحق را برای قربانی به کوه برد و در قرآن میگوید که ابراهیم پسرش اسمعیل را برای قربانی به کوه برد، کدام صحیح است؟ در آیه ۱۴ فصل ۱۶ مکاشفات یوحنا میگوید که دیوها هم معجزه می کنند در حالیکه در اناجیل اربعه و قرآن معجزات جای خاصی دارند. حقیقت چیست؟ در آیه ۲۳ فصل ۲۱ سفر تثئیه در کتاب عهد عتیق میگوید کسی که بر دار می رود ملعون خداست و مسیح بر دار رفت. حقیقت کدام است؟ در آیه ۴۴ فصل ۱۴ سفر اعداد در کتاب عهد عتیق هر روز یکسال است در آیه ۶ فصل ۴ کتاب حزقیل نیز هر روز خداوند یکسال ما است. در حالیکه در کتاب عهد جدید (انجیل دیانت مسیح) در نامه دوم پطرس - آیه ۸ فصل سوم هر روز خداوند معادل هزار سال ما است. کدام حقیقت است؟ این نوع تناقضات بین کتب مقدسه بسیار است و منظور ما شمارش آنها نیست بلکه فقط اشاره به اثر آنها در اجتماع بشری است.

توجه دارید که چنین تناقضاتی اگر بین دو سند

از دکتر هوشنگ طراز

تاریخی پیدا شود خود بخود هر دو سند را از درجه اعتبار ساقط می کند. چون اثبات صحت یکی و غلط بودن دیگری امکان ندارد، و از همین جاست که عده زیادی به بی دینی گرویده اند چون این نا هم آهنگی و تضادها مابین کتب مقدسه همه آن کتب را در چشم و فکر آنها از درجه اعتبار ساقط کرده و در نتیجه از ارزش دین و کلام خدا میان خلق کاسته است. مسلمان عدم هماهنگی میان متون و مطالب قرآن و انجیل را دلیل پوچی و عدم صحت انجیل می گیرد و به انجیل برنابا توسل میکند و مسیحی این عدم هم آهنگی را دلیل بطلان قرآن میداند و اسلام را رد میکند. پیروان دیانت یهود نیز بهمین دلیل پیامبران بعد از موسی را منکر هستند. ما اهل بها در این معرکه چه جانی داریم و نقطه نظرمان چیست؟ تا چه اندازه و به چه صورت باید به این کتب اتکاء داشته باشیم؟ آیا از کلمه اول صفحه اول هر کدام از این کتابها تا کلمه آخر صفحه آخر آنها کلام خداست یا فقط قسمتهائی از آنها کلام خداست؟ و اگر فقط قسمتهائی از آنها کلام خداست آن قسمتها کدام است؟ اولین مطلبی که در این تحقیق جلب توجه میکند این است که طبق شواهد تاریخی هیچکدام از این کتب مقدسه بقلم شارع مربوط و نوشته شخص او نیست و سالها بعد از درگذشت آن پیامبر دیگران به جمع آوری گفتارها و نصایح و دستورات اجتماعی او پرداختند و این کتب مقدسه تدوین شد. در عین حال اشخاصی هم که در این جمع آوری و تدوین

دست داشتند هیچکدام مصون از خطا نبودند و نبی و ملانکه به حساب نمی آمدند . منبع اطلاعات آنها هم در این جمع آوری جز خاطرات شخصی و یادداشتهای خصوصی خود آنها بانضمام نقل قول و روایت از دیگران چیز دیگری نبوده است . بنابراین بآسانی قابل قبول است که قطعا تمام این کتب مقدسه کلام حق نیست و مقداری از متون این کتاب تحریف و تفسیر و قصه گوئی افرادی است که در تدوین این کتب دست اندر کار بودند و همچنین پیداست که در این جریان قطعا مقدار معتناهی از گفتارهای پیامبر مربوط ضبط و تحریر و نقل نشده است و آنچه تدوین کرده اند آن مطالبی بوده که در حد درک و فهم خودشان فهمیده بودند و بخاطر داشته اند و یا بصورت نوشته ای ضبط کرده بودند نه اصل و کل آنچه که پیامبر اظهار کرده و توضیح داده است . عبارت دیگر کاملا قابل قبول است که آن مطالبی را که ما فوق عقل و فهم آنها بوده چیزی از آنها نفهمیده بودند بعلة عدم درک معانی و قصور در ضبط آنها از قلم انداخته باشند . نتیجه آنکه کتب مقدسه که از طریق افراد جایز الخطا جمع آوری و تدوین شده است صد در صد کامل و مصون از اشتباه نیستند و خالی از نقایص و کمبودها و یا اضافات ناجور و نادرست نمی باشند . اختلاف و عدم هم آهنگی موجود بین آنها هم از همین جا ریشه میگیرد و بعنوان مثال میشود ذکر کرد که مندرجات انجیل های چهارگانه متی ، لوقا ، مرقس و یوحنا که در شرح يك واقعه واحد یعنی حیات و تعلیمات عیسی مسیح نوشته شده اند کاملا یکسان و هم آهنگ نمی باشند و با هم تفاوت

و اختلاف دارند .

از طرف دیگر قطعی و مسلم است که قسمتی از گفتارها و نصایح و دستورات اجتماعی هر پیامبری در کتاب مقدس منسوب به دیانت او وجود دارد و امکان ندارد که تصور کنیم کتب مقدسه ادیان گذشته خالی از حقیقت و سراسر پوچ است .

برای ارائه شواهد و دلایل در تأیید نکته های فوق الذکر به توضیحات زیر توجه فرمائید :

در صفحه ۲۶۶ جلد اول محاضرات در جواب این سوال که (اناجیل و منضات آن هم آیا مانند تورات از تالیفات بشری است یا بوحی الهی ، چنانچه مسیحین امروز معتقد هستند نوشته شده و فراهم گردیده است ؟)، مذکور است که (جمال مبارك جلّ جلاله در این خصوص در لوحی خطاب به یکی از احباب الهی موسوم به حکیم حنیم در باره آیه مبارکه قرآنی که فرموده " مبشرا برسول یاتی من بعدی اسمه احمد " میفرمایند : " این آیه مبارکه منزله از اموراتی است که حق تعالی شانه برسول خود اخبار فرموده و اینکه در انجیل نیست این دلیل بر عدم تکلم حضرت مسیح بمفاد آیه مذکور نبوده و نیست چه که اناجیل اربعه بعد از آن حضرت نوشته شده و یوحنا و لوقا و مرقس و متی این چهار نفر بعد از مسیح بیانی که از آن حضرت در نظرشان بود نوشتند تا اصحاب آن حضرت بقرانت آن و تفکر در آن مشغول شوند و بسیار بیانات آن حضرت است که از نظر آنها محو شده و بسیار بیانات فرمودند که هیچ يك از این نفوس مذکوره اصفاء ننمودند . . . قلم اعلی میفرماید حق جل

جلاله در هر ظهور تصدیق کتب خود را که از قبل نازل شده نموده چنانچه رسول الله روح ما سواء فداه تصدیق تورات وانجیل را فرموده اند و همچنین در این ظهور تصدیق فرقان و مادونه از کتب مقدسه شده و لکن توراتی را که حق قبول نموده نفس کلماتی است که از لسان کلیم من عندالله جاری شده . این مقام حال مختصر ذکر شد اگر حق جل جلاله بخواهد از بعد مفصلا از قلم اعلی جاری خواهد شد ؛ قسمت اخیر این لوح در ذیل مطلب ۱۸۲ صفحه ۱۵۱ جلد هشتم مانده آسمانی در باره کتب آسمانی قبل نیز ذکر شده است .

نگفته پیداست که این فرموده حق که "ولکن توراتی را که حق قبول نموده نفس کلماتی است که از لسان کلیم من عندالله جاری شده" در باره انجیل و قرآن و سایر کتب مقدسه نیز صادق است و فی المثل انجیلی را که حق قبول نموده نفس کلماتی است که از لسان مسیح من عندالله جاری شده و قرآنی را که حق قبول نموده نفس کلماتی است که از لسان حضرت محمد من عندالله جاری شده است .

در باره تناقضات در متون این کتب مقدسه به باب ۵۲ از جزء دوم مجلد اول کتاب مانده آسمانی صفحه ۱۲۷ مراجعه می کنیم . حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب به امة الله میسر روزنبرگ مقیم لندن میفرمایند "و آنچه در خصوص تواریخ فلاسفه سنوال نموده بودید تاریخ قبل از اسکندر یونانی بسیار مشوش است زیرا مسلم است که تاریخ بعد از اسکندر ترتیب و انتظام یافت لهذا ابا بوقایع تاریخیه و روایات قبل از اسکندر اعتماد نتوان نمود . . . و از این گذشته تورات که اقدام

تاریخ شمرده میشود امروز سه نسخه موجود - تورات عبری که در نزد یهود و علماء پروتستانت معتبر است و تورات سبعینی یونانی که در کلیسای یونانی و نزد شرقیون معتبر است و تورات سامری که در نزد سامریون معتبر است . این سه نسخه با یکدیگر حتی در تاریخ حیات مشاهیر اختلاف عظیم دارد . در تورات عبرانی از طوفان نوح تا ولادت ابراهیم ۲۹۲ سال مثبت است و در تورات یونانی ۱۰۷۲ سال مرقوم و در تورات سامریه ۹۴۲ سال مذکور . به تفسیر هنری اسکات مراجعه نمایند زیرا جدولی دارد که اختلاف تورات های ثلاثه را در تاریخ تولد جمعی از سلاله سام مرقوم نموده . ملاحظه خواهید کرد که چقدر اختلاف دارد و هم چنین بحسب نص تورات عبرانی از خلق آدم تا طوفان نوح ۱۶۵۶ سال مثبت و بحسب نص تورات یونانی ۲۲۶۲ سال مذکور و بحسب نص تورات سامری ۱۲۰۷ سال مقید . حال در اختلاف تواریخ تورات تفکر نمایند . فی الحقیقه این جای تعجب است یهود و پروتستان تورات یونانی را تزییف کنند و یونانیان تورات عبری را تکذیب نمایند و سامریون تورات عبرانی و یونانی هر دو را انکار کنند . مقصود این است که حتی در تاریخ مقدس که مقدسترین تواریخ است اختلاف در اوقات حیات مشاهیر موجود تا چه رسد به تواریخ سائره" .

فاضل ارجمند جناب اشراق خاوری در جلد دوم محاضرات از صفحه ۱۰۷۸ تا صفحه ۱۰۹۴ شرح جامعی راجع به کتب مقدسه ادیان گذشته و نحوه جمع آوری آنها نوشته اند که بسیار جالب و خواندنی است . خلاصه آنکه نویسندگان این کتب بدرستی معلوم نیست که چه

اشخاصی بوده اند مثلاً میگویند انجیل متی ولی نمیتوان مطمئن بود که حتماً متی آنرا نوشته است . میگویند رساله های بولس که اکثراً موعظه های بولس بوده که معلوم نیست کی آنها را بصورت کتاب نوشته است . اناجیل اربعه همه باهم اختلاف دارند . تورات ها هم با هم اختلاف دارند . حتی اختلاف و تضاد درمندرجات هریک از تورات ها هست . اختلافاتی که در سفر تکوین در باره خلقت عالم و کشتی نوح و بردن حیوانات و ... و ... مشاهده میشود دلیل است که این کتاب بوسیله اشخاص مختلف نوشته شده است . در يك فصل از کتاب مزبور ، نوح مأمور میشود از هر حیوانی يك جفت به کشتی برد و در فصل دیگر همان کتاب مسطور است که نوح مأمور شد از حیوانات مفیده هفت جفت و از سایر حیوانات يك جفت به کشتی ببرد . قدیمی ترین نسخه تورات که در دست است مربوط به هزار سال قبل است یعنی تقریباً هزار سال بعد از مسیح (اخیراً باستان شناسان اسرائیل اعلام کردند که قدیمی ترین نسخه تورات را در کنار بحرالمیت در اسرائیل پیدا کرده اند و بعد به کمک آزمایشهای مربوط به کربن چهارده قطعی شد که کاغذ آن نسخه قدیمتر از دو هزار سال نیست یعنی حداقل آن نسخه تورات ۱۲۰۰ سال بعد از حضرت موسی نوشته شده است) ، قدیمی ترین انجیل که در موزه واتیکان رم است مربوط به ۴۰۰ سال بعد از مسیح است . ریشه داستانهای که در تورات است در میان خشت نوشته های بابلی پیدا شده است که از لحاظ قدمت خیلی قدیمی تر از تورات میباشد . عزرائی کاهن ملقب به سوفر که در سالهای ۴۵۰ قبل از

مسیح زندگی میکرد به کمک سایر رؤسای یهود پس از آزادی یهود از اسارت بابل بدست پادشاه ایران جمعا به نگارش اسفار تورات پرداختند و آنچه از بابلی ها فرا گرفته بودند در کتب خود داخل کردند زیرا پس از غلبه بخت النصر برای یهود کتابی باقی نبود و بخت النصر کتب یهود را سوزانیده و جمیع آنان را بابل به اسیری برده بود پس از مدتها یهود بحکم شاه ایران از اسارت مستخلص شدند و به اراضی مقدسه رفته معبد سلیمان را تجدید عمارت کردند و عزرا هم چنانکه معروف است تورات را یافت و منتشر کرد و در حقیقت آن را از پیش خود نوشت و سایر قسمتها را هم مورخین و نفوس دیگر نوشتند . یهود نسبت به تورات نظریات مختلف دارند عده ای از آنها از اسفار خمسہ فقط سفر دباریم که به سفر تثنيه موسوم است قبول دارند و بقیه را واقعی نمی گذارند . کتب زرتشتی ها هم همینطور است ، قرآن هم در زمان عمر یعنی سالها بعد از رحلت حضرت محمد ص گفته اند از ۲۰ تا ۶۰ سال جمع آوری شد . باختلاف تواریخ شش نفر یا بیشتر به شش قسم مختلف قرآن را جمع آوری کردند . عمر چون چنان دید برای آنکه ازاین جهت اختلافی در بین مسلمین ایجاد نگردد قرآنی را که عثمان بن عفان ذوالنورین داماد پیغمبر جمع آوری کرده بود رسمیت بخشید . یکی از جمله نفوسی که بجمع آوری قرآن اقدام کرده بود حضرت علی بن ابیطالب بود و شیعیان گویند که چون عمر قرآن عثمان را اختیار کرد قرآن حضرت امیر باسماں بالا رفت و میگویند عثمان آنچه از آیات الهیه شامل فضائل علی و اولادش بود از قرآن حذف کرد و

معتقدند که قرآن موجود که تهیه شده بدست عثمان است ناقص است و بعضی از علمای شیعه در کتب خود سوره را نگاشته اند که در قرآن موجود نیست و گویند عثمان آن را حذف و ساقط کرده است. ناسخ و منسوخ هم در قرآن زیاد است و برخی از احکام هم که در کتب فقهیه حکم آن مسطور است در قرآن مجید اشاره به آن نشده است مثل حکم رجم زانیه و زانی محصنه و محصن که در قرآن نیست.

منظور نویسنده این سطور از ذکر این شواهد بی اعتباری کتب مقدسه نیست بلکه برعکس قطعی است که کتب مقدسه حاوی کلام الهی است و اکثر تعالیم الهی که از مرکز فیض ربانی یعنی پیامبر سینه به سینه حفظ و نقل شده در این کتب مسطور است و بنابراین با آنکه جمع آوری و نوشته افراد جایز الخطا است اما حاوی کلام الهی و مقدس است. ولی در عین حال باید دانست که اشتباه مندرج در کتب مقدسه بعلت آنکه نویسندگان و راوی ها جایز الخطا بودند امری است کاملاً محتمل و ممکن الوقوع و نباید برای بی اعتبار کردن کتب مقدسه روی چنین اشتباهاتی انگشت گذاشت.

در کتابهای تاریخ امر بهائی نیز چنین اشتباهاتی دیده میشود. در صفحه ۲۲ Baha'u'llah and the New Era بهاء الله و عصر جدید تألیف دکتر اسلمنت که در سال ۱۹۷۴ یعنی ۵۱ سال پس از انتشار چاپ اول آن در سال ۱۹۲۳ تجدید چاپ شده مذکور است که حضرت بهاء الله فرزند ارشد میزا بزرگ نوری بودند در حالیکه در لوح مبارک رئیس (فارسی) صفحه ۱۰۷ مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله طبع قاهره مصر

میفرمایند: "و قتیکه این غلام طفل بود و بحد بلوغ نرسیده والد از برای یکی از اخوان که کبیر بود در طهران اراده تزویج نمود و... " و این تصریحی است که ایشان اولاد ارشد ذکر نبوده اند...

به اصل موضوع برگردیم تشخیص صحیح از سقیم کتب مقدسه کاری است مشکل و معیاری برای تشخیص در دست نیست... ولی قطعی است که همه آن کتب حاوی قسمتهائی از کلام پیامبران هستند و بهمین مناسبت مقدس و قابل احترام میباشند. بنابراین پیداست که هدف نویسنده این سطور هم تلاش در تشخیص صحیح از سقیم و بحث در باره مطالب آن کتب نیست.

ولی تحقیق و بررسی این کتب برای کشف حقایق است. لازم است برای اطلاع بیشتر به بعضی از آثار بهائی در این زمینه اشاره شود:

حضرت بهاء الله در لوح سلمان صفحه ۱۲۸ مجموعه الواح مبارکه چاپ قاهره میفرمایند: "الیوم بحور معانی بکینوتها و اصلها ظاهر شده. دیگر احتیاج به کلمات قبل نبوده و نیست بلکه کل ذی علم و حکمت و عرفان از قبل و بعد محتاج باین بحور متموجه بدیعه بوده و خواهند بود" ملاحظه میفرمائید که فرموده اند: "دیگر احتیاج به کلمات قبل نبوده و نیست".

حضرت بهاء الله در لوحی مسطور در صفحه ۷۷ کتاب اقتدارات بعد از ذکر اختلافات کتب مقدسه در باره وقایع تاریخی میفرمایند "انشاء الله باید بمنظر اکبر ناظر شد و توجه را از جمیع این اختلافات و اذکار برداشت الیوم حقایق مظاهر امریه به طراز ابهی مزین و مشهودند و جمیع اسماء در اسم بدیع ظاهر و جمیع

حقایق در حقیقتش مستور ، من آمن به فقد آمن بالله و بمظاهر امره فی کلّ الاعصار و من اعرض عنه فقد كفر بالله المقتدر العزیز المختار) و در لوح دیگری در همین کتاب در صفحه ۲۳۰ میفرمایند ” الیوم باید احبّای الهی ناظر به ظهور و مایظهر منه باشند ، بعضی روایات قبله اصلی نداشته و ندارد و آنچه هم ملل قبل ادراک کرده اند و در کتب ذکر نموده اند اکثر آن بهوای نفس بوده چنانچه مشاهده نموده اید که آنچه در دست ناس موجود است از معانی و تاویلات کلمات الهیه بغير حق^{کبری} بوده چنانچه بعد از خرق حجاب بعضی معلوم و واضح شد و تصدیق نمودند که کلمه از کلمات الهیه را ادراک نموده بودند . مقصود آنکه اگر احبّای الهی قلب و سمع را از آنچه از قبل شنیده اند طاهر نمایند و به تمام توجه به مطلع امر و مایظهر من عنده ناظر شوند عندالله احبّ بوده .“

حضرت عبدالبهاء در مکتوبی خطاب به یکی از احبّاء که در صفحه ۱۴۸ جلد نهم مانده آسمانی نقل گردیده میفرمایند که ”به مستر فیلیپس اگر ملاقات نمودی بگو بساحل دریا رسیدی و امواج بحر عرفان مشاهده نمودی دیگر عقب اوهمات چهارهزارساله دویدن چه ثمر دارد بلکه وقت ضایع نمودن است . نهاییه النهایه انسان یکی از اوهام پرست های چهارهزار ساله میشود ثمر دیگری ندارد ، درخت کهنی که پوسیده و از ثمر افتاده سایه اش نشاید ، باید در سایه نهال بی همال آمد که بدایت ثمر است و روز بروز در نشو و نماست . آن شجر کهن ثمر خود را داد حال از ثمر باز ماند.“

ملاحظه میفرمایید که فرموده اند (آن شجر کهن حال از ثمر باز ماند) نتیجه آنکه اگر سالها هم اوراق تورات

و انجیل و قرآن را بهم بزیم و زیر و رو کنیم ثمری و حقیقتی والاتر - بزرگتر و واضح تر از آنچه که در کتب دیانت بهانی موجود است بدست نخواهیم آورد . پس بهتر نیست که این کتابهای مقدسه ادیان گذشته را ببندیم - کنار بگذاریم و برای کشف و درک حقایق به کتب و الواح امری توجه کنیم ؟

تحقیق در کتب مقدسه ادیان گذشته به منظور اطلاع از مندرجات آن کتب برای آمادگی بیشتر در مذاکره با معتقدین به آن کتب - باید اذعان کرد که این عمل بسیار بسیار پسندیده و لازم است و هرکدام از ما تا آنجا که امکاناتمان اجازه میدهد باید از متون این کتب مطلع باشیم و قدرت پیدا کنیم که با تکیه به موازین دیانت بهانی مطالب مندرجه در آنها را برای مومنین به آن کتب تشریح کنیم ، ما در دنیای زندگی می کنیم که دیندارهای آن اختیار افکار و اعمال و عقاید خود را درست در دست پیشوایان مذهبی مربوطه نهاده اند و مسحور و مجذوب بدنبال آنها میروند . تبلیغ آنها لازمه اش اطلاع کامل از مطالب مندرجه در کتاب مقدس آنهاست . بی دین های دنیا هم اکثراً با تکیه بر مطالب ناصحیح مندرج در کتب مقدسه ادیان گذشته خدانشناسی و دیانت را تخطئه و بی دینی خود را توجیه می کنند . توضیح حقایق امری به آنها هم لازمه اش آگاهی بر مطالب مندرجه در کتب مقدسه است . بنابراین اطلاع از متون کتب مقدسه ادیان قبل برای ما اهل بهاء بسیار لازم و ضروری است و در برخورد با هر نوع متحرّی حقیقت - دین دار یا بی دین باین اطلاعات نیاز مبرم خواهیم داشت.

تسلیم و رضا

جمال اقدس ابھی جل اسمہ الاعلیٰ میفرماید قوله الاحلی :
 " اصل کل الخیر هو الاعتماد علی اللہ والانتیاد لامرہ و
 الرضاء لمرضاتہ " (۱)

مضمون بیان مبارک چنین است : اصل و منشاء همه
 خوبیها اعتماد بر خدا و اطاعت از اوامر او و راضی و
 خوشنود بودن به اراده و رضایت اوست .
 و مبین منصوص آیات اللہ حضرت عبدالبهاء میفرمایند
 قوله الکریم :

" جوهر کل خیر رضا است باید احبای الهی جز به
 رضا حرکت نکنند و بغیر از راه خدا نپویند از باده
 تسلیم سرمست باشند و در اقلیم تفویض حرکت
 نمایند . " (۲)

از جمله اوامر مؤکده مبرمه طلعات قدسیه در این دور
 اعظم سلوک در منهج رضای پروردگار است . بدین
 معنی که مؤمنین و مقربین جز در طریق رضای الهی
 قدمی برندارند و بغیر شکر و ثنا کلامی بر زبان نرانند
 بر سریر محویت و فنا جلوس نمایند و ردای تسلیم
 در بر کنند . جز خدا چیزی نبینند و بغیر از رضای
 حق آمال و آرزوئی نطلبند . در این حالت است که در
 مناہج عزّ یقین سالک شده در مقام ایمان و اطمینان
 به شکرانه حضرت یزدان پرداخته مشمول عنایت و
 الطاف حقّ تعالی میگردد .

مرکز میثاق بهاء حضرت عبدالبهاء میفرماید قوله
 الجمیل :

" مقام رضا از اعظم مقاماتست و حالت تسلیم از بهترین

از هوشنگ گهرریز

بهترین حالات تا توانی راضی شو و تسلیم کرد " (۳)
 بهمین سبب همه روزه در سحرگاهان دست نیاز بسوی
 مالک بی انباز بلند میکنم و در حالت نماز تلاوت میکنم
 که "ای رب انا عبدک و ابن عبدک اکون حاضرًا قانما
 بین ایادی مشیتک و ارادتک و ما اريد الارضاء اسألك
 به بحر رحمتک و شمس فضلک بان تفعل بعبدک ما
 تحب وترضی وعزتک المقدسة عن الذکر والثناء
 کلمایظهر من عندک هو مقصود قلبی و محبوب فؤادی
 " (۴)

از جمله سالکین سبیل رضای الهی که در ره دلبر
 آسمانی حنظل جفا چون غسل مصفا بنوشید و در
 منهج تسلیم سالک شد حاجی محمد تقی نیریزی است
 که چون در واقعه نیریز یار و مددکار جناب وحید
 گردید مورد غضب و نفرت حاکم آن دیار زین
 العابدین خان واقع گشت ، آن نفس نفیس با وجودیکه
 از اجله تجار و اهل ثروت و مکنت فراوان بود و به
 عدالت و حسن شهرت مشهور و معروف و با این حال
 در دام بغض و عدوان اهل جفا گرفتار شد و نهایت
 آزار و اذیت را بر او روا داشتند چنانچه زین
 العابدین خان چشم طمع به مال و ثروتش دوخت و آن
 آیت صفا و وفا را در بند کشید و به حبس انداخت .
 آن عاشق جمال ابھی زهر هر بلانی را بچشید و رنج
 هر ستمی را قبول فرمود . حاکم و علماء محل از
 استقامت و رضایت او در تحمّل جفا در شگرف شدند
 و دشمنی و عنادشان افزوده گشت . بحکم حاکم هر
 روز او را در سرمای شدید زمستان برهنه کرده در

حوض آب میانداختند و بقدر کافی تازیانه بر پیکر و سرش مینواختند و در این حال زین العابدین خان ظالم همراه با علمای جاهل به تماشا و تمسخر میپرداختند تا آنکه آب حوض از خون آن شیدانی محبت الله رنگین میشد با وجود این لب به شکایت نمی گشود و صابر و راضی بود عاقبت الامر از چنگال آن دیو صفتان رهانی یافت و بجانب بغداد شتافت و به محضر جمال معبود وارد گشت و از قلم اعلی ملقب به ایوب شد و تاج افتخار ابدی بر سر نهاد .

شرح مسافرت او به بغداد از زبان خودش شنیدنی است حاجی محمد تقی نیریزی تعریف میکند که : " روزی پس از آنکه چوب بسیار بر پیکر و سرم نواختند و من مدهوش و از حال رفتم مرا بخارج ده برده در کنار راهی انداختند در همان وقت در عالم خواب جمالمبارک را زیارت کردم با اینکه هرگز ایشان را ندیده بودم ولی یقین کردم که خودشانند و میدانستم که در بغداد تشریف دارند سر بر اقدامشان نهادم فرمود من ترا حفظ کردم تا با آنهمه صدمات زنده بمانی محزون مباش به نزد من به بغداد بیا عرض کردم نه خرجی دارم و نه طاقت پیاده رفتن فرمودند توکل که داری عرض کردم که همیشه توکل بحق داشته ام در این حین از خواب بیدار شدم . با حیرت فوق العاده دیدم که کاروانی در کنار راه نزدیک نهر آب که من خوابیده ام بار انداخته معلوم شد زواری هستند که از کرمان به کربلا میروند . در میان آنان پیاده بسیار بود ناکاه شخصی از چادری بیرون آمده به طرف من روانه گشت و بمن گفت که با من بیا من حیرت زده بر جایم میخکوب شدم که دوباره همان مرد

اشاره کرد که همراه من بیا از جا بلند شدم و به دنبالش رفتم . به چادری داخل شد و منم از پی او داخل چادر شدم پیرمردی خوش سیما که چند نفر در اطرافش نشسته بودند باحترام من از جا برخاست و مرا پهلوی خویش نشاند و گفت دیشب حضرت امام حسین علیه السلام را در خواب دیدم که ترا با همین قیافه و مشخصات بمن سپرد و فرمود که حاجی میهمان من است تا کربلا پیش تو باشد لهذا تا کربلا تو میهمان من هستی . خلاصه آن مرد محترم مرا با خود حرکت داد پذیرانی شایانی نمود حتی از اسم و رسم منم جويا نشد و مرتب تکرار میکرد که حضرت امام حسین علیه السلام ترا بمن سپرده و تو میهمان من هستی با این حال به بغداد رسیدیم گفتم اینجا من از شما جدا میشوم گفت باید تا کربلا با من باشی بایشان گفتم همان وجود مبارکی که مرا بشما سپرد به خواب منم آمده و مرا به بغداد دعوت فرموده لذا من به کربلا نمی آیم . میزبان رنگش پرید و با لحنی معذرت آمیز گفت راستش را بخواهی حضرت امام حسین بمن فرمود تا بغداد شما را همراهی کنم و با من با کمال محبت وداع نمود و من بحضورجمالمبارک نائل گشتم " . (۵)

آن عاشق باوفا پیوسته مورد الطاف حضرت بهاء الله بود و همانطوریکه همه میدانند لوحی در روز اول عید رضوان که جمال ابهی اظهار امر علنی در بغداد فرمودند بافتخار این آیت رضا و تسلیم نازل گردید که بنام لوح ایوب معروف و مشهور است . حضرت بهاء الله در لوحی معنی رضا حقیقی را چنین بیان میفرمایند قوله المثنان :

" اصل معنی توحید این است که نفوس مطمئن در جمیع احوال به حقّ وحده متوجّه باشند و به رضای او حرکت نمایند . اگر نفسی الیوم به جمیع اعمال خیریه و افعال حسنه عامل شود و به رضای حقّ فائز نشود البته ثمر نخواهد داشت این است که میفرمایند جهد نمایند تا به کلمه رضا فائز شوید " (۶)

یکی از مظاهر ایمان کامل و شناسانی مظهر ظهور الهی آن است که مشی و سلوک در طریق تحصیل رضای ربانی ننمایم و اراده خالق یکتا کنیم و بآنچه پیش آید خوشدل و شاد باشیم زیرا انسان بر نفع و ضرر خود آگاه نیست و نمیداند چه برایش مقدر و معین گردیده است .

جمال ابهی میفرمایند قوله المنیع :

" انسان خود بر خیر و نفع خود آگاه نه ، علم غیب مخصوص است به ذاته تعالی ، بسا میشود انسان امری را که به نظرش پسندیده است از حقّ جلّ جلاله مسئلت مینماید و بعد کمال ضرر از او حاصل " (۷)

حضرت عبدالبهاء در این مورد میفرمایند قوله البدیع :

" همچو گمان منما که آنچه آرزوی انسان است خیر انسان است . چه بسیار که آرزو عدو جان است و سبب ذلت و هوان . پس امور را به ید قدرت تسلیم نما از خود خواهشی مدار البته فضل شامل گردد و آنچه سبب خیر تو است حاصل شود " (۸)

در این دور بدیع و کور جدید که فخر قرون و اعصار است مؤمنین واقعی آنانند که دل به رضای الهی و تن به قضای سماوی دهند و در مقابل هر پیش آمدی صابر و شاکر باشند و لب به شکایت نگشایند زیرا

آن سلطان قضا باراده بالغه خویش آنچه مورد لزوم و هر چه بنفع ما است خود بر میگزیند و قادر و توانا بهمه امور است و مقتدر و علیم به گذشته و حال ما پس شایسته و سزاوار چنان است که راضی به قضای الهی باشیم و سر تسلیم نهیم " آنچه کند او کند ما چه توانیم کرد یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید است " .

حضرت بهاء الله در لوح خطاب به شیخ فرج الله ذکی کردی میفرمایند قوله جلّ ثناء :

" نفوسیکه در این عالم بهر پیش آمدی تسلیم و لازال در حال رضا و بر مقدرات خود خوشنود و قانع باشند و ابدآ چون و چرا نکنند و شاکر و صابر باشند این نفوس در جنت نعیم اند " (۹)

و در مقام دیگر میفرمایند قوله الجمیل :

" در مقام اول و رتبه اولی بهشت رضای حقّ است هر نفسی به رضای او فائز شد او از اهل جنت علیا مذکور و محسوب " (۱۰)

داستان تسلیم و رضای ملاّ محمد رضای یزدی یکی دیگر از مظاهر این صفت ممدوح و شئون مبرور است . ملاّ محمد رضا اهل یزد و پيله وری ساده بود که در یزد اجناس خریداری مینمود و با خود به دهات اطراف میبرد و میفروخت و در ضمن فروش به تبلیغ امر میپرداخت و آنی از هدایت نفوس و ابلاغ کلمه الله به آنها غفلت نمی ورزید . این آیت خلوص و تقدیس حامدا شاکرا راضیا بشغل خود مشغول بود . او را دختری بود زیبا که هر وقت بار سفر می بست و باطراف میرفت فکر و ذکر دختر مدام او را مشغول مینمود تا هرچه زودتر برگردد و نور دیده نازنینش را در بغل گرفته نوازشش نماید و بر زانویش نشاند

داستانهای شیرین امری برایش نقل کند . مدتی بر این منوال گشت تا آنکه دختر زیبایش بزرگتر شد و به شیرین زبانی افتاد . ملا محمد رضا با آنکه ضمن کار تبلیغ میکرد خیلی خوشحال بود زیرا میدانست که هیچ امری باندازه تبلیغ مهم نیست ولی از طرف دیگر دوری دختر برایش مشکل بود لذا در آخرین سفر خویش بفکر افتاد که این نوبت که بر میگردد دیگر باطراف نرود بلکه در شهر مشغول کاری شود تا بیشتر اوقات با دخترش باشد باین فکر بار سفر بست و باطراف رفت ولی دوری دختر مانع آن شد که مثل همیشه کالایش را تمام کند لذا با عجله به خانه بازگشت باین امید که دزدانه اش را در آغوش بگیرد و با او سخن گوید اما دریغا که دختر در غیبت پدر بدرود زندگی گفته اهل منزل را داغدار کرده بود . وقتی پدر از درگذشت فرزند دلبندش مطلع گشت تکت و تنها باطاقی رفت و در کمال رضا سجده شکر بجا آورد که بار الها محبت دختر مانع ابلاغ کلمه الله و تبلیغ من در دهات شده بود اینک با دلی آسوده و خیالی فارغ پی تبلیغ گیرم و بوظیفه اصلی خود پردازم . تنها سد راه من در انجام وظیفه روحانی دخترم بود که بسوی تو بازگشت و در ملکوت تو قرار گرفت . اینست احوال نفوسی که در همه حال و در همه مواقع سر تسلیم مینهند و راضی برضای حق تعالی میگردند . حضرت بهاء الله میفرماید قوله الحمید :

" بگو ای مردمان به رضای دوست راضی شوید چه که آنچه را او گزید اوست پسندیده " (۱۱)

یکی از مظاهر رضا که پیوسته مورد توجه انبیاء و اولیای حق بوده و پیامبران آسمانی مردم را بآن تکلیف

فرموده اند کسب رضای خلق است زیرا که " رضای الهی و رضای بندگان او اعظم موهبت الهی است " شکی نیست که تحصیل رضای الهی حصر در بدست آوردن رضایت خلق اوست .

حضرت بهاء الله میفرماید قوله المنیع :

" مقصود از اعمال و افعال رضایت حق جل جلاله است و شك نیست که ... رضایت حق جل جلاله فی الحقیقه در رضایت خلق مستور " (۱۲)

و در لوح مدینه الرضا میفرماید قوله الاکرم :

" و من رضی عن الله ربه یرضی عن عباده الذین هم آمنوا به و بآياته ... لان رضاه العبد عن بارنه لن یثبت برضاء احباء الله " (۱۳)

اما باید توجه داشت که همواره رضای خلق آسان بدست نمی آید و سهل الوصول نیست بلکه با از خود گذشتگی و فداکاری توأم است زیرا همه کس را نمیشود آنطوریکه دلخواهش است خوشنود ساخت حتی میتوان گفت که بدست آوردن رضای الهی زودتر و آسان تر است زیرا که انسان با توبه و استغفار و دعا واستغاثه میتواند به کسب رضای خدا نائل گردد در صورتیکه در بعضی از مواقع بهیچ عنوان و تدبیر نمی توان رضایت خلق خدا را بدست آورد .

حضرت عبدالهء در لوح جناب میرزا عباس علیه بهاء الله الابهی اشاره بهمین موضوع میفرماید قوله العزیز :

" ای بنده آستان مقدس رضای حق ممکن الحصول است بلکه بنهایت آسانی به مجرد خلوص رضای الهی حصول یابد و لکن رضایت خلق بسیار مشکل . نفس حق رضایت از خلق نیافت من و تو چگونه می یابیم و

قطعی است که در سالهای آتیه و بعد از ازدیاد
اشتهار امر در دنیا از جانب پیروان ادیان و مذاهب
مختلفه و پیشوایان آنها فعالیت های وسیعی بر علیه
دیانت بهائی بظهور خواهد رسید و هر پیشوایی باتکاء
مطالب مندرجه در کتاب مقدس مورد اعتقادش به
دیانت بهائی خواهد تاخت و گروه بیشماری از
پیروانش را علیه امر تحریک خواهد کرد تا دکان و
دستگاه خود را حفظ و حراست کند . ما اهل
بهاء باید برای مقابله با چنین شرایطی آماده و مجهز
باشیم و از اصول عقاید آنها و مطالب مندرجه در
کتاب مقدسشان اطلاع داشته باشیم تا در موقع لزوم
بتوانیم مطالب امری را بر اساس اعتقادات آنها و از
دیدگاه خود آنها به آنها تفهیم کنیم و در تبلیغ امر
موفق تر باشیم .

توضیح :

باید دانست که آثار نازله مقدسه دیانت
بهائی بخط و مهر مظهر امر و یا بخط کاتب و
مهر مطلع وحی نازل و صادر گشته و الواح و
توقیعات مبارکه دو مرجع منصوص عهد و پیمان نیز
به همین طریق صادر و انتشار یافته هرچند امکان
دارد در آثار منتشره خطی و یا چاپی اشتباهاتی از
نظر خط نویسی و یا چاپ دیده شود ولی چون
اصل آنها موجود و محفوظ است لذا رفع اینگونه
اشتباهات جزئی نیز در آینده تحت نظر معهد اعلی
بعمل خواهد آمد .

عندلیب

لكن بقدر امکان ملايدرك كله لايترك كله از الطاف بى
پايان حضرت يزدان اميدوارم كه تو بهر دو موفق
گردى من كه موفق نشدم بلكه تو انشاء الله موفق شوى
و دعا نمائى تا من نيز موفق شوم . زيرا رضای الهی و
رضای بندگان او اعظم موهبت الهی است بلكه رضای
الهی در رضایت از بندگان او است . خدایا من و این
بنده ات را هر دو به این موهبت كبرى موفق فرما تا
از كل راضى و كل از ما راضى . از خدا خواهم كه من
و تو هر دو موفق به خدمت آستان مقدس شويم و
عليك البهاء الابهى ع ع " (۱۴)
حضرت بهاء الله در كلمات مباركه مكنونه ميفرمايند قوله
الاحلى :
" اى دوستان من در سبيل رضای دوست مشى نمايند
و رضای او در خلق او بوده و خواهد بود " (۱۵)

مآخذ و منابع

- ۱ - مجموعه الواح پس از نزول كتاب اقدس صفحه ۹۲
- ۲ - امر و خلق جلد ۲ صفحه ۴۰۴
- ۳ - پیام آسمانی صفحه ۵۲
- ۴ - تسبیح و تهلیل صفحه ۱۲
- ۵ - داستانهای از حیات عصری جمالبارك صفحه ۱۱
- ۶ - مانده آسمانی جلد ۸ صفحه ۱۰۶
- ۷ - گلزار تعلیم بهائی صفحه ۴۹
- ۸ - مكاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۷ صفحه ۵۵
- ۹ - مجله پیام بهائی شماره ۱ صفحه ۱۶
- ۱۰ - دریای دانش صفحه ۶۹
- ۱۱ - دریای دانش صفحه ۸۲
- ۱۲ - پیام آسمانی صفحه ۵۲
- ۱۳ - امر و خلق جلد ۲ صفحه ۴۰۳
- ۱۴ - گلچینی از نصوص الهی جلد ۲ صفحه ۹۸
- ۱۵ - كلمات مباركه مكنونه آیه ۴۳

پیشرفت و دخول افواج مقبلین

از الهام روشنی

امر مبارک خواهند شد؟ «پیشرفت جریان» یعنی عواملی باید تحقق پذیرد تا افواج مقبلین بتدریج وارد امر مبارک شوند. این امر حاکی از آن است که «این جریان» آغاز شده و لکن پیشرفتی سریع و ضروری لازم دارد.

پیشرفت این امر مبارک در نقاط مختلفه دنیا یکسان نیست. در نقاطی مانند افریقا، امریکای جنوبی و هندوستان شریعت الله پیشرفتی سریع دارد و جریان دخول افواج مقبلین ثمره اش هزاران نفوسی میباشد که حیاتی جدید در آنان دمیده شده و در ظل شریعت حضرت بهاء الله وارد شده اند. از پیامهای اخیر بیت العدل اعظم الهی چنین استنباط می شود که امرالهی در سالهای آینده بیش از پیش و با سرعتی بارز پیشرفت خواهد کرد.

یکی از عوامل جذب افواج مقبلین عشق و علاقه مؤمنین به یکدیگر و به نظم اداری امرالله است هرچه الفت، محبت و رابطه مؤمنین با یکدیگر و با محافل محلی و ملی زیادتر شود وحدت جامعه استحکام بیشتری یافته مانند چراغی نورانی در قلب تاریکی کره ارض خواهند درخشید.

بیت العدل اعظم الهی در پیام رضوان ۱۵۲ بدیع می فرماید: «عبارت» پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین «متضمن این مفهوم است که شرایط کنونی ایجاب می کند و فرصت های موجود اجازه می دهد که جامعه جهانی بهائی پیشرفت و توسعه ای عظیم و مستمر حاصل نماید. چنین پیشرفتی در قبال اوضاع کنونی جهان ضروری است...»

در سالهای اخیر بیت العدل اعظم الهی توجه جامعه جهانی بهائی را به امری جلب نمودند که اتخاذ آن منجر به پیشرفت جامعه امر در تمام اقطار زمین خواهد شد. این موضوع مهم را دارالتحقیق بیت العدل اعظم الهی در اکتبر ۱۹۹۲ تحت عنوان «پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین» به جامعه جهانی بهائی ابلاغ نمودند.

البته باید متذکر بود که این اولین بار نیست که این مطلب مهم در آثار امری ذکر شده است. حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله مکرراً در الواح و مکاتبات خود به عناوین مختلف به این امر اشاره نموده اند.

بیت العدل اعظم الهی در پیام رضوان ۱۵۲ بدیع می فرماید:

«هدف نقشه چهارساله اقدامی اساسی یعنی پیشرفتی مهم در جریان دخول افواج مقبلین است. همان طور که قبلاً متذکر شده ایم چنین پیشرفتی باید از طریق افزایش فعالیتهای و اقدامات افراد احباء و مؤسسات امری و جوامع محلی تحقق یابد»

از این عبارت متوجه می شویم که هدف اساسی و اصلی نقشه چهارساله که اتمام آن انتهای قرن کنونی است، پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین

Significant advancement in the process of entry by troops.

میباشد. آیا مفهوم این عبارت چنین است که تا آخر هزاره دوم میلادی افواج مؤمنین در سراسر دنیا وارد

حضرت ولی امرالله در کتاب ظهور عدل الهی مراحل مقدره جامعه اسم اعظم را مجهولیت ، مظلومیت ، مقهوریت ، انفصال ، استقلال ، مساوات ، رسمیت و سلطنت جهانی بهائی نامیده اند . در این برهه از زمان دوره مجهولیت منقضی شده است و برای احبای الهی موقعیتی خاص وجود دارد تا جامعه بهائی را گسترش دهند . استقرار و تقویت جامعه بهائی بوسیله تبلیغ و تزئید معلومات میسر می باشد .

دو عاملی که منجر به پیشرفت جریان دخول مقبلین می شود تبلیغ و تقویت بنیه روحانی اهل بهاء بوسیله تزئید معلومات امری و اساس آن یرلیغ بلیغ تبلیغ ، فرمان ملکوتی حضرت عبدالهء است Tablets of the divine Plan بیت العدل اعظم الهی در پیام رضوان ۱۵۲

بدیع میفرمایند : " عبارت " افزایش پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین " حاکی از آن است که این پیشرفت آغاز شده و جوامع محلی و ملی در مراحل مختلف این جریان قرار دارند . حال از جمیع جوامع محلی انتظار می رود که برای استمرار جریان مزبور اقدام نمایند و توسعه و تحکیم هر جامعه را به میزانی که با امکانات موجود متناسب باشد افزایش بخشند . از افراد و مؤسسات ، در حالیکه هریک در حوزه خاص خود فعالیت دارند ، درخواست می شود که به منظور رفع نیازمندیهای این دوران بحرانی در حیات جامعه بهائی و در سرنوشت تمامی جامعه بشری قیام نمایند " از این عبارت استنباط می شود که وظیفه هر فرد در خدمات امری حائز اهمیت است . هر فرد بهائی باید سعی بلیغ مبذول دارد و در پیشرفت این جریان مساعدت نماید . آیا این وظیفه ای مشکل و شاق می

باشد ؟ آنچه از اهل بهاء خواسته شده تبلیغ و اعلاء کلمه الله است . یعنی هر روز بیندیشیم ، فکر کنیم و در زندگی روحانی خود عمل نماییم . این زمانی نیست که فقط پیشنهاد دهیم که محفل روحانی یا جامعه باید چنین و چنان نماید ، وقت آن است که خود به کار پردازیم . در منازل خود بیوت تبلیغی تشکیل دهیم و همسایگان ، دوستان و همکاران غیر بهائی خود را دعوت نماییم ، به آنها محبت کنیم شاید فرصتی برای تبلیغ و لقاء کلمه ایجاد شود .

مؤسسات امری نیز تاثیر شدیدی در پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین دارند . بیت العدل اعظم الهی در پیام رضوان ۱۵۲ بدیع می فرمایند :

" تکامل و بلوغ محافل ملی و محلی در این زمان نیازمند آن است که اعضای آن محافل و نیز نفوسی که آنان را انتخاب می نمایند طرز فکر جدیدی داشته باشند زیرا جامعه بهائی در جریان تاریخی عظیمی قرار گرفته و وارد مرحله بسیار مهمی می گردد . " این زمانی است که مؤسسات امری باید وسائل پیشرفت و بلوغ جامعه را فراهم کنند . محافل روحانی باید در بهبود رابطه و همکاری با جامعه مؤمنین سعی بلیغ مبذول دارند و تحرکی عمومی برای افزایش و رشد تعداد اعضای جامعه ایجاد نمایند . الفت و محبت ، وحدت و همکاری اعضا از عوامل مؤثر در جذب افراد به جامعه اهل بهاء می باشد . عشق و علاقه قلبی مؤمنین به یکدیگر قوه جاذبه ای است که هر نفسی را جلب می نماید و اهتمام در ایجاد این عوامل از اعظم وظائف محافل روحانی می باشد . حضرت عبدالهء می فرمایند :

بقیه در صفحه ۱۰۹

تغذیه

از ابتدای تولد تا دوران پرافتخار پیری ، انسان برای رشد جسمانی همواره نیاز به غذا داشته یا انرژی لازم بدست آورد حتی در دوران بارداری نیز از خون مادر تغذیه و مواد لازم برای رشد باو میرسد .

بررسی و مطالعه تاریخ از ابتدای پیدایش ، نشانگر آن است که آدمی همواره در پی تهیه غذا در تلاش بوده تا بتواند ادامه حیات دهد . برخی از محققین براین باورند که انسان اولیه به منظور بدست آوردن غذاهای مملو از انرژی دانا کوشش می نموده تا با استفاده از آنها بر قدرت بدنی و کاری خویش بیافزاید و در نهایت شکارچیان وجنگجویان قابلیتتری باشند . در حقیقت انسان های اولیه در آن زمان بسیار دور باین نکته پی برده بودند که تغذیه صحیح عامل مهم ازدیاد قدرت بدنی انسان می باشد .

در دوران جدید تغذیه صحیح یکی از عوامل صحت و تأمین کننده میزان قدرت بدن انسان بوده . و بعلاوه در تقویت قوای فکری و روحی عامل مهمی است و در نظر فنی تغذیه نیز ثابت شده که تغذیه صحیح و متعادل در تمام دوران حیات موجب صحت و سلامتی و تقویت حافظه و قدرت و قوت و جلوگیری از بیماری و بهبودی از بیماری است .

بعضی از غذاها قادر به پیشگیری از پیشرفت بیماریهای خاصی می باشند و بسیاری قدرت علاج و بهبودی بیماریهای متفاوت دارند ، اینگونه داروهای گیاهی از زمانهای بسیار قدیم شناخته شده اند .

بموجب مدارك و اسنادی که در دست است امروز

ارسیما یزدان مهر

نقش فوق العاده تغذیه در تولید و بهبودی بیماری ثابت کشته اما متأسفانه آگاهی انسان در این رابطه و در این عصر جدید بسیار محدود می باشد . بهر عنوان مثال انتشار آمار اخیری که بوسیله مؤسسه ملی سرطان شناسی آمریکا با در برگیری از ۱۲۰۰۰ نفر انجام گرفته نشانگر آن حقیقت است که اکثریت مردم ساکن آمریکا از تغذیه نادرست برخوردار میباشند . حال آنکه بدلائل واضحه ثابت شده که تغذیه صحیح در تغییر مسیر برخی از بیماریهای قلبی ، سرطانها ، مرض قند و دشواریهای حافظه ای و غیره کاملاً مؤثر است . علم تغذیه یکی از علومی است که در حال گسترش و توسعه است .

علوم تغذیه جوابگوی سنوالبهای پیچیده و در عین حال جالب دنیای غذاها و مواد خوراکی میباشد . تناول غذا در بدن مبتدل بسلولهای بدن مانند سلولهای پوستی ، ماهیچه ای و غیره که هر یک به وظائف خاصی را انجام میدهد میگردد .

در علوم تغذیه ، مواد خاص موجود در غذاها و اثر آنها بر سلامت ، طرز هضم و جذب ، و حمل و نقل آنها در دستگاه گوارش انسان مورد تحقیق و بررسی قرار داده می شود . مواد خاص نهفته در غذاها ، شامل ۶ گروه اصلی است که عبارتند از چربیها ، پروتئین ها ، نشاسته جات ، ویتامین ها و بعضی مواد معدنی و بالاخره آب که مایه حیات و زندگانی است .

انسان برای رشد و تکامل ، ادامه فعالیت های درونی بدن ، حیات سلولها و حفظ سلامت خود محتاج به

نقل از صفحه ۱۰۷

"الیوم خدمتی اعظم از اتحاد و اتفاق احباء نیست"

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

تا اتحاد و اتفاق کامل در بین احباء جلوه ننماید و محکم و ثابت نگردد امر عزیز الهی در حالت توقف باقی و از فتح و ظفر ممنوع و محروم"

(گلزار تعالیم ص ۱۹۰)

آنچه از پیامهای اخیر بیت العدل اعظم الهی استنباط می شود این است که پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین امری حتمی و محقق الوقوع است و تردیدی نیست که در آینده نزدیک بوقوع خواهد پیوست .

بیت العدل اعظم الهی در پیام رضوان ۱۵۲ بدیع خطاب به پیروان امر الهی در امریکای شمالی در باره این "جریان" می فرمایند :

" در میقات معین سبب احیای روحانی جمعی کثیر از اقوام گوناگون در امریکای شمالی خواهد شد و جوامع بهائی را در آن قاره از نظر تعداد نفرات بنحوی بارز تقویت خواهد نمود . "

چنین پیشرفت مهمی منوط به افزایش اقدامات و فعالیت‌های هریک از مؤمنین بهائی ، مؤسسات امری وجوامع محلی می باشد . مؤمنین به شریعت حضرت بهاء الله باید سعی نمایند که منویات معهد اعلی را اجراء کنند و در جوامع محلی خود به تبلیغ پرداخته و به اعلاء امر الهی اقدام نمایند و آنچه از ما خواسته شده این است که ابلاغ کلمه نماییم . تائیدات جمال اقدس ابهی مانند جنود ملکوتی مساعدت خواهند نمود و این است جوهر و اساس " پیشرفت جریان دخول افواج مقبلین " .

دریافت مواد نامبرده در بالا برای تغذیه میباشد . در هریک از این مواد غذایی ، دارای مشخصات و وظائف دقیق و مخصوص بخود هستند . مثلاً احتیاجات مواد غذایی دستگاه سلسله عصبی با احتیاجات ماهیچه‌ای بدن متفاوت است به همین دلیل ، هر شخصی می بایست این نیازمندیهای گوناگون را در نظر گرفته و سعی نماید که غذای روزانه او کامل و شامل تمام مواد غذایی لازم باشد .

بدن انسان در انجام فعالیت‌های روزانه خواه جسمی و یا روحی و فکری حتی مواقع راه رفتن و یا شستشو وغیره به دریافت انرژی نیازمند است و چربی ها منبع اصلی تولید انرژی محسوب می شوند . هرچند پروتئین ها و نشاسته جات نیز به نوبه خود تولید انرژی می کنند اما میزان تولید انرژی بوسیله این مواد غذایی تقریباً نصف مقدار انرژی است که توسط چربیها تولید می شود . پروتئین ها نقش اساسی در تولید هرمونها و رشد ماهیچه های بدن و بسیاری از مسائل دیگر را ایفاء می کنند . نشاستجات منبع اصلی تولید خاصی از انرژی هستند که مغز انسان بدون دریافت آن ناتوان از ادامه فعالیت های طبیعی خود می باشد .

بطور خلاصه علوم تغذیه علمی است وسیع و مملو از شگفتیها و در عین حال بسیار مهم و حیاتی که عدم توجه بآنها موجب بیماریها و ناراحتیهای جسمانی فراوان میگردد .

در امر بهائی به تغذیه صحیح اهمیت داده شده و معالجه با غذا قبل از دوا تجویز شده و این امر میرساند که تغذیه صحیح تا چه حد در حفظ سلامت انسان مؤثر است .

نظری به بشارت ظهور در اشعار شعر

قبلا در مجله عندلیب قطعاتی از اشعار شعرای فارسی زبان در بشارت بظهور اعظم بعنوان شعرای ملهم انتشار یافت که مورد توجه خوانندگان محترم عندلیب واقع شد . اینک در ادامه بحث مزبور ، اشعار حضرت امیرالمومنین علی ع و سید محمد اخلاطی را که جناب ابوالقاسم افغان علیه بهاء الله مرحمت فرمودند و یاد آور شده اند که حضرت ربّ اعلی روح الوجود لمظلومیة الفدا در کتاب مبارک دلائل سبعة بدانها استناد فرموده‌اند و نیز اشعاری ترکی از مصطفی هاشم اسکوداری و مختومقلی شاعر ملی ترکمنستان که زنده یاد متصاعد الی رفیق الاعلی جناب جواد قوچانی با ترجمه آن ارسال داشته اند چاپ و انتشار می یابد . ضمناً یاد مبلغ و مروج امرالله جناب محمد علی فیضی علیه رضوان الله بخیر که شعر مختومقلی را با عکس مجسمه مختومقلی در محل مشرق الاذکار در سال ۱۹۹۲ برای عندلیب فرستاده بودند و چون ترجمه نداشت لذا در آن زمان انتشار آن میسر نگردید . اول شعر حضرت امیر علی علیه السلام که حضرت اعلی در کتاب دلائل سبعة بآن شعر و شعر سید محمد اخلاطی استناد فرموده اند ذیلاً درج میگردد :

امیرالمومنین میفرماید :

بَنی اذا ما جاشت التُّرک فانتظر

ولایة مهدی یقوم و یعدل

و ذلّ ملوک الارض من آل هاشم

و بویع منهم من یلذ و یهزل

صبی من الصبیان لارای عنده

و لاهو ذو وجد و لاهو یعقل

فثمّ یوم القائم الحقّ منکم

و بالحقّ یعطیکم و بالحقّ یعمل

سَیّ نبی الله نفسی فدانه

فلا تذخّلوا یا بنی فعجل

و سید محمد اخلاطی میگوید

یجئ ربّاً لکم فی النشئین

لیحی الدّین بعد الرّاء و غین

و ان زیدت علیها الهاء فاعلم

بأنّی ماکتمت السّرّ عین

فاضرب عدّ هو فی عدّ نفسه

فهذا اسم قطب العالمین

خذ المح قبل مد بعد ضمّ

و ادرجها فی تحت المدرجین

عدد هو بحروف تهجی ۱۱ است و حاصل ضرب

$121 = 11 \times 11$ که یا علی از آن بیرون می آید و

در مصرع دوم (محمد) را بگیر و در ذیل یا علی

بگذار می شود یا علی محمد .

دوم - اشعار مختومقلی

بیرگون اول گون با تاردین بلی منشور جان تورار

یوزلری ماه تابان بلا کلاری قان تورار

گورون حسین میرزائی حقّه بازار عرضه نی

یرلر اورار لرزانی اسرافیلدن اون تورار

حیوان انسان یانینده لولوم باردر شاینده

دجال دونیا اینسانده یا شغملتدین تورار

عاشقلره رای بولماز و نیایوکی تاربولماز

بری سره آی بولمازگون با تاردان گون تورار
 دجال سازین قوران سونك صحبت سالرك سورانسوك
 دو نوب كعبه باران سونك ارواح بيله جان تورار
 يا جوج مائج دیر لار بیر برینی ایار لار
 بیرنی اولدور قو یار لار برینك برینه اون تورار
 مختومقلی دیرهایهات روز محشرقیامات
 ایاقاضی الحاجات یار چه ایشلرقلین تورار

++++++

بیقلور بوق بولور باغلاسلایلار
 بولدوز لادتو کولور تولور بوجایلار
 گون شعله سردوغار ثوتو لور آی لار
 داغلار قورشین کیمین اریر یارافلار
 آدامنیک نفسی بویک یا غدیر بارانی
 اوت کیمین شا غلادیب چیقار انسانی
 عزرائیل هم یروپ امانت جانی
 تورت فرشته تازه تیریلور یارانلار
 اسرافیل صور چالور جیقروب هریان
 یوق بولار حسد لار آیریلیشان جان
 قسمتی از ترجمه شعر مختومقلی
 یک خیال وتصور است که روزی که غروب نمود منشور
 جان طالع میشود
 روی آنها مانند ماه درخشان است مثل اینکه خون
 ظاهر شده است
 دیده میشود حسین میرزانی که در عرصه حق و
 حقیقت ظاهر میشود .
 زمین به لرزه در خواهد آمد و اسرافیل از او ظاهر و
 آشکار میشود .
 حیوان در پهلوی انسان به شان و منزلت آن میشود

دجال دنیا بشکل انسان در عالم ظاهر میشود .
 عشاقهای او در دنیا وضع موافق و دوست نمی یابند .
 باین وضع میگذرد و روزها پی در پی میرسد .
 دجال با ساز و آواز خود پیدا شود .
 ارواح در اطراف کعبه او طواف می کند .
 یائج مائج یک دیگر را از بین میبرند .
 یکی از آنها روی زمین میماند دیگری از بین میرود .
 مختومقلی میگوید هیهات روز محشر و قیامت است
 ای قاضی حاجات و ای پروردگار کارها را درست کن



مختومقلی شاعر ملی ترکمنستان ۲۵ سال قبل از حضرت
 بهاء الله متولد شده است و صریحا نام مبارک را در
 اشعار خود آورده و هم اکنون در عشق آباد در زمین
 (اعظم) محلّ مشرق الاذکار (امّ المعابد عالم بهائی)

که محلّ پارک مّلی است مجسّمه زیبایی از او بجای مانده و مورد احترام عمیق ترکمن ها در ترکمنستان است .

سید مصطفی هاشم اسکوداری

بطوریکه اشاره کردیم یکی از عرفاء و شعراء ترک که رئیس فرقه ملّامی از فرقه های مختلف اسلامی بوده بنام سید مصطفی هاشم اسکوداری که هم اکنون مقبره او در اسکودار قسمت آسیانی شهر استانبول و مورد زیارت مردم است در دیوان اشعار خود در حدود ۹۶ - ۹۲ شعر دارد که کلاً اشاره بدو ظهور مبارک حضرت ربّ اعلی و جمال اقدس ابهی جلّ جلاله است .

این دیوان در سال ۱۱۵۲ هجری قمری در استانبول چاپ شده است که بیش از یکصد سال قبل از اظهار امر حضرت ربّ اعلی است .

در ضمن ۹۶ بیت اشعار در دیوان خود که قبلاً همه را آماده درک معانی اشعار که ادّعا کرده از قرآن مجید الهام گرفته است نموده است .

در دو قطعه آن خیلی واضح می گوید که عین شعر ترکی او را با ترجمه درج می نمایم .

اصل ترکی قدیم عثمانی :

ایکی ار وار ظهور ایلر

بیری ایرانی سیرایلر

بیررسی روما نفل ایلر

فرنکستانه میل ایلر . . .

ترجمه فارسی :

دو مرد ظاهر خواهند شد ، یکی از آن دو در ایران مانده و سیر و سیاحت خواهد کرد ، نفر دیگر به طرف روم (منظور رومیلی آسیای صغیر که

همان استانبول و ادرنه فعلی است) خواهد آمد . و بسوی فرنگ (اروپا) متمایل میشود . که البته میدانیم ادرنه و یک قسمت از استانبول در خاک اروپا است . در همان قسمت از آسیا که جمال مبین در حدود ۴ ماه تشریف داشته اند در قسمت اروپایی استانبول است و ادرنه که اساساً در خاک اروپا و مجاور کشورهای فرنگ و اروپا است .

۲ - اصل ترکی عثمانی قدیم :

غیوردن صوره بیل آتی - کهر لفظی عدد تابی

کله مهدی حقانی - آچیل کنج پنهانی

بیلین علم عرفانی - نیچه مذهب اولافانی

بیلینه لظمن شانی - دیه لرهی کرم کانی

بشارت اهل عرفانه - هدایت آل عثمان

ترجمه فارسی : بعد از غیور (که با حساب ابجد ۱۲۷۰ یعنی اگر اظهار امر حضرت ربّ اعلی را از تاریخ بعثت پیغمبر اسلام حساب شود درست همان تاریخ ۱۲۶۰ میشود)

بدان که با لفظ گهرباری عدد تعیین شده است ، با این تاریخ مهدی حقّ ظاهر خواهد شد میآید و گنج پنهانی را باز میکند . آن مهدی دارای علم عرفان است ، با ظهور او مذهب ها از بین میرود و فانی می شود . هرکس از گفته من فهمید میگوید که صاحب کشف و کرامت بوده است . این گفته برای عرفاء بشارت است و برای آل عثمان هدایت و راهنمایی است .



تعالیم جهانی بھائی

حضرت عبدالبهاء جلّ جلاله میفرمایند :

" مقصود از جلوه حقّ و طلوع حقیقت غلبه نور محبتّ الله است تا ظلمات شقاق محو از آفاق گردد و وحدت روحانیّه جلوه نماید . (۱)

علاقه و اشتیاقی که بھائیان بمنظور استقرار صلح نشان میدهند برای چیست اصولاً چرا وحدت عالم انسانی را باید بوجود آورد :

اولاً : بمنظور دوام و صیانت بشریت از آفت نابودی و زوال .

ثانیا : مظاهر تمدن که با زحمات طاقت فرسای گذشتگان بوجود آمده محفوظ ماند .

پس هر فرد منصفی که خود را بھائی نیز نداند و به اصول اخلاق متّصف باشد باید در این طریق سعی وافی مبذول دارد زمانی که تاریخ بشریت را مطالعه می کنیم به این حقیقت بر میخوریم که آیا خداوند آدمی را برای جنگ آفرید و آیا جنگ و ستیز با خوی انسان عجین شده لیکن با توجه بصریح قلم اعلی آنانکه بجنگ و ستیز قیام مینمایند انسان نیستند قوله عزّ بیانه " مقام انسان بلند است اگر بانسایت مزین و آلا پست تر از جمیع خلق مشاهده میشود " (۲)

امّا در برابر این سنوال که انسان ممتاز چرا پوشش خود را رها کرده و چگونه در قالب حیوانی خون آشام قرار میگیرد و جنگ و ستیز میجوید ، ویران میکند و براین اعمال غیر مرضیه افتخار مینماید . فی المثل هنر موسیقی که یکی از تجلیات روح انسانی است و برای خلق آرامش و زیبائی بوجود آمده است ولی گاهی

از پرویز دادرسان

از آن استفاده نامشروع میگردد و برای دمار و ویرانی مورد استفاده قرار میگیرد و در میادین حرب برای تهیج و تحریک سپاهیان جهت کشتن هموعان بکار میرود و بالاخره موسیقی مارش مینوازد صف و تکنیک و وسائل جنگ آماده می سازد آیا با وجود چنین تحریکات بیرونی که هر لحظه حسن حیوانی ما را تهیج مینماید تحقق صلح جهانی مقدور خواهد بود ؟ مسلماً پاسخ منفی است آیا زمانیکه در مدارس بجای اینکه کسانی که دارای صفات عالیّه انسانی بوده اند شرح احوالشان مورد مطالعه قرار گیرد از مردم ویران کننده و سلحشور صحبت بمیان میآید آیا با وجود این مراتب ووسائل امکان صلح و آرامش مقدور خواهد بود ؟ کتب مقدّس عهد عتیق و عهد جدید ظهور شریعت و مدنیّت را وعده داده اند که در ایام آخر به یوم الله و یوم الملکوت مسمی است در ایامی که بیهوه صباوت و رب الجنود باصطلاح تورات و مجیی ثانوی مسیح و روح راستی باصطلاح انجیل از آسمان نازل گردد این امر کاملاً مسلم است که ادیان الهی هر یک دارای هدفی خاص بوده اند دیانت بھائی نیز دارای هدفی خاص میباشد یعنی استقرار صلح و آرامش و ایجاد وحدت عالم انسانی .

واضح است از آنجائیکه امر بھائی از طرفی به پرورش مکارم اخلاقی و کمالات انسانی توجه نموده از طرف دیگر تأسیس صلح عمومی و وحدت عالم انسانی را تعلیم فرموده است لذا بوضوح میتوان دریافت که در این ظهور اعظم آن دو هدف کلی یکی هدف فردی و دیگری هدف اجتماعی مورد نظر شارع دیانت مقدّس

بهانی بوده است هدف فردی دیانیت بهانی جنبه های اخلاقی بشر را شامل بوده و میکوشد با تلطیف و احیای معنوی انسانهای روحانی و کامل بوجود آورد و بیان مبارك حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه و عظمته که میفرمایند : " بهانی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی" تحقق پذیرد این مسئله در حقیقت هدف دیانت بهانی است که آنرا تحت عنوان هدف فردی پذیرفته است . قلم اعلیٰ میفرماید : بعد از خلق ممکنات و ایجاد موجودات بتجلی اسم یا مختار ، انسان را از بین امم و خلائق برای معرفت و محبت خود که علت غائی و سبب خلقت کائنات بوده اختیار نمود چنانچه در حدیث قدسی مشهور و مذکور است و بخلعت وجود و مکرمات لقد خلقنا الانسان فی احسن التقویم و برداء عنایت و موهبت فتبارك الله احسن الخالقین (۲)

اما هدف اجتماعی امر بهانی ، بطوریکه در آثار دیانت بهانی مندرج است عبارتست از تأسیس صلح عمومی و وحدت عالم انسانی و استقرار جهانی اخوت و برادری در میان اقوام و اجناس مختلفه هدف و روش این نظم آنست که ملکوت الهیه در ادیان سالفه در انتظار بوده و ظهور و تحقق آنرا آرزو مینمودند تأسیس یابد و وحدت عالم حقّ به عالم خلق منعکس گردد و ملک آینه ملکوت و ناسوت جلوه گاه عالم لاهوت شود این است که آنچه ادیان آنرا تأسیس ملکوت الهیه در زمین میدانند و در ادعیه و اذکار روزانه وقوع و تحقق آنرا آرزو مینمایند چنانچه در ادعیه خویش میخوانند . ای پدر آسمانی نام تو مقدس باد ملکوت تو بیاید اراده تو چنانکه در آسمان است در زمین گسترده شود (۴) مراد از ملکوت الهی و یا اورشلیم جدید و یا شهر

مقدس که در ابواب و فصول متعدد عهد عتیق و عهد جدید وعده داده شده است در حقیقت ظهور و نظمی جدید است از آنجائی که خلق و ایجاد صنعی اعم از صنع آثار هنری و یا تأسیس يك مؤسسه اقتصادی و . . . با تمهید مقدمات و مصالح و موادّ اولیه ممکن و میسر نباشد لهذا تأسیس صلح جهانی نیز مواد و اصول و مصالحی لازم دارد تا بدینوسیله بتوان آنرا در بسط زمین استقرار بخشید بهمین سبب دیانت بهانی جهت تأسیس چنین مشروع عظیم و جلیل ابتدا مواد و مصالحی را که بمبادی روحانی و اصول اعتقادی موسوم میباشد بجهانیان عرضه فرموده و زیر بنای اتحاد بشریت و کاخ رفیع البیان وحدت عالم انسانی را بنا نهاد و براین اعمده وارکان صلح جهانی را در بسط زمین استقرار بخشید قسمتی از این اصول را بر می شماریم : ۱ - وحدت عالم انسانی ۲ - تحرّی حقیقت ۳ - دین باید مطابق با علم و عقل باشد ۴ - دین باید سبب الفت و محبت باشد ۵ - ترك تعصبات ۶ - تساوی حقوق رجال و نساء ۷ - اساس ادیان یکی است ۸ - تعدیل معیشت ۹ حق و عدل ۱۰ - لسان واحد ۱۱ - صلح عمومی ۱۲ - بیت العدل اعظم ۱۳ - محکمه کبری ۱۴ - تعلیم و تربیت عمومی واجباری ۱۵ - استفاضه از نفثات روح القدس .

عناصر تشکیل دهنده وحدت :

وحدت عالم انسانی که بحقیقت هدف غائی و نهانی دیانت بهانی میباشد عبارت از ارتباط کامل میان اقوام و ملل عالم و اتحاد حقیقی و دانمی آنان در کلیه شئون حیات بشری و مظاهر مختلفه تمدن میباشد حقیقت و منظور و مقصود از وحدت آنست که جامعه انسانی در

جميع مظاهر تمدن خویش مانند علم و تکنیک حقوق و قانون اقتصاد و سیاست زبان و ادبیات حتی اوزان و مقادیر پول و غیره متحد گشته و در قالب یک نظام واحد جهانی ریخته میشود و در عین اینکه شخصیت حقوقی و ملی آنان بوسیله مرکز حکومت جهانی که دارای سه قوه مقننه ، قضائیه و اجراییه است اداره شود و روابط میان آنان بوسیله مرکز جهانی تنظیم و حدود و اختیار و آزادیشان مشخص گردد مسلما با توجه باین تعریف اگر در برخی از مظاهر تمدن انسانی چنین ارتباط و وحدتی حاصل و در برخی دیگر اتحاد و هم آهنگی بوجود نیاید در اینصورت وحدت جهانی شکل واقعی خود را بدست نیاورد و اتحاد بشری بطور صحیح و کامل تحقق نیافته است مثلا بالفرض تنها وحدت سیاسی در عالم بشری ایجاد شود این وحدت تنها جزئی از اجزاء وحدت حقیقی محسوب بوده و مفهوم کامل و صحیحی را که دیانت بهائی در آرزوی تحقق است در بر ندارد زیرا وحدت عالم انسانی بمعنای حقیقی کلمه ، آنست حضرت عبدالبهاء جلّ کبریانه در لوح هفت شمع که در جواب الکساندر وایت انوار و مظاهر مختلفه وحدت عالم انسانی را بنام هفت شمع که باید در عالم انسانی افروخته شود توجیه فرموده اند :

شمع اول ، وحدت سیاسی است و جزئی اثری از آن ظاهر گردیده .

شمع دوم ، وحدت آراء در امور عظیمه است که آن نیز عنقریب اثرش ظاهر گردد .

شمع سوم ، وحدت آزادی است، آن نیز قطعیا حاصل گردد .

شمع چهارم ، وحدت دینی است این اصل اساس و شاید این وحدت در انجمن عالم بقوه الهیه جلوه نماید . شمع پنجم ، وحدت وطنی است در یک قرن اتحاد و یگانگی نیز بنهایت قوت ظاهر شود جميع عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند .

شمع ششم ، وحدت جنس است جميع من علی الارض مانند جنس واحد شوند .

شمع هفتم ، وحدت لسان یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و با یکدیگر مکالمه کنند این امور که ذکر شد قطعی الحصول است زیرا قوه ملکوتیه مؤید آن .

وحدت حقوق و حدود در دیانت بهائی :

از آنجائیکه تساوی حقوق اجتماعی و وحدت آزادی با مسئله وحدت عالم انسانی ارتباطی نزدیک و مستقیم دارد و در حقیقت یکی از ارکان و اعمده صلح جهانی تساوی و عدالت در ردیف مبادی روحانی و اعتقادی اهل بهاء قرار گرفته در خطابات و مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلّ ثنانه و آثار قلم اعلی بحث مفصّلی از آن بمیان آمده است زیرا یکی از شرایط لازم و ضروری برای تحقق صلح جهانست که حقوق و حدود افراد مختلفه جامعه جدا و مؤکّدا رعایت گردد و تبعیضاتی که در گذشته تاریخ به بهانه نژاد و مذهب و ملیت و طبقات وجود داشته است متروک شود بهمین سبب در آثار و تعالیم بهائی برای نیل و تحقق وحدت و صلح ابتداء باصل تساوی حقوق انسانی توجه و تعلیم داده شده است و تنها فضیلت انسانی بر انسان دیگر خدمت و کمال شناخته شده است .

قلم اعلی میفرماید : فضل الانسان فی الخدمة و الکمال

لافی الزینته و الثروة والمال (۵) ظهور شریعت بهائی قوانین و نظام ادوار گذشته که حقوق و حدودی را بر طبقه ای از مردم تفویض و از طبقه دیگر مسلوب نموده بود منسوخ و احکامی که در آن کوچکترین شائبه مزیت و تفوق بردسته دیگر مستفاد میشد متروک ، اگر چه موارد این تساوی در آثار بهائی فراوان میباشد لیکن محض مزید توجه از آن تعالیم را شمه‌ای خاطر نشان میسازیم .

اول : منع از خرید و فروش برده و غلام :

(قد حرم علیکم بیع الاماء و الغلمان لیس لعبد ان تشری عبدا) (۶)

دوم منع از استغفار نزد علمای روحانی (لیس لاحد ان تستغفر عند احدٍ تبوا تلقاء انفسکم) (۷) .

سوم منع از انحناء و انطراح (تعظیم کردن) (۸)
چهارم منع از دست بوسی (قد حرم علیکم تقبیل الایادی) (۹) .

پنجم منع از تکدی و سنوال (لایحل السنوال و من سنل حرم علیه العطاء) (۱۰)

ششم منع از حمل آلات حرب (حرم علیکم حمل آلات الحرب الا حین الضروره) (۱۱)

هفتم : نسخ حکم محدودیت در معاشرت و امر به محبت با جمیع ادیان بروح و ریحان (عاشروا مع الادیان کلها بالروح و الريحان . . .) (۱۲) -

هشتم - منع از امر بمعروف ونهی از منکر (لاتعترض احد علی احد) (۱۳)

نهم - نسخ حکم نجاست (كذلك رفع الله حکم دون الطهارت عن کل الاشياء و عن ملل اخرى) (۱۴) -

دهم - منع از کینه توزی و انتقام (ومن اغناط علیکم

قابله بالرفق و الذی زجرکم لاتزجروه) (۱۵) .

یازدهم - منع از تعدد زوجات (والذی اقنع بواحدة من الاماء استرحت نفسه و نفسها) (۱۶) ،

دوازدهم - اعلان تساوی در حقوق مالی (ارث) (۱۷)
سیزدهم - اعلان تساوی در حقوق (روابط زناشویی) (۱۸) ،

چهاردهم منع از سب و لعن (لاتسبوا احدا بینکم و لاتتبعوا خطوات الشیاطین) (۱۹) ،

پانزدهم منع از نزاع و جدال (قد منعتم عن النزاع و الجدل فی کتاب الله رب العرش العظیم) (۲۰) .
شانزدهم منع از ارتقاء بر منابر (قد منعتم عن الارتقاء الی المنابر) (۲۱)

هفدهم منع از تاویل و تفسیر آیات (ان الذی یاول ما نزل من سماء الوحي) (۲۲) .

هیجدهم منع از فساد (ایاکم ان تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها و من افسد انه لیس منی) (۲۳) .

توضیح آنکه در کتاب مستطاب اقدس سه دسته از مردم لیس منی شناخته شده اند .

۱ - آنانکه فساد کنند ۲ آنانکه بر خلاف الواح و نصوص تکلم نمایند والذی یتکلم بغیر ما نزل فی الواحی انه لیس منی ۳ - آنانکه شرب افیون نمایند ، قد حرم شرب الافیون انا نهیناکم عن ذلك نهياً فی الکتاب و الذی شرب انه لیس مناً .

وحدت عالم انسانی حتمی الوقوع است :

حضرت عبدالبهاء جل ثنائه میفرمایند :

" هر امری را منع و مقاومت میتوان نمود مگر اقتضای زمان را " (۲۴)

وقتی که لزوم و ضرورت صلح عمومی و وحدت عالم

انسانی مورد بحث قرار گیرد اغلب این سنوال پیش می‌آید که آیا روزی بشر اصالت و حقانیت اتحاد جهانی را درک و بتأسیس آن قیام خواهد نمود؟ آیا روزی اختلافات نژادی و جنسی و مذهبی و طبقاتی و منازعات سیاسی و اقتصادی ترك و اخوت و وحدت در میان جوامع مختلف عالم تحقق خواهد یافت شاید در بدو امر حصول بچنین مقصد جلیل و عظیم در انظار و عقول انسان معاصر مشکل و تحقق آن محال و مستحیل بنظر آید؟ لیکن اگر صلح قانونی طبیعی و اصلی مفید و ضروری باشد عاقبت مورد قبول نسلهای بشری واقع گشته و افکار نوع انسانی را که خود ضمانت اجرایی شدید و موثری برای تحقق هر اصل و قانونی بشمار میرود بسوی خود جلب خواهد نمود و انسان حتم و قطع آنها بر دیده قبول نهاده و صلح را با جان و دل خواهد پذیرفت چه اگر پذیرش و تحقق امری امروز مشکل بنظر آید دلیل بر این نیست که در آینده نیز تحقق آن محال باشد مثلاً اصل آزادی و حریت و مساوات که در گذشته تاریخ غیر ممکن مینمود و بنابر نظام اجتماعی عهد عتیق انسانی بنام برده و کنیز بوسیله انسانی دیگر خرید و فروش میگردد امروزه با قبول و اعتقاد معتقدین باین امر دیگر قابل اجراء نبوده و بناچار از حیات جامعه انسانی حذف گردیده است.

مراحل مختلفه وحدت در تاریخ تمدن بشری :

جامعه انسانی در طی قرون و اعصار برای وصول بوحدت عالم انسانی که هدف کلی و نهانی تاریخ بشری است مراحل مختلفه را پیموده است یعنی ابتدا از کوچکترین واحد اجتماع (خانواده) شروع نموده و

سپس واحدهای بزرگتری را بنام قبیله و عشیره وجود آورده و بعد بمرحله وحدت ملی رسیده و امروز در آستانه يك واحد بزرگتری که اتحاد جمیع اقوام و ملل عالم است قرار دارد .

بعقیده بهائیان دنباله سیر تکاملی اجتماعی که با زندگی بشر در روی زمین آغاز شده بود هنوز ادامه دارد تا روزی که این تکامل ضروری و اجباری بتأسیس يك اجتماع واحد عظیم جهانی منتهی گردد و این وحدت جمیع اقوام و ملل و اجناس ساکنین ارض را در بر گیرد . به اعتقاد اهل بهاء و بحکم تاریخ دیانت اسلام در زمانی بوجود آمد و در مرحله از تاریخ بوقوع پیوست که بشر از نظر تکامل اجتماعی در مرحله وحدت قبیله و عشیره قرار داشت لذا شریعت اسلام بنابر مقتضیات زمان و مکان و بنا بر ضرورت تاریخی عصر خویش فکر ایجاد وحدت ملی را تقویت نمود و قبائل و عشایر عرب را که در نظام ملوک الطوائفی بسر میبردند وحدت وسیع تری به وحدت ملی بود دعوت نمود حضرت ولی محبوب امرالله میفرمایند : " وصول بمقام وحدت ملی را میتوان از خصایص مشخصه اسلام دانست " وحدت ملی که از ظهور اسلام آغاز شده بود تا قرن نوزدهم ادامه یافت در این مدت ملل مختلفه یکی بعد از دیگری سیستم و نظام ملوک الطوائفی را رها کرده و بمرحله وحدت ملی وارد گردیدند و با اجتماع و ترکیب قبائل مختلف جوامع وسیع تری را بنام حکومت ملی بوجود آوردند . جامعه انسانی که تازه وارد مرحله وحدت ملی شده بود نخست شیفته و علاقمند بمظاهر ملی خود گردید و بیقرار به ستایش آداب و سنن ملی و شعار ملی و حماسه های ملی خود

قیام نمود وحدت مکی بحدی ارزش یافت که منافع دول محور اصلی کلیه امور سیاسی و روابط بین‌المللی شناخته شد و مکاتب اجتماعی و فلسفه های پیچیده و گنگ جهت اثبات حقانیت وعظمت این تحفه تازه بدوران رسیده بوجود آورد حتی مظاهر علمی و هنری در تجلیل این الهه مورد استفاده قرار گرفتند اما این بت اعظم قربانی ها داشت و جنگها و ویرانی های خانمانسوزی بار آورد و مصائب و بلیات موخش در جنگ گذشته که به بهانه تعصبات ملی و نژادی بوجود آمده بود کم کم بشر را بیدار و هشیار کرد و بتدریج فکر وحدت جهانی را در اذهان متفکرین ایجاد نمود ولزوم وحدت بین‌المللی، در افکار و اندیشه های بشر جوانه زد و ضرورت بین‌المللی در قلوب انسانهای عاقل و حسّاس ایجاد گردید بدین ترتیب بشر پس از طی مراحل مختلفه سیر تکامل اجتماعی و گذر از مراحل وحدت خانواده و قبیله و عشیره و ملت آماده برای شروع آخرین مراحل تکامل خود یعنی وحدت گردید این مرحله نهانی از سیر تکامل تاریخی که هدفش حصول به وحدت عالم انسانی و آغازش مصادف با طلوع امر بهانی از قرن نوزدهم ایجاد و شروع گردید و در این مرحله از تاریخ بود که ظهور امر بهانی بوقوع پیوست و شریعت بهانی بنا بر ضرورت تاریخی عصر خود و احتیاجات و مقتضیات زمان وحدت عالم انسانی را هدف تعالیم خویش قرار داد و مردم را بقبول صلح بین‌المللی دعوت فرمود و در جمیع آثار و نصوص خود تعلیم فرمود که انسان معاصر باید از قید و بند تعصبات جنسی و ملی و سیاسی و اقتصادی و مذهبی که بفرموده حضرت عبدالبهاء جل کبریانه هادم بنیان

انسانی " است خود را آزاد ساخته به شروع و تأسیس وحدت عالم انسانی قیام نماید . اکنون باعتقاد بهانیان همچنانکه بشر بحکم ضرورت و جبر تاریخ وحدت قبیله و عشیره را پشت سر نهاده و بوحدت ملی توجه نموده است روزی هم وحدت ملی را غیر کافی دانسته بوحدت وسیع تری که وحدت جمیع اقوام و ملل عالم است قیام خواهد نمود . در آنروز بصریح قلم اعلی روز ظهور عقل و طلیعه بلوغ روحانی عالم انسانی است بشارات کتب مقدسه تحقق یافته و ملکوت الهی را در زمین تأسیس خواهدکردید و عالم انسانی از قید تعصبات جاهلیّه آزاد گشته و لغت جنگ را برای همیشه از فرهنگ حیات خود حذف خواهد کرد در آنروز عالم جنت نعیم خواهد شد و آیه تری الارض جنت الاهی مصداق خواهد یافت حضرت ولیّ محبوب امرالله میفرمایند :

" وحدت کافه نوع بشر مابه الامتیاز مرحله ایست که حال هینت جامعه بشری بآن نزدیک میشود وحدت خانواده و قبیله و شهر و ملت متوالیاً مورد اقدام واقع و کاملاًتحقق پذیرفته است وحدت عالم انسانی غایت قصوانی است که بشر سرگردان برای نیل بآن تلاش مینماید اکنون تشکیل وحدت ملی پایان رسیده است و هرج و مرجی که ملازم اختیارات مطلقه حکومت است به منتها درجه شدت میرسد عالمی که در ظل رشد و بلوغ است باید از قید این بت وهم خود را رها کرده وحدت و جامعیت روابط بشری را معترف و بطور قطع نظمی ایجاد نماید که بوجه احسن بتواند این اصل اساسی حیاتش را مجسم سازد "

و نیز میفرمایند : قوله عزّبیانه : این در حقیقت اوج

شایسته هر کمالی خواهد بود که از خانواده یعنی کوچکترین واحدی که در مراتب تشکیلات جامعه بشری شروع شده و باید پس از آنکه متعاقبا قبیله و شهر و ملت را بوجود آورد عملیات خود را ادامه داده منجر به وحدت عالم انسانی گردد که آخرین منظور و تاج افتخار تکامل انسانی در این سیاره است. بطرف این مرحله نوع بشر خواه یانخواه و بناچار نزدیک میشود " امر حضرت بهاء الله جل اسمّه الاعلی چنانکه پیروان حضرتش ظاهر و مبرهن داشته اند امریست که بوحدت عالم انسانی متصل و خود در اعلى ذروه کمال آن قرار گرفته است بهانیان بشوت رسانیده اند که این مرحله نهانی از سیر تکامل که تدریجاً نزدیک میشود امر ضروری و محتوم است و جز شریعت الهی که دارنده قوه سماویّه است هیچ نیروی دیگر قادر بر تأمین و مستقر ساختن آن نخواهد بود.

لزوم دخالت مشیت الهیه در تأسیس صلح جهانی :

در اثبات اینکه چرا مشیت الهیه در تأسیس صلح جهانی دخالت داشته و چگونه اراده بالغه اش با ظهور امر بهانی در ایجاد صلح و وحدت جهانی تأثیر و دخالت نموده است ابتدا باید بدین نکته دقیقه توجه نمود که وحدت عالم انسانی هدفی است که از قرنهای قبل در کتب سماویّه به تبشیر و تحقق آن اخبار گشته و جمیع مظاهر مقدسه قبل بشارت داده اند که روزی وحدت عالم انسانی را که هدف امر بهانی است در مستقبل ایام بوقوع خواهد پیوست. توضیح آنکه در کلیه کتب سماویّه قبل وعده داده شده بود که چون موعود کل ادیان ظهور نماید و یهوه صابوت و رب الجنود و اب آسمانی ظاهر شود و مسیح بزمین نزول

نماید ملل متباغصه عالم را در ظل سرپرده یگانگی مجتمع ساخته و عدالت حقیقیّه و وحدت اصلیه را در بسط زمین مستقر خواهد فرمود و نوع انسان در پرتو تعالیم یزدانی خصومات و تعصبات جاهلیّه را ترک و بوحدت و اتحاد خواهند رسید و برای همیشه جنگ را ترک خواهند نمود براساس چنین وعود صریحه کتب مقدسه هدف ظهور حضرت بهاء الله که موعود منصوص ادیان و مذاهب جهان بشمار میروند، تأسیس صلح و وحدت مقرر گردید و حضرتشان در جمیع آثار و الواح متذکر گشتند که برای تأسیس ملکوت الهی در زمین و ایجاد تحقق صلح و وحدت عالم انسانی مبعوث گردیده اند از جمله این بشارات که انبیاء معظم اسرائیل بیان فرموده اند بشارات و نبوت اشیاء نبی و میکاتبی عین عبارتشان چنین است :

" در ایام آخر کوه خانه خدا بر قله کوهها ثابت خواهد شد و فوق ملتها بر افراشته خواهد گردید و جمیع امتها بسوی آن روان خواهند شد و قومهای بسیار عزیزت کرده، خواهند گفت بیانید تا بکوه خداوند و بخانه خدای یعقوب بر آنیم تا طریقه های خویش را بما تعلیم دهد و براههای وی سلوک نمایم زیرا شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد و امت ها را داوری خواهد کرد و قومهای بسیاری را تنبیه خواهد کرد و ایشان شمشیرهای خود را برای گاو آهن و نیزه های خویش را برای ارّه خواهند شکست امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهد آموخت " و در انجیل مذکور است و فرشته را دیدم که در وسط آسمان پرواز میکند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از

هر اُمّت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد و باآواز بلند میگوید از خدا بترسید او را تمجید نمایند که زمان داوری او رسیده است (۲۹) ، حضرت زرتشت نیز چنین بشارت میدهد ، در آنوقت واپسین سیوشانس ظهور خواهد نمود و پاکی و تازگی جهان را تکمیل نموده بنیاد بدی و آزار اهریمن را از بُن خواهند کند . و در قرآن کریم میخوانیم و ایضا بینهم العداوة و البغضاء الی یوم القیامة (۳۱)

تحقق وحدت عالم انسانی تدریجی است :

همانطوریکه در مباحث گذشته بیان گردید تحقق صلح در عالم انسانی از جهتی اجباری و ضروری بوده و از جهت دیگر تدریجی میباشد اجباری بودن صلح مورد بحث قرار گرفت و آنچه که باید در این مقال مورد مطالعه قرار گیرد تدریجی الحصول بودن این مشروع عظیم جهانی میباشد لذا در توجیه موضوع باید بدین مسئله اشاره نمود که هر تأسیسی که در عالم بوقوع می پیوندد و هر حادثه که جهان طبیعت بوجود میآورد قطعاً در قالب یک وضع مشخص انجام میگیرد و عامل زمان و هر پدیده اعم از ترکیب و تحلیل ارتقاء و تکامل تغییر و استحاله مقوله مهمی بشمار میرود چنانچه دانه بتدریج درختی تنومند میگردد و نطفه بتدریج کامل گشته و تولّد می یابد بهمین طریق تحقق تأسیس نظم جهانی و صلح عمومی ارتباطی نزدیک و مستقیم با نحوه تفکر و اندیشه های انسانی دارد یعنی اندیشه های انسان باید مستعد قبول و پذیرش این واقعیت گشته و اراضی قلوب قابل رشد چنین آرمان جهانی باشد و این معلوم است که تکامل فکر تدریجی بوده و فکر آهسته و آرام از مرحله

پست تر بمحیط عالمی تر ارتقاء می یابد چنانچه در گذشته تاریخ افکار بشری بتدریج از مرحله خانواده متوجه وحدت قبیله و عشیره و شهر گردید و بتدریج از وحدت قبیله و عشیره بوحدت ملی گرانید و از قرن هفدهم یعنی پس از گذشت شش هزار سال رژیم ملوک الطوائفی را رها کرده و بمرحله وحدت ملی داخل گردیده اکنون با توجه باینکه حرکت فکر امت ها از وحدت خانواده تا وحدت ملی بتدریج بوده و حداقل پنجهزار سال طول کشیده پس چگونه امکان دارد مراحل باقیمانده یعنی وحدت ملی بوحدت جهانی در مدت کوتاهی سپری گشته و این مقصود یعنی اتحاد بین المللی و عدالت جهانی بطور سریع و با جهش فوق العاده تحقق یابد .

حضرت ولی محبوب امرالله میفرمایند همچنانکه تکامل ترکیبی بشر بآهستگی و بتدریج صورت گرفته و ایجاب کرده که متوالیا وحدت خانواده و قبیله و شهر و ملت تشکیل میگردد و بهمین قسم نور ظهور الهی که در مراحل مختلفه کامل و در ادیان سابقه ماضیه جلوه گرفته کشته بتدریج تکامل حاصل نموده است (۲۲) از طرف دیگر تأسیس صلح جهانی مستلزم دو شرط اصلی و ضروری میباشد که میتوان دو شرط مذکور را در دو مسئله دفع موانع صلح و ایجاد وسائل صلح خلاصه نمود واضح است موانعی که امروز در طریق تحقق صلح جهانی وجود دارد تعصبات ملی و جنسی و مذهبی و اقتصادی و سیاسی است و تا زمانی که چنین موانع و آفات وجود دارد تحقق صلح محال خواهد بود . اما ایجاد وسائل عبارتست از تربیت نفوس انسانی بافکار صلح جویانه و ترك دادن تعصبات

بقیه در صفحه ۱۴۰

سرود جاودانی

از منوچهر نیک نفس

ز خود بار سفر بستم بملك عشق رو کردم	به عشق روی مهرونی جهان را زیر و رو کردم
براه آسمان رفتم به هرجا جستجو کردم	عقاب جستجو گر را بر اوج آسمان دیدم
به سرمستی غزل خواندم چو مستان های هو کردم	نشستم در کنار گل شراب وصل نوشیدم
بپاس نعمت باقی کلاب اندر سبو کردم	بشکر رحمت ساقی شکر در ساغر افکندم
بکوی عاکفان رفتم بدرد عشق خو کردم	بسوی عارفان رفتم سماع جسم و جان دیدم
بیاد روی محبوبان کل گمزار بو کردم	ز باغ عارض خوبان گل دیدار بر چیدم
دبستان محبت را از او پر گفتگو کردم	بطفل مکتب بستان سبق از عاشقی دادم
طلسم خودپرستی را بخاکستر فرو کردم	خس و خاشاک هستی را بنار عشق سوزاندم

الفبای معانی را ز قاموس بها خواندم
سرود جاودانی را نثار راه او کردم

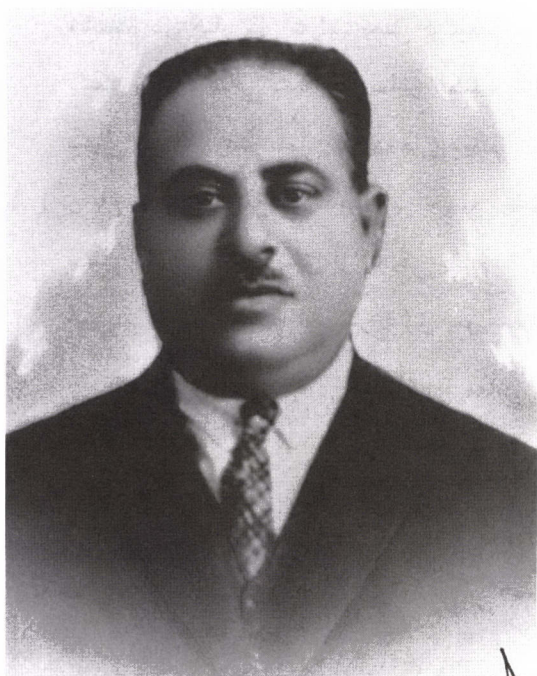
از دکتر علی توانگر

در اهمیت نور و کار آن

چون دهد تشخیص رنگ سرخ و زرد	آدمی پنداشت چشمش کار کرد
چونکه در ظلمت نشد رنگی پدید	غافل از آن است کز دیده ندید
سرخ و زرد و آبی و سبز و سپید	نور شد موجب که اشیا را بدید
دیده را یاری دهد وقت شهود	نور حتی اندکی کز شمع بود
نور یزدان کر دهد آن را مدد	دیده باطن که علم است و خرد
نیکتر یابد معانی را تمام	بیشتر روشن شود او را کلام
مژده دادند انبیاء اندر سبق	باشد این ایام عصر نور حق
جمله اشیا از آن مسرور گشت	باطن و ظاهر همه پر نور گشت
نور حق بر جان و بر قلبش بتافت	هرکه ز آن نور حقیقت فیض یافت
نیست از نور حقیقت مستنیر	آنکه اندر چاه غفلت بود اسیر
عارفی گفته بسبک مثنوی	بشنو این گفتار نغز معنوی
بعد از آن آن نور را ادراک کن	"روتو زنگار از دل خود پاک کن
ظلم و نفرت باشد و غیبت و حسد	خواهی از زنگار دانی مستند

از منور کیانی

عبدالبهاء نمود در جواب عریضه ایشان لوح مبارک ذیل
عزّ نزول یافت.



عبدالبهاء

جناب آقا ذبیح الله علیه بهاء الابهی

هو الابهی

« ای ذبیح الله ز قربانگاه عشق

بر مگرد و جان بده در راه عشق

هرچند بظاهر دور و مهجور گشتی ولی در بزم حضور
یاران رب غفوری ، دمی فراموش نگردی و آنی از
خاطر دوستان مناظر غائب نشوی از فضل جمال ابهی
امیدوارم که همیشه در ظل الطاف مستدیم و مستقر
باشی و بانواع عطاء مخصوص متباهی و روز بروز ترقی
در جمیع مراتب نمائی .

ع ع

شرح مختصر زندگانی

جناب ذبیح الله نامدار علیه رضوان الله

جناب ذبیح الله نامدار در شهر مشهد در سنه ۱۸۸۱
میلادی متولد شد و پدر ایشان جناب اسدالله نامدار
از احبای خراسان و از ابناء خلیل بود ، که در سنه
۱۸۹۱ میلادی در شهر مرو (ترکمنستان روسیه) برتبه
شهادت نازل گردید و شهادت ایشان قبل از وقوع از
قلم اعلی در یکی از الواح مصرح ، توقیعی از مرکز
میثاق بعد از شهادت بافتخارشان نازل گردیده که
ذیلاً درج میشود :

« زیارت آقا اسدالله الذی سعد الی الله علیک بهاء الله
و علیک سلام الله یا من آمن بالله و آیاته و صدق
بکلماته و تشبث بذیل رده و تعلق باهداب ازار
کبریانه اشهد انک وفیت بالمیثاق و استضاء وجهک من
نور مصباح الافاق و قرّت بک احداق اهل الوفاق و
اطمئن قلبک باشراف نورالذی انتشر فی السبع الطباق
وقامت علیک قیامة الافاق بما اوزیت فی سبیل الله و
اتبلیت فی محبت الله واستشهدت فی الثبوت علی المیثاق»

ع ع

پس از شهادت پدر جناب ذبیح الله نامدار بهمراهی
اعمام خود به مرو سفر نموده وبا آنان بکار تجارت
پرداخته و سپس بشرکت اخوان آقا فیض الله و آقا
نصرت الله مشغول بتجارت شد . و سفری نیز بارض
اقدس نموده و بحضور حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه
الاطهر فدا مشرف شد و مدت تشرف ایشان چهل روز
بود . بعد از مراجعت رجای شهادت از حضور حضرت

در سنه ۱۹۱۶ میلادی بشهر مسکو نقل مکان نموده تجارتخانه ای تأسیس نمود بعد از چندی بسعی و کوشش ایشان اولین محفل مقدس روحانی مسکو تشکیل شد که سمت ریاست محفل را حائز شدند . یکی از صفات ممدوحه ایشان سخاوت و کرم بود که باین صفات مشهور بین ناس بودند .

در سنه ۱۹۱۷ میلادی شاعره شهیره ایزابلا گرنیوسکایا نمایشی بنام [باب] در باره تاریخ دوره حضرت باب تنظیم نمود که به کمک مالی مرحوم نامدار در صحنه نمایش داده شد . و تأثیر عمیقی در ناظران که برای اولین مرتبه بامرالله آشنائی حاصل می نمودند بخشید و نیز به کمک مالی ایشان کتاب مستطاب مفاوضات از انگلیسی بروسی ترجمه شد . از اقدامات دیگر مفید ایشان طبع کتاب " كشف الغطا عن حیل الاعداء " است . جناب فاضل مازندرانی در جلد هشتم صفحه ۱۱۲۱ کتاب ظهور الحق چنین مینویسد :

(بهمت آقا ذبیح الله و آقا نصرت الله اسدالله یوف از ابناء خلیل سه سال بعد از اتمام کتاب در تاشکند در مطبعه " کَریر طبع شد)

در سال ۱۹۲۹ شعبه سیاسی دولت شوروی ایشان را احضار و از او خواست که اسرار تجار ایرانی مسکو و همچنین سفارت کبرای ایران را در مسکو بان اداره گزارش دهد . چون جناب نامدار بهائی بود لذا تقاضای آنان را رد کرد و قبول ننمود .

روی این اصل دولت شوروی ایشان را توقیف و دارائی و اموالش را ضبط کرد و شش ماه او را در حبس نگهداشته سپس ایشان را باتفاق عائله به ایران تبعید نمود . در مدتی که مشارالیه در زندان بودند

هیکل مبارک حضرت ولی امرالله در توقیعی که خطاب به جناب کاظم کاظم زاده منشی محفل روحانی مسکو چنین میفرمایند :

" برادر روحانی از خبر توقیف و تعرض به یار عزیز روحانی جناب ذبیح الله حزن و تأثر کثی حاصل ، البتّه بجمیع وسائل تشبّث نمایند تا اسباب نجات و استخلاص آن خادم فعال و غیور امر الهی فراهم گردد . این عبد در احیان زیارت در کمال تضرع و ابتهال فرج و گشایش آن نفس نفیس را استدعا و تمنا نمایم "

مرحوم نامدار پس از ورود به ایران رقیمه ای از محفل مقدس روحانی طهران دریافت داشتند مبنی بر اینکه حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه خواسته اند شرح وقایع و سختی و صدماتی که در ترکستان و قفقاز و سایر نقاط روسیه به احباء وارد شده بحضورشان معروض گردد . در امتثال دستور مبارک مرحوم نامدار وقایع را نگاشته و معروض داشت و بخطاب مبارک ذیل مفتخر گردید .

قوله الاحلی

" یار حقیقی از مطالعه نامه حزن و تأثر بی پایان حاصل گردید . این ابتلاء در سبیل جمال ابهی است . لذا عذابش عذب است و زهرش شهد اجرش موفور است و ثوابش جزیل . و این غیوم کثیفه از افق آن اقلیم متلاشی گردد و آفتاب عزّت و سعادت عزیزان آن سامان اشراق نماید . مطمئن و آسوده خاطر باشید بنده آستانش شوقی "

پس از شش ماه توقّف در طهران بخراسان حرکت نموده شرکت فلاحتی در ترکمن صحرا تشکیل داده



ردیف ایستاده از راست بچپ : نفر ۳ جناب علی اکبرفروتن (ایادی امرالله) ۶ لطف الله رحیم زاده ۷ حسن مهری ۸ عنایت الله نامی . ردیف دوم ایستاده از راست بچپ ۱ حبیب الله ذری ۶ کاظم کاظم زاده ۹ ذبیح الله نامدار ۱۰ غلام رمزی ۱۱ عطانی ۱۲ اسدالله ایزدی . ردیف اول نشسته ۲ بهیه ایزدی ۳ منیره رحیم زاده ۴ لقانیه نامدار ۵ کاظم زاده ۶ پرتوی ۷ والده غلام رمزی ۸ نصرت نامدار ۹ روحا عطانی . نشسته اطفال ۱ منور نامدار ۲ جمیله رحیم زاده ۳ کیومرث ایزدی ۴ اسدالله نامدار ۵ عطانیه رحیم زاده (فروتن) ۶ جلالیه رحیم زاده ۱۰ عباس نامدار

بامور زراعت مشغول و جمع کثیری مهاجر را بکار گماشت .

آخرین ضربه محسوسی که بر پیکر ایشان وارد شد و آن مرحوم را دچار افسردگی خاطر نمود صعود قرینه وفادارش لقانیه خانم نامدار بود که خانمی متدین و خلیق و خوشخو و مهربان و در جمیع مراحل زندگی یار و یاور ایشان بود . این حادثه در سنه ۱۳۱۲ شمسی در شهر مشهد اتفاق افتاد .

جناب نامدار در مدت اقامت در بجنورد (خراسان) بریاست محفل مقدس روحانی آن محل مفتخر و در سنه ۱۳۱۵ جزو نمایندگان خراسان برای انتخاب محفل روحانی ملی بطهران عزیمت نمود . در ۲۳ تیرماه ۱۳۱۵ بواسطه برگشتن اتوموبیل در نزدیکی بجنورد دار فانی

وداع گفته بجهان ملکوتی عروج نمود . از ایشان سه فرزند باقی ماند . یکی بنام اسدالله (که بعدا در عنفوان جوانی فوت نمود) و طراز الله نامدار و منور کیانی (نامدار) .

پس از فوت ایشان توقیعی از طرف حضرت ولی محبوب امرالله بافتخار پسر ارشدشان اسدالله نامدار واصل گردید که در آن میفرمایند :

" یقین است خدمات آن نفس ثابت بر امر پروردگار را فراموش نفرمایند و خلوص و استقامت و جانفشانی آن آیت محبت و وفا را منظور دارند و مخصوصا در مقامات علیا دعا فرمایند و طلب عفو و غفران و فضل و احسان و علو درجات در حق آن متعارج برفیق اعلی نمایند . . . "

پاره‌ای از اقدامات انجام شده توسط دانشگاه خصوصی فنی سانتا کروز - بولیویا در ارتباط با تبلیغ امر مقدس بختی



۱ - اوائل ژانویه سال جاری چند روزی پس از برگزاری کنگره بین المللی جوانان در کشور شیلی جناب دکتر عبدالمیثاق قدیربان عضو هیئت مشاورین قاره ای در آمریکا ضمن مسافرت خود به شهر سانتاکروز - بولیویا از دانشگاه خصوصی فنی UTEPSA دیدن نمودند و ضمن ملاقات با رئیس این دانشگاه آقای مهندس محمد حجری ، ترتیب يك کنفرانس عمومی بهانی در مورد اثرات الكل و مواد مخدر برای بیش از ۶۰ نفر معلّمین داده شد . در خاتمه نیز اسلایدهائی در مورد پروژه قوس کرمل در مرکز جهانی به نمایش گذاشته شد . گروه معلّمین مزبور بر گزیده وزارت تعلیم و تربیت کشور بولیویا بودند که در این دانشگاه برای مدت معینی بجهت يك دوره مخصوص تغییرات جدید در سیستم تربیتی اجتماع نموده که به این کنفرانس دعوت گردیدند و موضوعات مطرح شده در کنفرانس بسیار مورد توجه آنها قرار گرفت .

۲ - روزینجشنبه ۵ فوریه سال جاری يك کنفرانس عمومی بهانی در مورد " تربیت " در هتل Villa

Rosita برگزار شد . شرکت کنندگان حدود ۱۲۰ نفر از معلمان برگزیده وزارت آموزش و پرورش بودند . ترتیب کنفرانس بوسیله و ایراد سخنرانی بواسطه جناب دکتر Eloy Anello عضو هیئت مشاورین قاره ای امریکا انجام گرفت و سنوالاتی از طرف شرکت کنندگان مطرح شد . در خاتمه نیز کتابچه Semilla (بذر) بعنوان معرفی دیانت بهانی و همچنین سایر جزوات امریه و مناجاتهای به شرکت کنندگان هدیه گردید که جزء آنها کتابچه مناجاتی بزبانهای بومی وجود داشت و مورد تحسین شرکت کنندگان واقع شد .

اقدام مزبور پاسخگوی تأکیدات مندرج در پیام بیت العدل اعظم الهی است در مورد اهمیت ابلاغ کلمه به معلمان مدارس . از گروه مزبور حدود ۲۰ تا ۳۰ نفر بطور منظم و هفتگی در بیوت تبلیغی خانوادگی با دوستان بهانی در تماس هستند و هدف احباء تزئید معلومات آنها تا مرحله تصدیق امر می باشد .

۲ - بیش از چهارصد نفر معلمان برگزیده وزارت تعلیم و تربیت بولیویا که برای برگزاری کلاسهای به ساتناکروز آمده بودند به يك کنفرانس عمومی بهانی تحت عنوان " تربیت " دعوت شدند که اداره آن بعهدہ دکتر Eloy Anello عضو هیئت مشاورین قاره ای امریکا و همکاری مهندس محمد حجری رئیس دانشگاه UTEPSA بود و در ساختمان دانشگاه مزبور برگزار شد و کنفرانس نیز از طرف کارکنان بهانی همین دانشگاه ترتیب داده شده بود . نسخه هایی از نوشته Vision y Mision De La Educaeicon از دید بهانیت که توسط جامعه بهانی تهیه شده بود بین شرکت کنندگان توزیع شد . سنوالاتی نیز مطرح و پاسخ داده شد و علاقه وافر از طرف شرکت کنندگان نشان داده شد .

۴ - روزهای ۱۲ و ۱۳ فوریه سال جاری که در شهر Co Chabamba سمیناری تحت عنوان " مکالمه دانشگاهی " تشکیل یافت . نمایندگان تمام دانشگاههای دولتی بولیویا و همچنین رؤسای ده دانشگاه خصوصی ممتاز در آن حضور داشتند . از جمله دعوت شدگان از طرف وزارت مربوط ، دانشگاه UTEPSA انتخاب گردیده بود . ضمنا نمایندگانی از طرف کشورهای امریکا ، اسپانیا ، ونزوئلا ، مکزیک و برزیل حضور داشتند . پنج موضوع مهم مورد بحث و مطالعه قرار گرفت که یکی از آنها کیفیت امر تربیت در مدارج عالی CALIDAD DE EDUCACION SUPERIOR بود . رئیس دانشگاه UTEPSA مهندس محمد حجری نیز در هر پنج موضوع شرکت نموده و عقاید و نظریات جدید ایشان در باره موضوعات انتخاب شده مورد توجه بسیار قرار گرفت .



متصاعدین الی اللہ

جناب عطاء اللہ مدیر مسیحائی علیہ غفران اللہ

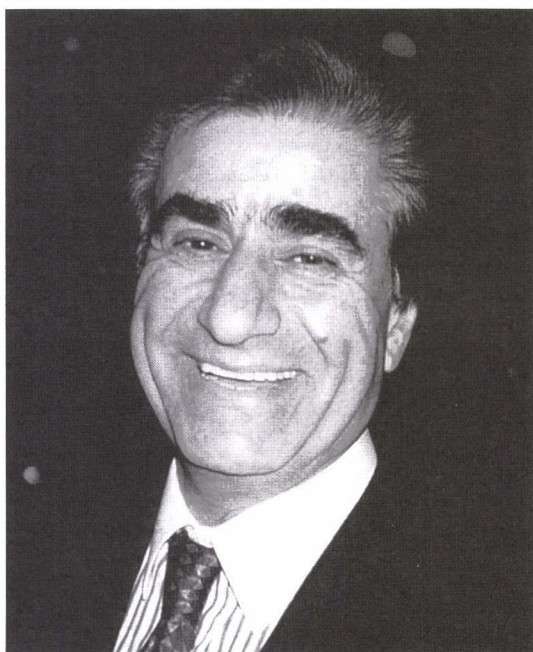
۱۹۹۸ - ۱۹۳۲

در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۸ برادر مهر پرورم عطاء عزیز بعد از تحمل رنج و درد بیماری صعب العلاج ، قفس تن را شکست و بعالم بقا شتافت .

او مردی بود فعال ، مهربان ، در امر بهائی ثابت و خدمتگزار و در خدمت به مردم مهربان و فداکار . تحصیلات عالیہ او در رشته کشاورزی بود ، ولی شوق خدمت بتدریس او را به وزارت آموزش و پرورش کشاند . ابتدا بتدریس ریاضیات در دبیرستانها پرداخت و سپس بریاست (سازمان تعلیمات فنی و حرفه ای) در سطح کشور انتخاب شد . بعدا بعنوان مدیر کل خدمات منصوب گردید . و در سمت اخیر بود که توانست بنیانگزار رشته های تحصیلی راه و ترابری منشی گری ، بانکداری و حسابداری و گرافیک در سطح کشور شود که متجاوز از سیصد هزار دانش آموز در این رشته ها بتحصيل مشغول شدند و تا قبل از بازنشستگی سمت سرپرستی رشته های مذکوره از طرف وزارت آموزش و پرورش باو واگذار شده بود . از خدمات دیگر آن متصاعد الی اللہ تاسیس (هنرستان صنعتی و مدارس خدمات) در زندانها بود بدین شرح که زندانیان میتوانستند در زندان بتحصيل پردازند و بعد از چهارسال در امتحانات متفرقه شرکت نموده و پس از موفقیت باخذ دیپلم نائل آیند و همچنین ایجاد کارگاههای نجاری و قالی بافی در

زندانها نیز از ابتکارات او بود .

جميع این امور را بنا به سائقه شوق و خدمت بتعلیم و تربیت و کمک بزندانیان که بعد از آزادی از زندان بتوانند بکار و کسب مشغول شوند ، تمام این خدمات را با طیب خاطر انجام می داد . عطاء عزیز بدیانت مقدسه بهائی اعتقادی راسخ داشت و همیشه خادم امرالهی بود و در امور مرجوعه امریہ ساعی و کوشا.



چندین سال افتخار عضویت لجنه ملی ارتباط با اولیای امور را داشت .

اعظم وظیفه لجنه مزبور مراجعه بولاء امور به منظور رفع تعدی و ستم از بهائیان مظلوم و راهنمایی آنان به تقدیم شکوائیه بمراجع اداری و قضائی کشور بود . آن نفس نفیس چه زمانی که سمت عضویت داشت و چه بعد از آن ، هر خدمتی که باو ارجاع میشد با کمال اشتیاق بدون تأخیر بخوبی انجام میداد و هرگز در خدمات امریہ کلمه (نه) بر زبان نمیراند . در تقدیم

تبرعات امری چنانکه درنامه محفل مقدس ملی بهانیان کانادا خطاب به همسر و فرزندانش بعد از صعودش اشاره شده همواره پیشگام بود. از صفات پسندیده او مهربانی و کمک با افراد مستمند و کوتاه دست بود، داستانهای بسیار در این زمینه بخاطر دارم و خود او هم در این اواخر نقل می کرد که ذکرش موجب اطناب کلام است.

اما دریغ آمد که در این گفتار یکی از خاطرات امری او نقل ننمایم:

در ایامی که محاکمه پر سر و صدای جنائی واقعه ابرقو در جریان بود و محیط دادگاه خوفناک و قضاة از وقوع حوادث غیر مترقبه بیمناک بودند، آن نوجوان بدون واهمه میان گروههای مختلف رفت و آمد میکرد. روزی حین عبور شنید که عده ای از معاندان امر گرد هم آمده و مذاکراتشان پیرامون قتل وکلاء بهانی در پایان جلسه آنروز بهینت اجتماع میباشد. بلادرنگ از کاخ دادگستری خارج و یکی از احباء مراجعه و از او تقاضا نمود که اتومبیلش را در ساعتی معین پشت درب عقب کاخ دادگستری روشن نگه دارد و مجدد بکاخ وارد و جریان را برنیس پلیس انتظامات اطلاع داد و از او خواست که قبل از پایان جلسه دادگاه آن درب را که همیشه بسته بود باز نماید دقایقی بی پایان جلسه مانده موضوع را با یکی از وکلاء بهانی در میان گذاشته و تقاضا میکند بلافاصله بعد از پایان جلسه دادگاه وکلاء بهانی بسرعت از درب پشت دادگاه خارج و از درب متروکه مزبور بیرون رفته و سوار اتومبیل حاضر بحرکت شوند و بدین طریق دشمنان پرکین نتوانستند لطمه ای بوکلای بهانی وارد سازند. فردای

آنروز معاندان پرکین او را شناخته و به منظور قتل او کاردی بزرگ بسویش پرتاب کردند با هوشیاری خود را به پشت ستون کاخ دادگستری رساند و کارد آدمکشی بستون مزبور اصابت کرد. محفل مقدس روحانی بهانیان طهران با اعلام شگفتی از این فراست او را تحسین وتشویق فراوان نمودند.

در دوران شدت مرض با وجود آنکه دردی جانکاه داشت دانا شاکر بود و راضی بقضای مبرم الهی، و میگفت " آنچه کند او کند ما چه توانیم کرد " او مناجات حضرت مولی الوری را که بیان مذکور در آن از فم اطهر صادر گردیده دوست میداشت، چه هنگام سلامت و چه دوران کسالت دانا تلاوت می نمود.

ناگفته نماند که بعد از صعودش در محفل تشییع جنازه چهارصد نفر و در محفل تذکر بیش از نهصد نفر شرکت نمودند که تقریباً یک سوم آنان غیر بهانی از مذاهب و ادیان مختلف بودند

نظم و ترتیب جلسات و دعا ومناجاتها بزبان فارسی و انگلیسی و شرح کوتاهی که از خدمات مردمی او و از معتقدات اهل بهاء راجع بعالم بعد در جلسه تذکر بیان شد. چنان در حاضران مؤثر افتاد که بعضی اظهار اشتیاق بکسب اطلاعاتی بیشتر در امر بهانی نموده و تقاضای کتاب نمودند، این نبود مگر بتائیدات الهیه و مدد روح پاکش از عالم بالا به جهان ادنی.

نکته دیگری را لازم میدانم یاد آور شوم نحوه پرستاری و نگهداری همسر مهربانش گیتی عزیز بود که در تمام مدت کسالت با دیده تر و دلی پرخون بر بالینش حاضر و با نهایت محبت و ملامت آنچه فوق شرط فداکاری و وفاداری است بجای آورد و همچنین

محبت و دلنوازی فرزندان را امین و افشین عزیز که اکثراً از کار خود دست کشیده و بر بستر پدر نشسته و با دست محبت بر سر و روی او را نوازش میکردند و یار و غمخوار پدر و مادر مهربان بودند .

حسن ختام این گفتار پیام محبت آمیز تسلی بخش محبوب بزرگوار جناب هوشمند فتح اعظم روحی لخلوصه الفدا است که قلوب محزون همه بازماندگان را آرامش بخشید و دلهای غمزده را امیدوار نمود . بخصوص آن قسمت که در باره توجه و عنایت معهد اعلی و دعای خیر آن عصبه نورا نگاشته شده همچو آب زلالی بود که آتش سوزان فراق عنصری را فرو نشاند و اضطراب را باطمینان مبدل نمود . ذیلاً متن پیام مزبور درج میگردد .

با عرض محویت بآستان قدس الهی

فانی - روح الله مدیر مسیحائی

حبیب معنوی جناب روح الله مدیر مسیحائی روحی
لا حزانک الفدا

صعود عطاء عزیز البته غم پرور و اندوه بار است اما آزادی او از این محنت کده و پروازش به آستان بقا موهبتی بود که نصیب آن دردمند مظلوم گشت لطفاً مراتب تسلیت این عبد و شفیقه را به قرینه ایشان و پسران برومندش ابلاغ فرمائید . معهد اعلی در مقامات مقتسه دعای خیر فرمودند و آن روح پاک را آرزوی ترقی در جمیع عوالم لانهایه الهیه فرمودند . لطفاً شما نیز عواطف قلبیه بنده را پذیرید .

قربانت - هوشمند

هیئت تحریریه عندلیب در نهایت تأسف صعود جناب عطاء الله مدیر مسیحائی را که از مشتاقان عندلیب بود به همکار گرامی جناب روح الله مدیر مسیحائی و خانم گیتی همسر باوفای ایشان که سالهای متمادی در قسمت امور مشترکین و توزیع مجله عندلیب با این هیئت صمیمانه همکاری داشته و فرزندان را امین و افشین عزیز تسلیت گفته و از ساحت قدس الهی علو درجات از برای آن روح پاک مسئلت می نماید .

روحش شاد و روانش در رفیق اعلی تابناک باد .

هیئت تحریریه عندلیب

«... ارواح مستقیمه مجرده که مقدس از شونات
ارض اند مربی عالم بوده و هستند لعمر الله بعد از صعود
مبین و محیط اند لم یزل ولایزال انیقام مستور بود
و بنجام حفظ آتی مختم و در خزانه عصمت محفوظ ارواح
مقدسه مجرده که از این عالم بنور انقطاع صعود نمایند
سبب بزرگ اند از برای تربیت عالم و ظهور صنایع و حکم»
«حضرت بهاء الله»





پیام بیت العدل عظمیٰ بنسبت صعود جناب ابراهیم خلیلی علیہ غفرانہ

ترجمه غیر رسمی

از صعود خادم برارنده امرالهی ابراهیم خلیلی بسیار محزون شدیم ، خدمات فداکارانه ایشان را در مهد امرالله و نیز در نقاط مهاجرتی ممالک مختلفه بیاد می آوریم ، لطفا خانواده ایشان را از دعای معهد اعلی در اعتاب مقدسه برای ارتقاء روحش در عوالم الهی اطمینان دهید . دارالانشاء معهد اعلی

متصاعد الی الله جناب ابراهیم خلیلی یکی از اعضاء اولیه و از همکاران با ارزش سابق مجله عندلیب بود که اخیرا در شهر تورنتو بعد از تحمل رنج بیماری طولانی بعالم بقا شتافت .

مشارالیه مدت ۲۵ سال در خدمت بدولت و مملکت در نهایت صداقت و امانت ساعی و جاهد بود و در خدمت بامر الهی با تمام وجود قائم .

در کارهای اداری مراحل پیشرفت را پیمود و بمدیريت کل دفتر کارگزینی سازمان برنامه و بودجه ، بازنشستگی کل کشور و امور اداری ، وزارت مسکن و شهرسازی ارتقاء جست و با وجود رضایت کامل مقامات مسنول از خدمات و صداقت ایشان و تأیید ارباب رجوع برصحت عمل و پاکیش نتیجه کار آن شد که در تحولات اخیر حقوق بازنشستگی او را بعلت اعتقاد بامر بهانی قطع نمودند .

جناب خلیلی در شهر قزوین در خانواده مؤمن و از قدمای اولیه امر متولد شد . و در آغوش مهر و محبت بهانی پرورش یافت و از عنفوان شباب تا آغاز دوران نقاهت و کسالت در امر الهی بخدمت قائم بود . خدمات امریه ایشان باختصار چنین است :

- ۱ - عضویت لجنه جوانان بهانی طهران و لجنه ملی جوانان ایران .
 - ۲ - معلمی کلاسهای درس اخلاق .
 - ۳ - اداره امور دفتر محفل ملی بهانیان ایران .
 - ۴ - عضویت هیئت معاونت .
 - ۵ - خدمات امری ایشان در کانادا :
- عضویت محفل روحانی هامیلتون محل اقامت ، عضویت هیئت تحریریه عندلیب و مؤسسه معارف بهانی ، هجرت بقبرس ، عضویت محفل ملی قبرس . ناگفته نماند که خدمات تاریخی ایشان در قبرس مورد توجه و عنایت مرجع کل قرار گرفت خادمان مجله عندلیب همواره خاطره آن همکار عزیز را گرامی داشته و میدارند .
- روحش شاد و روانش تابناک باد

صعود جناب احمد نصیری علیہ رضوان اللہ

یکی از دوستان اطلاع داد که جناب احمد نصیری وکیل مبرز و دانشمند دادگستری اخیراً بعد از تحمل رنج و کسالتی طولانی در کالیفرنیا بعالم بقا شتافته است. ایشان نفس نفیسی بود مؤمن بامر بهائی و از وکلاء خوشنام دادگستری که در تمام دوران وکالت بدون چشم داشت مادی، حمایت و دفاع از ضعفا و بیگناهان را قبول می نمود.

از خصوصیات اخلاقی ایشان متانت و بردباری و وقار و پاکدامنی و حمایت از ضعفا و بیگناهان بود و نیز در امور مرجوعه امری و در دفاع از مظلومان بهائی نیز هماره پیشگام بود.

در جریان رسیدگی به پرونده بهائیان مظلوم و بیگناه یزد یکی از وکلاء منتخب جامعه بهائی بود که دفاعی مدلل نمود هرچند پرونده مطروحه مزبور فاقد دلایل مستندات بود و محتوانی نداشت معهذا نتیجه کار از اول روشن بود چه که قضاة دادگاه مرعوب تهدیدات شدید معاندان بهائی بودند و توجهی به اساس پرونده و دفاع نداشتند.

حضرت ولی محبوب امرالله در توقیعی خدمات جناب نصیری و سایر وکلاء بهائی را در مورد دفاع از اتهامات بی اساس وارده براحباء یزد، مورد تقدیر و عنایت قرار داده اند.

دیگر از خدمات بارز جناب نصیری در امور امری عضویت لجنه ملی امور حقوقی بمدت ۱۲ سال میباشد پس از انتخاب شهید مجید جناب عبدالحسین تسلیمی بمديریت عامل شرکت امناء بعنوان یکی از مشاوران

حقوقی شرکت مزبور برگزیده شده آشنائی و دوستی نویسنده با جناب احمد نصیری از بدو اشتغال بامر وکالت آغاز گردید مدت دوسال در يك دفتر با هم کار میکردیم و بعداً هم در لجنه ملی امور امور حقوقی و شرکت امناء افتخار همکاری با ایشان را داشتم.



آقای احمد نصیری و مدیر مسیحائی در آتن

از جناب احمد نصیری يك دختر و يك پسر یادگار مانده که هر دو در ظل امر میباشند و چون آدرس آنها را نداشتیم که شرح حال مفصل یا عکس بخواهیم لذا آنچه بخاطر آمد نوشته شد و این عکس را که در یونان باصرار و سماجت يك عکاس دوره کرد برداشته شده محض یاد بود گراور گردید.

روحش شاد و روانش در ملاء اعلی تابناک باد

جَنابِ بهمن صادق زاده علیه‌السلام

پیام بیت العدل اعظم الهی بمناسبت صعود
خادم برازنده بهمن صادق زاده

ترجمه غیر رسمی :

« از صعود تأثر آور بهمن صادق زاده عمیقاً متألم و متأثریم . خدمات صادقانه آن متصاعد الی الله در بسط و گسترش امر تبلیغ در آن خطّه فراموش نشدنی است .

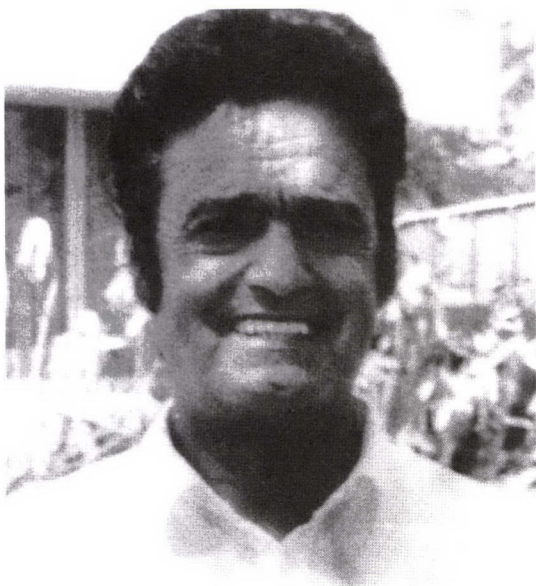
تسلّیت قلبی ما را به بازماندگان ابلاغ کنید در اعتاب مقدّسه جهت ارتقاء روح آن مهاجر فداکار دعا می نمایم . بیت العدل اعظم » [ترجمه غیررسمی]

غیبت خاکی بهمن غیر قابل انتظار و فراق ناگهانی او بسی دشوار و ناگوار هرساعت طوری و هر روز شکلی و صورتی دارد گهی آرامش و سکون و زمانی تنها و بینهایت محزون ، الحمدالله ماندنی نیستیم و ملاقاتی ابدی با تمام عزیزان و گذشتگان خواهیم داشت که دیگر جدائی و فرقت را در آن راهی نیست . یقین است که در اثر ادعیه خالصانه عزیزانش در سراسر عالم و زندگی بی آلایش و مشحون از خدمت و فداکاریش " حتی تا آخرین دم واپسین " روح پاکش در عوالم ملکوت پیوسته به مکاشفاتی روحانی و ترقیاتی معنوی نائل و بیش از پیش مددکار بازماندگانش خواهد بود . شکر حقّ که منسوب بعتبه مقدّسه اش می باشیم و آثار و الواح مهیمه اش بزرگترین درمان و داروی لحظات پرغم زندگی میباشد .

اخیرا فرزندان روحانی بهمن در بواکه شهرما برنامه ای تبلیغی در این صفحات جهت شادی روح او تنظیم و

ازرضوانیه صادق زاده

وقت آنرا از ۲۲ اوت تا ۹ سپتامبر تعیین کرده اند . ایشان میدانند که تبلیغ و پیشرفت امر تنها آرزوی بهمن در جهان خاک و بهترین بشارت جهت سرور او در عالم بالا میباشد . دعوت از جوانان دیگر کرده اند و قرار است در صورت امکان سی نفر جهت نشر نفعات الله در بواکه و دهات اطراف در این برنامه شرکت کنند .



بهمن خادم همه بود هرچه داشت در راه امر صرف می کرد. وقت ، مال ، انرژی و حتّی راه پناه همه بینوایان از بهائی و غیر بهائی بود . بسیار بودند از جوانانیکه بخاطر کمکهای مادّی و معنوی او بجائی رسیدند چه اماکنی امری که بهمت او برپا و مورد استفاده قرار گرفت . بسیاری از مهاجرین در غرب آفریقا با کوشش بهمن مستقرّ و منشاء خدماتی گردیدند . جایش خیلی خالی است . آتشی بود که هر منجمدی را گرمی و

حرارت می داد خستگی سرش نمیشد روزها و گاهی هفته ها در سفر بود همیشه خودش رانندگی می کرد . از شهر بشهری و از دهی بدهکده ای اغلب از مدارس در هرجا که بود دیدن می کرد و حامل پیام لجنات جهت معلّین و دبیران بود . او را خوب می شناختند ، احترام زیاد برایش قائل بودند و از احاطه علمی ، ادبی ، دیانتی او متعجب بودند . اگر مبتدیان مؤمن نمیشدند ولی اذعان مینمودند که با وجود چنین مؤمنی بتعالیم مقدسه حضرت بهاء الله، دیانت الهی و برحق است .

بخاطر دارم در نیجر زمانیکه افتخار حضور حضرت حرم و سرکار خانم نخجوانی را داشتیم در یکی از دهات حضرت حرم فرمودند " این دکتر خوب تبلیغ میکند " بسیار مستدل دلچسب و شیرین صحبت میکرد . عاشق امر بود ، همیشه شاکر بود و میگفت " خدایا شکر ، خدایا تو چه خوبی و من چه بد " این جملات بارها در روز از او شنیده میشد . هنوز جوانانی هستند که با کمک بهمن تحصیل دانشگاهی می کنند و این صعود ناگهانی از هر نظر نگرانسان کرده است . پدر را ظاهراً از دست داده اند و نمیدانند چه کنند !

طولانی شد ، از بچه ها بگویم جمشید و دو فرزندش (پسر و دختر) و خانمش در شهر Boudke میباشد و سبب دلگرمی است . ترانه که در نقطه مهاجرتی Bondakod جهت شرکت در نقشه چهارساله رفته بود پس از دو سال بخاطر دخترش نیسان که با ما زندگی میکرد و پس از درگذشت بهمن چون خیلی تنها و غمگین بود مجبور به ترك محل و زندگی با ما شد .

دختر مؤمن و خوبی است بیشتر خواب پدرش را می بیند که با اوست و کمکش می کند . خوش بین است و دلخوش به خوابها ، نیسان دخترک ترانه خواب دیده بود که پدر بزرگش آمده می پرسد " تو که صعود کردی " بهمن جواب می دهد که من چیزی سبز رنگ روی سرم انداخته ام که مرا شناسند و آمده ام ، نیسان میگوید " سفید هستی " بهمن جواب میدهد : " این رنگ بچگی من است "

هیئت تحریریه عندلیب صعود مهاجر عزیز و فداکار امر الهی در قاره آفریقا جناب بهمن صادق زاده را صمیمانه به همسر و فرزندانش تسلیت میگوید .
هیئت تحریریه عندلیب



آقای حسن ششتر ۷۳ ساله اولین مؤمن قبرس - تاریخ تصدیق ۱۹۵۵/۵/۲۰
خانم هر ششتر ۷۷ ساله اولین خانم مؤمن قبرس - " ۱۹۶۵/۹/۱۹
عکس فوق را شادروان جناب ابراهیم خلیلی در تاریخ ۱۹۸۹ برای غلبه فرستاده اند

یادی از یک مهاجر دلی و فداکار فرزانه یزدانی «افروخته»

پیام بیت العدل اعظم الهی بمناسبت صعود
خادمه برازنده فرزانه یزدانی

ترجمه غیر رسمی :

از صعود غم انگیز خادمه دلیر و مروج خستگی
ناپذیر امر الهی فرزانه یزدانی عمیقاً متأثریم ،
مساعی مداوم و فداکارانه او در میادین مهاجرت
واستقامت و ثبوت بر عهد و میثاق ، او را نمونه
ممتازی از خدمت و انقطاع محض بامر محبوبش
میسازد . بمحافل روحانی در سرتاسر تانزانیا توصیه
می شود جلسات تذکر شایسته ای بجهت شناسائی
خدمات شایان آن یار جانفشان منعقد نمایند .
فرزندان عزیز و سایر افراد خاندان جلیلش را بادعیه
مشتاقانه در مقامات متبرکه برای ارتقاء روح آن جان
پاک در ملکوت ابهی اطمینان دهید

بیت العدل اعظم الهی

شادروان فرزانه یزدانی که در دامن مادری مؤمن و
فداکار (خانم زرین تاج افروخته) و پدری چون دکتر
یونس خان افروخته نشو و نما یافته بود در سال
۱۹۵۲ میلادی باتفاق شوهرش جناب محمد یزدانی علیه
غفران الله و دو طفل خردسالشان بنامهای فرهاد و
یونس به منظور اطاعت از امریه شفاهی حضرت
ولی امرالله به دارالسلام تانزانیا مهاجرت مینماید .
ضمن مصاحبه با خواهر مشارالیها سرکارخانم
فرهوند (افروخته) دریافتیم که امریه شفاهی حضرت

ولی امرالله بدین قرار بوده است : مادرشان زرین تاج
خانم قرینه جناب دکتر یونس خان افروخته اعلی الله
مقامه بحضور آن مولای حنون مشرف بوده است ،
روزی دست بدامان ولی محبوب شده و رجاء میکند
" من میخوامم فدای امر شوم " حضرت ولی امرالله
میفرمایند : " حالا موقع شهادت و فدا شدن نیست
شما بافریقا بروید و چراغ دکتر یونس خان را در
آنجا بر افروزید " فرزانه بحض شنیدن این امریه
اولین فرد فامیل بود که برای امتثال امر مبارک بلافاصله
بمهاجرت قیام نمود . بعد از چند ماه خانم افروخته و
تیروانا خانم و شوهرش دکتر منوچهر فرهومند نیز به
اثان ملحق شدند .



خدمات و موفقیت های این خاندان جلیل در مهاجرت
بیشمار و در این مختصر نمی گنجد و اما خدمات
فرزانه عزیز در آن صفحات بقدری زیاد و زیانزد

خاص و عام است که فرصت تحریر نیست فقط باید
 بدارالسلام مسافرت کرد و با احباء و افراد قبائل
 مختلف روبرو شد تا شرح خدمات و فداکاریهای این
 برگزیده آستان الهی را از زبان کسانی که شاهد و ناظر
 بوده اند شنید . حتی پس از صعود آن خادمه دلیر
 جراید دارالسلام مقالاتی با عکس و تفصیل راجع به
 دیانت بهانی و فعالیت‌های عاشقانه او را در مورد اتحاد
 و اتفاق بین عموم و کوشش‌های مداوم مشارالیه در باره
 رفع تبعیضات نژادی و مذهبی ستوده و به او لقب "
 Symbol of Unity" داده بودند .

در این اواخر که با تغییر رژیم وضع نابسامانی در آن
 کشور ایجاد شده بود ایشان مرتباً در نقاط قبائل
 مختلف سرکشی نموده و برای مردم نیازمند وسائل
 مورد احتیاج آنان را تهیه و کمک و سرپرستی مینمودند
 . سرکار خانم درخشنده نخجوانی و جناب جلال
 نخجوانی علیه رضوان الله که در سال ۱۹۵۰ قبل از
 فرزانه به دارالسلام مهاجرت نموده بودند اظهار داشتند
 فرزانه ناطقی زبردست و نویسنده ای توانا بود و اغلب

مقالاتی از او در باره امر مبارک در روزنامه ها بچاپ
 میرسید . او برای پیشبرد مقاصد امری همواره پیشقدم
 و با شجاعت و ایمان ، پشتکار و آرامش و از خود
 گذشته‌گی کارها را بانجام میرساند . برای مثال در
 گورستان سفید پوستان طبق معمول ، دیگران
 بخصوص سیاه پوستان اجازه دفن نداشتند ، فرزانه با
 شجاعت و پشتکار بسیار و تماس با مقامات عالیرتبه
 کشوری مبارزه کرده و موفق شد که این تبعیضات از
 میان برداشته و قطعه زمینی جهت بهائیان در گورستان
 مزبور خریداری شد که احباء اعم از مهاجر و محلی
 در آن دفن شوند .

در تاریخ ۲ مارچ ۹۸ هنگامیکه نامبرده از يك سفر
 تبلیغی بر میگشت پس از پیاده شدن از اتوبوس
 بالتومبیل دیگری تصادف نموده و روح پاکش بملکوت
 ابهی پرواز نمود . جالب آنکه سرانجام پس از ۴۶ سال
 خدمت وجانفشانی در نقطه مهاجرتی در همان قطعه
 زمینی که با کمک او تهیه شده بود بخاک سپرده شد .

روحش شاد و روانش تابناک باد



خانم فرزانه یزدانی و خانم نیروانا فره‌مند و یکی از احباء افريقا

« از بهکارِ عنْدلیب »



تدریس در مدارس علمیّه و تربیت در سال ۱۹۲۵ میلادی برای ادامه تحصیلات عالیّه عازم آمریکا و در راه سفر بزیارت حضرت ولیّ محبوب امرالله و اعتاب مقدّسه نائل گردیدند و از راهنماییهای هیکل مبارک سود بسیار جستند . پس از اتمام تحصیلات، مدّتی در کارخانه اتومبیل سازی فورد باشتغال پرداخته و ضمن کار به ادامه تحصیلات عالیّه در رشته مهندسی شیمی و مهندسی نفت مشغول و از دانشگاه اکلاهما فارغ التحصیل شدند . آنگاه عریضه ای به حضور حضرت ولیّ امرالله تقدیم و جویای راهنمایی از هیکل مبارک گردیدند . در جواب، آن مولای توانا جناب اشرف را مورد عنایت قرار داده و آگاه فرمودند که عنقریب به خدمات شایانی توفیق خواهد یافت . در سال ۱۹۲۴

یک قرن زندگی پُر افتخار و خاطراتی از جناب فواد اشرف

جناب فواد اشرف خادم برازند و صمیمی امرالله یکی از همکاران قدیمی مجله عنْدلیب که در ژانویه سال گذشته بملکوت ابهی صعود نمودند تا اواخر ایّام حیات با عنْدلیب همکاری داشته و ترجمه های اخبار بین المللی را برای مجله میفرستادند . اکنون شمه ای از صفات و خدمات آن نفس نفیس و عنایات معهد اعلی را در باره ایشان باستحضار میرساند :

« از خبر صعود مهاجر و مبلغ بسیار مخلص و محبوب امرالله جناب فواد اشرف شدیداً متأثریم ، خدمات خالصانه ایشان در مهد امرالله و در میدان مهاجرت در افریقا با کمال عطوفت یاد می شود . اطمینان دهید در اعتاب مقدّسه برای ارتقاء روح پر فتوح آن متصاعد الی الله دعا میکنیم . به منسوبان ایشان همدردی صمیمانه این هیئت را ابلاغ فرمائید
بیت العدل اعظم »

جناب فواد اشرف که در تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۹۷ در شهرستان دیاگو (آمریکا) بملکوت ابهی صعود نمودند به سال ۱۸۹۸ میلادی در طهران در یک خانواده بهائی قدیمی دیده بجهان گشودند . پدرش میرزا فضل الله پسر میرزا اشرف برادر مَلّابقر و مَلّامهدی بود که در قلعه شیخ طبرسی به شهادت رسیدند که ذکرشان در کتاب مستطاب ایقان آمده است . جناب فواد اشرف تحصیلات خود را در مدرسه تربیت و دارالفنون باتمام رسانده و پس از چند سال

جناب اشرف در راه بازگشت به ایران مجدداً بحضور ولی امر الهی مشرف شدند و پس از رسیدن بایران فوراً با استخدام شرکت نفت ایران و انگلیس در آمده و در شهر آبادان مشغول خدمت گردیدند . دیری نگذشت بسبب لیاقت و کاردانی و شخصیت ممتازی که داشتند مورد توجه و اعتماد رؤساء شرکت نفت قرار گرفته و مدارج ترقی اِطّی نموده و در زمره رؤسای عالی‌رتبه قرار گرفتند . در مدت اقامت در آبادان افتخار عضویت محفل روحانی را فائز گشته و با خدمت و خضوع و مهربانی محبوب القلوب همگان گردیدند . آن نفس نفیس تا سال ۱۹۵۶ که بقصد مهاجرت برای امثال اوامر حضرت ولی امرالله و شرکت در نقشه دهساله آبادان را بقصد آفریقا ترك نمودند همواره منشاء خیر و ملجاء و پناه احباء و سایرین بخصوص کارگران و زحمتکشان و ضعفا بودند .

در شرایط خاص آنزمان که بنا بمقتضیات سیاسی واجتماعی، اختلاف طبقاتی شدیدی در بین کارکنان صنعت عظیم نفت وجود داشت و کارگران - کارمندان و رؤساء، هر گروه در ناحیه جداگانه و در شرایط متفاوتی بسر برده و حشر و نشری با یکدیگر نداشتند، درب خانه بزرگ و مجلل آقای اشرف بروی همه طبقات باز بود و در مراسم اعیاد و جشن ها با کمال خضوع و مهربانی از عموم یاران الهی پذیرائی مینمودند . جناب اشرف و خانمشان (مقبوله خانم ارجمند) در شبهای ضیافتات ۱۹ روزه در جلسات ضیافت نواحی کارگری شرکت می کردند و این کار برای غیر بهانیان مایه شگفتی بود که مسیدیدند رئیس کل کارخانه های پالایشگاه با خانواده های کارگران

مجالست مینماید . اگر کارگری بیمار و بستری میشد اولین کسانی که به عیادت و دلجویی میرفتند آقای اشرف و خانم بودند . روزهای جمعه که کلاسهای درس اخلاق دائر بود ایشان و خانم مهربانشان به کلاسهای نواحی کارگری سرکشی نموده و با توزیع شیرینی و تنقلات، نونهالان را تشویق و مسرور مینمودند . نگارنده بیاد دارد روزی یکی از احباء کارگر بملکوت ابهی صعود نموده بود در آن زمان در آبادان گلستان جاوید وجود نداشت و متصاعدین خرمشهر و آبادان را به گلستان جاوید اهواز میبردند، جناب اشرف در مراسم تشییع و تدفین یکی از احباء کارگر شرکت داشتند در آنروز مسئول شستشو و تغسیل را نتوانستند پیدا کنند، همه در حال انتظار و نگرانی بودند، ایشان کت خود را از تن بیرون آورده آستین ها را بالا زده و بجلو رفتند و آماده شستن جسد شدند در همین حال یکی از بستگان متصاعد مانع شده و خود مبادرت بانجام آن کار نمود . آقای اشرف که با خلوص نیت برای تشییع آمده بودند در همان ساعات، کشتی نفتکش در اسکله آبادان بارگیری خود را انجام داده و منتظر امضاء ایشان در زیر بارنامه اش بود تا بتواند بندر را ترك نماید . خاطره دیگری که قابل ذکر است آنکه در سال ۱۹۴۹ میلادی يك کلاس تزئید معلومات امری برای جوانان در منزل ایشان دائر بود که مشارالیه توقیع قرن حضرت ولی امرالله را تدریس مینمودند تعدادی از جوانان از جمله نگارنده در این کلاس شرکت داشتیم یکی از جلسات بعثت سنوالات متعدد و توضیحات ایشان بطول انجامید . در آنروز معاون کل شرکت نفت که يك ایرانی و از رجال سرشناس و با نفوذ کشور نیز بود با خانمش مهمان

آقای اشرف بودند . زنگ در صدا در آمد و خانم اشرف مهمانان را بدرون خانه دعوت کردند . جناب اشرف همچنان مشغول ادای توضیحات بودند تا آنکه مهمانان وارد اطاق شدند لذا از جا برخاسته و با مهمانان به خوش آمد گونی پرداختند. ماشاگردان نیز بپا خاسته و با حالتی نگران و شرمنده قصد خروج و خداحافظی داشتیم ولی بر خلاف انتظار جناب اشرف، آن مرد بزرگوار، با کمال متانت يك يك ما را بمهمانان معرفی و از طولانی شدن کلاس پوزش خواستند . مهمانان عالیقدر نیز با یکایک شاگردان دست داده و ما را مورد محبت قرار دادند و سپس مرخص شدیم . این حرکت تشویق آمیز جناب اشرف که برای ما جوانان بی تجربه، اعتبار و منزلتی بود موجب برخورد احترام آمیز ما با يك مقام بلند پایه نیز گردید . در بیرون کلاس با خود میگفتم بدون شك شخصیت والا و کمالات و فضائل اخلاقی جناب اشرف است که جاذب احترام خاص و عام و اسباب سربلندی جامعه بهائی است .

از خصوصیات اخلاقی جناب اشرف خوشرونی و بشاشت ایشان بود در هر مجلسی که حضور داشتند با خنده های خود شادی و سرور می آفریدند . گویا این بیان مبارك حضرت عبدالبهاء را همواره در نظر داشتند که " موهبتی اعظم از آن نیست که انسان سبب سرور قلوب گردد . . . " جناب اشرف با آنکه بالاترین پُست و مقام و حقوق و مزایا را در بین کارکنان ایرانی پالایشگاه نفت داشتند و میتوانستند سالهای بیشتری از این امکانات و امتیازات بهره گیری نمایند ولی چون همواره فکر مهاجرت و تبلیغ و اطاعت از

فرمان تبلیغی حضرت ولی امرالله را در سر میپروراندند با کمال انقطاع و عدم توجه به مسائل مادی از امکانات مزبور چشم پوشیده خود را بازنشسته نموده و بقصد مهاجرت به افریقا (حبشه) آبادان را ترك کردند . روزیکه جناب اشرف و خانم در فرودگاه آبادان عزیمت میکردند روزی تاریخی و فراموش نشدنی بود جمعیت انبوهی از احباء، دوستان غیر بهائی ، کارگران، همکاران و مقامات و رؤسا شرکت نفت و غیره برای تودیع و مشایعت ایشان آمده بودند . تا آزمان سابقه نداشت که چنان جمعیت کثیری برای بدرقه کسی بفرودگاه آمده باشد . عده ای از اینکه يك انسان واقعی و خدمتگزاری صادق را از دست میدادند اشک تأسف میریختند و برای سلامتی و موفقیت ایشان دعا می کردند . جناب اشرف و خانم با یکایک مشایعت کنندگان تودیع و خداحافظی نموده و پس از بیست و هفت سال خدمت در صنعت نفت در میان احساسات پرشور دوستان و با دلی آکنده از مهر آنان و با شوق خدمت بآستان الهی آبادان را ترك گفتند .

نقل از صفحه ۴۲

- ۴ - مانده آسمانی جلد ۸ ، صفحه ۱۲۷
- ۵ - آثار قلم اعلی جلد ۶ ، صفحه ۱۶۲
- ۶ - آیات الهی صفحه ۲۱۱
- ۷ - لنالی الحکمة جلد ۲ ، صفحه ۲۹۷
- ۸ - امر و خلق جلد ۳ ، صفحه ۱۳۵
- ۹ - مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ، صفحه ۲۵۵
- ۱۰ - مجموعه الواح مبارکه جلد ۵ ، صفحه ۱۸۸
- ۱۱ - امر و خلق جلد ۱ صفحه ۲۷۵



انگلستان در اپریل ۱۹۶۵ به اسکاتلند Edinburgh مهاجرت نمودم در سال ۱۹۵۷ شوهرم صعود نمود ، برای اینکه غم خود را فراموش کنم به تحصیلات خود در رشته آواز و موزیک در کالج موزیک لندن ادامه داده و پس از فارغ التحصیلی فعالیتهای هنری خود را با خواندن در کُر استونی های مقیم لندن در فستیوال ها شروع کردم .

دو آهنگ نیز برای دنیای بهائی نوشتم که شهرت بین المللی پیدا کرد که همه با آنها آشنائی دارند یکی آهنگ " الله ابهی " و دیگری " یا بهاء الله " و سپس اقدام به یک مسافرت دور دنیا نمودم . در سال ۱۹۶۰ موفق به زیارت نه روزه اماکن متبرکه گردیدم . روزی در خدمت امة البهاء روحیه خانم بودیم ایشان به بنده فرمودند حتماً بدیدن ویلمت بروید و بعد نامه جهت

اولین مؤمن بهائی استونیا

در سفری به لندن در جشن بعثت حضرت اعلی شرکت کردم جلسه مثل اکثر جلسات بهائی در سراسر دنیا با تلاوت مناجات و الواح شروع شد و همه ساکت و آرام به اجرای برنامه مشغول شدند . پس از پایان قسمت روحانی برنامه خانمی مُسن و باریک و نسبتاً بلند و خوشرو وارد سالن شد و همه از دیدنش اظهار شادمانی نمودند ، دوستم بمن گفت امشب شاهد برنامه جالبی خواهی بود .

ناظم جلسه از خانم مذکور خواهش کرد که حالا به قسمت موسیقی رسیدیم برنامه خود را شروع بفرمایید ، خانم بدون کمک دیگران از جای برخاست پشت پیانو نشست می نواخت و با صدائی رسا میخواند ، اول سرود " الله ابهی " بود که همه باو پیوسته و بعضی قسمت ها را تکرار میکردند . بالاخره با اجرای چند سرود دیگر بر شور و حال و رونق جلسه افزود . پس از پایان برنامه باین خانم معرفی شدم ، اسم ایشان Renate Tankaria و اولین مؤمن بهائی استونیا Estonia (طبق اظهار نظر خودشان) بودند ، با این خانم قرار ملاقات برای مصاحبه گذاشتم و روز بعد بدیدارشان رفتم ، گفتند در بحبوحه جنگ دوم جهانی با چند نفر بهائی در انگلستان ملاقات کردم و برای اولین بار راجع به دیانت بهائی شنیدم ، مدتی بعد شروع به تحقیق کردم تا اینکه پس از پایان جنگ ایمان خود را به دیانت مقدس بهائی اعلام داشتم و افتخار اولین مؤمن بهائی استونیا را بخود اختصاص دادم ، سپس با دکتر تانکاریا ازدواج نموده مقیم لندن شدم ، بعد از چندی جزو اولین مهاجرین بهائی

آنان و همچنین ایجاد تشکیلات و نظام جهانی است که در قالب آن صلح و وحدت حفظ گردد این امر از جمله وظائفی است که جامعه بهانی بر عهده دارد و شریعت بهانی برای تشکیلات و نظم جهانی که در مستقبل ایام موجد و حافظ صلح خواهد بود کوشش و برای پرورش و تربیت نفوس انسانی که حامیان و بانیان صلح خواهند بود مجاهدت مینماید و آنچه که بنام موانع صلح وجود دارد باید با گذشت زمان و رشد افکار و اندیشه انسان متروک گردد یعنی نوع بشر با تحولات فکری که در آینده خواهد داشت بوضع درک نماید که تعصبات بمنزله سرطان بر پیکر جامعه انسانی بوده و غیر از دمار و ویرانی و کشتار و جنگ حاصل دیگری ندارد در حقیقت رفع موانع صلح در حفظ قدرت و اختیارات و وظائف جامعه بهانی نبوده بلکه حوادث تاریخ و مفسدات جنگ و گذشت زمان باید این موانع را رفع نموده و مضرت و سخافت جنگ را بر عالم و عالمیان واضح و عیان سازد .

هله عاشقان بشارت که نمایند این جدانی

برسد زمان وحدت بکند خدا خدانی

مأخذ و منابع

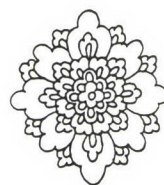
- ۱ - مکاتیب اول چاپ مصر
- ۲ - کتاب امر و خلق جلد دوم
- ۲ - کتاب امر و خلق جلد دوم
- ۴ - انجیل متی آیه ۹
- ۵ - الحی ۲۲ کتاب مستطاب اقدس
- ۲۴ - کتاب امر و خلق جلد اول
- ۲۵ الحی ۲۷ - توقیعات مبارکه حضرت و محبوب امرالله
- ۲۸ - تورات اشعیاى دوم
- ۲۹ - انجیل لوقا
- ۳۰ - کتاب کلدسته چمن
- ۳۱ - قرآن سوره مانده آیه ۶۲
- ۳۲ - توقیعات مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله

سفارش به احباء شیکاگو مرقوم فرمودند که خود حامل آن بودم . مدت ۴ ماه از بسیاری از ممالك دنیا دیدن نموده و بزیارت احبای آن اقالیم موفق شدم و با موزیک و آواز به تبلیغ پرداختم . موقعی که به شیکاگو رسیدم چند نفر از احباء در فرودگاه به استقبال آمده بودند و بنده را یکسره به ویلمت بردند . شب بود و مشرق الاذکار مثل يك ستاره نورانی میدرخشید در نیمه شب همه بدعا و مناجات پرداختیم ، حالات روحانی ما در آن شب قابل توصیف نیست ، نامه مرحمتی امة البهاء را تقدیم کردم باچه شور و اشتیاقی از بنده پذیرائی نمودند . خانم چیس Chase در منزل خودشان میهمانی عصرانه مفصلی ترتیب دادند ، هرگز محبت و صمیمیتی را که از احباء دور دنیا دیده ام فراموش نخواهم کرد . در این مسافرت ها بمعنی و مفهوم واقعی اتحاد و اتفاق در دنیای بهانی پی بردم و حقیقت يك فامیل بزرگ را درك کردم . تولد حقیقی من از روز ایمان من به حضرت بهاء الله بوده است و آرزومندم که بهانی نیز از این دنیا بروم .

داستان زندگی من طولانی است ولی میل دارم برای حُسن ختام مصاحبه مطلب خود را با قطعه ای از " کلمات مکنونه " خاتمه دهم .

"یا ابن الروح

فی اول القول املك قلبا جیداً حسناً منیراً لتملك ملكاً دانماً باقیماً ازلاً قدیماً"



مهر جهان افروز

از خانم زرین تاتج ثابت

بهار روی زیبایش ، صفا بخش گلستان شد
پریشان کرد دلها را چو کیسویش پریشان شد
الا ای عاشق بی دل ، به دلها شور و شوق افکن
صلا ده اهل عالم را که تابان مهر یزدان شد
شکیب از دل ربود آن مه ، خرامان چون به باغ آمد
هر آن صاحب نظر دیدش بسی مفتون و حیران شد
دمیده نفحه هستی ، به هر مهجور دلخسته
ز لعل شکرین او ، روان چون آب حیوان شد
شکوفه بر درید از شوق ، پیراهن به بوی او
گلستان بنگر از رویش مصفاً همچو رضوان شد
فضای آسمان بنمود ، هر دم جلوه ای از نو
کهی چون ابر می کرید دمی چون برق خندان شد
قیامت خاست ز آن قامت ، چو قائم گشت یار ما
دگر شد عالم و آدم ، بنای صلح بنیان شد
ز دود آه مظلومان ، زمین و آسمان تیره
بیامد آن مسیحا دم ، کنون هنگام درمان شد
شده تابان ز ارض طاء چو آن مهر جهان افروز
به یارانش همه زرین ، مقدس خاک ایران شد



اخبار و بشارت امریه

ترجمه و اقتباس از اخبار بین المللی بهائی

ترجمه مینا سنائی

برمودا :

کلاس تزئید معلومات باعث تقویت روحانی شرکت کنندگان گردید ، خانم مهرانگیز منصف یکی از بهائیان قائم بخدمت جهت تبلیغ امرالله به بیش از ۱۸۰ کشور جهان مسافرت کرده اند سخنران کلاس تزئید معلوماتی بودند که در برمودا تشکیل گردید . در طول این کلاس خانم منصف راجع به اهمیت دعا و مناجات و سپس خلاصه ای در مورد حیات ولی عزیز امرالله بیان نمودند

اتیوپی :

دوره کارآموزی که شرکت در آن برای غیر بهائیان نیز آزاد بود باعث اقبال ۱۲ نفر به دیانت حضرت بهاء الله گردید . این دوره کارآموزی ده روزه که برای دانشجویان طرح ریزی شده بود به همت یکی از اعضاء هیئت مشاورین قاره ای و حمایت محفل روحانی محلی ناحیه آدیس آبابا Addis Ababa تشکیل گردید . در طول این دوره تعالیم اساسی دیانت بهائی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و از کتابهای مختلف دوره " روحی " استفاده بعمل آمد . خبر بسیار هیجان انگیز این بود که در آخرین روز تشکیل کلاسها از ۱۶ نفر جوانان غیر بهائی شرکت کننده در این دوره ۱۲ نفر به امر حضرت بهاء الله ایمان آوردند ، اعضاء محفل روحانی

محلی برای خوش آمد گونی رسمی به این جوانان شبانه ۴۵ کیلومتر راه را پیموده در محل تشکیل کلاسها حاضر شدند .

پاکستان :

بیش از ۲۰۰ نفر غیر بهائی در جلسه ای که به منظور معرفی کتاب مستطاب اقدس تشکیل شده بود شرکت کردند . در جلسه ای بسیار روحانی که توسط محفل روحانی محلی کوئته در شهر کوئته بلوچستان تشکیل شد بیش از ۲۵۰ نفر حاضرین در کمال روحانیت و ادب به سخنان جناب دکتر صابر آفاقی که به معرفی کتاب مستطاب اقدس پرداخته گوش فرا دادند ، سپس يك نفر قاضی در مورد اهمیت و مقام ظهور حضرت بهاء الله صحبت کرد . سخنران میهمان جلسه از دانشگاه بلوچستان بود . اطفال بهائی در طول برنامه چندین برنامه اجراء نمودند .

انگلستان :

همکاری نمایندگان ادیان و بانک جهانی ، نمایندگان دیانت بهائی همچنین هشت دیانت دیگر در لمبت پالاس Lambeth Palace در شهر لندن گرد هم جمع شدند تا جهت همکاری آینده بانک جهانی و نمایندگان مذاهب در راه از میان برداشتن غول فقر و عقب ماندگی های اقتصادی اخذ تصمیم نمایند . در طول این جلسه نماینده دیانت بهائی پیشنهاد نمود جهت دستیابی به هرگونه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی باید ارزشهای روحانی را در مد نظر داشت .

جمهوری کنگو :

ضیافت اتحاد ، محبت و دوستی کلیدی که باعث کشایش قلوب و اقبال ایشان به امر حضرت

بهاء الله گردید .

اواخر ماه فوریه گذشته سه نفر از احباء برازاویل Brazzaville برای يك سفر تبلیغی (۵ روزه به دهات و قصبات اطراف سفر نمودند .

یکی از این دوستان تجارب خود را چنین بیان می کند " تائیدات حضرت بهاء الله پیوسته شامل حال ما بود ، به محض ورود با یکی از معلمین دبستان ده آشنا شدیم . او میگفت از زمان جنگ يك پسر كوچك در شهر عكسی باو فروخته كه حالا متوجه میشد عكس جوانی حضرت عبدالهء است . او با شوری زایدالوصف به داستانهای حیات حضرت عبدالهء گوش می داد " مردم دهكده مشتاق شنیدن مطالب ما بودند . بالاخره تصمیم گرفتیم برای ایجاد محبت و الفت بین دو قبیله احباء و غیر بهانیان اولین روز ایام هاء را با هم جشن بگیریم ، گرد هم آوردن افراد دو قبیله بنظر آنها غیر ممكن بود و ساعتها بحث و گفتگو احتیاج داشت . بالاخره همه قبول كردند كه در این جلسه شركت كنند و همه به صرف شام بپردازند . چیزی كه در تاریخ دو قبیله سابقه نداشت ، محبت ، الفت ، دوستی و صفائی كه در این جلسه احساس كردیم غیر قابل توصیف است . مردم دو قبیله از این كه توانسته بودند شبی باعشق و محبت و بدور از هرگونه تعصب دور هم جمع شوند بسیار خوشحال بودند . در خاتمه رئیس قبیله هم بما پیوست و از اقدامات ما تشكر كرد . در طول ده روز اقامت خودمان در آن صفحات شاهد اقبال ۱۰۷ نفر از افراد هر دو قبیله بودیم "

زامبیا :

یکی از اعضاء محفل روحانی ملی كانادا طی اقامت يك هفتگی خود در زامبیا موفق به ملاقات افراد مختلف كشور گردید .

آقای ریجنالد نیوكرك و دخترشان ستاره در طول سفر خود به زامبیا در جلسات مختلف تبلیغی شركت كردند . از جمله شركت در جلسه روز كودك ، يك جلسه تبلیغی با شركت فارغ التحصیلان دانشگاه زامبیا و ایراد سخنرانی برای چهل نفر از دانشجویان دانشگاه كه مشغول تحصیل در رشته تعلیم و تربیت هستند ، در این مدت ایشان موفق به ملاقات با وزیر امور خارجه زامبیا ، سفیر كشور كانادا در آن كشور و بسیاری دیگر از افراد كشوری گردیدند .

خلاصه ای از چگونگی برگزاری هشتمین انجمن شور روحانی بهانی در حيفا را بیان داشتند .

نامیبیا :

گشایش حظیره القدس منطقه ای ، اخیراً حظیره القدس اوشانا Oshana واقع در دهكده ايكولیاناامبو Ekolyanambo گشایش یافت . بیش از ۱۷۰ نفر در مراسم گشایش این حظیره القدس و برنامه های متنوع آن شركت كردند . ساختمان این حظیره القدس در سال ۱۹۹۵ آغاز گردید و مبالغ لازم جهت تهیه مصالح ساختمانی از طریق اهداء تقبلی افراد احباء و كوشش مستمر یاران از پیر و جوان تأمین گردید . اگر چه بنای این ساختمان مدت دو سال بطول انجامید ولی با فداکاری و از خود گذشتگی كلیه احباء بالاخره این مهم انجام پذیرفت .

جزیره موریس :

لجنة ملی نسوان كنفرانس بسیار موفقیت

آمیزی تشکیل داد . در این کنفرانس بیش از شصت نفر از نسل سراسر منطقه شرکت کردند . جلسات بدنبال تلاوت دعا و مناجات که حالتی بسیار روحانی بوجود آورده بود آغاز گردید . برنامه کنفرانس شامل مطالعه در آثار بهانی راجع به مقام زن ، نحوه شور بهانی و نقش اساسی نسل در تحقیق اهداف نقشه چهارساله و همچنین برنامه کوتاهی راجع به حیات حضرت ورقه علیا بود .

کوبا :

موفقیت چشم گیر احباء در هفته نمایشگاه بین المللی کتاب :

موفقیت این نمایشگاه واقعا غیر قابل تصور بود . غرفه مخصوص دیانت بهانی توجه بسیاری از شخصیت های برجسته کشوری و دولتی و همچنین متحریان حقیقت را بخود جلب کرد . بدون شك این غرفه بیش از دیگر غرفه ها بازدید کننده داشت . در میان بازدید کنندگان وزیر فرهنگ ، نمایندگان مجلس و وزیر امور داخله بچشم میخوردند . فعالیت های مداوم دفتر روابط عمومی محفل روحانی ملی مکزیك و همچنین حمایت احباء عزیز کوبا در موفقیت این برنامه سهم بسزائی داشت . محفل روحانی ملی ایالات متحده امریکا تعداد زیادی کتاب به این نمایشگاه اهداء نمود و هم چنین یکی از احباء کانادا با اهداء تعداد قابل توجهی بادکنک های رنگی که روی آنها جملاتی راجع به دیانت بهانی چاپ شده بود بر رونق این غرفه افزود .

جزایر هاوانی :

محفل روحانی ملی میزبان رئیس جمهور کیریباتی Kiribati جناب تیاروروتینو Teburoro Tito رئیس جمهور کیریباتی Kiribati که برای شرکت در يك کنفرانس سران جزایر پاسیفیک به هاوانی مسافرت کرده بود میهمان محفل روحانی ملی بود . این اولین باری بود که از چنین شخصیت مملکتی در حظیره القدس ملی بهانیان پذیرائی بعمل آمد .

بعد از صرف شام برنامه کوتاهی در نظر گرفته شده بود که با تلاوت مناجات بزبان محلی و زبان فارسی شروع شد . بدنبال خوش آمد گونی منشی محفل روحانی ملی ، جناب رئیس جمهور نطق کوتاهی ایراد نمودند ، از آنجا که این ضیافت تنها جلسه ای بود که رئیس جمهور تیتو در آن شرکت میکردند نتایج بدست آمده از کنفرانس سران را با همه در میان گذاشته گفتند یکی از نکات مهم این کنفرانس رسیدن به این نتیجه مهم بود که دهکده جزیره پاسیفیک نقش بسیار مهم و حیاتی در تعلیم و تربیت کودکان و رشد اجتماعی افراد بازی می کند . سپس با تکیه بر نقش اساسی مذهب آقای تیتو ذکر کرد که عمویش اولین بهانی بومی کیریباتی بوده است ، در حدود ۵۰ نفر در این جلسه شرکت داشتند که از جزایر مختلف گرد آمده بودند و همین مطلب بر رونق و صفا و صمیمیت موجود در جلسه افزوده بود .

ژاپن :

ایستگاه رادیونی شهر تاکاماتسو Takamatsu اخیراً برنامه جدیدی بنام " يك روز زیبا " پخش می کند . از تاریخ ژانویه گذشته مجری این برنامه از بهانیان دعوت می کند تا در مورد نظراتشان در باره

ازدواج ، اقتصاد بین المللی ، تعلیم و تربیت و غیره صحبت کنند .

مجری برنامه مصاحبه شنوندگان بهانی را تشویق می کند تا در باره بقای روح ، دعا و مناجات و دیگر تعلیم دیانت بهانی صحبت کرده از آثار و الواح نمونه ای ارانه دهند . این ایستگاه رادیونی در حدود هشت تا ده هزار شنونده دارد .

از جامعه بهانی دعوت کرد تا در دو مصاحبه شرکت نمایند . در نتیجه همه این فعالیتهای چشم گیر کتابهای بهانی در حال حاضر در بزرگترین کتاب برای فروش در دسترس عموم قرار گرفته است .

یوگاندا :

ملاقات با وزیر کشور ، بخشی از پروژه

تبلیغی اینوک اولینگا Enoch Olinga

با حضور وزیر کشور یوگاندا برگزار گردید .

آقای وزیر در طی سخنان خود هم وطنانش را به اقبال به دیانت بهانی تشویق کرده افزود که سالهاست بهانیان را میشناسد و با ایشان در پروژه های مختلف همکاری نزدیک داشته است . در طول برنامه یکی از وکلای مجلس در مورد نقش جامعه بهانی سخنانی ایراد نموده از احباء درخواست نمود تا کتابی در مورد جناب اولینگا برشته تحریر در آورند . ایشان افزود جناب اولینگا نه تنها در دنیای بهانی فردی شناخته شده بود بلکه نسل آینده یوگاندا وقتی از شرح حال و زندگی و دست آوردهایشان مطلع شوند به وجود ایشان افتخار خواهند کرد .

ایرلند :

رئیس جمهور ایرلند در جشن پنجاهمین سال تأسیس محفل روحانی ملی آن کشور سخنانی ایراد نمود .

محفل روحانی ملی ایرلند پنجاهمین سالگرد تأسیس آن محفل روحانی را با شرکت ۲۵۰ نفر در سالن سنت پاتریک St. Patrick قصر دوبلین که یکی از مهمترین و مشهورترین سالن های شهر است جشن گرفت . در بین شرکت کنندگان بیشاب کلیسای کاتولیک و کلیسای ایرلند و نمایندگان دیگر ادیان بچشم می خوردند . میهمان افتخاری این مراسم رئیس جمهور ایرلند سرکار خانم مری مک الیس Merry Mc Aleese بودند که با سخنان خود که اغلب بدون متن قبلی ایراد شد جلسه را گشودند . تلویزیون ایرلند بیش از ۵ دقیقه از این برنامه را پخش کرد . بعلاوه مقالات متعددی در مورد این مراسم در روزنامه های ملی و محلی بچاپ رسید و مصاحبات رادیونی با احباء انجام گرفت .

استرالیا :

امام الرحمان در اولین کنفرانس مذاهب و ادیان شرکت نمودند . سه نفر از امام الرحمان در اولین کنفرانس نسوان در رشته مذاهب و ادیان که در دانشگاه کوینزلند Queensland برگزار گردید مقالات خود را ارانه نمودند . در این کنفرانس بیش از صد نفر از نسوان از ناحیه پاسیفیک شرکت داشتند که همگی یا از تحصیلات عالی برخوردار بودند و یا فعالیت چشمگیری در کلیسای خود داشتند . از جمله مقالاتی که ارانه گردید مقاله ای در مورد حیات جناب طاهره بود . زنی که در نهایت شهامت و جسارت

هنگامی که زنان حتی در غرب از آزادی چندانی برخوردار نبودند ، در ایران در راه عقیده و ایمان خود جان فدا کرد . در پایان کنفرانس شرکت کنندگان به بحث و گفتگو در مورد دیانت بهائی پرداختند و باین ترتیب موفقیت های بسیاری جهت تبلیغ امرالله مهیا گردید .

کانادا :

برنامه کلیسای یوئیتترین Unitarian به دوستی با آشنائی با بهائیان اختصاص داشت . کلیسای یوئیتترین غرب ونکوور در ایالت بریتیش کلمبیا بخشی از برنامه خود را که در مورد آشنائی بیشتر با ادیان سانره بود ، به دیانت بهائی اختصاص داد .

در طول صحبت خود کشیش هرولد روزن Reverend Harold Rosen به نحوه آشنائی خود با دیانت بهائی اشاره کرد که طی سالهای گذشته منجر به شرکت ایشان در فعالیت های مختلفه در زمینه ادیان جهان گردیده است . وی افزود که در یک جلسه از ایشان تقاضا شده است تا در مورد دیانت بهائی صحبت نمایند . در طول این برنامه آثاری از حضرت عبدالبهاء تلاوت گردید . در این جلسه در حدود ۱۰۰ نفر یوئیتترین و ۲۵ نفر از احباء شرکت داشتند . در قسمت سنوال و جواب ، سنوالات مختلفه در مورد دیانت بهائی مطرح گردید و در طول تنفس احباء موفقیت های فراوانی بدست آوردند . تا با افرادی که در مورد یوئیتترین و دیانت بهائی مشغول تحقیق بودند به صحبت و گفتگو پردازند .

پورتوریکو :

نتایج ابلاغ کلمه الله شکفت انگیز بود . بدنبال موفقیت چشم گیر غرفه کتاب که توسط احباء در سپتامبر گذشته برگزار گردید موزه ادیان کشور پورتوریکو از ایشان دعوت نمود تا در نمایشگاه کتاب که در یکی از بزرگترین و پرتعداد ترین مجموعه خرید شهر تشکیل میشد شرکت کنند . بنا به گزارش واصله این اولین بار است که نمایندگان یکی از ادیان برای برگزاری چنین نمایشگاهی دعوت شده اند ، از آن پس مرتبا از احباء برای برپاکردن غرفه های مختلفه دعوت بعمل آمده است . در طول این مدت بیش از یک هزار جزوه بین علاقمندان توزیع گردید .

آلمان :

پروژه تبلیغی نه ماهه گروه رقص و تئاتر کثرت: اولین اقدام این گروه و اقامت یک هفتگی ایشان در مونیخ توأم با موفقیتی چشم گیر بود . مدت ۲ هفته در مشرق الاذکار لنکن هاین Langenhain به دعا و مناجات، مشاوره و تمرین برنامه های آینده تئاتر و رقص پرداختند . این برنامه ها توسط خانم لورا لی Laura Lee که از کشور کانادا باین گروه پیوسته اند طرح ریزی شده است ، در طول پروژه تبلیغی خود گروه " کثرت " برای تبلیغ امرالله به ۱۲ کشور اروپایی سفر خواهند نمود . در مرحله بعدی به تعلیم جوانان جهت تبلیغ امرالله بوسیله هنرهای نمایشی خواهند پرداخت و در مرحله نهائی به سفر در شهرهای مختلف کشور آلمان خواهند پرداخت .

کلمبیا :

پروژه تبلیغی منجر به تبلیغ بیش از ۱۴۰۰

نفر گردید . در این پروژه عظیم تبلیغی که در ماههای جون و جولای گذشته در چهارده مرکز مختلف از ۳۲ مرکز آن کشور اجراء گردید ۴۱ جامعه بهانی و ۱۵۰ مبلغ امرالله شرکت نمودند . در بین احباء تعداد زیادی از جوانان بچشم میخوردند که شاگردان کلاسهای تبلیغی بودند و همگی با جدیت و پشتکار فراوان در این پروژه شرکت کرده باعث ابلاغ امرالله به عده کثیری شدند که از میان ایشان تعداد ۱۴۶۴ نفر به امرالله اقبال نمودند . از جمله فعالیتهای حین پروژه تشکیل کلاسهای تحقیقی و کلاسهای درس اخلاق بود .

فیجی :

ابلاغ کلمه الله در آکادمی پلیس ،

در برنامه ای که در آکادمی پلیس دس سووا Suva برگزار گردید بیش از ۳۰۰ نفر از افراد پلیس راجع به تاریخ امر ، تعالیم بهانی و نظم اداری مطلع گردیدند. این برنامه بخشی از برنامه بین ادیان بود که احباء فیجی برای اولین بار برای شرکت در آن دعوت شده بودند . جزوه ای که احباء در مورد اجرای قانون در جامعه تهیه کرده بودند بسیار مورد توجه قرار گرفت . این جزوه شامل مشکلات جامعه از جمله جنایات ، عدم وجود مساوات ، طریقه رفتار با افراد قانون شکن بود . در این جزوه از آثار امر نمونه هائی آورده شده بود که نشان میداد چگونه می توان در جامعه آینده بشر از وقوع چنین مسائلی جلوگیری نمود .

سوئد :

جوانان پیرانرژی به امر اعظم تبلیغ امرالله اقدام نمودند. سمینار " تمرکز قوا " که توسط بهانی کنسول

جوانان اروپا و با همکاری لجنه ملی جوانان در شهر استکهلم تشکیل شد باعث رونق بی شمار پیش پروژه تبلیغی جوانان گردید . در حدود ۱۵۰ جوانان ----- مختلف،تبلیغ ، طریقه تشکیل تحرّی حقیقت ، طریقه روبرونی با ارباب جراند و خبرنگاران و راه استفاده از موسیقی در امر تبلیغ را آموختند . بعد از پایان سمینار در حدود ۲۰ نفر از جوانان شرکت کننده در شهر استکهلم ماندند تا در پروژه تبلیغی طرح ریزی شده شرکت نمایند . در طول پروژه که بسیار موفقیت آمیز بود در حدود ۱۰,۰۰۰ جزوه تبلیغی توزیع گردید و علاقمندان به جلسات تحرّی حقیقت که هر شب تشکیل میشد دعوت شدند . در طول پروژه گروه رقص جوانان در نقاط مختلف و میادین شهر برنامه اجراء میکردند . یک هفته بعد یکی از مهمترین روزنامه های کشور مقالدهای یک صفحه ای در مورد این گروه رقص چاپ نمود .

انگلستان :

بزرگداشت صده تاسیس دیانت بهانی در

ایرلند .

بیش از ۲۰۰ نفر از احباء از ایرلند شمالی و جنوبی در روز ۲۱ جون در بلفاست گرد هم جمع آمدند تا صدمین سال تاسیس دیانت بهانی در ایرلند را جشن بگیرند . برنامه با دعا و مناجات آغاز گردید و سپس نام مؤمنین اولیه این امر اعظم در ایرلند قرائت شد . و سپس تاریخچه امر در ایرلند شمالی بازگو گردید . با توجه به تاریخچه امر احباء در مورد روشهای جدید تبلیغ در ایرلند به بحث و گفتگو نشستند . روی هم رفته روزی بسیار خاطر انگیز و جلسه ای

بسیار روحانی بود که باعث شد بسیاری از یاران بفکر یافتن راههای جدید تبلیغ در آن کشور بیفتند .
ابلاغ کلمه الله از طریق رسانه های گروهی :

تلویزیون BBC در طول برنامه خود بنام چهره ای از میان جمعیت " با خانم علیا روحی زادگان" مصاحبه نمود . در طول این برنامه کدبمدت ۲۵ دقیقه بطول انجامید خانم روحی زادگان با فصاحت تمام از خاطرات تکان دهنده خود و شهادت زنان جوان در شیراز صحبت کردند در طول برنامه بخشی از یک جلسه تبلیغی پخش گردید و ذکری از شهید مجید جناب روح الله روحانی که در ماه جولای گذشته در مشهد به شهادت رسیدند نیز بمیان آمد .

در نسخه ۱۹ جولای یک روزنامه انگلیسی مقاله هادی در مورد مرکز جهانی دیانت بهائی چاپ گردید .

در این مقاله سه صفحه ای که در مورد کشور اسرائیل بچاپ رسید عکسی از مقام حضرت اعلی چاپ گردید در این مقاله سه صفحه ای که در مورد کشور اسرائیل بچاپ رسید عکسی از مقام اعلی چاپ شده و درمورد پروژه قوس کرمل توضیحاتی داده شده است . این روزنامه نوشت " شهر حيفا به تنهائی دلیلی قاطع برای بازدید از این کشور است . ساختمانهای عظیم مرکز جهانی دیانت بهائی و باغات آن که در دامنه ساختمانها قرار دارند یکی از زیباترین باغات جهان می باشند . "

تایلند :

مدرسه Santitham Vidhayakhom باعث

افتخار جامعه بهائی تایلند گردید . این مدرسه برای ربودن جایزه سلطنتی بهترین مدارس ناحیه ۱۰ کشور

مقام دوم را احراز نمود . در این مسابقه مدرسه فوق با بیش از دو هزار مدارس مشابه در هشت ایالت کشور مقایسه گردید و در تمام ایالات شمالی کشور تایلند مقام دوم را بدست آورد . یکی از مقامات آموزش و پرورش تایلند گفت " بنظر من مدرسه Santitham شاگردان را با دیدی جهانی برای زندگی در جامعه آموزش و پرورش میدهد . "

مالزی :

حرکت جمعی برای پیوستن به مؤمنین حضرت بهاء الله .

محفل روحانی ملی مالزی در پیامی خطاب به احباء این کشور چنین مرقوم داشتند : " آرزوی قلبی همه مؤمنین جمال قدم آنست که بتواند بطریقی قلوب سایرین را به حضرت بهاء الله نزدیک نماید . " جهت بانجام رساندن این آرزو آن محفل روحانی ملی میزبان کنفرانسی بود که در طی آن با تشکیل پنل های مختلف ، موسیقی و با مدد گرفتن از هنر تاثیر سعی شد هریک از احباء به ظرفیت روحانی خود در تبلیغ امرالله آگاه شوند . در این کنفرانس یک هزار و سیصد و بیست و دو نفر از احباء شرکت نمودند . در طول کنفرانس برای کودکان و نوجوانان نیز برنامه ای در نظر گرفته شده بود که بیش از ۱۵۰ نفر در آن شرکت کردند .

سوئیس :

نمایندگان جامعه بهائی دو بار در برنامه های

تلویزیونی شرکت کردند .

اخیرا برنامه تلویزیونی در مورد دیانت بهائی در کشور سوئیس پخش شد . برنامه " زمان حاضر " که

در قسمت فرانسه زبان این کشور پخش میشود مصاحبه ای بیست دقیقه ای با یکی از اقباء بعمل آورد که در مورد دیانت بهائی اطلاعاتی در اختیار شنوندگان می گذاشت . برنامه دوم در قسمت آلمانی زبان کشور بود که در مورد ضیافت نوزده روزه صحبت میشد و طی آن با چند نفر از اقباء مصاحبه گردید .

استرالیا :

هدف این پروژه تبلیغی افزایش تعداد شرکت کنندگان در کلاسهای بهائی به ۵۰۰۰ نفر می باشد . لجنه ملی تعلیم و تربیت کودکان با طرح یک پروژه تبلیغی قصد دارد تعداد شرکت کنندگان در کلاسهای بهائی را از ۱۲۰۰ نفر در هفته به ۵۰۰۰ نفر افزایش دهد . این طرح تبلیغی پیش در آمدی بسیار بجا و مناسب جهت آمادگی برای اقبال جمعی به دیانت بهائی خواهد بود . اولین قدم در این راه آموزش مربیان جهت تدریس تعلیم بهائی در مدارس می باشد که در ماه ژانویه آینده برگزار خواهد گردید . در حال حاضر موفق ترین برنامه تدریس در مدارس ایالت نیو ویلز جنوبی برگزار شده است . New South Wale بسیاری از والدین غیر بهائی خواستار تشکیل این کلاسها در مدارس شده اند . مدیران مدارس به حمایت از تشکیل کلاسها پرداخته اند . در حال حاضر بیش از ششصد شاگرد در این شهر سیدنی Sydney در ۲۲ مدرسه در سال جاری مشغول تحصیل این برنامه هستند . بسیاری از والدین در کشور استرالیا بسیار نگران تربیت روحانی کودکان و نوجوانان خود میباشند ایشان که جواب خواسته های خود را در کلیسا بدست نمی آورند به دیانت بهائی

روی آورده اند تا پایه ای محکم واستوار برای تربیت روحانی کودکان خود بیابند .

غنا :

برنامه گروه موزیک باعث اقبال ۲۶ نفر به امر اعظم حضرت بهاء الله گردید . اخیرا گروه موسیقی " نور وحدت " که در سراسر کشور غنا به اسفار تبلیغی و نشر نفعات الله پرداخته اند به منطقه بریکوم Berekum سفر نمودند . طبق اخبار واصله علیرغم مخالفت شدید بومیان ناحیه اعضاء این گروه با صبر و شکیبائی قابل تحسین موفق شدند پیام حضرت بهاء الله را به گوش سکنه این منطقه برسانند . در نتیجه این پروژه تبلیغی گروه موسیقی " ندای وحدت " بسیاری از سکنه این ناحیه قلبا به تعلیم دیانت بهائی معتقد گردیدند و از میان ایشان ۲۶ نفر ایمان خود را به حضرتش ابراز نمودند .

کانادا :

دانش آموزان مدرسه بهائی مکسول با پرنس چارلز و پرنس ویلیام و پرنس هری ملاقات نمودند . در ماه مارچ گذشته پرنس چارلز و دو فرزندشان جهت شرکت در مراسم گشایش بخشی از اسکله به ایالت بریتیش کلمینا سفر نموده بودند . در این مراسم سیصد میهمان دعوت شده بودند که در میان ایشان ۲۵ نفر از شاگردان و کارمندان مدرسه بهائی مکسول بچشم میخوردند . علت این دعوت فعالیت چشم گیر ایشان در طول هفت سال گذشته در راه حفظ محیط زیست و پاکسازی آن بود .

اخبار مَصَوِّر



هشتمین کانونشن بین المللی در تاریخ ۲۹ آوریل الی دوم می ۱۹۹۸ در سالن Convention Centre شهر حیفا با حضور ۹۸۵ نفر نمایندگان ۱۶۱ محفل روحانی ملی و ۷۶ نفر از اعضاء هیئت مشاورین قاره ای تشکیل گردید .

در آخرین روز تشکیل جلسه ای که از روز سوم الی نهم ماه می گذشته در حیفا برگزار گردید در عکس فوق حضرات ایادیان امرالله امة البهاء، روحیه خانم (نفر نشسته در وسط) جناب علی اکبر فروتن (نشسته سمت چپ) و جناب دکتر علی ورقا (نشسته سمت راست) همراه با اعضاء بیت العدل اعظم الهی ، اعضاء دارالتبلیغ بین المللی و اعضاء هیئت مشاورین قاره ای دیده میشوند ، این عکس روی پله های ورودی مقر بیت العدل اعظم الهی برداشته شده است .



از جمله برنامه های پیش بینی شده برای شرکت کنندگان در کانونشن بین المللی زیارت اعتبار مقدسه در حیفا و عکا و همچنین بازدید از تراسهای فوقانی مقام حضرت اعلی بود .

آلمان ، آقای دکتر روبن هرزوک Dr. Roman Herzog (نفر اول از سمت چپ رئیس جمهور کشور فدرال آلمان طی ملاقات بسیار دوستانه ای که بمدت ۴۵ دقیقه بطول انجامید با نمایندگان محفل روحانی ملی آن کشور ملاقات نمودند . در طول این ملاقات در باره مطالب مختلفه گفتگو شد .



پاکستان ، رئیس جمهور پاکستان آقای رفیق ترار Rafique Tarar (نفر اول از سمت راست) جهت قدردانی از خدمات شهری بهائیان راولپندی تقدیر نامه ای به نماینده محفل روحانی محلی آن شهر اهداء نمودند . این مراسم روز ۱۷ جون در طول سميناری که از طرف Red Crescent Society برگزار گردید انجام گرفت .

سنت هلنا St. Helena واقع در اتلانتیک جنوبی ، حظيرة القدس این شهر که توسط جوانان ناحیه بنا گردیده طی مراسمی با شرکت در حدود ۶۰ نفر کشایش یافت . در میان مدعوین اعضا، محترم هیئت مشاورین قاره ای و محفل روحانی دیده میشوند .





پروژه قوس کرمل ، روز ۲۲ جولای گذشته سفیر ایالات
متحده آمریکا در کشور اسرائیل (نفر سوم از سمت راست،
به همراهی شهردار شهر حیفا نفر اول از سمت راست)، از
تراسهای تحتانی مقام اعلی دیدن نمودند .

ایالات متحده آمریکا ، در عکس فوق دو نفر از احباء،
ایالت کانزاس که به لباس مردم صد سال پیش بودند در
کارناوالی که به مناسبت بزرگداشت صدمین سال ورود
دیانت بهانی به آن ایالت برپا شده بود شرکت کردند .
این مراسم در روز ۱۹ جولای گذشته در شهر کوچک
اینترپرایز Enter Prise که اولین بهانی آن ایالت در آن
زندگی میکرد برگزار گردید .



پروژه قوس کرمل ، همانطور که در عکس فوق که در ۲۴
اگست گذشته گرفته شده است دیده میشود عملیات
ساختمانی در تراس شماره ۱۱ بالای مقام حضرت اعلی
کماکان در حال انجام است . این تراس بر روی بام مرکز
اطلاعات و دفتر نگهبانی بنا گردیده است .

در سمیناری که از طرف دفتر بهانی پیشرفت نسوان در ماه مارچ گذشته برگزار گردید در حدود چهل نفر شرکت کردند . در میان سخنرانان کنفرانس که بنام " نسوان و صلح " نامیده شده بود از راست به چپ خانم ایرین خان Irene Khan رئیس دفتر پناهندگی سازمان ملل متحد ، پروفیسور موگیادی Moegiadi سرپرست و نماینده سازمان یونسکو و دکتر موهینی گیری Mohini Giri-رئیس سازمان ملی زنان بچشم می خوردند .



پروژه قوس کرمل ، یکی که از داخل ساختمان دارالتحقیق گرفته شده است ، حیات بیرونی را نشان می دهد که نور طبیعی بداخل ساختمان هدایت میکند ، این عکس در ۱۲ مارچ گذشته برداشته شده است

کشور آلبانی ، گروه جوان نوازندگان ---- در مراسم گشایش حظيرة القدس شهر تیرانا Tirana در مقابل ۱۵۰ نفر از مدعوین برنامه جالبی اجرا نمودند .





کشور کانادا : در عکس فوق گروه رقص جوانان در مدرسه بهائی واقع در شهر لندن ایالت انتاریو در حال اجرای برنامه ای در مذمت مواد مخدر دیده میشوند . این رقص بخشی از مراسم مخصوص رفع تعصبات نژادی

احیای ایرلند پنجمین سالگرد تأسیس محفل روحانی محلی دوبلین را جشن گرفتند . در این مراسم که در کاخ دوبلین برگزار گردید رئیس جمهور آن کشور نیز شرکت داشتند . در عکس فوق از چپ براس است آقای بردن مک نامارا Brendan McNamara ناظم محفل روحانی ملی ایرلند ، خانم مری مک الیس Mary McAleese رئیس جمهور آن کشور ، آقای پاتریک اومارا Patrick O'Mara عضو هیئت مشاورین ، پرفسور سهیل بشرویه ای از دانشگاه مریلند ، خانم مری بشرویه ای و خانم آلیو مکینلی Olive McKinley نماینده محفل روحانی محلی دوبلین دیده میشوند .



پروژه قوس کرمیل : با ریختن خاک مناسب در باغچه های اطراف ساختمان دارالتحقیق و تراسهای اطراف ، این بخش ها جهت کلکاری آماده میشود . عکس فوق در ۱۵ جولای گذشته گرفته شده است .

برزیل : در دومین جلسه یومیان آفریقا که در حظیره القدس شهر سالوادر در ایالت باهیا Salvador, Bahai تشکیل شد در حدود هفتاد نفر از احباء شرکت کردند . عکس فوق چند نفر از شرکت کنندگان را ضمن اجراء برنامه نشان میدهد .



کامرون ، عکس فوق سه نفر از احباء شرکت کننده ، در کاروان " روز کارگر " را نشان میدهد . پوستری که این دوستان با خود حمل می کنند در مورد دو برنامه ۱۵ دقیقه ای رادیونی است که بنامهای " پدران ، مادران و فرزندان " و " زندگی ما " نامگذاری شده . در هر دو برنامه از روش تبلیغ مستقیم استفاده میشود .

پروژه قوس کرمل ، عکس فوق که در ۱۰ سپتامبر گذشته گرفته شده است منظره ای از ساختمان دارالتحقیق را که در شمال شرقی مقر بیت العدل اعظم الهی واقع است نشان میدهد .





کستاریکا ، در حدود دویست نفر از اجباء منطقه تالامانکا
Talamanca در مراسم کشایش مرکز بهانی باجو کوهن Bajo
Cohen شرکت کردند .



در کنفرانس جوانان که در یوکاندا تشکیل شد در حدود ۱۵۰
جوان شرکت کردند . در عکس فوق جوانان را در حال اجرای
برنامه هنری مشاهده می نمایند .



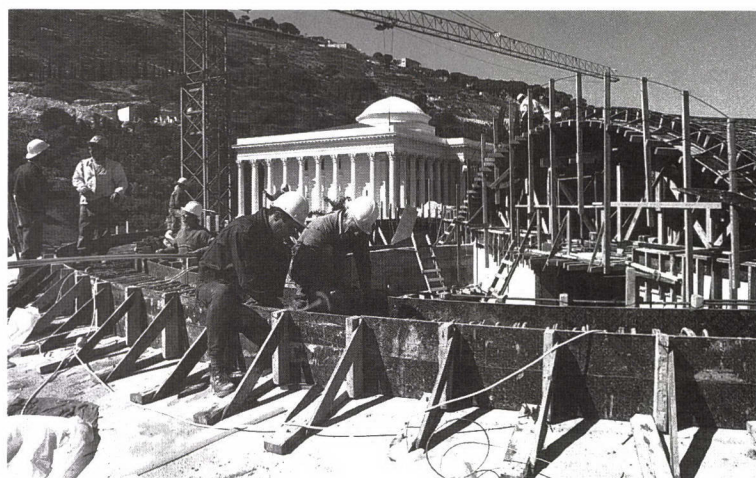
پروژه قوس کرمل ، عکس فوق که در ۱۹ می گذشته
برداشته شده نمایش آخرین مراحل خاک ریزی و آماده
ساختن حیات جلوی دارالتحقیق می باشد .

مالزیای طی یک مراسم بسیار روحانی عضو محترم هیئت مشاورین قاره ای روزالی ترن Rosalie Tran یک نسخه از ترجمه کتاب مستطاب اقدس به زبان تانیل Taunil را که از طرف بیت العدل اعظم الهی توسط مترجم کتاب مستطاب S. Nayaratuams بایشان تقدیم شد دریافت کردند . عکس فوق در ماه گذشته در طول کانونشن بین المللی هنگام تقدیم کتاب گرفته شده .



پروژه قوس کرمل منظره ای از تراسهای فوقانی مقام اعلی از پل خیابان هات دینوت ، در این عکس که از تاریخ ۵ مارچ برداشته شده کارگران مشغول آماده ساختن مقدمات ریختن سیمان بر روی پل دیده میشوند .

پروژه قوس کرمل ، در ضلع شمال شرقی مقر بیت العدل اعظم الهی ، عملیات ساختمانی بر روی آخرین طبقه ساختمان دارالتبلیغ در جریان است .



نامه‌های ازدوستان

۱ - سرکار خانم عزیزه قدیریان در نامه مورخه ۷ ماه می ۱۹۹۸ در مورد عکس لجنه جوانان بهانی طهران در عندلیب شماره ۶۵ داخل پشت جلد مجله چاپ شده است نوشته اند که اسامی سه نفر اشتباه نوشته شده و تصحیح نموده عین نامه ایشان ضمن تشکر ذیلاً اندرج می یابد .

الله ابهی

سروران بسیارگرامی و ارجمند اعضاء هیئت تحریریه مجله مجله عندلیب روحفداکم توقیراً بنظر آن هیئت نورانی میرساند اخیراً که مجله محبوب نغز و نیکوی عندلیب بدستم رسید و از مطالعه آن کما فی السابق لذت وافر بردم مشاهده نمودم که عکسی از اعضاء لجنه جوانان بهانی طهران سال ۲۷ - ۱۳۳۶ چاپ گردیده است از زیارتش مشام جان معطر و معنبر گردید ، یاد جان باخته گان مهد امرالله درخاطر زنده گردید .

ای وقت تو خوش که وقت ما کردی خوش در ذیل عکس اسامی عزیزان نوشته شده بود که بعضی ها بنظر این کمیته اشتباه بود در صورت لزوم امر به اصلاح فرمائید .

۱ - نفر سوم ایستاده از چپ به راست جناب پرفسور سهراب داروگر می باشند نه فریدون داروگر .

۲ - نفر چهارم ایستاده از چپ براست جناب سرهنگ قاسم یاری می باشند نه عباسعلی یاری .

۳ - نفر پنجم ایستاده از چپ به راست جناب بهمن

صادق زاده می باشند که سالهای متمادی است که مهاجر نیجریه و ساحل عاج هستند حی و حاضر و موجود و پاینده . برادر شهید مجید دکتر کامبیز صادق زاده می باشند . مراتب محض اطلاع عرض شد . با آرزوی سلامتی و موفقیت روزافزون آن بهترین عزیزان و خادمین آستان ، جانتان خوش باد .
باتقدیم اشواق قلبی ، عزیزه قدیریان

۲ - شرح مختصری از متصاعده الی الله سرکار خانم سرافراز جیوه (بقلم دختر بزرگ ایشان خانم پروین بینش گشتاسبی)

از پدر بزرگوار و مؤمنی به اسم سروش ومادرمهربان و صبوری به اسم مروارید در شهر یزد در سال ۱۳۹۹ شمسی دیده به جهان گشود و به اتفاق چهار برادر کوچکتر از خود در چهارچوب خانواده پر شور و حال پدری بزرگ شد . در دوران جوانی در دامان پر مهر و محبت مادرش مروارید درس بزرگواری و وفاداری را آموخت و درس اخلاق و تربیت را در مکتب زن عمویش که به استاد شیرین معروف بود توشه زندگانش کرد . در سن ۲۴ سالگی با جوان زردشتی بنام هرمزدیار آشنا و ازدواج نمود . از آنجا که روش داد و دهش را از پدر بزرگوارش آموخته بود در تمام طول زندگانی آنرا در حق یار و اغیار مجری داشت . در اواخر تابستان ۱۹۸۱ میلادی او را با مادر پیر ۸۰ ساله اش به جرم بهانی بودن به زندان انقلاب اسلامی بردند و کلیه اموال منقول و غیر منقول ایشان به یغما رفت . در مدت ۶ ماه اقامتشان در زندان دستگاه حکومت انقلاب اسلامی یزد سعی کردند که آنان تبری

نموده آزاد شوند ولی در تمام این دوران نیروی ایمان و محبت جمال قدم چنان توان استقامت و مقاومت به آنها بخشید که توانستند ازعهده امتحانات شدید الهی بر آمده و با قوه ایمان وایقان و محبت بر استناد به آیات مبارکه قرآن کریم در رد اتهامات موهومه قضاة شرع آرامشی بوجود آورند و سرانجام از زندان رها شدند و به فاصله کوتاهی مادر عزیز ایشان مروارید به ملکوت ابهی صعود نمودند .



سرکار سرافراز خانم بعد از آن واقعه و دربدریهای فراوان باتفاق همسرشان هرمز و پسرشان اسفندیار و خانواده به پاکستان و اطیش و سپس به آمریکا رفتند و در شهر هنفورد Hanford در کالیفرنیا مفتخر به تشکیل محفل مقدس روحانی گردیدند و کماکان به خدمات پیشینیه خود زبانی و عملی ادامه دادند تا اینکه اراده الهی غالب و دفتر زندگانی ایشان بروز ۲۷ اسفند ۷۶ در سن ۷۷ سالگی به پایان رسید و تنها

پسر اسفندیار و عروشان هما و سه دختر پروین و روح انگیز و فرنگیس و سه داماد بهروز و فریدون و مسعود و ۷ نوه ها و بالاتر از همه همسر عزیز وفادار آن جوهر استقامت و ایمان هرمز را در این جهان ترابی به دست تقدیر الهی سپرد و خود از قفس امکان به مکان لامکان شتافت .

۲ - آقای هوشنگ روحانی (سرکش) در نامه ای در جواب نقدی که آقای رستم اهورانیان بر شعر طایر قدسی نوشته و در شماره ۶۵ مجله عنذلیب نشر گردیده چنین نوشته اند

مجله گرامی عنذلیب

با تقدیم تحیات بهانی باستحضار میرساند با توجه به توضیحی که در شماره ۶۵ آن نشریه شریفه در مقدمه " نقدی بر کتاب شعر طایر قدسی که در پرواز همتانی نداشت " درج فرموده بودند لازم دیدم چند کلمه ای خدمتان بنویسم تا چنانچه مصلحت بود و مورد تصویب قرار گرفت در آن مجله درج فرمائید .

مقدمتا باید باستحضار برسانم که اظهار نظر در مورد متن تجلیل نقد گونه ای که از دفتر اشعار ناقابل حقیر بعمل آمده است بر این عبد نیست چرا که بهر صورتی که باشد مقرون بصلاح نبوده و بصورتی دیگر تعبیر خواهد شد . اما از محتوای مطالب مندرج در آن نقد و با توجه بدو مقدمه ای که توضیحاتش آمده است و نیز امعان نظر به شیوه نگارش نویسنده نقد میتوان نتیجه گرفت که جناب رستم اهورانیان در زمینه شعر و ادب مطالعات دامنه داری دارند و بسیار جای تعجب است که این عبد که سالهاست ایشان را از نزدیک می

شناسم تا قبل از مطالعه نقد مورد نظر بجز يك يا دو شعر پراکنده اثر دیگری از ایشان ندیده بودم . انشاء الله که در آینده مقالات و آثار تحقیقی بیشتری از ایشان در نشریات امری بینم .

بهر تقدیر جای خوشوقتی زیاد است که مسئله نقد و نقادی که تاکنون در جامعه بهائی بهر دلیل مسکوت مانده و کمبودش بشدت احساس می شد بهمت ایشان و شاید برای اولین بار مطرح میشود و با تأییدات حق از این ببعد ادیبان و ناقدان و همه کسانی که شرایط چنین کاری را دارند بدین مهم عطف توجه نموده و در زمینه نقد که کار بسیار ظریف ، حساس و هنرمندانه است و به قابلیت و استعداد خاصی نیاز دارد قلم های خود را بحرکت در خواهند آورد تا نظرات و اندیشه های متفاوت و در عین حال صائب و سودمندشان هم راهنما و هم مشوق کسانی باشد که دست اندر کار فعالیت های ادبی و هنری اند .

این فتح باب مژده ایست به تمام کسانی که تشنه نقد آثار در نشریات امری بوده و هستند .

در خاتمه باید به کارکنان و دست اندر کاران مجله عندلیب نیز صمیمانه تبریک گفت که در این فتح باب پیشگام و پیشرو بوده اند . موفقیت آن یاران را در خدمت باستان مقدسش آرزو دارم .

۴ - خانم سوسن مهاجر (سبحانی) صبیّه متساعد الی الله جناب نعیم سبحانی علیه رضوان الله شرحی بعندلیب نوشته و چند قطعه از اشعار پدر بزرگوار خود را ارسال داشته اند ضمناً متذکر شده اند که دیوان اشعار معرّی له در شرف چاپ است چند بیت ۱ ز ابیات

ذیلا نقل می گردد :

در باره مولود حضرت بهاء الله

آنکه بود از دیدگان پیدا هویدا شد کنون

ذات لایدرک بجسم عنصری شد رهنمون

از سماء عزّت و جاه و جلال و اقتدار

خواست چندی مستقر گردد در این دنیای دون

در باره عید رضوان :

ز یمن عید رضوان عالم فرتوت برنا شد

جهان مظلّم و تاریک روشن از فروغ شمس ابهی شد

بمفتاح قضا امروز بگشودند رضوان را

که با حکم قدر خورشید از مغرب هویدا شد

در باره بهار :

شد بهار ابر بهاری باز کوهر بار شد

یوسف نوروزی از چه بر سر بازار شد

از تمام احبای عزیزی که با هیئت تحریریه عندلیب

مکاتبه فرموده اند نهایت سپاس را داریم اگر

بجهاتی بعضی از نامه ها بلاجواب مانده دوستان به

بزرگواری خود ما را معذور دارند .

با تقدیم تحیات بهائی هیئت تحریریه عندلیب





جلسه تشیع میں راسم کبکدر، صفیان



اعضاء محفل روحانی کرمان سال ۱۳۱۲

- ۱ - ارباب دینیار غیبی ۲ - ارباب خداداد ایرانپور ۳ - ارباب دینیار ہمتی ۴ - ارباب شہریار آریانا
- ۵ - ارباب اردشیر فروہر ۶ - دکتر صادق حکیمان ۷ - حسین خدادوست ۸ - غلامرضا رفسنجانی
- ۹ - ارباب کیخسرو رستگاری (جمیع از نفوس مبارکہ صعود نمودہ و در عالم باقی سیرعالم روحانی مینمایند)

‘ANDALÍB



اعضاء لجنة مجله مشرق الاذكار سنة ١٣٢٧
از راست بچپ ايستاده آقايمان الله مدير مسيحيانى ، سليمان وحدتيان ، نورالله يوسفيان ، يعقوب نصرت ، حسين
صالح مقدم . نشسته : مهوش عماد اشرف ، عبدالميثاق ميثاقيه ، ... ، عباس منشادى ، محمد على ريحاني .

اين عكس را آقاى ابراهيم خليلي از قبرس در زمان حيات براى عندليب فرستاده اند كه نشانه اى از محبت و علاقه او به
مجله عندليب است .